



مرکز مدیریت حوزه علمیه اسفهان

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

رساله علمی سطح ۳ رشته تبلیغ

«الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با

کودکان»

استاد راهنما: سیدرسول موسوی

استاد مشاور: عبدالرسول احمدیان

محقق: سجّاد قاسمی دهنوی

بهار ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ

## چکیده

الگوهای متعددی برای ارتباط انسانی مطرح شده است، در این میان بر اساس حکم دین اسلام<sup>۱</sup> و حکم عقل به پیروی از بهترین و برترین الگو، این نوشتار به دنبال کشف و تبیین الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان برای ارائه به جامعه‌ی انسانی مرتبط با کودک است، که با استفاده از «اسناد نوشتاری و نرم‌افزارهای علمی» در حوزه‌ی «نقلی و حیانی»، «گزارشات تاریخی درباره ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودک» و «کتب مبانی ارتباطات در زمینه الگوهای ارتباطی» به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه پرداخته و سپس به روش «توصیفی و تحلیلی» داده‌پردازی می‌کند، الگوگیری از پیامبر اسلام (ص) با کودکان یعنی انسان امروزی در ارتباطش با کودکان با توجه به فرمایشات و سفارشات ایشان درباره کودکان، از رفتار ایشان با کودکان، همانند سازی کند، یعنی در برقراری ارتباطش با کودک همانند پیامبر اسلام (ص) باشد. برای دستیابی به «الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان» ناگزیر ابتدا مفاهیم و اصطلاحات مبانی ارتباطی تبیین گردید (که در فصل دوم آمده)، در این میان مدل ارتباطی نقش محوری دارد، که صاحب نظران به دنبال تبیین اجزاء فرایند ارتباط و ترتیب مراحل آن از ابتدا تا انتها هستند، که بعضی (مدل‌های ارتباطی اولیه) ارتباط را به صورت کلی در نظر داشته، اجزاء آن را همانند ققالب کلی (صورت بدون ماده) در نظر گرفته و متعرض محتوای آن نشده‌اند، تعداد اندکی (مدل‌های ارتباطی اخیر) به نوع و سطح تفاوت محتوا برای قالب‌ها (اجزاء مدل ارتباطی) نیز پرداخته‌اند. از مؤلفه‌هایی که به عنوان اجزاء، استفاده و تبیین شده در مدل‌های دسته اول (که اجزاء ارتباط را همانند قالب تبیین کرده‌اند): ۱. فرستنده، ۲. گیرنده، ۳. پیام، ۴. کانال، ۵. ابزارهای ارتباطی (سخت افزاری)؛ مدل‌های دیگر (دسته دوم: که علاوه بر قالب به محتوای اجزاء نیز توجه داشته‌اند) اولاً همین عناوین را با عباراتی متفاوت و گویاتر بیان کرده‌اند، مثلاً ۱. پیام فرست، گوینده، ۲. مخاطب، پیام گیر، دریافت کننده پیام، مقصدپیام، ثانیاً مؤلفه‌های دیگری نیز اضافه کرده‌اند: ۱. منبع پیام، منبع معنی، منبع اطلاعاتی، رمزها، ریشه‌های پیام، که برای تبیین محتوا به مصادیقی به این عناوین اشاره کرده‌اند: رویدادها، سطح دانش، (منبع) محتوای پیام، باورها، عقاید، ایده‌ها، مهارت‌های ارتباطی، ابزارهای ارتباطی (نرم افزاری)، مهارت‌های عمومی، نگرشها، دانش‌ها، مهارت‌ها و ...؛ ۲. رمزگذاری (ایجاد کردن پیام، قرار دادن یک رمز برای یک معنی)؛ ۳. رمزگشا، رمزخوانی، بازگردانی رمز، بازخوانی رمز، پیام گشایی، تفسیر پیام، تأثیر مقصود، حوزه تجربی گیرنده پیام؛ ۴. وسیله، کانال ترکیبی، وسیله نقلیه پیام؛ ۵. ظرفیت پیام، حجم پیام، ۶. چگونگی ساختار شبکه پیام، ساز و کار و شکل سیستم‌های ارتباطی، زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی و ... که بر ارتباط مؤثر است؛ ۷. بازخورد، (محور تنظیم پیام

<sup>۱</sup> احزاب، ۲۱.

در نظر پیام فرست، پس فرست، بازتاب پیام، عکس‌العمل گیرنده پیام)، ۸. اختلالات (پارازیت، دروازه‌بانان خبر، اثر گذاران بر پیام) بعد از تولید پیام توسط فرستنده قبل از رسیدن به مخاطب اصلی).

این مؤلفه‌ها (مطابق با تعاریفشان)، در فصل چهارم مطابق با روایات و گزارشات سیره پیامبر اسلام (ص) با کودکان (در فصل سوم) دنبال شده است، و مصادیق اکثر این مؤلفه‌ها (آیتم‌های بیان شده) در جدولی ذیل همان روایت تطبیق شده است؛ و سرانجام جزئیات الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان تبیین شده و ویژگی‌هایی که پیامبر اسلام (ص) در نقش آفرینی هر جزء از مدل ارتباطی داشته، بیان گردیده است که هر ویژگی ذیل هر یک از همین عناوین (مؤلفه‌های بیان شده) در جدولی آمده است.

## کلیدواژه:

پیامبر اسلام، ارتباط، الگوی ارتباطی، کودک، روایت، فرستنده، گیرنده، پیام.

## فهرست

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۳  | چکیده                    |
| ۴  | کلیدواژه:                |
| ۸  | درآمد                    |
| ۱۰ | فصل اول: کلیات و مفاهیم  |
| ۱۰ | ۱. گفتار اول: کلیات      |
| ۱۰ | ۱.۱. بیان مسأله          |
| ۱۱ | ۱.۲. سؤالات تحقیق:       |
| ۱۱ | ۱.۳. ضرورت تحقیق:        |
| ۱۲ | ۱.۴. فرضیه تحقیق         |
| ۱۲ | ۱.۵. اهداف و فوائد تحقیق |
| ۱۳ | ۱.۶. پیشینه تحقیق        |
| ۱۴ | ۱.۷. کاربرد نتایج تحقیق: |
| ۱۴ | ۱.۸. روش تحقیق           |
| ۱۴ | ۱.۹. شیوه و مراحل تحقیق  |

|    |                          |   |    |
|----|--------------------------|---|----|
| ۱۵ | ..... ساختار تحقیق       | ۱۰ . ۱  | ۱  |
| ۱۵ | ..... محدودیت‌های تحقیق: | ۱۱ . ۱  | ۱  |
| ۱۶ | .....                    | ۲ . ۱ گفتار دوّم: مفاهیم  | ۱  |
| ۱۶ | .....                    | ۱ . ۲ . ۱ سیره:   | ۱  |
| ۱۷ | .....                    | ۲ . ۲ . ۲ کودک:   | ۱  |
| ۱۸ | .....                    | ۳ . ۲ . ۳ ارتباط:   | ۱  |
| ۱۹ | .....                    | ۴ . ۲ . ۴ ارتباط انسانی:  | ۱  |
| ۲۰ | .....                    | ۵ . ۲ . ۵ الگو:   | ۱  |
| ۲۱ | .....                    | ۶ . ۲ . ۶ الگوی ارتباطی:  | ۱  |
| ۲۲ | .....                    | ۷ . ۲ . ۷ ابزارهای ارتباطی  | ۱  |
| ۲۴ | .....                    | فصل دوّم: الگوی ارتباطی و مشهورترین ابزارهای آن:                    | ۲  |
| ۲۴ | .....                    | ۱ . ۲ . ۱ گفتار اوّل: مبانی الگوی ارتباطی                           | ۲  |
| ۲۴ | .....                    | ۲ . ۱ . ۱ چند مدل مشهور ارتباطی (فرد با فرد)                        | ۲  |
| ۵۰ | .....                    | ۲ . ۱ . ۲ ماهیت ارتباط:   | ۲  |
| ۵۵ | .....                    | ۲ . ۲ . ۲ گفتار دوّم: ابزارهای ارتباطی؛                             | ۲  |
| ۵۵ | .....                    | ۱ . ۲ . ۲ مهارت‌های ارتباطی :                                       | ۲  |
| ۵۵ | .....                    | ۲ . ۲ . ۲ ابعاد مهارت‌های ارتباطی:                                  | ۲  |
| ۵۶ | .....                    | ۳ . ۲ . ۲ سیر تحول ابزارهای ارتباطی:                                | ۲  |
|    |                          | جمع بندی:   | ۵۷ |
| ۵۹ | .....                    | فصل سوم: سیره پیامبر اسلام با کودکان و سفارشات ایشان درباره کودکان: | ۳  |
|    |                          | ۰ . ۳ . ۰ مقدمه:  | ۵۹ |
| ۶۰ | .....                    | ۱ . ۰ . ۳ فرهنگ اعراب جاهلی پیش از اسلام                            | ۳  |
| ۶۱ | .....                    | ۲ . ۰ . ۳ واکنش پیامبر اسلام ص درباره فرهنگ جاهلیِ طرد کودکان       | ۳  |
| ۶۳ | .....                    | ۱ . ۳ . ۱ گفتار اوّل: ارتباط مستقیم پیامبر اسلام (ص) با کودکان؛     | ۳  |
| ۶۳ | .....                    | ۱ . ۱ . ۳ دوران کودکی پیامبر اسلام (ص):                             | ۳  |

۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان..... ۶۷
۳. ۱. ۳. نامگذاری نیکو:..... ۷۰
۳. ۱. ۴. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد..... ۷۲
۳. ۱. ۵. کام برداشتن..... ۷۳
۳. ۱. ۶. عقیقه..... ۷۳
۳. ۱. ۷. ختنه..... ۷۴
۳. ۱. ۸. بوسیدن و محبت به فرزندان..... ۷۵
۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک..... ۷۷
۳. ۱. ۱۰. آرام کردن گریه کودک:..... ۸۸
۳. ۱. ۱۱. سپردن کودک به مربی:..... ۸۹
۳. ۱. ۱۲. رعایت عدالت بین کودکان:..... ۸۹
۳. ۱. ۱۳. شرکت دادن کودکان در مسئولیت‌های زندگی:..... ۹۳
۳. ۱. ۱۴. خوش رفتاری و شوخی با کودکان:..... ۹۵
۳. ۱. ۱۵. لیبخند زدن به کودک:..... ۹۶
۳. ۱. ۱۶. نوازش کودکان:..... ۹۶
۳. ۱. ۱۷. دست کشیدن روی صورت کودک:..... ۹۷
۳. ۱. ۱۸. دست روی سر کشیدن:..... ۹۷
۳. ۱. ۱۹. در آغوش کشیدن و روی زانو نشاندن کودک:..... ۹۷
۳. ۱. ۲۰. روی شانه نشاندن:..... ۹۸
۳. ۱. ۲۱. روی سینه قراردادن کودک:..... ۹۹
۳. ۱. ۲۲. بازی با کودکان..... ۹۹
۳. ۱. ۲۳. معانقه:..... ۱۰۳
۳. ۱. ۲۴. مصافحه(دست دادن):..... ۱۰۳
۳. ۱. ۲۵. تفحص کودک گم شده:..... ۱۰۳
۳. ۱. ۲۶. احترام به کودکان:..... ۱۰۴

۳. ۱. ۲۷. سلام کردن به کودکان..... ۱۰۶
۳. ۱. ۲۸. استقبال از کودک با خوش رویی:..... ۱۰۷
۳. ۱. ۲۹. عیادت از کودک بیمار:..... ۱۰۷
۳. ۱. ۳۰. قبول حرف کودک بر اساس میزان فهم و کمالش:..... ۱۰۸
۳. ۱. ۳۱. پرهیز دادن از خشونت با کودکان..... ۱۰۹
۳. ۱. ۳۲. تشویق کودکان..... ۱۱۴
۳. ۱. ۳۳. دفاع حق کودکان:..... ۱۱۵
۳. ۱. ۳۴. دعا برای کودک:..... ۱۱۵
۳. ۱. ۳۵. گریه بر مصیبت فرزند:..... ۱۱۶
۳. ۱. ۳۶. تسلیت بر مرگ کودک:..... ۱۱۶
۳. ۱. ۳۷. وداع کودک با محضر:..... ۱۱۷
۳. ۱. ۳۸. سرپرستی کودکان یتیم:..... ۱۱۸
۳. ۲. گفتار دوم: ارتباط پیامبر اسلام (ص) با دیگران درباره کودکان؛..... ۱۱۹
۳. ۲. ۱. عوامل زمینه ساز تربیت کودک..... ۱۱۹
۳. ۲. ۲. حقوق کودکان:..... ۱۲۴
۳. ۲. ۳. تربیت و آموزش کودک..... ۱۲۷
۳. ۲. ۴. جهت دهی اوقات فراغت کودکان..... ۱۳۳
۳. ۲. ۵. رفتار کودکانه:..... ۱۳۵
۳. ۲. ۶. شاد کردن کودکان..... ۱۳۵
۳. ۲. ۷. ابتدای صدقه از کودکان:..... ۱۳۵
۳. ۲. ۸. وفای به عهد با کودک..... ۱۳۶
۳. ۲. ۹. تکلیف نداشتن کودک:..... ۱۳۶
۳. ۲. ۱۰. دعا برای فرزند..... ۱۳۶
- فصل چهارم: استنتاج الگوی ارتباطی انسانی پیامبر اسلام (ص) درباره کودکان..... ۱۳۸

|     |  |
|-----|--|
| ۱۳۹ | ۴. ۱. گفتار اول: جزئیات الگوی ارتباطی پیامبر اسلام با کودکان:          |
| ۱۳۹ | ۴. ۱.۱. بخش اول مطابقت عناوین ارتباطی با روایات                        |
| ۱۷۶ | ۴. ۲.۱. بخش دوم: تحلیل جزئیات الگوی ارتباطی:                           |
| ۲۲۵ | ۴. ۲. گفتار دوم: ارائه الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان: |
| ۲۲۵ | جدول بندی  |
| ۲۲۸ | پیشنهادات:   |
| ۲۳۰ | منابع  |

منابع اینترنتی ۲۳۵

## درآمد

انسان موجودی مختار است که با برخورداری از قوه فکر و توانایی تشخیص منافع و ضررها، می‌تواند با گزینش مسیر درست یا نادرست، بر سعادت خود و احساس رضایت مندی از زندگی فردی و اجتماعی در دو سویه روشنایی یا تاریکی مؤثر باشد. این «اختیار» در رفتارهای انسان خود را نشان می‌دهد، با توجه به این که «مشاهده» بر یادگیری رفتار و تقلید (انجام دادن آن رفتار توسط بیننده) بسیار مؤثر است، این امر نقش و تأثیر الگوها را بر رفتار نشان می‌دهد. افرادی با عقائد و جهان بینی مختلف، برای تأثیرگذاری، جذب و مسلط شدن بر انسان‌ها، الگوهایی (مطابق با اهدافشان) را در معرض دید انسان‌ها به خصوص بچه‌ها و جوانان قرار می‌دهند تا بر رفتار و عقائد تأثیر بگذارند. به خصوص از طریق رسانه‌های جمعی و فیلم‌ها، مثل بازیگران، فوتالیستها، هم‌چون بت من، سوپر من، مرد عنکبوتی، هری پاتر، جومونگ و ....

الگویی که ارائه می‌شود، باید دارای این شرائط باشد: برای تمام بشریت در تمام قرون قابل استفاده بوده بدون نقص باشد و سعادت جامعه بشری در پرتو تمسک بدان تضمین شود. پس باید علاوه بر صحیح بودن و اتقان رفتارهایش، قابل اجرا برای همه بوده و خود مدعیان آن الگو و افرادی دیگر، بدان عمل کرده و بر خوش‌بختی و سعادت از دو جنبه‌ی شخصی و اجتماعی اذعان داشته باشند. از میان الگوهای مطرح با نگاهی به زندگی بزرگان ادیان توحیدی، به ویژه کسانی که راهنمایان بشر در دستیابی به ادیان حق بوده‌اند، این حقیقت نمایان می‌شود که این بزرگان می‌توانند بهترین الگوهای رفتاری بشر در مسیر درست زندگی باشند. در این میان، پیامبر اسلام (ص) به خاطر دارا بودن شاخصه‌هایی ممتاز، از همه سزاوارتر است؛ زیرا علاوه بر شرایط مذکور، از یک سو، پیام‌آور پایان دهنده همه ادیان یعنی دین اسلام است و شکی نیست که اگر دینی خاتم ادیان بود، باید جامع و دربرگیرنده همه خوبی‌های ادیان پیشین بوده و هیچ نقص و کمبودی در آن نباشد. از سوی دیگر، قرآن کریم، بر الگو بودن پیامبر



اسلام(ص) تصریح کرده و همگان را به تأسی از آن حضرت فراخوانده است: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)<sup>۱</sup> مسلماً برای شما، در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است. همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر آن الگوی مؤمنان را چنین ستوده است: (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)<sup>۲</sup> قطعاً تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. همچنین در آیه‌ای دیگر، خداوند مؤمنان را امر کرده است که: از دستورات این الگوی برتر، پیامبر اسلام(ص) پیروی کرده، فرامین او را به کار بسته و آنچه را از آن نهی کرده است، ترک کنند: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)<sup>۳</sup> در آیه دیگری آمده است: (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)<sup>۴</sup> و از خدا و رسول پیروی کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. با این وصف، چه کسی بهتر و شایسته‌تر از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) می‌تواند به عنوان الگوی ارتباط انسانی برای همه افراد بشر باشد؟

در این نوشتار، سعی شده است با تمسک به سیره اخلاقی آن حضرت در طول زندگی، که از آیات، روایات و کتاب‌های تاریخی و آثار سیره‌نویسان به دست می‌آید، گزارشی هرچند مختصرتهیه شده، سپس الگوی ارتباط انسانی آن حضرت درباره کودکان ارائه گردد.

<sup>۱</sup> احزاب، ۲۱.

<sup>۲</sup> قلم، ۶۸، ۴.

<sup>۳</sup> حشر، ۵۹، ۷.

<sup>۴</sup> آل عمران، ۳، ۱۳۲.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

### ۱. گفتار اول: کلیات

#### ۱.۱. بیان مسأله

فرایند انتقال و تفهیم معنی بین گیرنده و فرستنده را ارتباط گویند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر رمزگذاری معنی و ارسال آن با یک پیام از طریق کانال ارتباطی و دریافت و تفسیر شدن صحیح آن پیام توسط گیرنده و پاسخ دادن مناسب به آن پیام را ارتباط گویند. مراد از «ارتباط انسانی»، چگونگی رفتار انسان با دیگر انسانهاست، که ارتباط انسان با خدا یا با طبیعت و دیگر موجودات را شامل نمی‌شود. الگوی ارتباطی، اجزاء ارتباط و نسبت بین اجزاء و ترتیب آنها را بیان داشته، و موانع آن (پارازیت) را نیز متذکر می‌شود که از آن به عنوان «مدل ارتباطی» نیز یاد می‌شود. به این نکته باید توجه شود که از روی مدل، الگوبرداری و هم‌سان سازی می‌شود. مراد از کودک در عنوان، کاربرد آن در روایاتی است که در سیره پیامبر اسلام با کودک را بیان می‌کند، که دلالت بر رده‌ی سنی خاص نداشته و از قرائن و شواهد برمی‌آید که به افراد نابالغ، از بدو تولد تا زیر پانزده سالگی اطلاق شده است.

معمولاً در گذشته مادران در ارتباط با کودکان از مادرانشان الگو گرفته، همچنین پدران در ارتباط با کودکان از پدرانشان الگو می‌گیرند. ولی با گذر زمان و صنعتی شدن جوامع، شیوه‌های زندگی دچار تغییرات اساسی گشته و والدین و افراد مرتبط با کودک احساس می‌کنند، ناچار به تغییر رویه در ارتباط با کودکان هستند. چرا که باید فرزندان کارآمد متناسب با زمان تربیت کنند. حال اگر فرد مسلمانی بخواهد در چهارچوب دین و متناسب با زمان الگویی را برای ارتباط با کودک برگزیند باید چه کند؟ باید در ارتباطش با کودک از چه الگویی پیروی کند تا به اهداف دینی و اجتماعی برسد؟ کدام الگو او را به اطمینان می‌رساند؟ قانون گذاران در حوزه مربوط به کودکان از چه الگویی باید پیروی کنند؟ مجریان قانون در حوزه مربوط به کودک از کدام الگو باید پیروی کنند؟ فیلم سازان و اصحاب رسانه‌های جمعی در ارتباط با کودکان از کدام الگو باید استفاده کنند؟ معلمان، مربیان، پرستاران و مسئولین کودکان از کدام الگو در ارتباط با کودکان باید استفاده کنند؟ مبلغان دینی در ارتباط با کودکان در این زمینه از چه الگویی می‌توانند استفاده کنند؟

از این رو مطالعات درباره با «ارتباط با کودکان» بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی در قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) به عنوان الگو معرفی شده است، و مسلمانان موظفند در ارتباطاتشان همچون ایشان رفتار کنند. برای این منظور ناگزیر باید الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان، به صورت علمی و کارآمد مبتنی بر قواعد دانش ارتباط شناسی تبیین گردد. در این راستا آشنایی اجمالی با مدل‌های ارتباطی ضرورت دارد، سپس باید سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) با کودکان بازخوانی گردد و در نهایت با مقایسه این سیره با مؤلفه‌های دانش ارتباط شناسی به الگوی مناسب دست‌یافت. از این رو قلمرو این نوشتار در سه بخش است، ابتدا به تبیین الگوها و مدل‌های

<sup>۱</sup> آدرس دقیق همه‌ی تاریخ در گفتار دوم خواهد آمد.

ارتباطی پرداخته تا مؤلفه‌های الگوی ارتباطی بدست آید، در مرحله بعد به توصیف سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان پرداخته می‌شود، و سرانجام با تطبیق این دو (مؤلفه‌های الگوی ارتباطی با سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان) مؤلفه‌های الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) کشف و در پایان آن مؤلفه‌های بدست آمده به صورت منسجم ارائه می‌شود.

### ۱. ۱. ۲. سؤالات تحقیق:

سؤال اصلی این است که، الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان<sup>۱</sup> چیست؟  
لازمه‌ی پاسخ به سوال اصلی، پاسخ دادن به این سه سؤال فرعی است:

۱. الگوی ارتباطی چیست؟ ابزارهای ارتباطی چیست؟
۲. سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان چگونه بود؟
۳. کدام یک از عناصر و مؤلفه‌های مدل‌های ارتباطی با سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان مطابقت دارد؟ (یا به عبارت بهتر، مؤلفه‌های الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان چیست؟ و چگونه تبیین می‌شود؟)

### ۱. ۱. ۳. ضرورت تحقیق:

چرا باید به دوره کودکی توجه شود؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در اصل «اپی ژنتیک» جستجو کرد که این اصل اشاره می‌کند به این که زندگی انسان از دوره‌های مختلفی تشکیل می‌شود که هر دوره قادر است تاثیرات مخرب و یا مناسبی را در دوره‌های بعدی زندگی انسان بگذارد، یعنی دوره‌های نوجوانی، جوانی و بزرگسالی متاثر از دوره کودکی می‌باشد، در نتیجه با اندیشیدن و پرداختن دوران کودکی و برنامه ریزی صحیح، می‌توان جوانان و بزرگسالانی مستعد، موثر و جامعه‌ای سالم داشت.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، جامعه‌ی امروز به پیشرفت علوم، فنون، صنعت و اختراعات جدید می‌نازد، و در علوم انسانی نیز داعیه‌های بسیار زیادی مطرح گردیده، که ارتباط با کودکان نیز از آن استثنا نیست. حال کسانی که با کودک سرو کار دارند، از چه الگویی در ارتباط با کودکان باید الگوبرداری کنند. مبلغان دین اسلام در این باره باید از چه الگویی پیروی کنند؟ از طرفی تبلیغ اسلام باید به زبان علمی روز باشد و چون تبلیغ مربوط به اثر گذاری بر دیگران است پس باید به عوامل اثرگذاری در این حوزه نیز توجه ویژه‌ای شود. حال با توجه به این که رسول اسلام(ص) به عنوان موفق‌ترین و اثرگذارترین مبلغ جهان اسلام مطرح و اسوه‌ی نیکو برای مبلغین اسلام بوده و با توجه به این که از نوع نگرش و تاکیدهای فراوان پیامبر نسبت به دوران کودکی<sup>۳</sup>، و از طرفی مهمترین و اثرپذیرترین مخاطب

<sup>۱</sup> بر اساس دانش ارتباط شناسی.

<sup>۲</sup> لورا برک، «روانشناسی رشد»، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۱۲۰

<sup>۳</sup> به عنوان نمونه در روایتی منسوب به رسول خدا فرمود: کودکان را دوست داشته باشید و به ایشان رحم کنید! اگر به ایشان وعده‌ای می‌دهید، وفا کنید، زیرا ایشان فکر می‌کنند که شما به ایشان روزی می‌دهید. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عده‌الداعی)، ج ۱، ص ۸۱ تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش.

مبلغین، کودکان هستند، الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان بهترین الگویی است که مبلغین اسلام در ارتباط کودکان باید پیروی کنند. علاوه بر مبلغین، والدین، مربیان و سرپرستان کودکان، قانون‌گذاران حوزه کودکان، مجریان قانون در حوزه کودک، اصحاب رسانه‌های جمعی و فیلم‌سازان در حوزه کودک، طراحان لباس کودک و... -به صورت کلی تمام کسانی که به نوعی مستقیم یا غیر مستقیم با کودکان سروکار دارند،- نیز باید از الگوی پیامبر اسلام(ص) با کودکان پیروی کنند. و تا الگویی تبیین نشود امکان الگوبرداری ندارد، پس کشف و تبیین الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان ضرورت بسیار زیادی دارد.

#### ۱. ۱. ۴. فرضیه تحقیق

اگرچه الگوهای ارتباطی موجود، قابلیت مطابقت با رفتارهای پیامبر اسلام(ص) با کودکان را دارد ولی هیچ کدام تاب آن را ندارد که تمام جزئیات و تمام محتوای ارتباطات ایشان با کودکان را بیان کند، چرا که سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان فراگیر و گسترده‌تر و عمیق‌تر است. با این حال می‌توان از تطبیق مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی با سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) با کودکان، مؤلفه‌ها و خود الگوی ارتباط انسانی با کودکان را کشف نمود. از این رو می‌توان گفت الگوی پیامبر اسلام(ص) با کودکان فراگیر و گسترده‌تر و عمیق‌تر از تمامی الگوهای ارتباطی است.

#### ۱. ۱. ۵. اهداف و فوائد تحقیق

منظور این نوشتار «بررسی چگونگی تأثیر گذاری از طریق انتقال پیام» در مدل‌های ارتباطی به ویژه بر «کودکان» در آیین ارتباطات پیامبر اسلام(ص) با کودک است. با توجه به واژه‌ی «کودک» که در عنوان این پژوهش قید شده است، موضوع درباره‌ی کودکان بوده، مخاطبش کسانی هستند که به گونه‌ای با کودک سر و کار دارند؛ پس هدف، دستیابی به الگوی رفتاری و ارائه به جوامع علمی است.

این تحقیق در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری اثرگذار است. در حوزه شناختی به دنبال بیان علمی و به روز «اسوه بودن پیامبر اسلام(ص)» در این موضوع برای انسان امروز است. در این راستا این نوشتار بر این مطلب توجه ویژه دارد تا حقیقت شیوه‌های ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان را در حد توان مطابق با مدل‌های علمی تأثیرگذار مشهور بیان کند. پس در پرتو این تحقیق، رابطه‌ی علوم انسانی جدید با تاریخ و سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) درباره کودکان روشن می‌شود. اثر این تحقیق در حوزه عاطفی، چه در حوزه قانون گذاری درباره کودکان (در ساختار بندی تئوریهای اجتماعی آموزشی تربیتی) و چه در حوزه اجرایی و رفتاری با کودکان، به دنبال **ترغیب شدن** افراد مرتبط با کودک به همانند سازی با پیامبر اسلام(ص) در این زمینه است. با توجه به مباحث کاربردی آن در حوزه رفتاری هم این نوشتار همانند سازی رفتاری با پیامبر اسلام(ص) در برقراری ارتباط با کودک را برای «قانون گذار، مسئولین اجرای قانون، مربیان کودک و والدین» تسهیل می‌کند.

## ۱. ۱. ۶. پیشینه تحقیق

دانشمندان زیادی به نقل سیره و شیوه‌های رفتاری پیامبر اسلام (ص) پرداخته‌اند، کتاب‌های زیادی با عنوان سیره نبوی یا سیره پیامبر اسلام (ص) بدین موضوع پرداخته‌اند، مثل سیره‌النبی ابن هشام، سنن‌النبی محمد حسین طباطبایی (علامه طباطبایی)، الصحیح فی سیره‌النبی از سید جعفر عاملی، سیری در سیره‌ی نبوی (جمعی از مؤلفان زیر نظر رسول جعفریان) سیره‌ی نبوی از مصطفی دلشاد تهرانی، سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) از داودی و کتاب‌هایی با عناوین مشابه مثل دانشنامه پیامبر (ص) (موسوعه پیامبر) از محمدی ری شهری که بخشی را به نقل ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان اختصاص داده‌اند. کتاب‌هایی که اختصاص به موضوع کودک دارد مثل کودک در اسلام قائی به احادیثی در این موضوع استناد کرده‌است. در قسمتی از کتاب آخرین پیامبر نوشته پاک نژاد نیز به احادیثی در این زمینه پرداخته است. پس در این کتاب‌ها به نقل جریان ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودک یا سخنان ایشان درباره کودک اکتفا شده است. «حکمت‌نامه کودک» نوشته محمدی ری شهری نیز به جمع‌آوری و دسته‌بندی موضوعی روایات درباره کودک پرداخته است.

برای «الگوی ارتباطی» نیز مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتبی تدوین گشته است. همچون «الگوهای ارتباطی و آزمون‌های روانشناختی»<sup>۱</sup> تألیف: لیلا توانگر، فریبا یزدخواستی، که رابطه‌ی این دو عنوان را بررسی نموده است. کتاب دیگر «ارتباط، ارتباط درمانی و الگوهای ارتباطی در خانواده»<sup>۲</sup> تألیف: اختر ابراهیمی، که در نقش درمانی الگوهای ارتباطی را در خانواده بررسی کرده است. کتاب «الگوهای ارتباطی: کودک، بزرگسالان، همسالان»<sup>۳</sup> هم به الگوی ارتباطی با توجه به دوره‌های رشد انسان پرداخته است. و کتاب «الگوی ارتباطات در قرآن»<sup>۴</sup> تألیف منیرسادات حافظی که این موضوع را در قرآن دنبال کرده و جنبه‌های قرآنی ارتباط را بررسی کرده است که نگارنده ابتدا ارتباطات را تعریف کرده، سپس ابزارهای ارتباطی از دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ موانع ارتباطی و عوامل ایجاد ارتباط موثر، موضوع بعدی این کتاب است که این عوامل از سه دیدگاه فرستنده، گیرنده و خود پیام مطرح می‌شود؛ مهم‌ترین راه‌های قرآن برای دعوت مبحث بعدی بوده که این راه‌ها عبارتند از: حکمت و استدلال عقلی، موعظه و ارتباط قلبی و مجادله احسن؛ فصل پایانی اثر نیز به بررسی بهترین و بدترین سبک پاسخ‌گویی به پیام از نظر آیات قرآن اختصاص دارد.

<sup>۱</sup> ناشر: سخنوران زبان: فارسی رده‌بندی دیویی: ۱۵۰.۲۸۷ سال چاپ: ۱۳۹۲ نوبت چاپ: ۱۰۰۰ نسخه تعداد صفحات: ۱۵۲ قطع و نوع جلد: وزیری (شومیز) شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۹۷۵۲۱۴.

<sup>۲</sup> ناشر: صاحب اثر زبان: فارسی رده‌بندی دیویی: ۱۵۰ سال چاپ: ۱۳۷۱ نوبت چاپ: ۱ تعداد صفحات: ۱۱۲.

<sup>۳</sup> تألیف: مایا ایواندنا لیزینا ناشر: دنیای نو مترجم: محمدجعفر مدبرنیا زبان: فارسی رده‌بندی دیویی: ۱۵۳.۶ سال چاپ: ۱۳۷۵ نوبت چاپ: ۱ تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه تعداد صفحات: ۲۷۲ قطع و نوع جلد: رقعی (شومیز) شابک ۱۰ رقمی: ۹۷۸۹۶۶۹۰۴۷۲۲۵ شابک ۱۳ رقمی: ۹۷۸۹۶۶۹۰۴۷۲۲۵

<sup>۴</sup> ناشر: آوای دانش گستر زبان: فارسی رده‌بندی دیویی: ۲۹۷.۱۵۹ سال چاپ: ۱۳۹۱ نوبت چاپ: ۱ تیراژ: ۵۰۰ نسخه تعداد صفحات: ۱۶۸ قطع و نوع جلد: رقعی (شومیز) شابک: ۹۷۸۹۶۶۲۵۵۷۸۴۴.

پایان نامه‌هایی با عناوینی مثل سیمای پیامبر اسلام(ص) در قرآن در روایات و... نیز به سیره نبوی به صورت عمیق‌تر نگریسته‌اند، مثل پایان نامه با عنوان «واکاوی سیره نبوی در یک مدل ارتباطی (مدل ارتباطی ریچاردسون)» که علاوه بر بیان سیره به مدل ارتباطی نیز توجه داشته است. ولی در عناوین پایان نامه‌ها به ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودک در الگو یا مدل ارتباطی توجه نشده است.

علاوه بر این در مقالات و در مجلات نیز با عناوین مختلفی با نگاه‌های جزئی‌تر و مسأله‌ای، به سیره یا رفتارهای پیامبر (ص) پرداخته شده است مثل مقالاتی که در سال پیامبر اعظم توسط دانشگاه اصفهان به چاپ رسید؛ ولی در آنها نیز مثلث واژگان مسأله‌ی این تحقیق (ارتباط، پیامبر اسلام، کودک) به چشم نمی‌آید.

نرم افزارهایی که با عنوان تربیت کودک در اسلام، یا درباره پیامبر اسلام(ص) منتشر شده است که با موضوع این پایان نامه متفاوت است.

پس دو قید، عنوان این پایان‌نامه را از سیره جدا ساخته است، یکی ارتباط با کودکان (چه ارتباط مستقیم یا ارتباط غیر مستقیم) و قید دیگر «الگوی ارتباط انسانی»، پس صرفاً نقل رفتارها نیست که درس گرفتن و نتیجه‌گیری را کاملاً بر عهده‌ی مطالعه‌کننده بگذارد، بلکه به نقد و بررسی از دیدگاه مدل‌های ارتباطی در علم ارتباطات پرداخته سپس الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان را نتیجه‌گیری می‌کند. پس می‌توان ادعا کرد عنوان این پایان نامه مسأله‌ای جدید و مورد نیاز روز است.

#### ۱. ۱. ۷. کاربرد نتایج تحقیق:

هر جایی که ارتباط با کودک مطرح باشد مثل ارتباط والدین و مربیان با کودکان، دستاوردهای این تحقیق کاربرد دارد، بویژه در حوزه‌ی رسانه‌ها مثل فیلم‌ها و برنامه‌های مربوط به کودکان، مراکز تربیتی و حوزه‌ی تبلیغ، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ تا با استفاده از الگوی ارتباطی تأثیرگذار پیامبر اسلام(ص) در ارتباط با کودک بهره برده، تا موفق‌ترین اثرگذاری را در ارتباط با کودکان داشته باشند. همچنین برای محققین در حوزه‌های مشاوره، روانشناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، و علوم دیگر مربوط به رفتارشناسی و حوزه‌ی تربیت در مباحث مربوط به کودکان بسیار قابل توجه است. و به صورت کلی، برای هر فرد مرتبط با کودکان و تربیتشان بسیار مفید است.

#### ۱. ۱. ۸. روش تحقیق

روش تحقیق، نقلی و حیانی است که اطلاعات به روش توصیفی و تحلیلی داده پردازای شده است.

#### ۱. ۱. ۹. شیوه و مراحل تحقیق

جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها درباره دو موضوع «ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودکان و فرمایشات ایشان درباره کودکان» و «الگوهای ارتباطی» از اسناد نوشتاری و نرم افزاری، گردآوری شده، است. پس از تبیین مفاهیم و تعاریف اصطلاحات به تبیین الگوی ارتباطی و اجزاء و عناصر آن پرداخته می‌شود، سپس سیره پیامبر اسلام(ص) با

کودکان و سفارشاتشان درباره کودکان از روایات و گزارشات تاریخی جمع‌آوری و تبیین می‌شود، مؤلفه‌های مدل‌های ارتباطی به دست آمده را با سیره‌ی تبیین شده مطابقت و مصداقیابی کرده و سپس مؤلفه‌های بدست آمده را در جدولی دسته بندی می‌کنیم؛ و در نهایت این مؤلفه‌ها با مصداقی بدست آمده از سیره، به عنوان «الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان» تبیین می‌گردد.

### ۱. ۱. ۱۰. ساختار تحقیق

پس از این که در فصل اول، کلیات و مفاهیم، در دو گفتار مجزا بررسی شد، با توجه به ارتباطی بودن عنوان، در فصل دوم، الگوی ارتباطی از دیدگاه دانش ارتباطات در گفتار اول بیان شده، سپس ابزارهای ارتباطی در گفتار دوم تبیین می‌گردد. در فصل سوم گزارش‌های ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان و سفارشات ایشان درباره کودکان» با عنوان «سیره» در دو گفتار (ارتباط مستقیم پیامبر اسلام(ص) با کودکان؛ و ارتباط پیامبر اسلام(ص) با دیگران درباره کودکان)، تبیین می‌گردد، در فصل چهارم، در گفتار اول مؤلفه‌های الگوی ارتباطی (بدست آمده از فصل دوم) با سیره پیامبر اسلام(ص) با کودکان (تبیین شده از فصل سوم) تطبیق شده تا اجزاء «الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) درباره کودکان» کشف شده و در گفتار دوم با توجه به مصداقی آن تبیین گردد.

### ۱. ۱. ۱۱. محدودیت‌های تحقیق:

در این تحقیق ابتدا باید «ارتباطات پیامبر اسلام(ص) با کودکان» با «آیتم‌های مدل‌های ارتباطی»<sup>۱</sup> تأیید شده‌ی علم روز، تطبیق شود تا بتوان الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان را کشف و تبیین کرد. پس در این دو موضوع باید منابع قبلی علمی موجود باشد. یعنی اصل کار این پژوهش مربوط به این تطابق دادن است، پس ابتدا باید این دو موضوع از قبل به خوبی روشن باشد، در حالی که سیره نویسان تنها به گزارش دادن از رفتارهای یک شخص یا ذکر جریان‌های تاریخی (که در آن شرکت داشته است) اکتفاء کرده‌اند، تازه در همین اندازه هم درباره ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودکان به صورت یک جا و کامل وجود نداشت؛ پس می‌توان ادعا کرد که تا به حال یک منبع علمی معتبر، کامل و منسجم برای سیره ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان تدوین نگردیده است.

مشکل اساسی و مهم‌تر در این است که برای «چگونگی کشف و استخراج الگوی ارتباطی» از زندگی یک شخص یا شخصیت اسلامی تا به حال مدلی ارائه نشده است.

چون رویکرد این پژوهش تاریخی تحلیلی است و در این رویکرد التزام به متن باید داشت، بسیاری از مطالب در منابع قوی و دست اول نبوده و ناگزیر باید از منابع دیگر هم استفاده کرد، البته چون موضوع این پایان نامه زیر مجموعه‌ی احکام فقهی نیست شاید اساتید بتوانند از این اشکال چشم‌پوشی کنند، چرا که در مستحبات و آداب و سنن، جمع‌آوری تمام مطالب به صورت کامل و جامع در فیش‌های پژوهشی -البته با ذکر سند از منبع دست دوم-، بهتر از اکتفاء به مطالب ناقص از منابع معتبر و قوی است.

<sup>۱</sup> مؤلفه‌های اجزاء ارتباطی تشکیل دهنده مدل ارتباطی.

از طرفی امروزه مسائلی درباره کودکان وجود دارد که یا در آن زمان وجود نداشته یا گزارشات چگونگی واکنش پیامبر اسلام(ص) در آن باره به ما نرسیده است و این محدودیت باعث محدودیت در تبیین الگوی پیامبر اسلام(ص) با کودکان در این گونه مسائل گردیده است.

## ۲.۱. گفتار دوّم: مفاهیم

### ۱.۲.۱. سیره:

سیره در کتب لغت از ریشه «سیر» بمعنی حرکت کردن و رفتن است، که سه معنی برای سیره گفته شده: راه و روش (در عملکرد و رفتار)،<sup>۱</sup> و چگونگی رفتار.<sup>۲</sup> مثلاً در مفردات راغب: «سیره» را چنین تعریف کرده است: حالتی و روشی است که انسان و سایر جانداران نهادشان و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی و خواه اکتسابی چنانکه گفته می‌شود: فلانی سیره و روشی نیکو یا قبیح دارد.<sup>۳</sup> یا در فرهنگ ابجدی عربی نیز پس از بیان چهار معنی برای «السیره» (: سنّت، روش، هیأت، مذهب؛)، ترکیب «السیره الرجل» را روش و کردار مرد و چگونگی رفتار او با مردم معنی کرده، سپس «حسن السیره» را «خوش برخوردی و نیکو روش با مردم»<sup>۴</sup>.

و در اصطلاح، نیز بر «سنت»، «اسلوب، متد، سبک، روش، نوع و چگونگی رفتار» اطلاق شده است. شهید مرتضی مطهری در کتاب سیره نبوی، «سیره» را چنین معنی کرده است: «سیره یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. مثلاً جلسه یعنی نشستن، و جلسه یعنی سبک و نوع نشستن. و این نکته دقیقی است. سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیغمبر است. آنها که سیره نوشته اند، رفتار پیغمبر را نوشته اند پس این کتاب‌هایی که ما به نام «سیره» داریم سیر است نه سیره. مثلاً سیره حلبیه سیر است نه سیره، اسمش سیره هست ولی واقعه سیر است. رفتار پیغمبر نوشته شده است نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر، نه متد پیغمبر»<sup>۵</sup> پس سیره در اصطلاح «سبک و اسلوب رفتار» است. در نتیجه سیره پیامبر اسلام(ص) یعنی سبک و اسلوب رفتار ایشان به عبارت دیگر چگونگی رفتارها و شیوه رفتاری ایشان نه صرف خود رفتار. ولی با وجود این تعاریف، سیره نویسان معمولاً فقط به نقل رفتار یک شخص بدون پرداختن به تحلیل شیوهی رفتاری آن شخصیت اکتفاء کرده‌اند. یعنی تعریف آنها عملاً از سیره نقل رفتار یک شخصیت است، نه تحلیل و تبیین شیوه‌های رفتاری. این پایان نامه به دنبال کشف شیوه و اسلوب رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودک است.

<sup>۱</sup> «لسان العرب»، ج ۴، ص: ۳۹۰. «فرهنگ ابجدی عربی»، ص ۵۰۷.

<sup>۲</sup> «ترجمه مفردات راغب»، ج ۲، ص: ۲۷۶. «فرهنگ ابجدی عربی»، ص ۵۰۷.

<sup>۳</sup> «ترجمه مفردات راغب»، ج ۲، ص: ۲۷۶.

<sup>۴</sup> «فرهنگ ابجدی عربی»، ص ۵۰۷.

<sup>۵</sup> مطهری مرتضی، «سیری در سیره نبوی» مجموعه آثار شهید مطهری جلد ۱۶



## ۱. ۲.۲. کودک:

در کتب لغت دوازده واژه معادل برای معنی کودک بیان شده است: «۱. طفل<sup>۱</sup>، ۲. خردسال<sup>۲</sup>، ۳. بچه، ۴. پسر یا دختر خردسال<sup>۳</sup>، ۵. کوچک، ۶. صغیر. (در گویش پهلوی، کوتک بمعنی صغیر که صورت دیگر آن کوچک است.)، ۷. فرزندی که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر) ۸. ولید ۹. صبی. (ترجمان القرآن). ولید. صبی (پسر). صبیبه (دختر).<sup>۴</sup> ۱۰. واژه کودک از ریشه واژه پهلوی kuk به معنای «کوتاه» می‌باشد و با واژه‌های کوتاه و کوچک هم خانواده می‌باشد. ۱۱. این واژه به سادگی و پاکی نیز اشاره دارد.<sup>۵</sup> ۱۲. راغب گوید: طفل تا وقتی گفته می‌شود، که فرزند، بدنش نرم باشد. در این پایین نامه کودک لحاظ شده است نه فرزند یعنی پایان نامه نگرش اجتماعی دارد نه خانوادگی تنها.

دهخدا کاربرد پنج لفظ را در قرآن درباره‌ی کودک دانسته است: «وَلِیْدًا، طُفْلًا، یتیم و مَهْدٍ گهواره بستری که برای کودک شیرخوار تهیه می‌کنند.<sup>۶</sup>

در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کودک به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد گفته می‌شود؛ مگر این که مطابق قانون حاکم بر آن شخص، سن کمتری برای رشد او مقرر شده باشد.<sup>۷</sup> روانشناسان (مثل ژان پیاژه<sup>۸</sup>، فروید و اریکسون<sup>۹</sup>) بچه‌ها را از بدو تولد تا ۱۲ سالگی کودک به حساب آورده و بعد از آن را آغاز نوجوانی می‌دانند.

در حوزه فقه اسلامی انسان غیر بالغ کودک محسوب می‌شود که در دختران زیر ۹ سال قمری و در پسران زیر ۱۵ سال قمری است.<sup>۱۰</sup>

با گذر زمان و تغییرفرایند جامعه‌پذیری، سن تکامل یافتن انسان‌ها و پذیرش نقش اجتماعی با زمان قدیم متفاوت است، پس مدت زمان دوره‌ی کودکی انسان‌های امروز بیشتر از عصر پیامبر(ص) است. بنابر این برای تطابق کودک امروز با گذشته در این نوشتار افراد کمتر از ۱۳ سال چه دختر و چه پسر، کودک محسوب می‌شود،

<sup>۱</sup> «فرهنگ معین، فرهنگ فارسی عمید، دهخدا» ذیل واژه کودک.

<sup>۲</sup> همان مدرک.

<sup>۳</sup> «فرهنگ فارسی عمید، دهخدا» ذیل واژه کودک.

<sup>۴</sup> «دهخدا» ذیل واژه کودک.

<sup>۵</sup> همان.

<sup>۶</sup> همان.

<sup>۷</sup> کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد. ماده ۱

<sup>۸</sup> ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) (piaget) فصل ششم کتاب نظریه‌های رشد ص ۱۵۸ و ۱۸۰ در تبیین نظریه رشد شناختی پیاژه.

<sup>۹</sup> کتاب نظریه‌های رشد در فصل دوازدهم ص ۳۶۳. در جدولی بین نظریه مراحل رشد فروید و نظریه مراحل رشد اریک اچ اریکسون مقایسه کرده که:

پایان کودکی را ۱۱ سالگی و آغاز نوجوانی را ۱۲ سالگی آورده است.

<sup>۱۰</sup> توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۹۱۲.

یعنی دختران تا ۱۲ سال جوامع امروزی نیز مثل پسران کودک به حساب آمده و مصداق عنوان کودک در عنوان این پایان‌نامه می‌شوند. پس دلیل انتخاب این بازه زمانی برای پسران و دختران نسل امروز این است که مطابق تعاریف روان‌شناسان از کودک و نقش آفرینی اجتماعی<sup>۱</sup> تا سن زیر ۱۳ سال کودک محسوب می‌شوند یعنی همان نقش اجتماعی دختران زیر ۹ سال در زبان روایات را دارند. که با ترجمه لغتی کودک که بیان شد نیز تطابق دارد، چون در کتب لغت تفاوتی بین دختر و پسر در سن کودکی نیست.

البته این نکته باید دقت شود که از نظر حکم و جوب تکلیف شرعی دختر (از ۹ سال به بالا) باید مطابق نظر مرجع تقلیدش عمل نماید، و این نوشتار در حوزه بیان تکالیف شرعی نیست، بلکه موضوع این نوشتار در حوزه ارتباط اجتماعی بین والد، مربیان و دیگر مسئولان در ارتباط با کودکان در چهارچوب رعایت احکام شرعی، به دنبال دست‌یافتن و تبیین الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان است.

### ۱. ۲. ۳. ارتباط:

از زمان ارسطو تا بحال<sup>۲</sup> تعاریف بسیار متفاوتی برای ارتباط به جای مانده است. در کتاب ارتباط بین فردی از قول کلمپیت<sup>۳</sup> تعاریف ارتباط را دو دسته کرده و پس از بیان اشکالات تعریفی را ارائه کرده که جزء آن دو دسته نباشد. رویکرد اول پیکانی است که پیام در ارتباط را به تیر (پیکان) تشبیه کرده که از طرف فرستنده به سمت گیرنده فرستاده می‌شود، و آن را مطابق الگوهای خطی می‌داند. رویکرد دوم مداری است، که در آن ارتباط فرایندی دوطرفه در نظر گرفته می‌شود و بر معنای تجربی به جای معنای لفظی، رابطه به جای محتوا، درک و فهم به جای پذیرش و بازخورد به جای پاسخ تأکید دارد و باور اساسی در آن این است که درک و فهم یعنی ارتباط مؤثر.<sup>۴</sup> سپس خودش این تعریف را ارائه می‌کند: «ارتباط مثل رقص است که در آن حرکات افراد باید با هم هماهنگ و تفاهم متقابل داشته باشند. در ارتباط هم علاوه بر قوانین و مهارت‌های در جریان انعطاف‌هایی نیز وجود دارد، که سبک و شیوه‌ی افراد نیز در خلال آن تزریق شده و قابل مشاهده است.»<sup>۵</sup>

محسنیان راد پس از تبیین تعاریف بسیار و دقت زیاد در سنجش تمام جزئیات و قیود آنها، چنین تعریفی ارائه نموده است: «ارتباط عبارتست از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر اینکه در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده‌ی پیام ایجاد شود».<sup>۶</sup>

از جمع بندی مطالعه‌ی آن تعاریف نگارنده به این تعریف برای ارتباط رسید: فرایند انتقال و تفهیم معنی بین گیرنده و فرستنده را ارتباط گویند. چراکه ماهیت ارتباط انتقال پیام تنها (الفاظ بدون معنایشان) نیست بلکه تفهیم

۱ پس از نظر حکم تکلیف شرعی در عبادات منظور نیست.

۲ در فصل دوم نمونه‌هایی از آن در ذیل تبیین الگوهای ارتباطی خواهد آمد.

۳ Clappitt

۴ هارتلی پیتز، ارتباط بین فردی، ترجمه خلیلی سینا و صمدزاده حبیب، ص ۴۲.

۵ همان ص ۴۳.

۶ محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۵۷.

معنی به مخاطب است. پس ارتباط عبارت است از: رمزگذاری معنی و ارسال آن با یک پیام توسط فرستنده از طریق کانال ارتباطی و دریافت، تفسیر شدن صحیح آن پیام و پاسخ دادن مناسب به آن پیام توسط گیرنده را ارتباط گویند. پس هدف از ارتباط ایجاد معنای مورد نظر یک انسان (فرستنده) در ذهن انسان دیگر (گیرنده) است. چون خود معنی را به صورت مستقیم نمی‌توان انتقال داد، ابتدا آن معنی مورد نظر را فرستنده باید رمز گذاری کند، که از متداول ترین رمزها کلمات است که دربردارنده‌ی معنای اعتباری بین انسانهاست. البته انسان در این فرایند از رمزها و نمادهای متفاوتی بهره می‌برد. در این راستا ابتدا باید فرستنده بهترین رمز را برای معنای مورد نظرش انتخاب نموده تا فرایند رمزگذاری تکمیل شود. در مرحله بعد باید یک کانال ارتباطی بین خود و گیرنده برگزیند و از گونه‌های مختلف روش‌های انتقال پیام (ابزارهای ارتباطی) بهترین را برگزیند؛ سپس فرایند انتقال پیام از کانال برگزیده شروع می‌شود؛ در این مرحله نوبت به گیرنده‌ی پیام می‌رسد، که موظف است ابتدا پیام را به صورت کامل و صحیح دریافت کند، سپس باید آن پیام را رمزخوانی کرده تبدیل به معنا کند، پس از دریافت معنی در ذهنش با توجه به توانایی‌های ارتباطی و با استفاده از حافظه، مخیله و قدرت تفکرش شروع به تجزیه و تحلیل (پردازش) آن معنی می‌کند، که یک معنی در ذهنش نقش می‌بندد، سپس یک پاسخی مطابق با آن معنای دریافتی (در مرحله فکر و معنی) را در ذهن بعنوان پاسخ تدارک می‌بیند. در این هنگام فرستنده منتظر باز خوردگیری است بنابراین جای گیرنده و فرستنده عوض شده تمام مراحل قبل، به ترتیب جاری می‌گردد، با شکل‌گیری معنی جدید در ذهن فرستنده اولیه یک دور فرایند ارتباط در تمام اجزایش جریان یافته است. هر چه معانی تشکیل شده پس از باز خوانی به معنای اول در ذهن فرستنده نزدیک‌تر باشد، ارتباط از درجه‌ی بالاتری در موفقیت برخوردار خواهد بود. و این فرایند با ادامه یافته تا طرفین از ارسال پیام صرف نظر کرده و به ارتباط پایان دهند.<sup>۱</sup>

این ارتباط مستقیم بین دو فرد انسانی است نه تعریف ارتباط کلی که شامل جمعی مستقیم یا غیر مستقیم یا با واسطه خاص یا یک طرفه بدون بازخورد را شامل شود.

#### ۱. ۲. ۴. ارتباط انسانی:

مراد از «ارتباط انسانی»، چگونگی رفتار انسان با دیگر انسانهاست که ارتباط انسان با خدا یا با طبیعت و دیگر موجودات را شامل نمی‌شود. بسیاری از ارتباطات انسانی با رفتار شکل می‌گیرد، بنابر این تعریف علمی رفتار ارائه می‌شود: رفتار (behavior) اصطلاحی است که از قلمرو روان شناسی (psychology) به جامعه‌شناسی (sociology) آمده است. در روان شناسی برای روشن کردن مفهوم و معنای رفتار از گفتمان عملگرایی (positivical) بهره جستند. بدین جهت، روانشناسان کوشیده‌اند تا مفهومی علمی ارائه دهند که یا با حواس پنجگانه درک شود و یا با روش استدلال استقرایی شناخته گردد.<sup>۲</sup> ساده ترین شناسه از رفتار (behavior) این است

<sup>۱</sup> این توضیحات، تحلیل و تلخیص تعاریف ارتباط و مدل‌های ارتباطی در نظر محقق (قاسمی) که تفصیل آن در فصل دوم همین نوشتار خواهد آمد.

<sup>۲</sup> ولایی ملکی مریم، مقاله الگو چیست؟ سایت پدیده، اردیبهشت ۱۳۸۹م، ۱۸م، از درس نامه مبانی علوم اجتماعی، ۲.

که گفته اند: رفتار عملی است که از فرد سر می‌زند یا سخنی است که بر زبان می‌آورد.<sup>۱</sup> ولی در روان‌شناسی واژه رفتار (behavior) با دقت بیش‌تری تعریف شده است: چنان‌که گفته‌اند: هر فعالیتی حرکتی (activity) که جاندار (organism) انجام می‌دهد و به وسیله جاندار دیگر یا ابزار اندازه‌گیری پذیرای دیدن و یا اندازه‌گیری است.<sup>۲</sup>

## ۱. ۲. ۵. الگو:

### الگو (modle یا pattern)

برای الگو در کتب لغت نه معنی آمده است. دهخدا، هشت معنا آورده است: مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، روئبر، مثال و نمونه است.<sup>۳</sup> فرهنگ فارسی معین، دو معنای «نمونه، طرح» را برای الگو آورده است. که «طرح» جزء معانی آورده شده توسط دهخدا نبود. فرهنگ فارسی عمید آن را اسمی ترکی دانسته و معادل آن را «روئبر» و «نمونه» دانسته است، که قابلیت دارد مثل آن انجام شود، مثل الگوی لباس، که خیاط از روی آن، پارچه را می‌برد: «مدل، باز نمایی نظری و ساده شده از جهان واقعی است. مدل ساخته‌ای یک شکل از واقعیت یا واقعیت مد نظر است مدل به خودی خود یک ابزار تبیین نیست اما نقشی مهم و الهام‌بخش در نشان دادن روابط است مدل اغلب، بیشتر از هر مفهوم دیگری به شکل نظریه ظاهر می‌شود.»<sup>۴</sup>

همچنین مدل این چنین تعریف شده است: «مدل: باز نمای نظری و ساده شده از جهان واقعی است.»<sup>۵</sup>

مقاله «الگو چیست؟» تعریف اصطلاحی «الگو» را چنین بیان کرده است: «به آن چیزی گفته می‌شود که شکل گرفته است و در یک گروه اجتماعی حضور می‌یابد تا به عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید.»<sup>۶</sup> سپس به تبیین هفت تعریف برای الگو، از تعاریف ارایه شده از دیگران پرداخته است: «مدل‌سازی یا سرمشق‌گیری: «modeling» به معنای روش و شیوه انتخاب از الگوهای رفتاری بدنی و کلامی مشهود، الگوی خاص رفتار برای تقلید و بررسی است.»<sup>۷</sup> «الگوپذیری، فرایندی است که از طریق مشاهده صورت می‌گیرد و در آن رفتار یک شخص یا گروه به عنوان محرکی بر روی افکار، نگرش‌ها یا رفتار فرد دیگری که شاهد انجام عمل الگوست، اثر می‌گذارد.»<sup>۸</sup> «الگو معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء بزرگ یا به مجموعه محدودی از اشیای بی‌شمار گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد.»<sup>۹</sup> «برخی الگو را

<sup>۱</sup> ولایی ملکی مریم، مقاله الگو-چیست؟، سایت پدیده، اردیبهشت ۱۳۸۹م، تغییر رفتار و رفتار درمانی، ۴۱.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> لغت نامه دهخدا.

<sup>۴</sup> دهقان علی رضا، مقاله نظریه‌های ارتباطات ص ۴۷ از Bill&Hardgrave/1973/P28

<sup>۵</sup> همان.

<sup>۶</sup> ولایی ملکی مریم، مقاله الگو-چیست، از فرهنگ علوم اجتماعی / ۲۶۰.

<sup>۷</sup> ولایی ملکی مریم، مقاله الگو-چیست، از فرهنگ علوم رفتاری / ۲۴۴.

<sup>۸</sup> ولایی ملکی مریم، مقاله الگو-چیست، از مارلت، ۱۳۸۱.

<sup>۹</sup> همان نقل از (شعبانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸)

به عنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می دهد، و برخی آن را بعنوان پیش نویس یا نموداری که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می دهد، معرفی کرده اند.<sup>۱</sup>

توماس کوهن، مؤلف کتاب «ساختار انقلاب های علمی» می نویسد: «الگوها نمونه های قابل قبول تمرینات علمی می باشند، نمونه هایی که در خود، قانون، تئوری، کاربرد و ابزار را دارا می باشند.»

آدام اسمیت، مؤلف کتاب «نیروی فکر» می نویسد: «الگو یک سری فرضیات مشترک است. الگو روشی است که با آن دنیا را تعبیر می کنیم. الگو دنیا را برای ما شرح می دهد و ما را در پیش گوئی عمل کرد آن یاری می دهد.» ویلیام هارمون، مؤلف کتاب «یک راهنمای ناتمام به سوی آینده» می نویسد: «الگو همان روش ابتدائی درک، تفکر، ارزش یابی و عمل در کنار تصویری از حقیقت می باشد. الگو به عنوان درکی بی چون و چرا و تلویحی به فرهنگ نفوذ کرده و از طریق تجربه مستقیم به جای آموزش به نسل های بعدی منتقل می شود.»<sup>۲</sup>

«الگو بازنمایی ساده یا کوچک شده ی چیزی یا رویدادی است.»<sup>۳</sup> «در طراحی مدل نظری این ویژگی ها باید توجه شود: ۱. مدل باید ناصر اصلی را داشته باشد. ۲. در مدل، چگونگی ارتباط عناصر با هم دیگر باید به خوبی نشان داده شود. ۳. باید جزئیات آن در حد منطقی مشخص شده باشد.»<sup>۴</sup>

از کتب لغت و تعاریف ارائه شده مشخص می گردد که الگو و مدل به یک معنی به کار رفته است و مدل واژه ی لاتین است که در زبان فارسی هم گاهی استفاده می شود. در نقل قول ها در این پایان نامه هر جا دانشمندان از واژه مدل استفاده کرده اند، به همان لفظ می آید ولی در باره پیامبر اسلام (ص) فقط از واژه «الگو» استفاده می کنیم که فارسی بوده و معنای «الگو برداری» را نیز به دنبال دارد.

## ۱. ۲. ۶. الگوی ارتباطی:

الگوی ارتباطی، به چگونگی برقراری ارتباط پرداخته یعنی اجزاء ارتباط و نسبت بین اجزاء و ترتیب آنها را بیان داشته، و موانع آن (پارازیت) را نیز متذکر می شود که از آن به عنوان «مدل ارتباطی» نیز یاد می شود (یعنی الگو و مدل مترادف معنایی هستند درباره ارتباط)؛ الیزابت آندروش درباره ی مدل ارتباط می نویسد: استفاده از مدل ضرورتی است برای یک بررسی منظم. اکثر ما مدل های هواپیما را دیده ایم، مهندسان هواپیما نوعی از این مدل ها را برای آزمایش در تونل باد استفاده می کنند، که این چنین آزمایش هایی برای یافتن عیوب و نقاط ضعف در طرح اولیه ی ساخت هواپیماست. مدل ارتباط نیز به تشریح عناصر و ساخت این عناصر در فراگرد ارتباط که با یک تعریف ساده قابل گنجاندن و بیان نیست می پردازد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> همان نقل از (هومن، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

<sup>۲</sup> ولایی ملکی مریم. الگو چیست/ [modiriatsanati.persianblog.ir/post/65/](http://modiriatsanati.persianblog.ir/post/65/) از شعبانی، حسن، "مهارت های آموزشی و پرورشی" (روش ها و فنون تدریس) انتشارات سمت، (۱۳۸۵). هومن، علی حیدر. "شناخت روش علمی در علوم رفتاری". تهران. سمت، (۱۳۸۶).

<sup>۳</sup> خلیلی سینا و صمدزاده حبیب، ارتباط بین فردی (پیتر هارتلی)، ص ۶۹.

<sup>۴</sup> همان ص ۷۰.

<sup>۵</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، از andersch.1969.p18.

البته به این نکته باید توجه شود که مدل صرفاً برای آزمایش نیست بلکه پس از گذراندن تمام آزمایشات رفع نواقص، به عنوان مدل مطرح شده و از روی آن الگوبرداری و هم‌سان‌سازی می‌شود.

همان‌طور که دیدیم مدل ارتباطی تعریف شده است، ارتباط نیز تعریف شده است؛ ولی الگوی ارتباطی تعریف نشده است. البته تعاریف الگو (به تنهایی نه الگوی ارتباطی) آورده شد. اگر دقت شود در این تعاریف دو نکته به نظر می‌رسد:

۱. الگو و مدل در دو مقوله کاملاً متفاوت بکار می‌رود: صنعتی و علوم انسانی. که بعضی برای تعریف مدل یا الگوی ارتباطی آن را به مدل‌ها و الگوهای صنعتی تشبیه کرده‌اند.
۲. اکثراً الگوی ارتباطی را با مدل ارتباطی یکی دانسته و حتی به جای هم و باهم بکار برده‌اند در حالی که بعضی آن را دو مقوله متفاوت از هم دانسته‌اند.

مراد از الگو در این نوشتار بسیار نزدیک به مدل ارتباطی بوده که عبارتست از:

«کشف اجزاء ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان یا درباره کودکان که برای دیگران (برای انسان‌های دیگر) قابلیت هم‌سان‌سازی را داشته باشد.»

#### ۱. ۲. ۷. ابزارهای ارتباطی

واژه «medium» به معنای ابزار و وسایل ارتباطی (که جمع آن «media» است) کلمه‌ای لاتین بوده که بر وسایل انتقال پیام، در جریان فراگرد ارتباط دلالت دارد، این کلمه انگلیسی فرانسوی بوده که محتوایش بیشتر معطوف به فعل و عمل است تا حامل یا وسیله (ابزارهای سخت افزاری که در انتقال پیام بین فرستنده و گیرنده واقع می‌شوند).<sup>۱</sup>

کمیته بررسی اصطلاحات فنی فرانسه در جلسه ۲۴ نوامبر ۱۹۷۱م از میان تعاریف ارائه شده برای واژه «media» این تعریف را پذیرفته‌اند: «media» عبارتست از وسایل ارتباطی که حامل‌های (پیام) زیادی را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> پس ابزارهایی که در فرایند ارتباط کاربرد دارد، ابزار ارتباطی نامیده می‌شود. به عبارت بهتر، وسیله‌ی برقراری ارتباط با دیگران را ابزار ارتباطی نامند. که به دو دسته ابزارهای ارتباط فیزیکی (غیر مستقیم) و ابزارهای ارتباط انسانی (مستقیم) تقسیم می‌شود.

پرفسور آلبرت مهربیان، روان‌شناس، ابزارهای ارتباطی را در دو دسته‌ی کلامی و غیرکلامی دانسته و در اهمیت توجه به ابزارهای ارتباطی غیر کلامی خاطر نشان می‌کند: «پیام‌های خاموش ما سخن ما را تقویت یا نفی می‌کند، و به هر صورت پیام‌های غیر کلامی، در مقایسه با کلمات به زبان جاری شده‌ی ما، از نیروی بیشتری برخوردارند.» ایشان می‌افزایند: «به راستی که در قلمرو احساسات، حالت‌های چهره و بدن از اهمیت قابل

<sup>۱</sup> ر ک محسنی منوچهر و ساروخانی باقر، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ژان کازنو، ص ۳.

<sup>۲</sup> همان.

ملاحظه‌ای برخوردارند و هر آینه اگر کلام ما با عمل ما منافات داشته باشد، آنچه به حساب می‌آید پیام غیر کلامی است.<sup>۱</sup>

کلارا مایو «Clara Mayo» روزالین لیندنر «Rosalyn Lindner» روانشناسان اجتماعی نیز گفته‌ی مهرایان را عملاً قبول دارند و این موضوع را در انتخاب قضاوت بدون تعصبات جنسی و نژادی، دخالت می‌دهند. به اعتقاد مایو و لیندنر در انتخاب قضاوت به جای سخنانشان باید به اعمال و رفتارشان توجه کرد.<sup>۲</sup>

پس «ابزارهای ارتباط انسانی» آن حرکات، سکنتات، گفتارها و... است که انسان بواسطه‌ی آن در جریان فرایند ارتباط به دیگران پیام می‌دهد، هر چه ابزار انتخاب شده بهتر و نزدیک‌تر، معنای پیام را در ذهن مخاطب ایجاد کند، برقراری ارتباط از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود. اگر با دقت بیشتری به تعریف ارائه شده از ارتباط توجه شود، جایگاه و تعریف ابزارهای به خوبی روشن خواهد شد. وقتی فرستنده پیام در صدد ارسال معنای مورد نظرش به دیگری است ناگزیر است آن معنا را در یک قالبی گنجانده که اولاً قابلیت ارسال داشته، ثانیاً مخاطبش (گیرنده) بتواند آن را بازخوانی کرده و به همین معنا دست یابد؛ پس فرستنده از رموزها، نمادها، شکل‌ها، الفاظ، اصوات و... برای رمز گذاری و پیام‌رسانی استفاده می‌کند که به این مجموعه ابزارهای ارتباطی اطلاق می‌شود. گاهی از ابزارهای ارتباطی تعبیر به «مهارت‌های ارتباطی» نیز شده است.

---

<sup>۱</sup> معجزه ارتباط و ان.ال.پی، جری ریچارد سون، ترجمه مهدی قراچه داغی، ص ۳۱.

<sup>۲</sup> همان.

## ۲. فصل دوم: الگوی ارتباطی و مشهورترین ابزارهای آن:

در این فصل باید به این دو پرسش پاسخ داده شود:

الگوی ارتباطی چیست؟ ابزارهای ارتباطی چیست؟

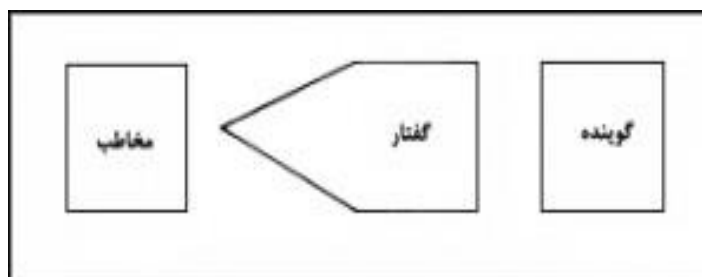
در گفتار اول باید مبانی الگوی ارتباطی از نظر علمی بیان شود، بدین منظور ابتدا خلاصه‌ای از چند مدل ارتباطی مشهور بیان شده، تا مؤلفه‌های تشکیل دهنده مدل و تعریف آن از نظر صاحب نظران تبیین شود، سپس در گفتار دوم، ابزارهای ارتباطی بیان می‌گردد:

### ۲.۱. گفتار اول: مبانی الگوی ارتباطی

#### ۲.۱.۱. چند مدل مشهور ارتباطی (فرد با فرد)<sup>۱</sup>

##### ۱. مدل ارسطو:

از حدود ۲۳۰۰ سال پیش، ارسطو جمله‌ای نوشته که حاکی از آن است، در آن زمان به صراحت ارتباط را علم جداگانه نمی‌دانسته است. ارسطو در کتاب مطالعه بیانی<sup>۲</sup> می‌نویسد: «هدف نهایی از ارتباط ترغیب است.» و در نهایت می‌افزاید: «این علم نیست، هیچ ویژگی خاصی ندارد و فاقد اصول منظمی است.»<sup>۳</sup> رابیز به نقل از کتاب ارسطو می‌نویسد: «در هر ارتباطی به خوبی و به سهولت می‌توان سه جزء مشخص و متمایز را از یکدیگر تشخیص داد. این سه جزء عبارتست از: «۱. گوینده ۲. گفتار و ۳. مخاطب»<sup>۴</sup> مدل ارتباطی ارسطو را می‌توان به این صورت ترسیم کرد:<sup>۵</sup>



<sup>۱</sup> مراد از فرد با فرد اینجا در مقابل ارتباط جمعی و رسانه است.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۷۶ از کتاب Rhetoric نخستین بار تحت عنوان «Rhetoric of Aristotle» در سال ۱۸۷۷ چاپ شد (Book in print 1982 p 150) ان کتاب ارسطو است. واژه‌ی Rhetoric را معادل communication به معنای ارتباط علم بدیع، علم معانی و بیان، لفاظی، خطابت و قدرت نطق آمده است. (آریان پور، ۱۳۶۳، ص ۴۶۸).

<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۷۶، Britanica.1981.vol.1.p1170.

<sup>۴</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۷۶. Rhys, 1946, p6.

<sup>۵</sup> همان مدرک.

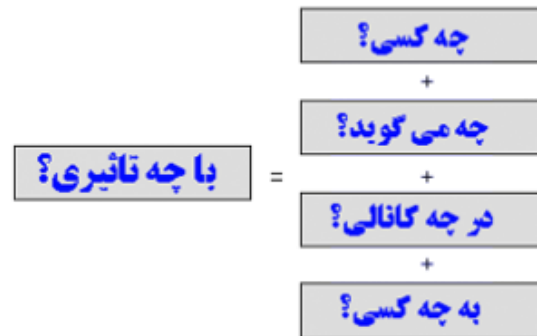


## ۲. مدل هارولد لاسول<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. این مدل در ۵ عبارت کوتاه خلاصه می شود: چه کسی؟ چه می گوید؟ در چه کانالی؟ به چه کسی؟ با چه تاثیری؟<sup>۲</sup>

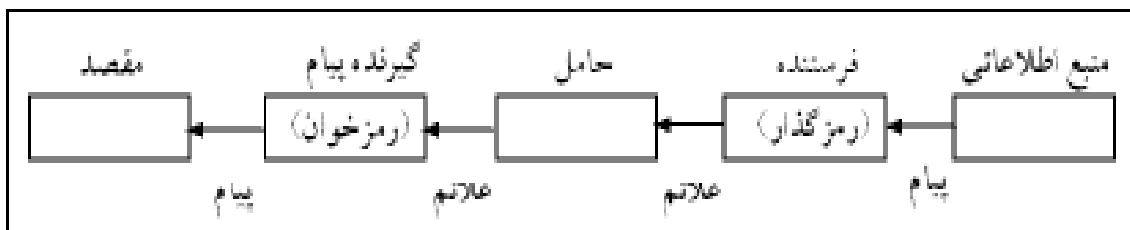
در این مدل علاوه بر سه عنصر مدل ارسطویی، عناصر کانال و تاثیر پیام نیز مطرح شده است. این مدل را بدین شکل نشان می دهند:

مدل ارتباطی هارولد لاسول (Harold Lasswell)



## ۲. مدل ارتباطی کلود شنن و وارن ویوور

دو ریاضی دان آمریکایی بودند که مدلی ساده و روشن را ارائه دادند این مدل از دیدگاهی ریاضی به بررسی ارتباط می پردازد. در این کادر این مدل به تصویر کیده شده است:



برای برقرای ارتباط نیاز به یک منبع است که بعد از رمزگذاری پیامی را تولید کند. منور از منابع اطلاعاتی در ارتباط بین فردی شخص آغازگر ارتباط یا ذهن و شرایط اوست. این پیام به وسیله گیرنده رمزخوانی می شود. گیرنده و فرستنده در این مدل یا باید دستگاه تصور شوند یا باید قسمتی از شخص فرستنده و گیرنده است. در این مدل به نقش پارازیت توجه شده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Harold Dwight Lasswell

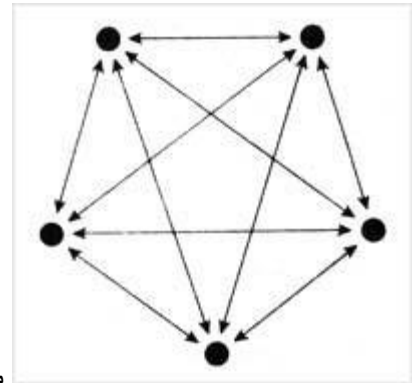
<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۷۷. Lasswell 1948.

<sup>۳</sup> همان، ص ۳۷۷ تا ص ۳۸۰. Claude Shannon and Warren Weaver.

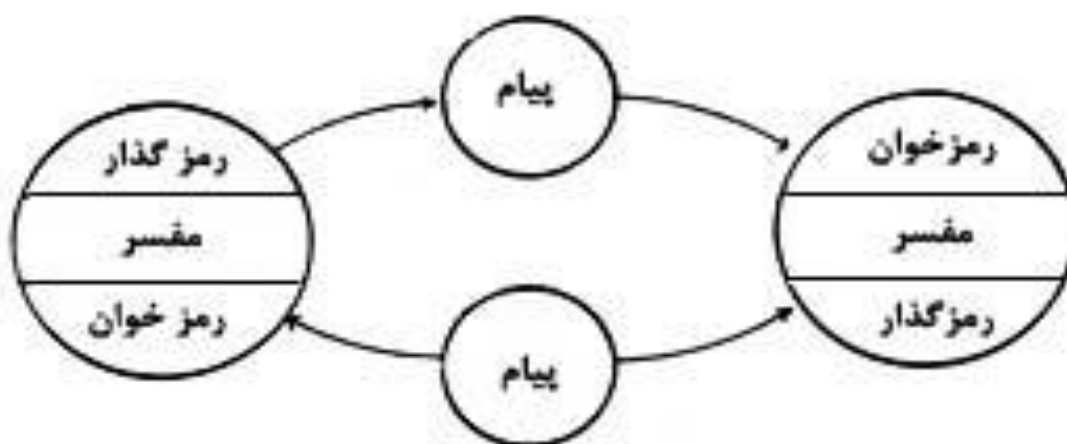
### ۳. سیستم های ارتباطی در مدل تسهیل دوسلاپول

اتهیل دوسلاپول (Ithiel de Solapool) مدلی را طراحی کرده که در آن فقط به سیستم ارتباطی (Communication system) توجه شده است. او برای تعریف ارتباط واژه‌ی «سیستم ارتباطی» را به کار برده و می‌نویسد: یک سیستم ارتباطی عبارت است از چیزی که بیان‌کننده‌ی رابطه یا عدم رابطه بین موضوعات (objects) یا اشیاء است. سپس مدل ذیل را برای یک سیستم ارتباطی مطرح می‌کند و می‌نویسد که این تصویری است که از مدلی برای یک سیستم ارتباطی میان پنج نفر که حلقه‌های (Linkes) بین آنها را نشان می‌دهد: پول در توضیح این مدل می‌گوید: در یک سیستم ارتباطی، شش جنبه مؤثر است:

۱. تعداد اعضا یک جمعیت این مسئله از آن نظر مهم است که با افزایش واحدهای یک سیستم ارتباطی، ظرفیت حلقه‌های واحدها بسیار سریعتر افزایش پیدا می‌کند.
۲. حجم جریان پیام (Volume of message flow)
۳. ظرفیت پیام (Message capacity)
۴. ساخت شبکه (network structure)
۵. دیدگاه نوع پیام انتقالی
۶. ساز و کار شکل (triggering) متفاوت باشد. در هر لحظه، یک سیستم ارتباطی ممکن است در حالتی از ابعاد پنج‌گانه‌ای که گفته شد قرار بگیرد و لحظه‌ای بعد تغییر کند. البته یکی از محاسن سیستم، پایداری توازن در آن است. زیرا سیستم خود می‌تواند خود را تصحیح کند و جلوی انحراف از حالت تعادل را بگیرد.



مدل یک سیستم ارتباطی ۵ نفره



هر دایره را به عنوان منبع پیام (یک شخص در ارتباط) در نظر گرفته شده است که به عنوان فرستنده پیام خود را به شکل رمز درآورده تا به صورت پیام جهت مقصد (گیرنده) بفرستد. همان طور که ارتباط فرایند در حال گردش است، در پاسخ جای فرستنده و گیرنده عوض می‌شود. پس هر فردی در فراگرد ارتباط، کد گذاری، انتقال و دریافت پیام، بازخوانی کد و شرح و تفسیر آن را انجام می‌دهد. پس شرام به نقش بازخورد و اهمیت آن در ارتباط بسیار اهمیت می‌دهد یعنی منبع می‌بایست بر اساس بازخورد گیرنده، پیام خود را تنظیم کند. شرام عنصر «میدان تجربه» را مطرح می‌کند یعنی منبع و مقصد می‌بایست دارای تجربیات مشترک، یکسان باشند تا امر اتصال پیام به طور موثر انجام شود. اگر هیچ تجربه مشترکی میان منبع و مقصد وجود نداشته باشد، ارتباط غیر ممکن است. شرام به این نکته توجه می‌دهد که در هر ارتباط بندرت پیام تنها در یک کانال فرستاده می‌شود منبع با استفاده از تن صدا، لحن صدا و کیفیت صدا (عمق، ارتفاع، خشن بودن، نازک بودن، قوی بودن، ظریف بودن، تند و کند بودن) کانال چهره، اندام وضعیت کلی بدن و... در حال ارسال پیام و بازخورد است. این نوع کانال ترکیبی (multiple channel) حتی در ارتباط نوشتاری نیز وجود دارد (مثل: تیترا، نوع فونت، اندازه و رنگ، جای مطلب در صفحه، تصویر و...).

#### ۵. مدل دیوید برلو<sup>۲</sup>

این مدل حاوی چهار عنصر منبع، پیام، کانال و گیرنده می‌باشد.

#### منبع و گیرنده

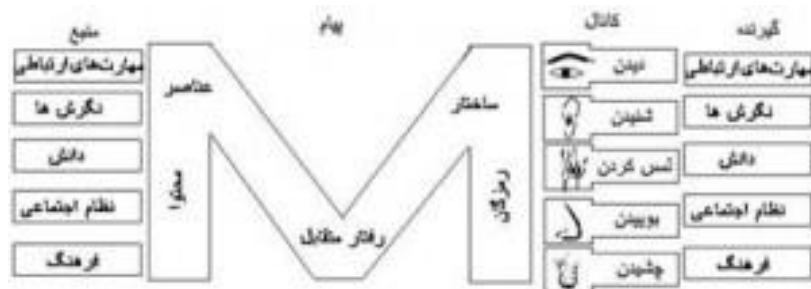
مسایل مطرح در مورد منبع (source) و گیرنده (receiver) عبارت است از مهارت‌های عمومی، نگرش، دانش و سیستم‌های اجتماعی پیرامون فرهنگ. برلو که به شدت تحت تأثیر نظریه محرک-پاسخ در روان‌شناسی بود، فرایند

<sup>۱</sup> همان مدرک، ص ۳۸۳ تا ۳۹۳ Wilber Shramm.

<sup>۲</sup> همان مدرک، ص ۳۹۳ تا ۴۱۲ pp:3-69 Berlo 1960

یادگیری و تفسیر را بررسی کرد. او نشان داد که چگونه فرد، هم‌واره هم‌گیرنده است و هم منبع. بنابراین یادگیری، مشتمل بر فرایند تفسیر محرک-پاسخ و عمل بر مبنای پیامدهای پاسخ است.

در تلاش برلو، مفهوم «قصد» ارتباطی، برای برقرار شدن ارتباط مؤثر و آشکار، نقش مهمی دارد. برلو معتقد است که قصد و هدف تمامی رفتارهای ارتباطی آن است که پاسخی خاص از جانب فرد یا گروهی خاص را برانگیزد و ارتباط، هنگامی مؤثر خواهد بود، که گیرنده با تلاش کم‌تری پاسخ مطلوب را ارائه دهد.



او پنج اصل را برای ارتباط مؤثر مطرح می‌کند:

۱. تواتر ارائه پیام، با پاداش و بدون پاداش؛
۲. رقابت محرکی مفروض با محرک‌ها و پاسخ‌های دیگر؛
۳. میزان پاداشی که در پی پاسخ به دست می‌آید؛
۴. فاصله زمانی دادن پاسخ و گرفتن پاداش؛
۵. میزان تلاشی که گیرنده فکر می‌کند، برای پاسخ مطلوب باید صرف کند.

برلو مدل خود را شرح و بسط می‌دهد تا رابطه‌ی میان ارتباط و معنا را نشان دهد. و اعتقاد دارد که ارتباط، یک فراگرد (Process) است و حتی مدل او به مدل فراگرد ارتباط، معروف است. که این خصوصیات را برای واژه فراگرد در ارتباط منظور داشته است: فراگرد پویا (ایستا نیست)، بدون آغاز و پایان، بدون ردیف از اجزا، دارای کنش‌های متقابل که هریک از اجزا و عناصرش بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌گیرد.

اجزای مدل فراگرد ارتباط برلو:

۱. منبع - رمزگذار (The Source-Encoder)، یک منبع ارتباط بعد از تعیین روشی که می‌خواهد با آن روی گیرنده‌اش تأثیر بگذارد، پیامی را به قصد تولید هدف دل‌خواهش رمزگذاری می‌کند. حداقل چهار نوع عامل در منبع وجود دارد که می‌تواند صحت آن را افزایش دهد. آن‌ها عبارتند از:

#### الف) مهارت‌های ارتباطی (Communication Skills)

پنج نوع مهارت ارتباط کلامی وجود دارد. دو نوع از آن‌ها مهارت‌های رمزگذاری است: نوشتن و گفتن؛ دو نوع از آن‌ها مهارت‌های رمزخوانی (Decoding Skills) است: خواندن و شنیدن. پنجمین مهارت به فکر یا تعقل (Thought or Reasoning) مربوط است. البته مهارت‌های رمزگذاری دیگری هم وجود دارند، که می‌توان مهارت‌های درباره نوشتن و گفتن را به سایر رمزگذاری‌ها عمومیت داد. سطوح مهارت‌های ارتباطی

می‌توانند هم در تجزیه و تحلیل هدف‌ها و مقاصد یاری کنند و هم میزان توانایی افراد را در رمزگذاری پیام‌هایی که مقصود آن‌ها را بیان می‌کند، تعیین کنند.

### ب) نگرش‌ها (Attitudes)؛

برلو فراگرد ارتباط را مؤثر از چند عامل می‌داند:

۱. نگرش نسبت به خود (Attitude Toward Self)؛ نگرشی است که بر رفتار منبع ارتباط تأثیر می‌گذارد.
  ۲. نگرش نسبت به مطلب خود؛ وقتی یک نویسنده یا سخنرانی مطلبی را بیان می‌کند، نگرش او تقریباً همیشه از میان پیامش فهمیده می‌شود.
  ۳. نگرش نسبت به گیرنده؛ نگرش منفی یا مثبت نسبت به گیرنده، بر روی پیام منبع تأثیر می‌گذارد.
- ج) سطح دانش (Knowledge Level) مقدار دانش یک منبع درباره موضوعش، بر پیام او تأثیر خواهد گذاشت.
- د) موقعیت منبع در یک سیستم اجتماعی-فرهنگی (Social-Cultural System) هیچ منبعی به‌عنوان یک فرد آزاد و بدون تأثیر از شرایط اجتماعی-فرهنگی، نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. یک فرد هنگام ارتباط در سیستم اجتماعی-فرهنگی چه جایگاهی دارد، چگونه عمل می‌کند، چه نقشی ایفا می‌کند، کارکردهایی که خواستار انجامش هست، پرستیژی که او در مقابل دیگران دارد، زمینه فرهنگی که او در آن ارتباط برقرار می‌کند و باورها و ارزش‌هایش چیست؟ شکل‌های رفتاری مقبول و شکل‌های رفتاری غیر قابل قبول در فرهنگ او کدامند؟ انتظارات شخصی او و انتظارات دیگران درباره او چیست؟ سیستم‌های اجتماعی-فرهنگی به‌طور نسبی عوامل تعیین‌کننده موارد زیر هستند: انتخاب کلماتی که افراد به‌کار می‌برند، هدف‌هایی که برای ارتباط دارند، معنی‌هایی که برای یک کلمه در نظر می‌گیرند، گیرندگانی که انتخاب می‌کنند و کانال‌هایی که برای انواع پیام‌ها برمی‌گزینند همه به سیستم‌های اجتماعی-فرهنگی وابسته‌اند.
۲. گیرنده- رمزخوان (Decoder-Receiver)؛ برلو درباره این جزء از مدل خود می‌نویسد: «شخصی که در یک سوی فراگرد ارتباط قرار دارد، با شخصی که در سوی دیگر این فراگرد ایستاده، از نظر عواملی که ذکر شد، تفاوتی ندارد. یکی از دشواری‌های صحبت درباره فراگرد، این است که وقتی ما با ارتباط درون‌شخصی روبرو هستیم، فرستنده و گیرنده، هردو، یک نفرند و ما به‌ناچار در یک سو منبع و در سوی دیگر، گیرنده را قرار می‌دهیم. در واقع، برای تجزیه و تحلیل فراگرد، منبع و گیرنده را به‌طور مجزا بررسی می‌کنیم و این، دلالت بر آن دارد که برای یک لحظه، پویایی فراگرد را متوقف کرده‌ایم. با چنین توقفی، می‌توان گیرنده- رمزخوان را مطالعه کرد. اگر گیرنده، توانایی گوش کردن، خواندن و فکر کردن را نداشته باشد، قادر به دریافت و رمزخوانی پیام منبع رمزگذار نخواهد بود. به‌همان ترتیب گیرنده- رمزخوان تحت تأثیر نگرش خود، به رمزخوانی یک پیام می‌پردازد و با نگرش خود نسبت به خویشتن، منبع و محتوای پیام، رمزخوانی می‌کند.
  ۳. پیام؛ برلو سومین جزء از مدل خود را به پیام، اختصاص داده و اجزای پیام را به رمز، محتوا و نحوه ارائه، تقسیم کرده است.

۴. **کانال؛** کانال، وسیله نقلیه پیام نه وسیله نقلیه حمل‌کننده. منظور وسایل ارتباطی عمومی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، تلگراف، روزنامه، فیلم، مجله، سخنرانی عمومی، اینترنت و غیره است. کانال ارتباطی به‌طور فیزیولوژیکی حس‌هایی است که رمزخوان (گیرنده)، می‌تواند با آن یک پیامی را درک کند که از سوی یک منبع (رمزگذار، فرستنده) رمزگذاری و منتقل شده است. در واقع کانال یک ساز و کار حسّی چون شنیدن، دیدن، لمس کردن و غیره است. به این ترتیب، در یک فراگرد ارتباط فرد با فرد، ساز و کار حسّی فرد، هم نقش رمزخوان را دارد و هم نقش کانال را. موضوع دیگری را که برلو در بحث کانال به آن می‌پردازد، انتخاب کانال مناسب برای هر ارتباط است.

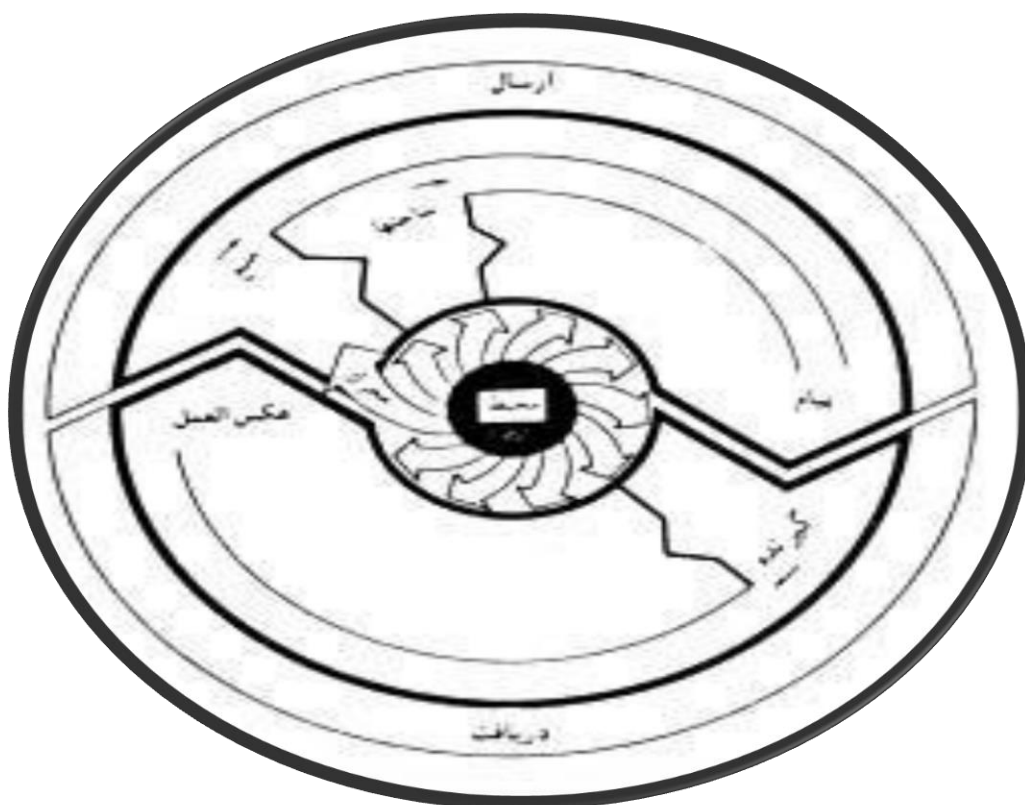
### نقد و تحلیل

محسنیان‌راد در کتاب ارتباط‌شناسی، می‌نویسد: «به‌نظر من، برلو فراگرد ارتباط را زیر عنوان مدل ارتباطی، بسیار مبسوط توضیح داده است؛ اما در ترسیم یک مدل مناسب یا به‌عبارتی، در ترسیم مدلی منطبق با مجموع نوشته‌های خود، چندان موفق نبوده است. پیام را به‌صورت یک حرف M بزرگ به‌عنوان حرف اول کلمه پیام در زبان انگلیسی ترسیم کرده و کلمات نحوه ارائه را وسط حرف M و کلمات ساخت و عناصر را بالا و رمز و محتوا را در دو سوی ساق حرف M جای داده است؛ که این جایگزینی بدون نظم و منطق انجام شده است.

### ۷. مدل ارتباطی آندروش، استتس و بوستروم<sup>۱</sup>

مدلی است برای درک فراگرد ارتباط کلامی که می‌تواند ارتباط چهره به چهره و تا حدودی گروهی را توجیه کند. پیچیدگی ارتباط کلامی بسیار زیادتر از یک فراگرد معمولی ارتباط است. تحریک ارتباط‌گر به وسیله رویداد محیطی اتفاق می‌افتد. ارتباط‌گر که ادراک خاصی از رویداد دارد، از آن رویداد تاثیر می‌پذیرد. در ارتباط، خود شخص، زبانش و سیستم‌های ارزشی او بخشی از پیامی هستند که در یک ارتباط کلامی دریافت می‌شوند. در هر موقعیتی وقتی دو یا بیشتر انسان کنار هم باشند، یکی شروع به فرستادن جنبه‌هایی از پیام می‌کند. منبع حتی قبل از صحبت کردن، با چهره و بدن خود یک پیام محسوب می‌شود.

<sup>۱</sup> همان مدرک، ص ۴۱۲ تا ۴۲۲. Andersh – Staats - Bostrom.



سه تن از محققان و صاحب نظران ارتباطات، آندروش، استتس و بوستروم، در کتاب خود ارتباط در کاربرد روزانه (Communication in Everyday Use) مدلی را برای فراگرد ارتباط کلامی مطرح کرده‌اند تا ارتباطات چهره به چهره و تا حدودی گروهی را توجیه کنند. آنها می‌نویسند، اکثر مدل‌های مطرح شده (مقصود مدل‌های برلو، شرام، وستلی و مک‌لین... است) برای ساده‌ترین معنای ارتباط هستند. در حالی که در ارتباط کلامی، میزان پیچیدگی بسیار زیادتر از یک فراگرد معمولی ارتباط است. به همین جهت در توصیف چنین فراگردی، نیاز به موشکافی بیشتری است. مثلاً در مدل‌های دیگر، پیام یا رفتارهای ارتباطی، به عنوان نتیجه‌ای از عقیده‌ها یا ایده‌ها هستند که در کانالی از طریق زبان، حس‌ها (feeling) یا حتی عواطف (emotions) و باورها (believes) به یک مقصد ویژه (particular destination) می‌رسد.

در ارتباط کلامی هر یک از عناصر باید به شکل محتوای و شیوه‌های مؤثر جای بگیرد. به عنوان مثال ارتباطگر به وسیله رویداد محیطی (environment event) تحریک می‌شود. ارتباط‌گری که یک ادراک خاص از آن رویداد دارد، زیر پوشش آن ادراک‌ها، از آن رویداد تأثیر می‌گیرد. سؤال اینجا است که این ادراک‌ها در عمل چگونه بخشی از پیام می‌شوند. به عنوان مثال، اگر پاسخ داده شده از سوی یک فرد نوجوان، حالت غفلت‌آمیز و بی‌تفاوت گوینده را

داشته باشد، ما به سرعت پیام‌هایی از آگاهی‌های اجتماعی درباره غفلت‌های نوجوانی، مسئولیت عمومی در برابر اعمال غفلت‌آمیز نوجوانان و همچنین داوری‌هایی از قبیل پائین بودن عمومی سطح دانش نوجوانان دریافت می‌کنیم. به همین ترتیب زبان و ساخت پیام نیز در اینجا دخالت دارد. اگر گوینده (همان نوجوان هیپی مانند مورد مثال) کلماتی را که به کار می‌برد نیز کلمات خاصی باشد (به اصطلاح به شیوه‌ای عامیانه صحبت کند) باز هم بخشی از ادراکات گیرنده را تشکیل خواهد داد که عملاً قسمتی از پیام می‌شود. بدیهی است که حس‌ها، عواطف و باورهای فرستنده نیز بخشی از پیامی می‌شود که گیرنده دریافت می‌کند. مثلاً حالت خشم، ترس و غیره که در فرستنده موردنظر همان نوجوان) وجود دارد، نیز قسمتی از پیامی است که گیرنده دریافت می‌کند. در واقع در ارتباط، خود شخص، زبان او و سیستم‌های ارزشی (value systems) او همگی بخشی از پیامی هستند که در یک ارتباط کلامی دریافت می‌شوند. به‌راستی آنچه گیرنده دریافت می‌کند ممکن است فقط سهم کوچکی از پیامی باشد که به او عرضه شده است.

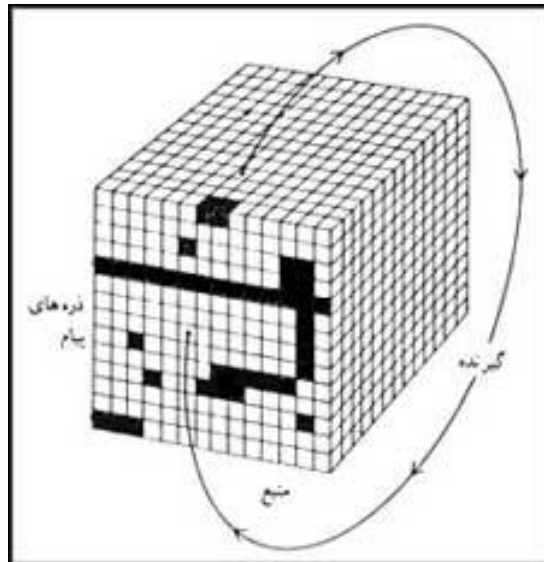
در اکثر مدل‌های ارتباط، به دو عنصر دارای کنش‌های متقابل (two interacting elements) پرداخته‌اند که در آنها یک سیستم ارسال‌کننده پیام و یک سیستم دریافت‌کننده پیام که هدف و نشانه موردنظر پیام است وجود دارد. اما محیط ارسال‌کننده شامل ظرفیت دریافت‌کننده برای تولید پیام، رویدادهای بیرونی مؤثر بر ظرفیت فرستنده و گیرنده نیز ممکن است به تحریک پیام بپردازد. در هر موقعیتی وقتی دو نفر یا بیشتر در کنار هم باشند، در برخی از مراحل، یکی از آنها شروع به فرستادن جنبه‌هایی از پیام می‌کند و به‌عبارتی، خودش یک منبع پیام می‌شود.

## ۸. مدل ارتباطی بکر<sup>۱</sup>

مدلی است که در آن عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری پیام در فرستنده بررسی شده است. اکثر کنش‌های ارتباطی از عناصری شکل می‌گیرند که ناشی از بیش از یک وضع اجتماعی است. در این مدل پیام‌های دریافتی منبع ریشه‌های پیام را تشکیل می‌دهند که به صورت موزاییک نشان داده می‌شود. تفاوت‌های فردی در دریافت پیام موثرند. در واقع علاوه بر روابط بین واحدهای اطلاعاتی، روابط داخلی خاصی نیز وجود دارد. موزاییک به عنوان یک واحد اطلاعاتی از طریق اجتماع به فرد می‌رسد.

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط‌شناسی»، ص ۴۲۲ تا ۴۲۵. از Beker, 1968, p: 16.

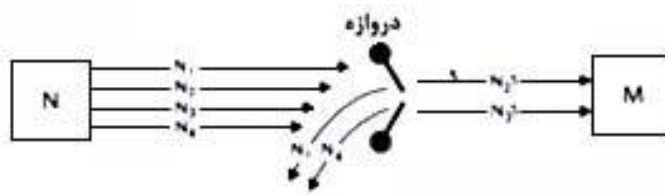




در سال ۱۹۶۸ بکر مدلی را برای نشان دادن فراگرد ارتباط طراحی کرد که در آن، مسئله عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری پیام در فرستنده، توضیح داده شده است. او می‌گوید: «بسیاری از کنشهای ارتباطی (communication acts) از عناصری شکل می‌گیرند که ناشی از بیش از یک وضع اجتماعی است. به عنوان مثال پیام می‌تواند از برنامه‌ای که اخیراً از تلویزیون دیده‌ایم و یا مطالعه‌ای که چند سال درباره آن موضوع کرده‌ایم و یا هر نوع زمینه قبلی دیگری ریشه گرفته باشد. بکر مجموعه پیام‌های دریافتی منبع را که ریشه‌های پیام او را تشکیل می‌دهد مرکب از واحدهای پیام (message bits) می‌داند. این واحدها در مدل او به صورت استوانه‌ها یا موزائیک‌ها (cube or mosaic) نشان داده شده است که هر استوانه ذخیره‌کننده یک واحد اطلاعات و مجموعه‌ای از چند واحد اطلاعات، لایه‌ای از اطلاعات (the layer of information) را تشکیل می‌دهد. برخی از این استوانه‌ها بسته هستند (که در تصویر به صورت استوانه‌های سیاه نشان داده شده است). این استوانه‌ها نشانه اطلاعاتی هستند که به دلایل مختلف قابل استفاده برای فرستنده پیام نیست. سایر لایه‌ها و استوانه‌ها نماینده منبع‌های اطلاعاتی قابل دسترس هستند. بکر در این مدل، پیچیده بودن باور نکردنی ارتباط را به عنوان یک فراگرد متغیر نشان داده که دائم در حال تغییر در هسته مرکزی بوده، در نتیجه گوناگونی ارائه پیام را نیز مطرح کرده است. یعنی در برخی از اوضاع، گیرنده پیام ممکن است در مقابل فراوانی واحدهای اطلاعاتی قرار گیرد و در مواقع و اوضاعی دیگر فقط با تعداد کمی از واحدهای اطلاعاتی روبه‌رو باشد. از دیدگاه بکر تفاوت‌های فردی نیز در دریافت پیام‌ها مؤثر هستند. به نظر او برخی از افراد می‌توانند مقدار زیادی اطلاعات را درک کنند. در حالی که گروهی از مردم با بسیاری از اطلاعات بیگانه خواهند بود. تفاوت‌های مردم در مواجه شدن با یک پیام یکسان ناشی از عوامل مختلفی است. به عنوان مثال رابطه آدمها با پیام، گاهی اوقات ناشی از چند شرط مفرد و تنها است و برخی اوقات حتی به رویدادهای دوران گذشته زندگی گیرنده پیام مربوط می‌شود. برخی از این رابطه‌ها منتج به تمرکز بر روی یک پیام خاص خواهد بود در حالی که در مواردی دیگر ممکن است تمرکز بر روی تعداد زیادی از واحدهای اطلاعاتی منتشر شده باشد که این امر ناشی از رابطه بین پیام گرفته شده و انبوه اطلاعاتی است که قبلاً دریافت کرده و به صورت تصاویر و رویدادهای پشت صحنه در میان موزائیک‌های مدل اطلاعاتی او قرار دارد. بکر در مورد مدل خود

اضافه می‌کند که علاوه بر روابط بین واحدهای اطلاعاتی، روابط داخلی خاصی نیز وجود دارد که نمی‌توان آنها را در مدل نشان داد. که ممکن است یک موزائیک به عنوان یک واحد اطلاعاتی از طریق اجتماع به فرد برسد و موزائیک دیگر ناشی از اطلاعات خصوصی، شخصی و درونی گیرنده باشد. موزائیک‌های درونی این استوانه، دارای آنچنان روابط پیچیده‌ای هستند که قابل نشان دادن در یک مدل نیستند. ولی آنچه مسلم است استوانه بزرگ و اصلی پیام‌ساز یک انسان، مجموعه بی‌شماری از واحدهای (bits of sensory data) اطلاعاتی حسی است که به طور مستقل و یا از رابطه با اطلاعاتی که منشاء فیزیولوژیکی دارد در کنار هم قرار گرفته‌اند.

## ۹. مدل وایت دروازه بانان خبر<sup>۱</sup>



مک‌کوایل در مقدمه این مدل می‌نویسد: مفهوم دروازه‌بان خبر به طور مکرر در مطالعات مربوط به فراگرد ارتباط جمعی مورد استفاده قرار گرفته است. مفهومی دلالت بر هر نوع عملی می‌کند که سازمان‌های ارتباطی برای انتخاب یا رد و یا پس زدن مضمون‌های بالقوه برای انتشار انجام می‌دهند. دنیس مک‌کوایل (Dinis Mcquail) استاد ارتباط جمعی در دانشگاه آمستردام از متخصصان برجسته و صاحب‌نظر معاصر در زمینه مدل‌های ارتباطی است. این مفهوم، نخستین بار به وسیله کورت لوین در سال ۱۹۴۷ به کار برده شد. او این مفهوم را مشابه تصمیم‌هائی مطرح کرد که یک زن خانه‌دار برای خرید مواد اولیه موردنیاز غذا به کار می‌برد. او خاطر نشان ساخت که اطلاعات همیشه در کانال‌هائی قرار می‌گیرد که حاوی منطقه دروازه (gate areas) است. منطقه‌ای که در آنجا تصمیم‌ها براساس مقررات بی‌طرفانه یا مقررات شخصی از سوی دروازه‌بانان اتخاذ می‌شود.<sup>۲</sup> دروازه‌بانان تصمیم می‌گیرند که آیا اطلاعات یا کالاها اجازه ورود و ادامه عمل در کانال را خواهند داشت یا خیر؟ که اگر از یک سو به این مسئله نگاه کنیم خواهیم دید که این، همان جریان اخبار در وسایل ارتباط جمعی است. در این مدل  $N$  به معنی منبع مضمون‌های خبری است که از آن مضمون‌های خبری،  $N_1, N_2, N_3, N_4$  و  $N_4$  بیرون می‌آید. این مضمون‌ها با دروازه برخورد می‌کند. در آنجا برخی از این مضمون‌ها کنار گذاشته می‌شود مثل  $N_1$  و  $N_4$  که در مدل دور اندخته شده است و  $2N_1$  و  $3N_1$  به صورت مضمون‌های انتخاب شده به طرف گیرندگان ( $M$ ) حرکت می‌کند و به آنان می‌رسد. این مدل اگرچه به‌عنوان اساس تحقیقات بعدی در زمینه فراگرد انتخاب از سوی بنگاه‌های خبری مورد استفاده قرار

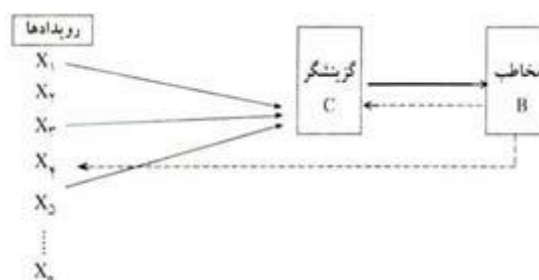
<sup>۱</sup> Dinis Mcquail.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۲۵ تا ۴۲۷. Mc Quail, 1986, p101.

گرفت ولی بعدها نقد و تکمیل شد. به ترتیب زمان می‌توان گفت که وستلی و مک‌لین پس از وایت مسأله دروازه‌بانی خبر را در مدل خود نشان دادند.

### ۱۰. مدل براس وستلی و مالکم مک‌لین<sup>۱</sup>

مدلی است که تفاوت بین ارتباط جمعی با ارتباط میان فردی را بررسی می‌کند، تفاوت عمده بین این دو را این‌گونه توضیح می‌دهند: ۱. ارتباطات چهره به چهره در بر گیرنده بارهای عاطفی و احساسی بیشتری است؛ ۲. در ارتباطات چهره به چهره، باز خورد به صورت سریع روی می‌دهد؛ ۳. در ارتباط چهره به چهره بین A و B یک نوع نظارت متقاطع انجام می‌شود. سهم این نظارت متقاطع برای A بیشتر از B است. بین فرد A و X با فرد B یک رابطه منظم وجود دارد X در واقع می‌تواند یک موضوع آشنا از دیدگاه B باشد. جهان تلفیقی از X هاست و این Xها ممکن است شامل Xهای فرد A نیز باشند B در حوزه حسی خود Xهای بالقوه نامحدودی دارد. و از میان Xها آن‌هایی را انتخاب می‌کند که به حداکثر خشنودی و رضایت منتج شود. مساله مهم این است که این Xها یا پیام‌ها، ویژگی‌های یک محرک را دارند و مثل هر محرکی، به دنبال پاسخی ظهور خواهد کرد. مثال: فرض کنید فرد B دارد از پنجره خانه‌اش بیرون را نگاه می‌کند ناگهان شعله‌هایی از آتش را در خانه همسایه می‌بیند. در این لحظه فرد B بر اساس Xهایی که در واقع بدون A به او رسیده است باید پاسخ دهد و در آن وضعیت کاری بکند.



در این وضعیت به نقش دیگری احتیاج پیدا می‌شود که C نامیده می‌شود. این فرد C کسی است که در اوضاعی که تماس و مرتبط شدن از طرق دیگر برای B غیر ممکن است از او استفاده می‌کند. وجود فرد C سبب می‌شود که فرد B برای دستیابی به آن خشنودی و حل آن مسائل که مکرراً به آن اشاره شد از یک محیط گسترده تر استفاده کند. در واقع اثر افزایش نقش C، گستردگی محیط برای B است. بر اساس این مدل این پیام‌ها به دو صورت پیام مفید و غیر مفید تقسیم می‌شوند:

پیام مفید: پیامی است که با این هدف از سوی A منشا گرفته که ادراک B را از یک X تقویت کند.

پیام غیر مفید: پیامی است که به B منتقل می‌شود (چه مستقیم و چه به وسیله یک C) بدون قصد و منظوری برای تحت تاثیر قرار دادن B از سوی ارتباط‌گر.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Bruce H. Wetley and Malcolm S. Maclean, jr.

## ۱۱. مدل مک نلی<sup>۲</sup>

این مدل به نقش انواع ارتباط گران میانجی بین رویداد و گیرندگان نهایی اشاره می‌کند. برای نخستین بار در جریان اخبار بین المللی این مدل انتشار یافت. در مدل مک نلی، جریان اخبار به صورت فرضی چنین در نظر گرفته می‌شود. اگر خبر نگار را بصورت «آ»، مسئول بنگاه خبری در آن شهر به صورت «ب» و متن خبر ارسالی به صورت «پ» در نظر بگیریم. خبری که در دسترس «آ» قرار گرفته می‌شود ممکن است در دفتر منطقه‌ای کمی تغییر کند و خلاصه آن در اختیار «ت» قرار گیرد. این چرخه ادامه دارد تا خبر مذکور مسیر طولانی و پر از ارتباط گران میانجی را طی کند و به گیرندگان خبر برسد. مک کوایل درباره این مدل می‌نویسد: «نخست حقیقت آن است که مهم ترین عمل دروازه‌بانی خبر به ویژه در مورد اخبار بین المللی پیش از آنکه به روزنامه برسد اتفاق می‌افتد. دوم آنکه دروازه‌بانی خبر صرفاً پذیرش یا رد یک خبر نیست بلکه میانجی‌ها اغلب شکل و ذات این مطلب را تا زمانی که بدست گیرندگان نهایی برسد تغییر می‌دهند. سوم، عمل دروازه‌بانی خبر در مرحله انتشار از سوی وسیله ارتباط جمعی پایان نمی‌یابد بلکه گیرندگان ابتدایی خبر نیز اغلب نقش دروازه بانان خبر را برای دیگران ایفا می‌کنند و چهارم آنکه باز خورد کمتر اتفاق می‌افتد و اغلب اگر هم باشد با کمی تغییر انجام می‌شود.

این مدل برای وسائل ارتباط جمعی تبیین شده است درحالی که قابلیت دارد تا در ارتباط فردی نیز تبیین شود، آن در جایی مصداق می‌یابد که ارسال پیام واسطه می‌خورد، یعنی شخص گیرنده‌ی پیام، پیام را دریافت کرده و «پس از دروازه‌بانی پیام» آن را از طرف فرستنده برای دیگران ارسال نماید. پس می‌توان گفت بین شخص فرستنده اول و گیرنده‌ی آخر پیام ارتباط برقرار شده که توسط واسطه «دروازه‌بانی پیام» صورت گرفته است.

## ۱۲. مدل برن لوند<sup>۳</sup>

مدل طراحی شده بنام «مدل راهنما» خوانده شده است. برن لوند در مدل خود به جای استفاده از رمز، از کلمه راهنما استفاده می‌کند؛ که در واقع به این علت بوده که معنی رمز، نشانه تصویری و نشانه طبیعی، هر سه را با هم داشته باشد. این مدل ارتباط فرد با محیط، فرد با فرد و فرد با دیگران را توضیح می‌دهد. وی در مدل خود ارتباط درون فردی و ارتباط میان فردی را تشریح می‌کند. برن لوند اذعان دارد که مدل راهنمای او ممکن نیست که بطور کامل همه معیارهای یک مدل مطلوب و کامل را داشته باشد اما این مدل می‌تواند وسیله‌ای باشد که تحقیقات در این زمینه را به سوی راه‌های بهتر معطوف گرداند.

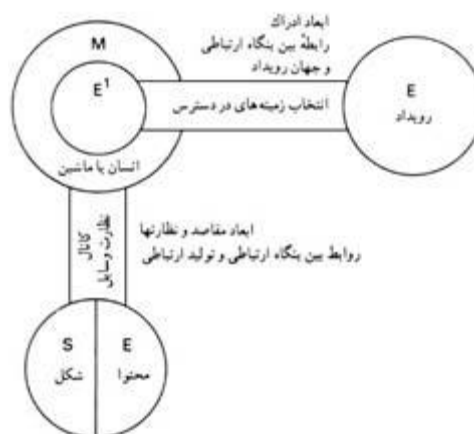
<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۲۷ تا ۴۳۶، Mcquail, 1986, p103.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۳۴ تا ۴۳۶، M.cNely.

<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۳۶ تا ۴۴۵. Geoge Gerbner pp: 18 - 20.

### ۱۳. مدل ارتباطی گرینر<sup>۱</sup>

این مدل نخستین بار در سال ۱۹۵۶ مطرح شد. ویژگی این مدل آن است که می‌تواند گونه‌های مختلف شرایط ارتباطی را توصیف کند. این مدل برای توصیف یک فراگرد ساده مثل پیام و رویدادهای مربوط به آن قابل استفاده است و می‌تواند پاسخ‌هایی درباره طبیعت و اثر متقابل شناخت و ادراک از یک سو و تولید پیام از سوی دیگر عرضه کند. این مدل، هم برای پیام‌های کلامی و هم انواع پیام‌های تصویری و گرافیکی قابل استفاده است.



مدل گرینر<sup>۲</sup> سوال‌های لاسول را بصورت زیر توسعه می‌دهد و مطرح می‌کند:

- ۱- یک شخص، ۲- یک رویداد را درک می‌کند، ۳- وبه آن واکنش نشان می‌دهد، ۴- در یک شرایط و موقعیت خاص، ۵- به خاطر مقاصد و هدفی، ۶- توسط امکاناتی که در دسترس دارد، ۷- به شکل و فرمی خاص، ۸- و زمینه‌ای ویژه، ۹- برای انتقال محتوا، ۱۰- با نتایجی.<sup>۳</sup> این مدل در سطوح مختلف مفید است و نشان می‌دهد که فراگرد ارتباط انسانی، یک فراگرد ذهنی، انتخابی، متنوع و متغیر و غیر قابل پیش بینی است. در واقع سیستم ارتباط انسانی یک سیستم باز است.

### ۱۴. مدل ارتباطی (فرهنگی، علی اکبر)

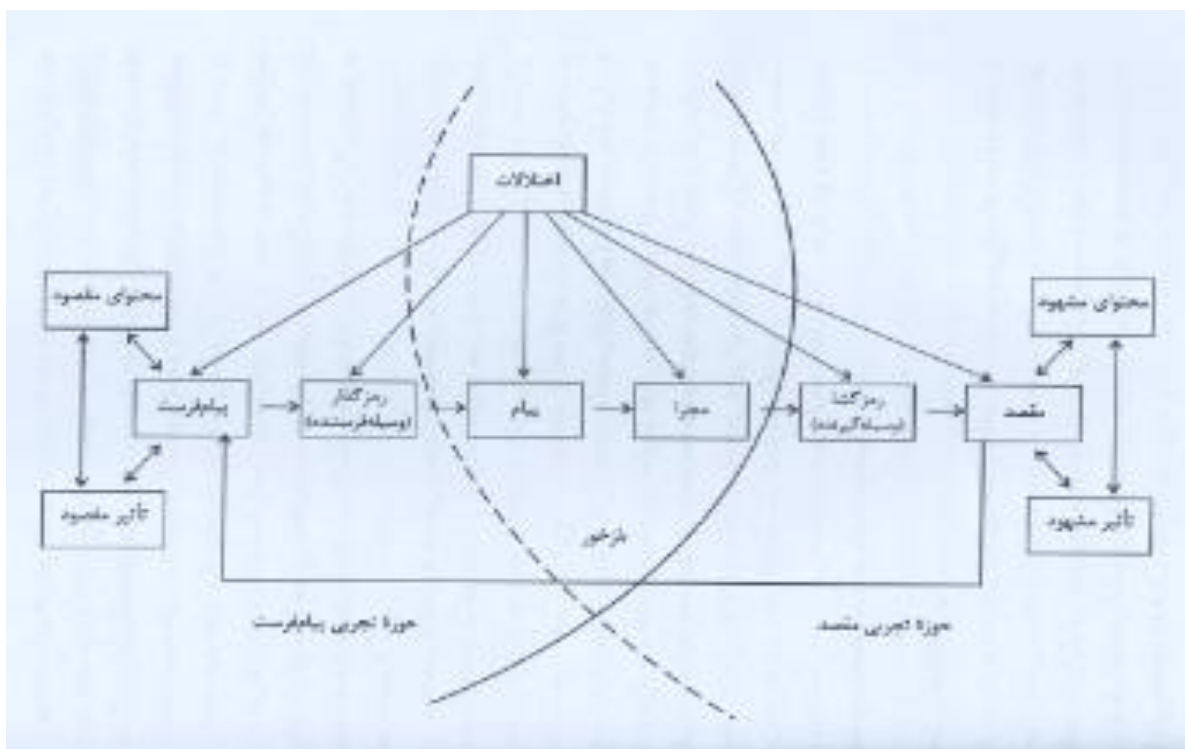
در کتاب ارتباطات انسانی نوشته دکتر علی اکبر فرهنگی در فصل سوم بعد از آوردن اسم بعضی از مدل‌ها، دسته‌بندی و ارزیابی آنها در آخر خلاصه و چکیده (وجه مشترک) مدل‌های ارتباطی را تحت عنوان کلی «مدل ارتباطی» بدین شرح آورده است: اگر مروری بر مدل‌های گوناگون علم ارتباطات داشته باشیم در میابیم که همه‌ی آنها عناصر و اجزاء اساسی ارتباط را مورد نظر داشته که عبارت است از: فرستنده، پیام، وسیله و مخاطب. و روابط بین آنها را بر آن اساس تنظیم کرده‌اند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۴۵ تا ۴۴۹. Geoge Gerbner pp: 18 - 20.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۴۶. Geoge Gerbner.

<sup>۳</sup> Gerbner, 1956, p171.

<sup>۴</sup> فرهنگی، علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۶۵.



اجزاء ارتباطات در مدل عبارتند از: پیام فرست (Sender)، رمزگذار (Encoder)، یا وسیله (Transmitt)، پیام (Message)، رمزگشا (Decoder) و مقصد (Destination) یا گیرنده ی پیام (Receiver).

پیام فرست بر اساس «تأثیر مقصود» (Intended effect) (قصد و نیتی) پیام خود را شکل می دهد. علاوه بر این محیط فراگیر پیام فرست «حوزه ی تجربی» پیام فرست (Experience domain) (ساختار بندایی شده توسط حوزه ی تجربی فرستنده) نیز در شکل دهی «محتوای مقصود» (Intended content) در ذهنش نقش اساسی دارد. پیام فرست پیشاپیش در ذهنش تأثیر آن را بر روی دریافت کننده پیام می سنجد؛ سپس این محتوی را در چارچوب رمزگذاری خود قرار داده تا تبدیل به پیام کند. این پیام می تواند گفتاری، نوشتاری، حرکتی یا غیر کلامی (Nonverbal) باشد. پیام از طریق مجرا (Channel) به وسیله گیرنده (Transmitter) تحویل داده می شود. و عمل رمزگشایی (Decoding) صورت می پذیرد. علاوه بر آنها «محتوای مشهود» (Perceived content) و «تأثیر مشهود» (Perceived effect) نیز مورد نظر است که در حوزه ی تجربی گیرنده ی پیام یا مقصد قرار گرفته اند، به مقصد رسیدن پیام به معنای پایان یافتن فراگرد ارتباطی نیست بلکه با رمزگشایی توسط دریافت کننده پیام محتوای مشهود شکل یافته و نتیجه ی آن (همان طور که با خطوط دوجانبه مشاهده می شود) تأثیر مشهود، است. اگر تأثیر مشهود، همان تأثیر مد نظر پیام فرست باشد، ارتباط به درستی انجام یافته است که در «بازخورد» (Feedback) روشن می شود ولی هر میزانی که این دو (تأثیر مقصود و تأثیر مشهود) باهم مغایر باشد، ارتباط در نظر پیام فرست به

درستی شکل نگرفته است که از آن تعبیر به «اختلالات» (Noises) شده که در تمام اجزاء به نحوی از انحاء به گونه‌ای مستقیم، و غیر مستقیم احتمال می‌رود. <sup>۱</sup> سپس به تعریف و دسته بندی اختلالات بدین شرح پرداخته است:

الف) اختلالات درونی: بیشتر به خود اجزاء ارتباطی بر می‌گردند؛ درباره‌ی فرستنده‌ی پیام و گیرنده‌ی آن اکثراً مشاهده می‌شود، مثل خستگی، بی‌توجهی، سازمان نیافتگی و غیره.

ب) اختلالات بیرونی: بیشتر در محیط (Environment) ارتباطی نشأت یافته و ایجاد اشکال می‌کند: مثل سر و صدا، نامساعد بودن آب و هوا و... <sup>۲</sup>.

## ۱۵. مدل ارتباطی منبع معنی <sup>۳</sup>

**مقدمه:** دکتر مهدی محسنیان راد، نویسنده کتاب ارتباط شناسی پس از سالها تحقیق، مطالعه و تدریس متون جامعه‌شناسی در دانشگاه به این نتیجه رسیده که مدل‌های ارتباطی موجود (که بخشی از مهمترین مدل‌های ارتباطی آورده شد) او و طالبین این موضوع را اقناع نکرده است. لذا تصمیم گرفته است با توجه به اندوخته‌هایش در این زمینه، یک تعریف کامل‌تری از ارتباطات ارائه کرده و مطابق آن یک مدل ارتباطی کامل‌تری طراحی کند. که به گفته نویسنده، این مدل، پس از ترجمه به زبان فرانسوی، آلمانی و انگلیسی و عرضه به جامعه علمی جهانی مورد پذیرش و ستایش بعضی از بزرگان علم جامعه‌شناسی <sup>۴</sup> قرار گرفته است. <sup>۵</sup>

### منبع معنی و درجه معنی

نخستین جزء لازم برای ارتباط معنی است، محسنیان راد آن را بصورت یک گوی فرض کرده، که می‌تواند نماینده‌ی سلولی در مغز با فعالیت‌های الکتریکی (طبق نظر کنت ۱۹۸۱) یا به صورت ترکیبهای پروتئینی در مغز باشد (مطابق نظر آسراتیان ۱۹۸۳). بی شک این معنی‌ها در مغز انسان جای دارد، معانی را در یک مکعب جای داده و آن را «منبع معنی» (meaning source) نامیده است:

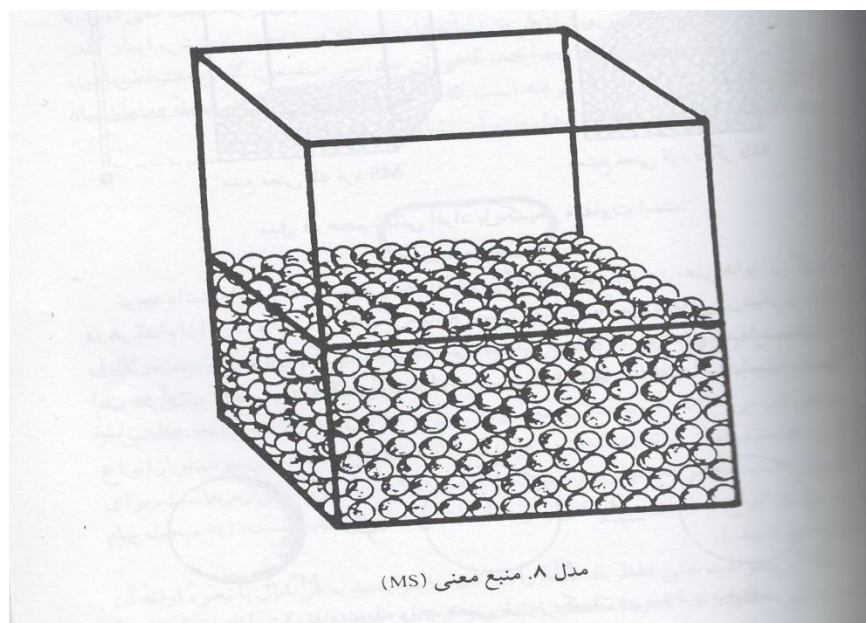
<sup>۱</sup> فرهنگی، علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۶۷.

<sup>۲</sup> فرهنگی، علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۶۹.

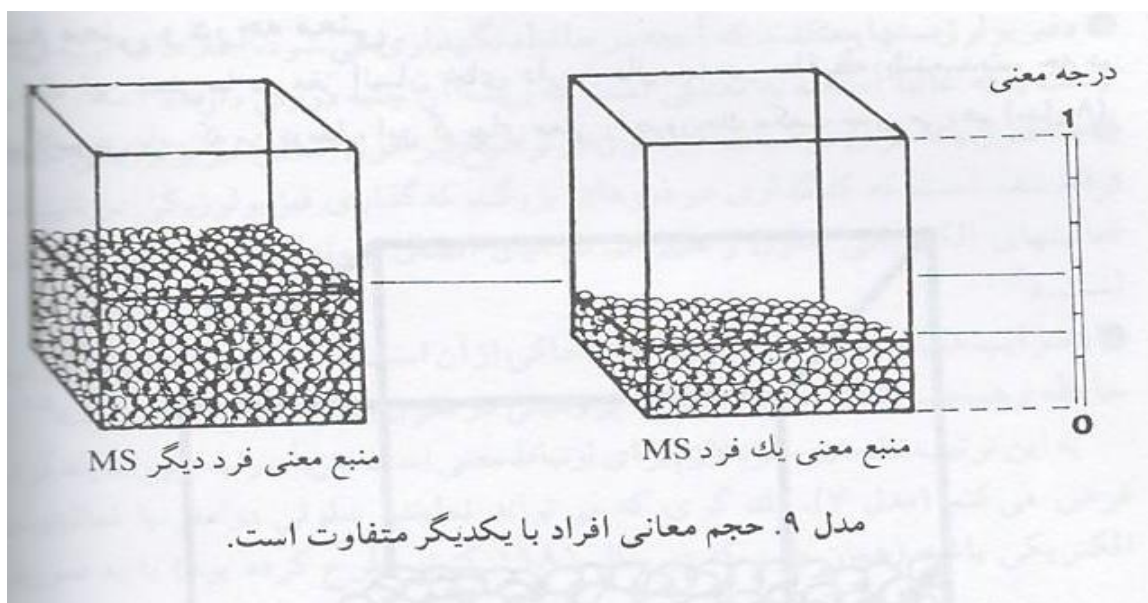
<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۱۵ تا ۳۷۰.

<sup>۴</sup> پروفیسور دنیس مک کویل، دکتر هال فیشر، دکتر ویبرت سی، دکتر عباس ملک از دانشگاه هووارد.

<sup>۵</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، در مقدمه چاپ دوم صفحه چهارم.



حجم (میزان) معنای موجود این مکعب نامحدود است و آن را «درجه معنی»<sup>۱</sup> می‌نامند؛ که از بدو تولد انسان همواره در حال افزایش است؛ پس تعداد یا حجم معانی برای یک کودک ۳ ساله طبیعی با یک فرد ۳۰ ساله طبیعی، یکسان نخواهد بود.<sup>۲</sup> باید دانست که نسبت منبع معنی بالفعل افراد به منبع معنی بالقوه‌ی آنها همیشه کمتر از یک است:

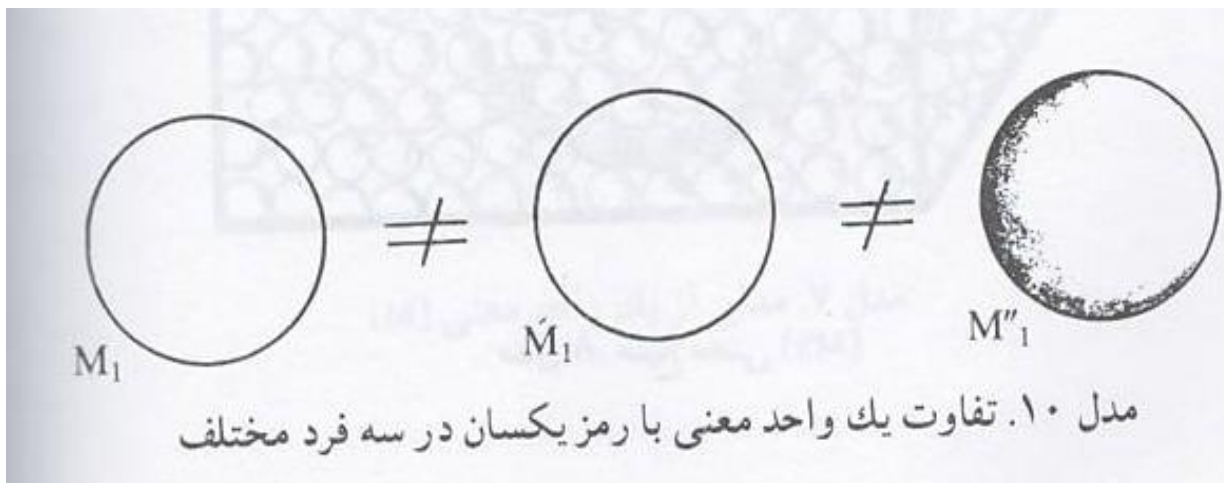


توجه داشته باشید تک‌تک این معانی (گوی‌ها) با یکدیگر (در هر کدام از این دو مکعب) با یکدیگر مشابه نیستند. تفاوت شدت و ضعف در معانی با سایه روشن نشان داده می‌شود:

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۲. می‌توان معادل آن را (degree of meaning) دانست.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۱.





### تجلی معنی

برای این که ارتباط انجام شود ابتدا لازم است منبع معنی، رمز یا نشانه ای را به عنوان نماینده‌ی معنی‌ای که در ذهن او متجلی شده است ایجاد کند.<sup>۱</sup>

### هدف از برقراری ارتباط:

دانشمندانی به تعیین هدف برای ارتباط پرداخته‌اند. مثل اثر گذاری بر دیگران و افناشان<sup>۲</sup>، دو هدف در جنبه شناختی و جنبه عاطفی<sup>۳</sup>، سه هدف آموزشی، آگاهی، سرگرمی<sup>۴</sup>. که برای هدف از ارتباط نمی‌تواند کامل باشد.

نکته: از دیدگاه جامعه‌شناسی، «تحریک متقابل اجتماعی» (social interstimulation) منتج به «برخورد اجتماعی» (social contact) شده و نتیجه‌ی آن ساده‌ترین عنصر زندگی مشترک انسانی یعنی «کنش اجتماعی» (social act) شده و نتیجه‌ی آن «ارتباط متقابل اجتماعی» (social intercommunication) می‌شود.<sup>۵</sup> هدف از ارتباط بسیار متنوع‌تر از این‌هاست. همان‌طور که هدف از زندگی هر شخص در هر جامعه و در هر مقطع زمانی می‌تواند متفاوت با اوضاعی دیگر باشد، هدف از برقراری ارتباط نیز در هر لحظه ممکن است جدای از لحظه‌ی قبل باشد. اما می‌توان گفت سهم عمده‌ای از هدف برقراری ارتباط، تأثیرگذاری بوده و حوزه‌ی این تأثیرگذاری بسیار وسیع است.

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۷. آشتیانی، ۱۳۵۵، ص ۳۶.

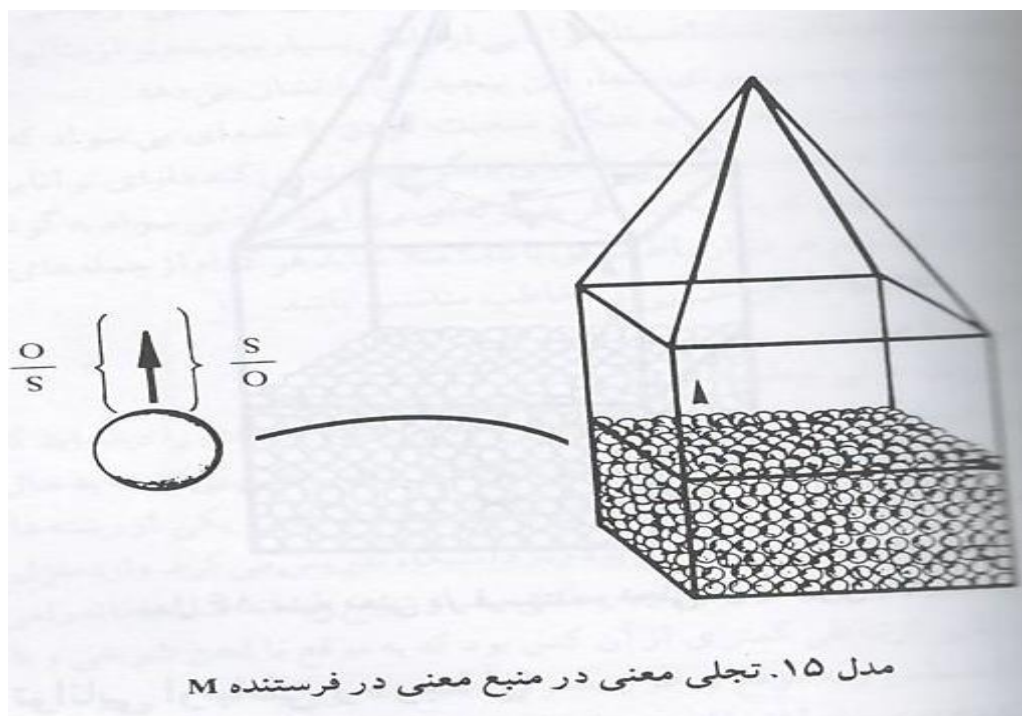
<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۸. منسوب به ارسطو. Rhys, 1946, p6.

<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۸. منسوب به فاکولته (Faculty) رشید پور ۱۳۴۸، صص ۱۴-۱۵.

<sup>۴</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۸. (نخستین کارشناسان ارتباط جمعی)

<sup>۵</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۹. تلخیص از آریان‌پور، ۱۳۴۲، ص ۱۸.

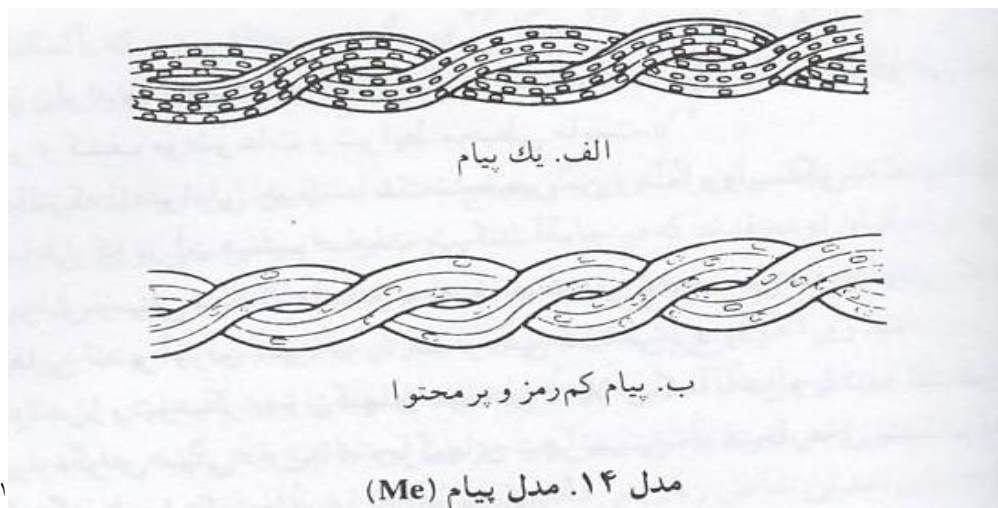
در هر صورت، باید انگیزه‌ای برای برقراری ارتباط باشد تا یک معنی در ذهن فرستنده‌ی پیام تجلی یابد، که آن (علت تجلی معنی در ذهن) را با یک فلش رو به بالا روی گوی (معنی) در مدل به تصویر می‌کشیم که این فلش نماینده‌ی تجلی معنا<sup>۱</sup> در مدل است.



### رمزها، نحوه ارائه و پیام

جزء بعدی در فرایند پیام نماد «رمز یا نشانه» است. که در زبان‌های مختلف برای یک معنی نمادها یا کلمات متفاوتی بکاربرده می‌شود. نشانه‌های غیر کلامی نیز از مصادیق رمز می‌باشد که به صورت یک بیضی کشیده نشان داده می‌شود. عملاً یک رمز یا نشانه با نحوه‌ی خاصی از ارائه همراه است که نحوه‌ی ارائه‌ی انتخاب شده را در مدل به شکل دو خط (موازی) اطراف آن (مثل یک لوله) در تصویر می‌آید. این رمز یا نشانه به ندرت به تنهایی بکار می‌رود. حتی کلمه‌ی آدم نیز از سه رمز آ-د-م تشکیل شده است. این رمزها در کنار یکدیگر قرار گرفته (مثل یک کابل برق چند رشته‌ای) و محتوای پیام را تشکیل می‌دهند. البته این رمزها با نحوه‌ی ارائه‌ی آنها که در کنار هم، را نباید بصورت مجرد (صاف و مستقیم) نشان داد بلکه «چگونگی ترکیب این‌ها با هم نیز بسیار مؤثر است تا سر انجام پیام تشکیل گردد، مثال: اگر بگوئیم «مادرم بیمار بود»، «ننه‌ام بیمار بود»، «مامانم بیمار بود»، «مادرم مریض بود»، «ننه‌ام ناخوش بود» و یا... که برای گفتن هریک از این ترکیب‌ها حالت نگاه، لحن و تن صدا، نحوه قرارگرفتن نشانه و نوع قرارگرفتن پاها را به نحو خاصی تنظیم کنیم. این چگونگی قالب پیام را با «مارپیچ» کردن آن در مدل نشان می‌دهیم:

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۳۱ این واژه «تجلی معنی» را در هیچ یک از تعریف‌ها یا مدل‌های دیگر نیست شاید بتوان آن را معادل (Meaning manifestaion) دانست.

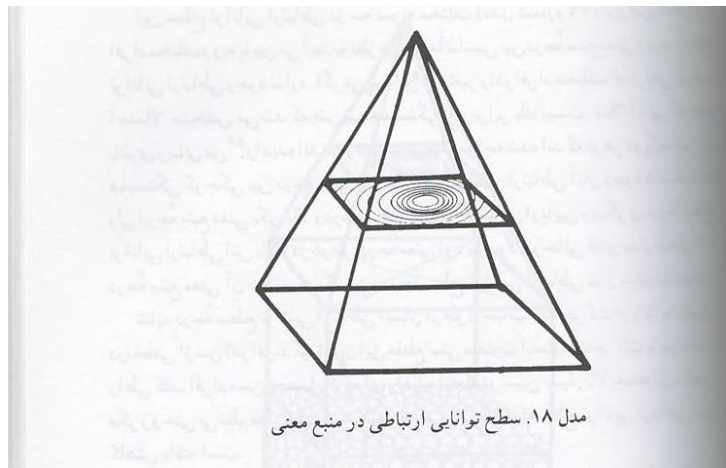


### سطح توانایی ارتباطی:

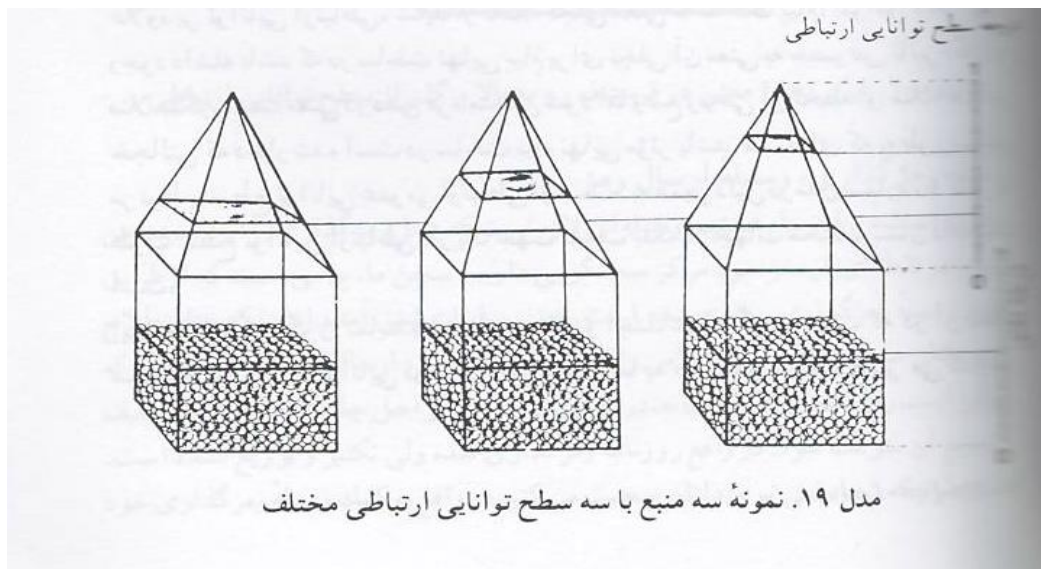
نسبت منبع معنی بالفعل نسبت به منبع معنی بالقوه کمتر از یک است؛ و حجم منبع معنی بالفعل افراد در یک کودک طبیعی با یک بزرگسال طبیعی متفاوت است؛ حجم منبع معنی از یک آدم با تجربه با یک آدم کم تجربه هم سنش بیشتر است؛ و اگر حوزه تجربه را وسعت دهیم تفاوت آدم کم دانش و پر دانش نیز متفاوت است. در این جا نیز عامل دیگری مطرح است، «توانایی ارتباطی»<sup>۲</sup> آیا فردی که به دو زبان مسلط باشد دارای توانایی بیشتری در مقابل کسی که یک زبان می داند نیست؟ کسی که فقط جدی است با کسی که به موقع با لحن شوخی و یا با لحن جدی، یا با احساس عاطفی و به موقع با احساس معمولی صحبت می کند؛ آیا توانایی ارتباطی یکسانی دارند؟ یا مثلاً توانایی ارتباطی یک امام جمعه ای که می تواند، ده ها هزار نمازگزار را میخکوب و مجذوب خطبه ای خود کند، با توانایی ارتباطی یک معلم یکسان است که در یک کلاس سی نفری باید با فریادهای مکرر از شاگردانش بخواهد که به حرف های او توجه کنند؟ توانایی ارتباطی بیش از این مثال هاست. توانایی ارتباطی را به صورت صفحه ای فرض می کنیم که در آن حلقه های بسیاری قرار دارد مثل همان حلقه های تنه ی درختی که پس از برش عرضی دیده می شود. برای نشان دادن توانایی بیشتر ارتباطی سطح مستطیل را افزایش داده و حلقه های روی آن را فشرده تر و زیادتر نشان می دهیم. جایگاه آن مستطیل (سطح توانایی ارتباطی) در مدل در بالای منبع معنی است:

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۲۵.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۳۲. (communication ability)



هرچه فاصله سطح توانایی ارتباطی (مستطیل) از نوک حرم بیشتر باشد، سطح آن افزایش یافته که بیانگر سطح توانایی ارتباطی بیشتری است. نمونه سه سطح توانایی ارتباطی در تصویر زیر آمده است:<sup>۱</sup>



نکته: این طور نیست که هرکس از حجم منبع معنای بالایی برخوردار باشد از سطح بالای توانایی ارتباطی هم برخوردار باشد، اینها دو مقوله‌ی جدای از هم دیگر است ممکن است هردو بالا، یا هر دو پائین و یا متفاوت باشند.

### وسیله‌ی رمزگذاری، وسیله ارسال رمز:

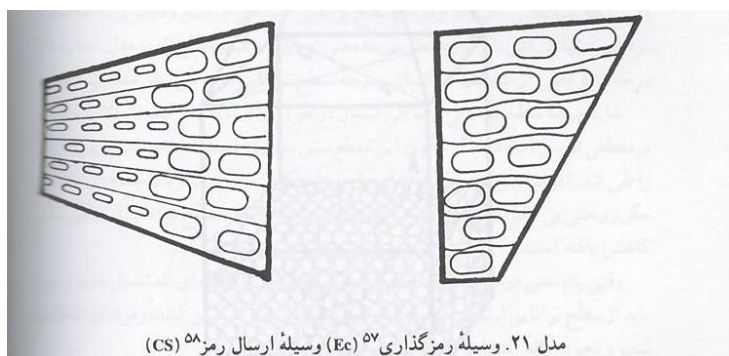
من و شما در نقطه‌ای از مغز خود مرکز سخن‌گوئی داریم. سخن ما پیامی است که از طریق همان وسیله رمزگذاری ساخته شده است. حتی برایتان پیش آمده‌است که به اصطلاح توی دلتان (یا با خودتان، حدیث نفس) صحبت کنید در واقع به کمک وسیله‌ی رمزگذاری، پیامی را ساخته ولی آن را به کسی ارسال نکرده‌اید.

مسئله تفکیک (دوگانگی) وسیله رمزگذار و ارسال رمز نه تنها در این گزینه بلکه در تمامی انواع ارتباط وجود دارد و من متعجبم که چرا در مدل‌های دیگر این دو را با هم و به صورت یکسان نشان داده‌اند.

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۳۲ - ۳۳۵.

در تصویر زیر وسیله رمزگذاری و ارسال رمز (در مدل ارتباطی منبع معنی) به صورت مجزا نشان داده شده

است:



به این ترتیب به دنبال تجلی معنی، در منبع معنی (در ذهن فرستنده) و عبور این تجلی از سطح توانائی ارتباطی، وارد مرحله رمزگذاری شده، توسط دستگاه رمزگذاری (با استفاده از رمزهای مناسب موجود در حافظه) پیام تشکیل می‌شود، تا از طریق وسیله ارسال رمز ارسال شود.<sup>۱</sup>

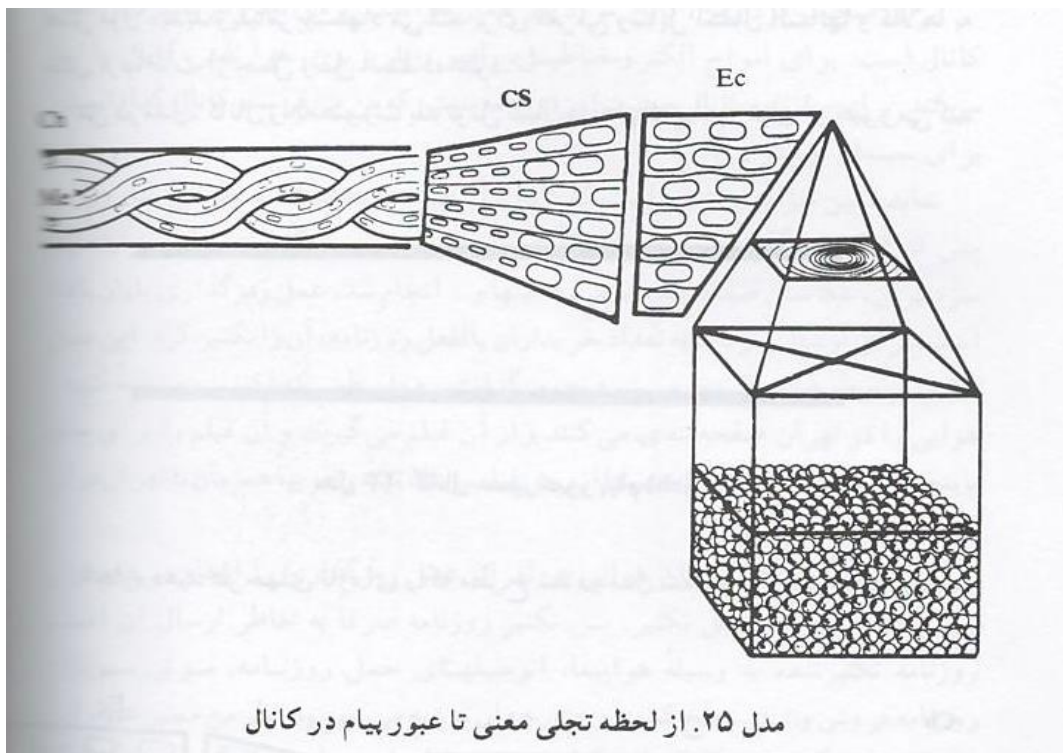
نکته‌ای که در تبیین مدل در کتاب دقت نشده است: منظور از وسیله رمز گذار فعلاً آن قسمتی از فرایند ارتباط است که در درون انسان معنی را تبدیل به رمزها و نشانه‌هایی مثل کلمات و واژه‌ها، حرکات معنی دار در ذهن و ... می‌کند، یعنی اولین مراحل تصور و تخیل یا تفکر. ولی در تصویر مدل ارتباطی کامل شده این وسیله رمزگذاری شامل وسائلی مثل تلفن، فکس، موبایل و ... که صدا را تبدیل به الکترون‌ها یا امواج می‌کنند، نیز می‌شود (که از آنها به عنوان دستگاه فرستنده یاد می‌شود).

### کانال:

پیام می‌تواند به صورت نوشته روی کاغذ، صدا در هوا، جریان الکتریسیته در داخل سیم تلفن و امواج الکترو مغناطیس در فضا و ... راه خود را طی کند. تونلی که پیام از آن عبور می‌کند: کانال می‌گوییم. مشابه همان آب برای عبور قایق در مثال مدل دیوید برلو. اگر فرض کنیم دو نفر در یک اتاق بدون هوا بتوانند به حیاتشان ادامه دهند، و بخواهند با هم صحبت کنند صدای آنها در آن اتاق بدون هوا منتقل نخواهد شد و در واقع صحبت یکدیگر را نخواهند شنید زیرا کانال برای عبور امواج صوتی هوا است. برای یک روزنامه کانال چیست؟ یک روزنامه وقتی آماده چاپ شود، مرحله رمزگذاری پایان یافته است. چاپ و تکثیر روزنامه اولین قسمت از مرحله ارسال پیام است. این عمل تکثیر تا رسیدن روزنامه به دست خواننده مربوط به ارسال پیام است نه رمزگذاری. البته نباید وسائلی نقلیه را جزء وسائلی ارتباطی (جزئی از اجزاء فرایند ارتباطی) دانست. در این مدل کانال به صورت یک تونل (دو خط موازی) نشان داده می‌شود که پیام از میان آن عبور می‌کند. رویدادهایی که تا اینجا توضیح داده شد، در تصویر زیر می‌آید:<sup>۲</sup>

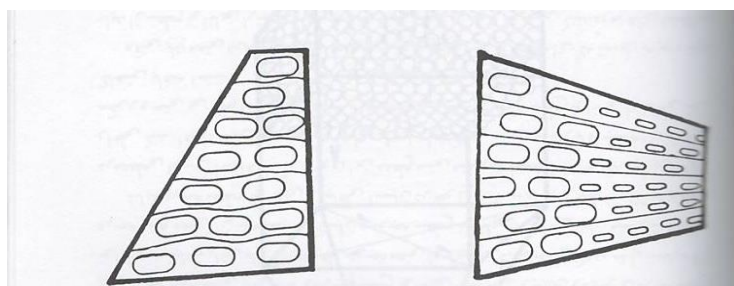
<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۳۷ - ۳۳۹.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۳۹ - ۳۴۲.



### وسیله‌ی دریافت رمز، وسیله‌رمزخوانی

گوش وسیله دریافت صوت است و قسمتی در مغز انسان که کلمات را با معانیش معادل‌سازی (مفهوم) می‌کند وسیله رمزگشایی است. چشم مثل یک دوربین فیلم‌برداری است و قسمتی در مغز تصاویر را دیده و معنی می‌کند. در این جا نیز دو وسیله‌ی مجزا مشغول عمل است؛ وسیله دریافت رمز (CR)<sup>۱</sup> و وسیله رمزخوانی (DE). اگر هر کدام از دریافت‌کننده پیام یا رمزگشا (پخش‌کننده یا مفسر پیام) نباشد یا اختلال در آن ایجاد شود فرایند برقراری ارتباط دچار مشکل می‌شود. تصویر این دو، در مدل، عکس تصویر وسیله رمزگذار و ارسال‌کننده‌ی رمز است:<sup>۲</sup>



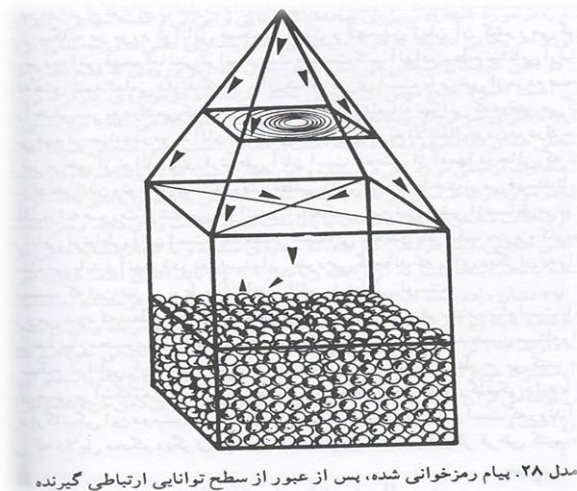
### تفسیر و ارزیابی معانی متجلی‌شده در اثر پیام

برای مخاطب (گیرنده) هم منبع معنی و سطح توانایی است. پیام پس از گذر از کانال ارتباطی باید توسط دستگاه گیرنده‌ی پیام (وسیله دریافت رمز) دریافت شده و به وسیله رمزگشا تبدیل به معنی گردد. در این هنگام پیام

<sup>۱</sup> Code receiver

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۲-۳۴۳.

از سطح توانایی ارتباطی گیرنده عبور کرده و مخاطب معنی متجلی را دریافت می‌کند. گذر پیام از سطح ارتباطی دریافت‌کننده پیام و بازتاب آن در منبع معنایش را در مدل ارتباطی در تصویر زیر می‌بینید:



آنچه گیرنده‌ی پیام ارزیابی و تفسیر می‌کند آن معنی‌های متجلی شده در ذهن خودش است. یعنی از بازخوانی رمزهایی که دریافت کرده از میان معانی موجود در ذهنش بعضی، متجلی می‌شود نه این که عیناً همان معنی در فرایند پیام به او انتقال یابد.<sup>۱</sup> اگر معنای مورد نظر در ذهن پیام‌فرست را با «M» و معنای متجلی شده در اثر پیام را در ذهن پیام‌گیرنده را با «M'» نشان دهیم، ثمر موفق‌ترین پیام یک می‌شود:  $M'/M=1$  پس هرچه این کسر (معنای متجلی شده در ذهن مخاطب تقسیم بر معنای مورد نظر فرستنده) به عدد یک نزدیک‌تر باشد ارتباط از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود.<sup>۲</sup>

### پس فرست<sup>۳</sup>:

پیام معنی‌هایی را در ذهن گیرنده متجلی می‌کند، گیرنده‌ی پیام بر اثر تفسیر و ارزیابی آن معانی، پس فرست خود را می‌سازد. (تجلی معنی اولیه در اثر پیام، خود سبب تحریک و تجلی معنی‌های دیگری وابسته به آن معنی اولیه در ذهن گیرنده شود.) به نقل از شرآم، این پس فرست را به هنگام صحبت کردن با دیگران دریافت می‌کنید. مثلاً مخاطب شما ممکن است سرش را به عنوان موافقت تکان دهد یا خطوط پیشانی جمع شود یا نگاهش را از روی بی‌علاقه‌گی از شما بازگرداند. همه‌ی این‌ها پس فرست یا بازخورد است.<sup>۴</sup> آندروش می‌گوید: این عکس‌العمل گیرنده معمولاً سکوتی است که به یک تغییر فیزیکی، معمولاً در چهره یا پاره‌ای حرکات در اعضای بدن می‌انجامد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۳-۳۴۶.

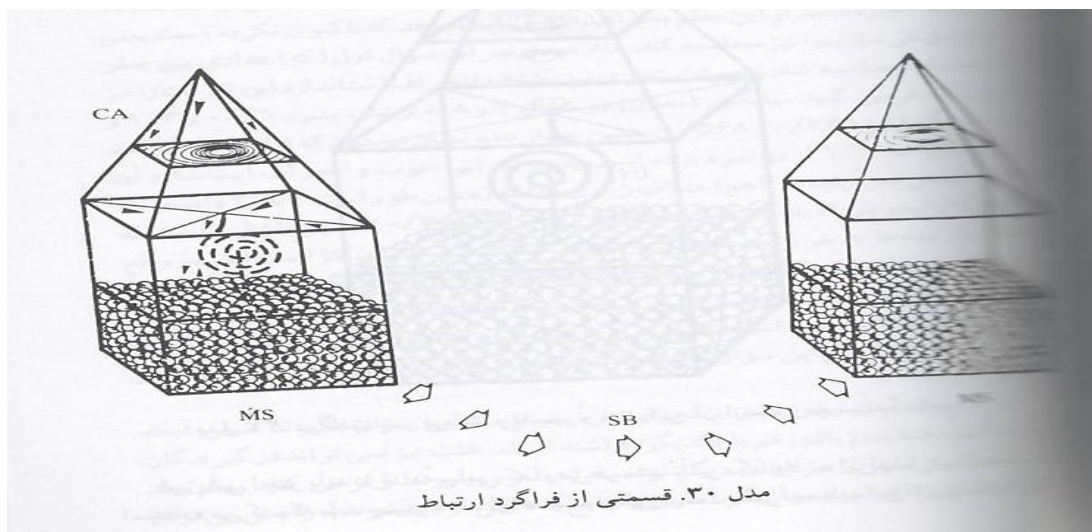
<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۲.

<sup>۳</sup> (send back= S . B) محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۸.

<sup>۴</sup> (Shramm, 1954, pp 3-10) محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۸.

<sup>۵</sup> (Andersh, 1960, p45) محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۸.

اگر معنای مورد نظر در ذهن پیام‌فرست را با «M» و معنای متجلی شده در اثر پیام را در ذهن پیام‌گیرنده را با «M'» نشان دهیم، ثمر موفق‌ترین پیام یک می‌شود:  $M'/M=1$  پس هرچه این کسر (منای متجلی شده در ذهن مخاطب تقسیم بر معنای مورد نظر فرستنده) به عدد یک نزدیک‌تر باشد ارتباط از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود. اگر دقت کنید در این جا دو اتفاق افتاده است: تفسیر و ارزیابی (Ev) و ۲. نتیجه‌ی آن تفسیر و ارزیابی به صورت پیامی که می‌توان آن را پس‌فرست (SB) نامید. به نظر من (Ev) و (SB) هنوز feedback نیست. بلکه فرستنده‌ی پیام باید آن (پس‌فرست) را دریافت کند، این دریافت را SBR می‌نامیم، سپس باید آن را ارزیابی و تفسیر کند که این تفسیر و ارزیابی را می‌توان Ev' نامید که به نظر محسنیان راد مجموعه اخیر را می‌توان feedback نامید؛ که در تصویر زیر این مجموعه را نشان می‌دهد:<sup>۲</sup>



نکته: پس‌فرست خود یک پیام کامل تلقی می‌شود لذا فرستنده پیام اولیه پس‌فرست را مانند یک پیام دریافت کرده و از سطح توانایی او گذشته و معنی متناسب را در ذهنش متجلی می‌کند. اما این بار تفسیر و ارزیابی معنی‌های متجلی شده در اثر پس‌فرست آغاز می‌شود.<sup>۳</sup> اگر این ارزیابی و تفسیر در ادامه جریان فرایند ارتباط مؤثر شود به آن نام «بازخورد» می‌دهند.<sup>۴</sup> به این ترتیب فرایند ارتباط یک دور مسیر دورانی خود را پیموده و امکان پیمایش دورانش را نیز فراهم آورده است.

### پارازیت در عناصر ارتباط:

شنن و ویوور در سال ۱۹۴۸م دو مهندس الکترونیک (که بعدها جزء دانشمندان مطرح ارتباطات انسانی شدند) برای اولین بار واژه‌ی پارازیت<sup>۵</sup> را با یک فلش روی یک کانال نشان دادند؛<sup>۱</sup> اما بعدها در کمتر مدلی پارازیت نشان

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۲.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۴۸-۳۴۹.

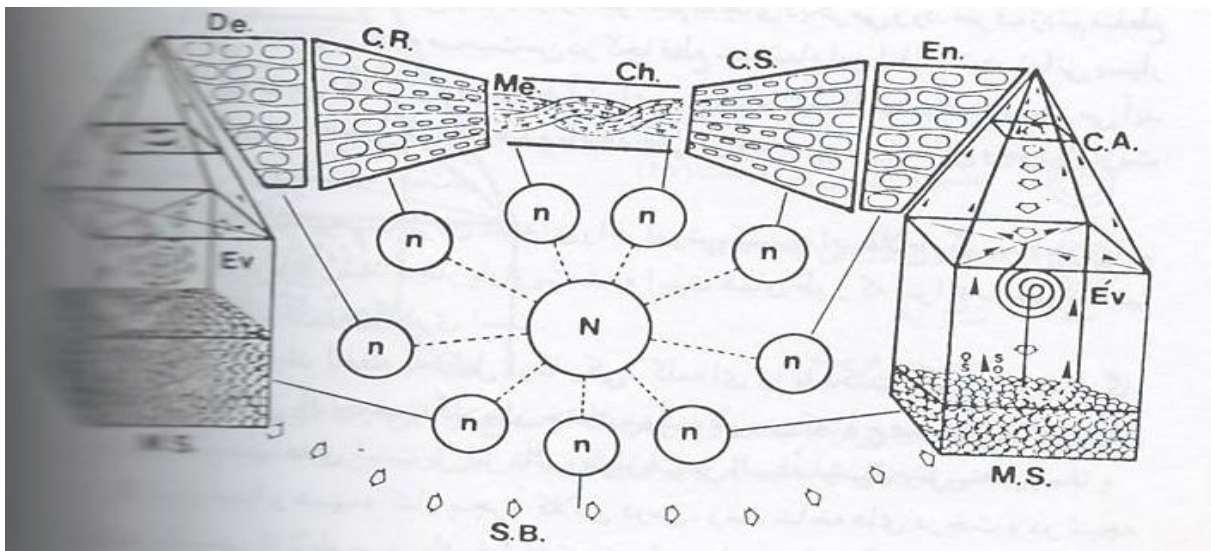
<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۵۰.

<sup>۴</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۵۲.

<sup>۵</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، صص ۳۵۴ (noise).



داده شد، بلکه بیشتر به هنگام تفسیر مدل‌ها به آن اشاره شده است. پارازیت مانند میکروبی است که آثارش کم‌توانی و ناتوانی است و حتی گاهی به مرگ ارتباط منتهی می‌شود. بر خلاف نظر شنن و ویوور پارازیت بر تمامی عناصر ارتباط می‌تواند تأثیر بگذارد. یعنی در تک تک اجزاء و مراحل ارتباط احتمال پارازیت هست. تصویر زیر احتمال اثر گذاری پارازیت در عناصر فراگرد ارتباط را نشان می‌دهد:<sup>۲</sup>



۱. منبع معنی در فرستنده MS: meaning orse of meage ender اثر پارازیت در این جا مربوط به نداشتن یا اشتباه بودن معنای ذخیره شده است.
۲. منبع معنی در گیرنده M"S: meaning orse of meage receiver اثر پارازیت در این جا مربوط به نداشتن یا اشتباه بودن معنای ذخیره شده متناسب با رمزهای پیام است.
۳. توانایی ارتباطی CA: communication ability اثر پارازیت در این جا مربوط به ضعف و ناتوانی در برقراری ارتباط است.
۴. رمز گذار En: encoder اثر پارازیت در این جا مربوط به نداشتن یا نتوانستن رمزگذاری مناسب برای پیام است.
۵. ارسال کننده رمز CS: code enderr اثر پارازیت در این جا مربوط به ناتوانی یا ضعف در دستگاه فرستنده است.
۶. کانال Ch: channel اثر پارازیت در این جا مربوط به نبودن کانال مناسب برای ارسال پیام یا ایجاد مانعی در بین ارسال پیام است.

<sup>۱</sup> (Shannon. 1949) محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۵۴.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۵۶.

۷. پیام Me: meage اثر پارازیت در این جا مربوط به مخدوش شدن آن در حین ارسال است.
۸. دریافت کننده رمز CR: code receiver اثر پارازیت در این جا مربوط به نبودن وسیله مناسب گیرنده یا ضعف و ناتوانی آن وسیله در دریافت رمز است.
۹. رمزخوان De: decoder اثر پارازیت در این جا مربوط به ناتوانی در بازخوانی رموز پیام است.
۱۰. ارزیابی پیام Ev: evaluation of meage اثر پارازیت در این جا مربوط به ناتوانی در تفسیر و ارزیابی صحیح پیام است.
۱۱. پس فرست: SB:send back اثر پارازیت در این جا مربوط به عدم تشکیل پس فرست متناسب با معنای صحیح پیام است.
۱۲. ارزیابی پس فرست Ev": evaluation of send back اثر پارازیت در این جا مربوط به نرسیدن کامل پس فرست به ارسال کننده پیام یا ناتوانی در تفسیر و ارزیابی صحیح آن است.<sup>۱</sup>

## ۲. ۱. ۲. ماهیت ارتباط:

هر کس بنا به شخصیت (personality) و تجارب (Experienes) خود ارتباطات را معنا می‌کند. دانشجویان با توجه به رشته تحصیلی خود بیان می‌کنند. مثلاً رشته مدیریت، کامپیوتر و... غالباً استفاده از مدارهای الکتریکی، وسائل ارتباط جمعی، راه‌های ارتباطی، مناجات با خدا و... را در معنای آن دخالت می‌دهند. انسان از سال‌های دور با ارتباطات سرو کار داشته و بدان نیازمند بوده است، ولی در سال‌های اخیر نه تنها در ایران و اروپا بلکه در همه جا کانون توجه قرار گرفته است، و با توجه به این‌که انسان کلاً در هر روز از طرق مختلف با آن در کاربرد و کارکرد متفاوت برخورد می‌کند، معانی بسیار متفاوتی در نظر افراد مختلف به خود گرفته است. ارتباطات در سال‌های اخیر بویژه پس از س‌های ۱۹۵۰م در غرب کانون توجه وافر دست‌اندرکاران رشته‌های مختلف علمی از رشته‌های روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، دانشمندان مدیریت و علوم کامپیوتر و... قرار گرفته است؛ که هر یک از پیش‌تازان این علوم با توجه به نیازها و تخصصشان به گونه‌ی متفاوتی به ارتباطات نگرسته و برای خود دیدگاهی متفاوت از دیگران دارند.<sup>۲</sup>

اکثر محققان غربی بر این باورند که کلمه ارتباطات (communication) از لغت لاتین ((communicare)) مشتق شده است که این واژه به معنای (to made common) عمومی کردن و در معرض عموم قرار دادن<sup>۳</sup> یا به اشتراک گذاشتن<sup>۴</sup> است. این بدین معنی است که: مفهومی که از درون فردی برخاسته (معنی<sup>۱</sup>) است به میان دیگران

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۳۵۶.

<sup>۲</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»،

<sup>۳</sup> فرهنگ علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۱۶ و ص ۱۷.

<sup>۴</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۱۶ تقریر از دکتر حمیدموانا.

راه یافته و به دیگران انتقال (conduction یا transmission) میابد. و طبق اشتراک گذاری، ارتباطات به گونه‌ای وسیع و گسترده، انتشار (emission) پیام یا «تسهیم تجارب» (Sharing experiences) نیز تعریف شده است.<sup>۲</sup>

یکی از نامداران دانش ارتباطات انسانی، پرفسور دین بارنلوند (Dean Barnlund) چنین می‌نویسد:

ارتباطات، آن‌گونه که من بدان می‌نگرم، «کلمه‌ایست که بیانگر فراگرد ایجاد معنی است»؛ دو کلمه در این تعریف از اهمیت زیادی برخوردار است: یکی «ایجاد» و دیگری «معنی»<sup>۳</sup> است، ممکن است، منشا پیام‌ها از بیرون شکل گیرد، مثلاً توسط یک سخنور، از صفحه تلوزیون، از والدین و... اما معانی در درون شکل می‌گیرند.<sup>۴</sup>

پس مقصود اصلی فرستنده (برقرارکننده ارتباط) از ارتباط، رسیدن یک «معنی» خاص و معین به (ذهن) گیرنده (مخاطبش) است همان معنایی که ابتدا در ذهن خودش (فرستنده) بود، پس معنی درون ذهن انسان است. و همان طور که می‌دانید یک امر ذهنی (خود معنی) به خودی خود قابلیت ارسال ندارد، پس آنچه در فرایند ارتباط انتقال می‌یابد خود معنی به صورت عینی و مستقیم نیست بلکه چیزهائی است که بواسطه‌ی آن این معنی قابلیت بازخوانی (بازآفرینی، ایجاد) در ذهن مخاطب را داشته باشد. بنابر این انسان ناگزیر است تا از طرق مختلفی برای بیان آن معنای مقصود استفاده کند، که متداول‌ترین آن الفاظ و گفتگو است، اگرچه گاهی تنها یا همراه با سخن از ابزارهای دیگری (زبان بدن) هم برای بیان مقصودش استفاده می‌کند. بر همین اساس بر جنبه‌ی «اشتراک گذاری» معنی یا «عمومیت بخشی» معنی، در تعریف ارتباط تاکید شده است.

همان طور که در تعاریف قسمت مفاهیم گذشت محسنیان راد، ارتباط را چنین تعریف کرده است: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده‌ی پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده‌ی پیام ایجاد شود».<sup>۵</sup>

و درباره فراگرد، «process» می‌گوید: دیوید برلو در کتاب<sup>۶</sup> «فراگرد ارتباط» درباره فراگرد می‌نویسد: «یک فرهنگ لغت فراگرد را چنین تعریف می‌کند: هر رویدادی<sup>۷</sup> که یک ممتد در زمان را نشان می‌دهد یا هر عمل با نحوه عملی<sup>۸</sup> که ممتد باشد». وقتی ما مفهوم فراگرد را برای چیزی بپذیریم، در واقع به این نکته توجه کرده‌ایم که رویدادها و روابط بین عناصر آن چیز، به صورتی

<sup>۱</sup> Meaning.

<sup>۲</sup> فرهنگی علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۱۷.

<sup>۳</sup> Meaning.

<sup>۴</sup> فرهنگی علی اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۱۸.

<sup>۵</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۵۷.

<sup>۶</sup> The process of communication.

<sup>۷</sup> Phenomenen.

<sup>۸</sup> Treatment.

پویا و به طور مداوم در حال تغییر است. آغاز و پایان ندارد. یک تسلسل ایستا از رویدادها وجود ندارد و اصولاً فراگرد چیزی ایستا نیست بلکه پویا است. اجزای داخل یک فراگرد دارای کنش‌های متقابل (interact) هستند و هر یک بر دیگری تاثیر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

با توجه به عناوین و مؤلفه‌های تشکیل دهنده مدل‌های ارتباطی، ماهیت ارتباط در زیر بهتر روشن می‌شود:

## ۲. ۱. ۲. ۱. فرستنده:

مراد از فرستنده در مدل‌های ارتباطی نخستین: شخصی است که قصد برقراری شروع ارتباط را دارد. یعنی کسی که قصد دارد معنایی را از ذهن خود به دیگری منتقل کند. که به او «ارتباط گر» (communicator) نیز اطلاق می‌شود. و در بعضی از مدل‌ها اسم دیگری مثل «منبع معنی» گفته می‌شود. ولی در بعضی از مدل‌ها، فرستنده به آن وسیله‌ای (دستگاهی) گفته می‌شود، که در ابتدای کانال ارتباطی برای ارسال پیام بکار گرفته می‌شود که به آن «وسیله‌ی ارسال رمز» (encoder) نیز اطلاق می‌شود.

## ۲. ۲. ۱. ۲. گیرنده:

مراد از گیرنده در مدل‌های ارتباطی نخستین<sup>۲</sup>، انسانی است (ارتباط فردی در مقابل ارتباط جمعی) که مقصود شخص فرستنده برای برقراری ارتباط است (communicatees)، ولی در مدل‌های ارتباطی نوین (ارتباط جمعی) در مقابل دستگاه فرستنده، دریافت‌کننده‌ی مقصد (destination) یا دستگاه گیرنده (receiver) داریم، که وسیله‌ای است در انتهای کانال ارتباطی، پیام را دریافت می‌کند که به آن «وسیله‌رمزخوانی» (Code receiver) نیز اطلاق می‌شود. گیرنده امروز مصادیق متنوع و متعددی دارد، مثل: دستگاه چاپ، گوشی تلفن، بی‌سیم، گوشی موبایل، آنتن‌های رادیویی و تلویزیونی، دستگاه رادیو و تلویزیون، باندهای بلندگو و بلندگوها، دستگاه چاپگر (پرینتر)، لپ‌تاب‌ها و دستگاه‌های کامپیوتر، ماهواره‌ها، دستگاه جی‌پی‌اس و... که هر کدام در انتها کانال متناسب با خود، دستگاه گیرنده به شمار می‌آید. در این تحقیق اگر قرینه‌ای نیاوریم منظور از گیرنده شخص است دستگاه نیست.

## ۲. ۱. ۲. ۳. رمزگذاری:

همان طور که در تعریف ارتباط گذشت، اصل آن چیزی که در ارتباط شخص فرستنده قصد ارسال آن به گیرنده را دارد آن معنای موجود در ذهن اوست. با توجه به این که معنی به خودی خود قابلیت ارسال ندارد، فرستنده (آغازگر ارتباط) ناگزیر است، آن معنی را به گونه‌ای در ذهن مخاطب ایجاد کند. در این راستا باید مراحل را بگذراند و از وسائلی کمک بگیرد، در این فرایند ابتدا باید معنی را تبدیل به رموزی کند که قابلیت ایجاد معنی را در ذهن مخاطب داشته باشد، انواع رمز (code) عبارتند از کلمات، الفاظ و حرکات، که برای معانی در هر زبانی

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> ذیل بیان مدل‌های ارتباطی آمد.

متفاوت است. خلاصه به در نظر گرفتن کلمات (یا حرکات) خاص، متناسب با معنای مورد نظر، توسط فرستنده را رمزگذاری گویند. وسیله‌ی رمزگذاری (code sender یا coder) با توجه به مدل‌ها متفاوت است.

برلسون واشتاینر در تعریف خود از ارتباط، نمادها (symbols) (همان رمزها) را طریق و محور پیام شمرده، و به تنوع آن تاکید کرده است: (کلمات، اعداد، نمودارها و ...)<sup>۱</sup>.

ویلبر شرانم تنوع رمزها، را در تولید عملی و فیزیکی پیام این چنین بیان کرده است: «پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم یا هر نوع علائمی (sign or signal) باشد که قادر به تفهیم معنی باشد»<sup>۲</sup>.

علائم یا نشانه‌ها بر سه نوع است:

نشانه‌ی تصویری: نشانه‌ایست که میان صورت و مفهوم آن شباهتی عینی و تقلیدی است (تصویر آن شیء) مثل نقش مار که به سبب مشابهت ظاهری با مار، اولی در نظر و ذهن بیننده دومی (مار) را به تصویر می‌کشد. نشانه‌ی طبیعی: میان نشانه و آنچه دلالت دارد، رابطه هم‌جواری وجود دارد. مثل دود که بر وجود آتش دلالت دارد.

نشانه‌ قراردادی: که رابطه‌ایست صرفاً قراردادی مثل دلالت کلمه‌ی «میز» بر خود میز.<sup>۳</sup>

## ۲.۱.۲. رمز خوانی:

در مقابل رمزگذاری فرستنده، بعد از دریافت پیام توسط گیرنده باید آن پیام دوباره رمزخوانی (Code receiver) شود. رمزخوانی یعنی ایجاد همان معنای مورد نظر فرستنده در ذهن شخص گیرنده. با توجه به تفاوت و تنوع رمزگذاری‌ها رمزخوان‌ها هم متفاوت و متنوع خواهد بود.

## ۲.۱.۲. پیام:

با توجه به این‌که معنی مستقیم و به خودی خود قابلیت انتقال را ندارد، در فرایند ارتباط معنی مقصود شخص پیام فرست رمزگذاری می‌شود. به این معنای تغییر یافته در مرحله رمزگذاری، «پیام» (message) گویند. انواع پیام‌ها بستگی به انواع رمزها و ابزارهای ارتباطی متفاوت می‌شود که از آن جمله می‌توان از پیام صوتی، تصویری، صوتی تصویری، الکتریکی، امواج و ... نام برد.

دیوید برلو تعریف پیام را چنین نگاشته است: «یک تولید عملی و فیزیکی از منبع رمزگذار»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Berelson and Steiner. 1950.p240 محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۴۷.

<sup>۲</sup> Sheramm 1954p3 محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۱۸۹.

<sup>۳</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۹۳ پاورقی.

<sup>۴</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۱۸۹. Berlo 1960 p54.

ویلبر شرانم نیز به طور ضمنی در توضیح پیام، به این تولید عملی و فیزیکی اشاره کرده است: «پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم یا هر نوع علائمی باشد که قادر به تفهیم معنی باشد»<sup>۱</sup>

## ۲. ۱. ۲. ۶. کانال ارتباطی:

ارسال پیام از فرستنده تا گیرنده از مسیرهای خاصی صورت می‌گیرد که به این مسیرهای عبور پیام، کانال (channel) ارتباطی اطلاق می‌گردد.<sup>۲</sup> تونلی که پیام از آن عبور می‌کند: کانال می‌گوییم. مشابه همان آب برای عبور قایق. پیام می‌تواند به صورت نوشته روی کاغذ، صدا در هوا، جریان الکتریسیته در داخل سیم تلفن و امواج الکترو مغناطیس در فضا و... راه خود را طی کند.

اگر فرض کنیم دو نفر در یک اتاق بدون هوا بتوانند به حیاتشان ادامه دهند، و بخواهند با هم صحبت کنند، صدای آنها در آن اتاق بدون هوا منتقل نخواهد شد و در واقع صحبت یکدیگر را نخواهند شنید زیرا کانال برای عبور امواج صوتی هوا است.

برای یک روزنامه کانال چیست؟ یک روزنامه وقتی آماده چاپ شود، مرحله رمزگذاری پایان یافته است. چاپ و تکثیر روزنامه اولین قسمت از مرحله ارسال پیام است. این عمل تکثیر تا رسیدن روزنامه به دست خواننده مربوط به ارسال پیام (نه رمزگذاری) می‌شود. همان‌طور که روزنامه کیهان را در تهران صفحه بندی می‌کنند و از آن فیلم گرفته و آن فیلم را برای چند پایتخت جهان ارسال می‌کنند. در آن شهرها از روی فیلم‌ها زینک تهیه کرده و تقریباً هم‌زمان با تهران در آن کشورها چاپ می‌شود. روزنامه تکثیر شده، بوسیله‌ی هواپیما، اتومبیل‌های حمل روزنامه، موتورسواران پخش روزنامه و دگه‌های روزنامه فروشی و... در سطح کشور و جهان کانال ارتباطی برای ارسال پیام‌هایی روزنامه است. البته این کانال ارتباطی سخت افزاری و نرم افزاری است پس نباید وسائل نقلیه را جزء کانال ارتباطی نرم افزاری (جزئی از اجزاء فرایند ارتباطی) دانست.<sup>۳</sup>

محسنیان‌راد کانال را به صورت یک تونل (دو خط موازی) نشان داده است، که پیام از میان آن عبور می‌کند.<sup>۴</sup>

پس کانال ارتباطی بسته به نوع پیام متنوع می‌شود، که تنوع پیام هم بستگی به تنوع ابزارهای ارتباطی دارد، نمونه‌هایی از کانال ارتباطی را می‌توان چنین برشمرد: امواج در هوا برای پیام صوتی (مستقیم)، نور و چشم برای پیام زبان بدن، امواج رادیویی برای پیام‌های صوتی تصویری، صوتی و... . ماهواره‌ها و خطوط اینترنتی، کاغذ، نوشتار، پاکت نامه، سیستم ارسال نامه و... نمونه‌های دیگر کانال ارتباطی هستند.

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، ص ۱۸۹. Sheramm 1954p3.

<sup>۲</sup> فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۳</sup> همان، صص ۳۳۹-۳۴۲.

<sup>۴</sup> همان.

عمل کرد ارتباط را با میزان اثر بخشی آن می‌سنجند، هر چه معنای متجلی شده در ذهن گیرنده، بر اثر رمزخوانی پیام، به معنای اولیه در ذهن فرستنده، نزدیکتر باشد، برقراری ارتباط از موفقیت بیشتری برخوردار بوده و مؤثر محسوب می‌شود. که این اثربخشی در پس فرست مخاطب خود را نشان می‌دهد. اگر هنگام برقراری فرایند ارتباط در یکی از اجزاء الگوی ارتباطی خللی رخ دهد، از تأثیر مطلوب ارتباط می‌کاهد، که به آن «اختلال» یا «پارازیت» گویند.

اختلالات یا پارازیت‌ها، به کلیه عوامل و پدیده‌هایی اطلاق می‌شوند که موجب تضعیف اثربخشی فراگرد ارتباطی می‌شود. که احتمال بروز آنها در تمام زمینه‌ها و بر روی کلیه اجزاء ارتباطی ممکن است. علی‌اکبر فرهنگی اختلالات را دو دسته کرده‌اند: الف) اختلالات درونی: بیشتر به خود اجزاء ارتباطی بر می‌گردند؛ ب) اختلالات بیرونی: بیشتر در محیط (Environment) ارتباطی نشأت یافته و ایجاد اشکال می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲. ۲. گفتار دوم: ابزارهای ارتباطی؛

ابزارهای ارتباطی به دو قسم غیر مستقیم (فیزیکی) و مستقیم (انسانی) دسته‌بندی شده‌است؛ که بعضی از ابزارهای ارتباطی انسانی تعبیر به «مهارت‌های ارتباطی» نیز کرده‌اند:

### ۲. ۲. ۱. مهارت‌های ارتباطی :

مهارت‌های ارتباطی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که شخص می‌تواند از آن طریق با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی منتهی شود.<sup>۲</sup> توضیح این‌که موفقیت در برقراری ارتباط مؤثر، بستگی به توانمندی ارتباطی و هنرمندی دو طرف ارتباطگر دارد، که بر این توانمندی، مهارت‌های ارتباطی اطلاق می‌گردد.

### ۲. ۲. ۲. ابعاد مهارت‌های ارتباطی:

مهارت کلامی: «عبارت است از گفتگو با دیگران به صورت فردی یا گروهی، و برگزاری نشست‌های مؤثر»<sup>۳</sup>

مهارت شنود: «فرآیند کشف رمز و تعبیر و تفسیر پیام‌های کلامی به طور فعال را، مهارت شنود گویند»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> فرهنگی، علی‌اکبر، «ارتباطات انسانی»، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۲</sup> مقاله‌ی شیوه‌های ارتباطی از گذشته تا حال از (قبادی، ۱۳۸۷)

<sup>۳</sup> همان از (رضائیان، ۱۳۹۰).

<sup>۴</sup> همان.

مهارت بازخورد: «عبارت است از برگشت نتیجه پیام به فرستنده به طوری که فرستنده پیام از وضعیت ارسال پیام و دریافت آن آگاه گردد»<sup>۱</sup> از پرکاربردترین ابزارهای ارتباطی می‌توان به «گفتگو» اشاره کرد. که خود از دو قسم شنیدن و سخن گفتن تشکیل می‌شود:



### ۲.۲.۳. سیر تحول ابزارهای ارتباطی:

ابزارهای ارتباطی یکی از موضوعاتی است که در بعضی از مدل‌ها آمده است (در گفتار دوم می‌آید). برای شناسایی آن در ارتباطات پیامبر اسلام (ص) با کودکان نیز باید تعریفش و اقسامش به خوبی روشن گردد. علاوه بر این باید الگوی پیامبر اسلام با کودکان (ص) با اقسام آن (ابزارهای ارتباطی) باید مطابقت شود، تا انسانهای امروز مرتبط با کودک بتوانند در ابزارهای متفاوت ارتباطی نیز از چهارچوب الگو خارج نشوند. بنابر این علاوه بر اقسام ناگزیر باید سیر آن نیز بیان شود، که عبارتست از: ۱. زبان و بیان شفاهی: عالی‌ترین وسیله ارتباط زبان است که در ارتباطات نقش مهمی دارد. البته محدودیت قلمرو زبان در مکان و زمان از مهمترین معایب آن به شمار می‌رود. ۲. خط و نوشته دستی: ساختن کاغذ، نقش خط را در زندگی انسان بالاتر برد و امکانات بیشتری برای انتقال پیام‌ها ایجاد کرد. ۳. نامه‌های پستی: نامه پستی به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزار برای یک ارتباط غیر مستقیم نقش و جایگاه ویژه در بین مردم را دارد. در گذشته نامه‌ها جایگاه سیاسی و عاطفی در زندگی مردم ایفای نقش می‌کردند و یکی از ابزارهای مهم ارتباطی محسوب می‌شد. ۴. نمایش‌نامه‌ها، شبیه‌خوانی و تعزیه، عروسک گردانی، هنرهای تجسمی و نمادها. ۵. روزنامه‌ها و مطبوعات، ۶. صنعت چاپ، کتاب و مطبوعات تکمیل صنعت چاپ در اروپا، پس از ایجاد خط و تهیه کاغذ، دومین تحول بزرگ در زمینه ارتباطات اجتماعی محسوب می‌شود. ۷. تلگراف و دستگاه‌های فکس. ۸. تلفن ثابت: تلفن در سال ۱۸۷۶، به وسیله الکساندر گراهام بل و توماس واتسون آمریکایی اختراع شد. تلفن ثابت یکی از ابزارهای ارتباطی غیرمستقیم و کلامی رایج در دنیاست که می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارتباط دوسویه داشته باشد. ضبط صدا توسط تلفن ثابت یکی از فرایندهای پیام پست الکترونیکی است. زمانی که شما در منزل یا محیط اداره حضور ندارید این امکان وجود دارد که شما پیغام پستی خود را دریافت کنید. ۹.

<sup>۱</sup> همان.



رادیو: اختراع رادیو در سال ۱۸۹۵ توسط «مارکنی» ایتالیایی کامل شد. با ظهور رادیو، عصر ارتباطات مارکنی، ارتباطات الکترونیکی آغاز شد. ۱۰. سینما و تلویزیون: در آخر سال های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم وسایل نوینی چون سینما و تلویزیون در اختیار انسان گذاشته شد. ۱۱. تلفن همراه و اینترنت: در اواسط قرن بیستم در کنار این وسایل نوین ارتباطی دستگاه های دیگری نظیر «رادار» نیز ساخته شد تحول در زمینه ارتباطات الکترونیکی ادامه یافت تا این که نخستین قمر مصنوعی شوروی موسوم به «اسپوتنیک» یا همسفر در چهارم اکتبر ۱۹۵۷ به مدار زمین فرستاده شد. تلفن همراه یکی از ابزارهای ارتباط کلامی، غیر مستقیم و سیار می باشد، تلفن همراه برای ارتباطات بر روی یک شبکه سلولی از یک سایت یا یک مرکز کنترل ماهواره ای هدایت می گردد.<sup>۱</sup>

## جمع بندی:

در بررسی تمام این مدل ها، اصطلاحاتی به چشم می آید، که بعضی از این اصطلاحات تکرار لفظی و معنایی داشته، بعضی معادل معنایی داشته و بعضی نه لفظی نه معنایی تکرار ندارد، یعنی فقط در یک مدل کاربرد داشته است. واژه های معادل (هم معنی) و یا همسو در یک دسته قرار می گیرد تا از این عناوین برای کشف الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) در فصل چهارم این نوشتار استفاده شود.

۱. فرستنده، ارتباط گر، گوینده، پیام فرست، منبع پیام،
۲. گیرنده، مخاطب، پیام گیر، دریافت کننده پیام، مقصد پیام.
۳. پیام، گفتار، حامل.
۴. منبع پیام، منبع معنی، منبع اطلاعاتی، رمزها، ریشه های پیام، رویدادها، تصاویر، ایده ها، سطح دانش، (منبع) محتوای پیام، باورها، عقاید، ایده ها، مهارت های ارتباطی، ابزارهای ارتباطی (نرم افزاری)، نظام اجتماعی، مهارت های عمومی، نگرشها، دانش ها، مهارت گفتگو، مهارت دیدن، مهارت شنیدن، مهارت نوشتن، مهارت خواندن، ابعاد ادراک، مقاصد، نظارتها، محتوای مقصود، حوزه تجربی پیام فرست، توانایی ارتباطی فرستنده و گیرنده، زبانش و سیستم های ارزشی، امکانات ارتباطی در دسترس.
۵. رمزگذاری، دستگاه رمزگذار، ایجاد کردن پیام،
۶. رمزگشا، رمزخوانی، بازگردانی رمز، بازخوانی رمز، بازخوانی علائم، پیام گشایی، تفسیر پیام، تأثیر مقصود، حوزه تجربی گیرنده پیام،
۷. کانال، ابزارهای ارتباطی (سخت افزاری)، وسیله، کانال ترکیبی، وسیله نقلیه پیام،
۸. بازخورد، محور تنظیم پیام در نظر پیام فرست، پس فرست، بازتاب پیام، عکس العمل گیرنده پیام،

<sup>۱</sup> محسنیان راد، مهدی، «ارتباط شناسی»، (بخش هفتم قسمت دوم)، صص ۵۰۷-۵۱۳. و قسمتی از متن، موسی پور میثم، مقاله «شیوه های ارتباطی از گذشته تا حال».

۹. ظرفیت پیام، حجم پیام،

۱۰. اختلالات، پارازیت، دروازه بانان خبر، اثر گذاران بر پیام (بعد از تولید پیام توسط فرستنده قبل از رسیدن به مخاطب اصلی)،

۱۱. حالات فرستنده و گیرنده مثل: ترس، خشم، ترس، محبت زیاد و... البته اینها نیز قسمی از منبع معنای فرستنده است.

۱۲. ساختار شبکه پیام، ساز و کار و شکل سیستم‌های ارتباطی، زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی و... که بر ارتباط مؤثر است.

این عناوین (دست‌آورد فصل دوم) در جدولی در ابتدای فصل چهارم می‌آید تا مؤلفه‌های آن در ارتباطات مستقیم پیامبر (ص) با کودک و ارتباط ایشان درباره کودکان بررسی می‌گردد. سپس آن مؤلفه‌هایی که در رفتار و گفتار پیامبر اسلام (ص) مصداق یافته است در مرحله استنتاج الگوی ارتباطی ایشان با کودکان دوباره مطرح می‌شود.

## ۳. فصل سوم: سیره پیامبر اسلام با کودکان و سفارشات ایشان درباره کودکان:

### ۳.۱. مقدمه:

در این فصل به مسأله‌ی دوم پایان‌نامه پرداخته می‌شود: «گفتار، رفتار پیامبر اسلام (ص) با کودکان و درباره‌ی کودکان چگونه بود؟»:

ابتدا لازم است شرایط اجتماعی که پیامبر اسلام (ص) در آن قرار گرفته‌اند و آداب و رسوم نگرش اجتماعی به کودکان و جایگاه اجتماعی کودک در جامعه عرب جاهلی و اوائل نزول اسلام (ص) بررسی گردد. چرا که قسمی مؤثر از منبع پیام (منبع پیام فرست در مدل ارتباطی) در نظر گرفتن شرایط و فضای اجتماعی است، که ارتباط در آن شکل می‌گیرد. بنابر این لازم است در بیان سیره پیامبر اسلام (ص) به این مسأله و چگونگی انعکاس رفتار پیامبر اسلام (ص) با آن (در گفتار و عمل) پرداخته شود، که در این مقدمه به آن پرداخته می‌شود. در گفتار اول گزارشات رفتاری و گفتاری مستقیم پیامبر اسلام (ص) با کودکان عنوان‌بندی و بیان شده و در گفتار دوم سفارشات ایشان درباره کودکان عنوان‌بندی و بیان شده‌است.

امروزه روان‌شناسان برخورد با کودکان را دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی می‌دانند. به همین دلیل، بسیاری از آنان زمان زیادی را برای مطالعه در زمینه نحوه رفتار آنان صرف می‌نمایند و با بررسی روان‌آنان تلاش می‌کنند که الگوهایی برای تعامل هر چه بهتر خانواده‌ها ارائه کنند تا از این راه بتوانند از ناهنجاری‌های رفتاری کودکان جلوگیری نمایند. بدون شک، سیره پیامبر اسلام (ص) در تعامل با کودکان می‌تواند الگوی مناسبی در این زمینه باشد.

نکته‌ای که در باره موضوع این فصل از اهمیت زیادی برخوردار بوده و باید توجه بدان نمود، این که: پیامبر اسلام (ص) چه زمانی؟ درس‌زمین چه مردمی؟ و با چه فرهنگ و آداب و رسومی؟ به پیامبری برانگیخته شدند. حضرت محمد ابن عبدالله پیامبر اسلام (ص) حدود ۱۴۰۰ سال (شمسی) پیش در شهر مکه از سرزمین عربستان، در میان بت‌پرستان عرب جاهلی مبعوث گردید.

قطعاً چگونگی فرهنگ مخاطب بر چگونگی روش اتخاذ شده برای برقراری ارتباط مؤثر، نقش بسیار مهمی ایفاء می‌نماید. در بسیاری از نقل‌های ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان و یا رفتارها و گفتارهایشان درباره‌ی کودکان، به نظر اکثر انسان‌های امروزی، عادی و ساده به نظر می‌رسد، تا جایی که بیان آن به چشم نسل امروز مهم نیامده و در ذکر آن، فائده قابل توجهی نمی‌بینند. چرا که آن رفتارها با فرهنگ امروز سازگاری کامل داشته و جزء آداب و رسوم مردمان جهان امروز در آمده است، در حالی که در فرهنگ آن جامعه چه بسا این رفتارهای خوب را «ناشایت» دانسته و هرکس این چنین رفتار می‌کرد او را توبیخ می‌کردند. بنابراین لازم است شمه‌ای از فرهنگ آن زمان بیان شود تا تفاوت‌های اساسی آن با فرهنگ انسان پیشرفته امروز برای خواننده روشن شود تا بتواند الگوی پیامبر اسلام (ص) درباره کودکان را بهتر درک و به کارگیری نماید. و به این نکته التفات یابد که بسیاری از

رفتارهای نهادینه شده در آداب و رسوم و فرهنگ امروز جهان ریشه در آموزه‌های نبوی داشته و وامدار فرهنگ اصیل اسلامی است.

### ۳. ۰. ۱. فرهنگ اعراب جاهلی پیش از اسلام

نگاهی گذرا به روش‌ها و منش‌های رفتاری دوران پیش از بعثت، نشان می‌دهد که عرب جاهلی پیش از اسلام الگوهای ارتباطی بسیار ناشایست و خرافی برای خود در عملکردشان داشتند؛ زیرا بسیاری از مورخان، به ویژه خاورشناسان، بر این باورند که مردم جزیره‌العرب پیش از بعثت پیامبر اسلام(ص) دارای تمدن و فرهنگی منسجم و هماهنگ نبودند. کارا دیفو، اندیشمند فرانسوی، در این باره نقل می‌کند: عرب‌ها پیش از پیدایش اسلام، از ارتکاب جنایت و کارهای زشت ابایی نداشتند و محمد(صلی الله علیه وآله) با آوردن آیینی نو و قوانینی پر ارج، به اصلاح آنان پرداخت و آنها را با یکدیگر متحد ساخت و امورشان را سامان بخشید و از ایشان امتی ریشه‌دار و با منزلت و متمدن به وجود آورد.<sup>۱</sup> این مهم، مورد اعتراف اندیشمندان بسیار دیگری نیز قرار گرفته است. «فیلیپ خلیل حتی» برای تأیید رسوخ برخی از اخلاق‌های ناشایست همانند غارتگری در میان عرب جاهلی، به شعری از قطامی، شاعر عصر نخست اموی، استناد می‌کند که می‌گوید: کار ما غارتگری و هجوم به همسایه و دشمن است و گاه هم اگر جز برادر خویش کسی را نیابیم او را غارت می‌کنیم.<sup>۲</sup>

بنابراین، برخی از رفتارهای ناشایست همانند غارتگری در میان عرب بادیه نشین پیش از اسلام به صورت یک کار یا تفریحی، پسندیده محسوب می‌شده و به آن افتخار هم می‌کردند. همچنین رقابت‌های بسیار سخت درباره آب و چراگاه‌های کمیاب در جزیره‌العرب و به دنبال آن، کشمکش‌های فراوان و جنگ‌های طاقت‌فرسا نیز نشانه دیگری از عقب‌ماندگی فرهنگی آنان بود.<sup>۳</sup>

در قرآن کریم به بسیاری از این مشکلات فرهنگی، اعتقادی در فرهنگ جاهلی اشاره کرده است؛ که رفتارهای ناشایست آنها درباره کودکان عبارت است از: ۱. کشتن کودکان برای بت‌ها<sup>۴</sup> ۲. زنده به گور کردن دختران.<sup>۵</sup> ۳. کشتن بچه‌های نامشروع(گاه به صورت "سقط جنین" بود و گاه به صورت "وناد": زنده به گور کردن دختران و پسران)<sup>۶</sup> یا نسبت دادن فرزند به کسی<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> مقاله: مجله معرفت از سالم الصفار، «سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله)»، ترجمه غلامحسین انصاری، ص ۱۲۸.

<sup>۲</sup> مقاله: مجله معرفت از فیلیپ خلیل حتی، «تاریخ عرب»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ دوم، تهران، آگاه، ص ۳۵.

<sup>۳</sup> روحی، ابوالفضل، آدرس مقاله: مجله معرفت « بهمن ۱۳۸۵ - شماره ۱۱۰.

<sup>۴</sup> تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۴۵۹. سوره انعام، آیه ۱۴۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۳۶۱. ترجمه المیزان، ج ۷، ص: ۴۹۷.

<sup>۵</sup> «مجمع البیان» جلد ۱۰ ص: ۶۷۴. وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود، که به

کدامین گناه کشته شدند؟! تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص: ۱۷۶ - ۱۷۸. شرح بیشتری در این زمینه در تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۶۶-۲۷۲ آمده

است(ذیل آیه ۵۹ سوره نحل و إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۸) يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹) در حالی که هر گاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه

در آیات قرآن مشاهده می‌شود، در جامعه عرب جاهلی، نه تنها کودکان از ارزشی برخوردار نبودند، بلکه آنها را عامل ننگ، فقر و بدبختی خود دانسته‌اند. تنها افراد ثروتمند و سرشناس بودند که به داشتن پسری جنگجو و غارت‌گر مباحات می‌کردند. در چنین جوّ حاکم بر جامعه، محبت کردن و خدمت به کودکان را ضد ارزش قلمداد کرده و عامل به آن را توییح و طرد می‌کردند، بلکه گاهی او را کم خرد می‌شمردند. بله در چنین زمانی، چنین مکانی و در بین مردمی با چنین فرهنگی، اگر کسی بر خلاف هنجارهای اجتماعی‌شان، به کودکان ارزش داده، به آنها محبت ورزیده، آنها را بوسیده و با آنها بازی کند، این اعمال بسیار بسیار برای گران تمام می‌شود. به خصوص برای شخصیتی مثل پیامبر اسلام (ص) که در معرض اتهامات بسیار بزرگی همچون مجنون، ساحر، کذاب و ... قرار دارد. اگر ما باشیم، می‌گوییم خوب است برای کم‌شدن این اتهامات و جذب آنها به اسلام، کمی با آنها همراهی ظاهری کرده و از مستحباتی مثل محبت به کودکان صرف نظر کنیم! ولی پیامبر اسلام (ص) حتی در بین بزرگان و سران آن زمان، و حتی به عنوان حاکم بزرگ اسلام نیز به این مسأله چنان اهمیت داده، که گویا از واجب‌ترین وظائف پیامبری و تبلیغی ایشان بوده است. حال سزاوار است، نمونه‌هایی از ارتباطات پیامبر اسلام (ص) با اشخاصی حول این فرهنگ (طرد کودکان) و واکنش ایشان در برار آن ذکر شود.

### ۳. ۰. ۲. واکنش پیامبر اسلام ص درباره فرهنگ جاهلی طرد کودکان

وقتی فردی نزد پیامبر اسلام (ص) اعتراف به نوعی از فرزندکشی می‌کرد، از ناراحتی زیاد ظاهرشان بسیار پریشان شده و چشمان حضرت گریان می‌شد، اظهار تأسف می‌کردند، گاهی کفاره تعیین می‌فرمودند، از جمله نقل کرده‌اند: فرمود: خداوند تواب و رحیم است، عرض کرد: ای رسول خدا گناه من بسیار عظیم است، فرمود: وای بر تو هر قدر گناه تو بزرگ باشد، عفو خدا از آن بزرگتر است... در اینجا پیامبر (ص) در حالی که بسیار ناراحت و پریشان بود و اشک‌ها را از چشم پاک می‌کرد، فرمود: اگر نه این بود که رحمت خدا بر غضبش پیشی گرفته، لازم بود هر چه زودتر از تو انتقام بگیرد!<sup>۴</sup>

یا در روایت دیگری پیامبر (ص) از شنیدن ماجرا سخت ناراحت شد و در حالی اشک می‌ریخت فرمود: «من لا یرحم لا یرحم» کسی که رحم نکند به او رحم نخواهد شد<sup>۵</sup> سپس رو به سوی قیس کرد و گفت: روز بدی در پیش داری، قیس عرض کرد چه کنم تا بار گناهم سبک شود؟ پیامبر فرمود: به تعداد دخترانی که کشته‌ای بندگان آزاد کن (شاید بار گناهت سبک شود).<sup>۵</sup>

می‌شود، و مملو از خشم می‌گردد! (۵۸) از قوم و قبیله خود بخاطر بشارت بدی که به او داده شده متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکمی می‌کنند!)

<sup>۱</sup> انعام، ۶، ۱۵۱ و الإسراء، ۱۷، ۳۱. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ...» فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید، ماییم که آنها و شما را روزی می‌دهیم.

<sup>۲</sup> «تفسیر نمونه»، ج ۲۴، ص: ۴۷-۴۵.

<sup>۳</sup> الممتحنه، ۶۰، ۱۲... «وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بَبْهَاتٍ يَفْتَرِيْنَ بَيْنَ أَيْدِيْهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ...» طباطبایی محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۴۲ «ترجمه المیزان»، ج ۱۹، ص: ۴۱۱.

<sup>۴</sup> تفسیر نمونه ج ۲۴، ص: ۴۷-۴۵. از «القرآن یواکب الدهر» جلد ۲ صفحه ۲۱۴.

<sup>۵</sup> تفسیر نمونه ج ۲۴، ص: ۴۷-۴۵. از «جاهلیت و اسلام» صفحه ۶۳۲.

و اگر برای پیامبر اسلام (ص) می گفتند، کسی از کشتن کودکان جلوگیری می کرده است، حضرت این رفتارش را تأیید کرده، به بزرگی یاد نموده و سزاوار پاداش الهی بیان می کردند: مثلاً در حالات "صعصع بن ناجیه" جد فرزددق شاعر معروف) که انسان آزاده و شریفی بود می خوانیم در عصر جاهلیت با بسیاری از عادات زشت آنها مبارزه می کرد تا آنجا که ۳۶۰ دختر را از پدرانشان خرید و از مرگ نجات داد، و حتی در یک مورد برای نجات نوزاد دختری که پدرش تصمیم بر قتل او داشت، مرکب سواری خود، و دو شتر، به پدر آن دختر داد که پیامبر اسلام (ص) به او فرمود: کار بسیار بزرگی انجام دادی و پاداش تو نزد خدا محفوظ است!<sup>۱</sup>

از شیوه های دیگر پیامبر اسلام (ص) برای مبارزه با این رسم، ارزشمند دانستن دختر بچه ها و تشویق والدین به نگه داری از دختران بود: معمولاً وقتی خبر تولد دختری را به پدرش می دانند، چهره در هم می کشید، اطرفانش هم ناراحت می شدند و آثار ناخشنودی در آنها نمایان می گشت! (گویی هنوز رسوبات افکار جاهلی از مغز آنها برچیده نشده) در حدیثی می خوانیم که به پیامبر اسلام (ص) فوراً فرمود: ما لکم؟ ریحانة اشمها، و رزقها علی الله عز و جل!

" این چه حالتی است در شما می بینم؟! خداوند گلی به من داده آن را می بویم، و اگر غم روزی او را می خورید، روزیش با خدا است."<sup>۲</sup>

در جای دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سنگینش بر گرده زمین، و زیر سایه آسمان خدا زندگی خواهد کرد. و خداوند روزی او را خواهد داد، و خود شاخه گلی است که او را می بوئی (ناراحتی دیگر برای چه) سپس رو به یاران نمود، فرمود: هر کس دارای یک دختر است بار سنگینی بعهده اش افتاده، و یا رنج کشی باید بکند، و هر کس را دو دختر است خداوند بفریادش برسد، و هر کس دارای سه دختر است جهاد و هر کار دشواری از عهده او برداشته شده است، و هر کس دارای چهار دختر باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید، ای بندگان خدا به او (در صورت حاجت) وام دهید، ای بندگان خدا بر او رحم آرید. و فرمود: هر کس نفقه سه دختر را بدهد بهشت بر وی واجب شود عرض کردند یا رسول الله دو دختر چه؟ فرمود: آن نیز همین طور، عرض کردند یک دختر چه؟ فرمود: آن نیز همچنین.<sup>۳</sup>

در حدیث دیگری از پیامبر اسلام (ص) می خوانیم که فرمود: نِعَمَ الْوَالِدِ الْبِنَاتُ، ملطفات، مجهزات، مونسات مفلیات؛ "چه فرزند خوبی است دختر! هم پر محبت است، هم کمک کار، هم مونس است و هم پاک و پاک کننده."<sup>۴</sup>

در حدیث دیگری از پیامبر اسلام (ص) می خوانیم: من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها الی عیاله کان کحامل الصدقة الی قوم محاو یح و لیبدء بالاناث قبل الذکور، فانه من فرح ابنته فکانما اعتق رقبة من ولد اسماعیل:

<sup>۱</sup> تفسیر نمونه ج ۲۴، ص: ۴۷-۴۵. از أمالی المرتضی، ج ۲، ص: ۲۸۲، «قاموس الرجال»، ج ۵، صفحه ۱۲۵. شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج ۱۳، ص: ۱۷۵.

<sup>۲</sup> «وسائل الشیعه»، جلد ۱۵ صفحه ۱۰۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳؛ ص ۴۸۱ ح ۶۶۹۳ «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۵۶.

<sup>۳</sup> همان مدرک، ص ۱۵۷ ح ۴۶۹۷ و ح ۴۶۹۸.

<sup>۴</sup> «وسائل الشیعه» جلد ۱۵ صفحه ۱۰۰.

کسی که بازار می‌رود و تحفه‌ای برای خانواده خود می‌خرد همچون کسی است که می‌خواهد به نیازمندی کمک کند (همان پادشاه را دارد) و هنگامی که می‌خواهد تحفه را تقسیم کند نخست باید به دختر و بعد به پسران بدهد، چرا که هر کس دخترش را شاد و مسرور کند چنان است که گویی کسی از فرزندان اسماعیل (ع) را (از بردگی) آزاد کرده باشد.<sup>۱</sup>

در حقیقت این احترام به شخصیت زن سبب آزادی او در جامعه و پایان دادن به دوران بردگی زنان است.<sup>۲</sup>

این روایات نمونه‌هایی است از هزاران، که گزارش شده و هر روزه بارها و بارها تکرار می‌شده است؛ در چنین شرائط اجتماعی و چنین موقعیتی پیامبر اسلام (ص) با کودکان چنان رفتار محبت‌آمیزی داشتند که مردم را به شگفت آورده تا جایی که رعایت مقام نبوت پیامبر (ص) را نیز دیگر نکرده و شدیداً به اعتراض و توبیخ ایشان می‌پرداختند. ولی پیامبر اسلام (ص) در مقابل آنها جواب داده و از حقوق کودکان و زنان دفاع می‌نمودند و محبت به کودکان را وظیفه خود و دیگران شمرده و همچنان در گفتار و رفتار بر آن پافشاری نمودند.

### ۱.۳. ۱. گفتار اول: ارتباط مستقیم پیامبر اسلام (ص) با کودکان؛

در گفتار اول از فصل سوم (ارتباط مستقیم پیامبر اسلام (ص) با کودکان) مطالبی عنوان شده است که از سنت یا رفتار شخص پیامبر اسلام (ص) گزارشی صورت گرفته باشد و برای رعایت اختصار، توصیه‌های گفتاری آن حضرت مطابق با آن رفتار درباره کودکان نیز بدان ضمیمه گردیده است؛ و در گفتار دوم مربوط به توصیه‌هایی از ایشان درباره کودکان است که از ایشان گزارش رفتار به آن را نداریم.

#### ۱.۳. ۱. دوران کودکی پیامبر اسلام (ص):

با توجه به این که ما پیامبر اسلام (ص) را از بدو تولد معصوم می‌دانیم، می‌توانیم در تبیین الگوی ارتباطی ایشان از ارتباط ایشان در کودکی نیز استفاده کنیم. چرا که با تصویر ارتباطات کودکی ایشان است که می‌توان برای «کودک خوب بودن» یا «بایسته‌های کودک» نیز حد و مرز تعیین کرد. ما این دوران (کودکی پیامبر اسلام (ص)) را به عنوان فرستنده و افرادی که در طول زمان با کودک ارتباط دارند و کودکان دیگر را به عنوان مخاطب در نظر می‌گیریم که درس‌های پیامبر درباره کودکان محتوای پیامشان بوده، و گفتارها و رفتارهایشان در آن زمان نیز ابزارهای ارتباطی به کارگیری شده توسط ایشان است. با این توضیحات دیگر کسی نباید این دوران را از موضوع پایان نامه خارج بداند. چون با این برهه از زمان زندگی ایشان ما الگوی کودک خوب بودن را تکمیل می‌کنیم. یعنی در صورتی سیره‌ی ایشان در ارتباط با کودکان کامل بیان می‌شود، که زمان کودکی‌شان نیز بررسی گردد.

عبدالله پسر عبدالمطلب پدر بزرگوار پیامبر اسلام (ص) قبل از ولادت ایشان، از دنیا رفت. در شش سالگی هم مادرش دارفانی را وداع گفت. ایشان تا هشت سالگی نزد جد بزرگوارش عبدالمطلب بودند، که سرپرستی ایشان

<sup>۱</sup> «مکارم الاخلاق»، صفحه ۵۴.

<sup>۲</sup> «تفسیر نمونه»، ج ۱۱، ص: ۲۷۶-۲۷۲.

از آن پس بر عهده عمویش ابوطالب قرار گرفت. با توجه به شرایط مکه حقی در بدو تولدشان تا سن پنج سالگی در دامن دایه و دور از دامان مادر بودند.

در ارتباط کودکی ایشان با دیگران نکاتی قابل توجه و آموزنده است؛ که در تبیین سیره‌ی ایشان باید بدان توجه شود:

نمونه‌ای از رفتارهای توحیدی ایشان در زمان کودکی در ارتباط با دایه‌اش می‌باشد، زمانی که حلیمه، ایشان را همراه سایر فرزندان خود برای شبانی به صحرا بفرستد، گردن آویزی را برای حفظ او از چشم زخم به گردن وی آویخت، محمد از حلیمه پرسید: این چیست؟ به چه منظوری آن را بر گردن من می‌آویزی؟ حلیمه گفت: می‌خواهم تو را بوسیله این گردنبند از چشم زخم مردم محافظت کنم، محمد(ص) در عین کوچکی گردنبند را از گردن گشود و فرمود: خداوند خالق من، مرا حفظ خواهد کرد و من احتیاجی به این گردنبند ندارم!<sup>۱</sup>

در زمان کودکی همچون دیگر کودکان نبودند که به لهو و بازی وقتشان را گذرانند، شلوغ کاری نمی‌کردند و در جلسه‌ی بزرگان همانند آنها شرکت می‌کردند که مورد حمایت و احترام جدّ بزرگوارشان نیز قرار می‌گرفتند: مثلاً قریش در سالهای پی‌درپی گرفتار قحطی شدند تا کشت از میان رفت و پستان حیوانات خشکید، پس بیمناک شدند و گفتند: خدا ما را بارها بواسطه تو سیراب کرد، هم اکنون خدا را بخوان تا ما را سیراب نماید. پس عبدالمطلب بیرون رفت و رسول خدا که آن روز کمر بسته بود همراه وی بود، پس عبدالمطلب: دعا کرد. قریش از آنجا نرفته بودند که باران آسمان ریزش گرفت.<sup>۲</sup>

باز ابن عباس نقل می‌کند که: برای عبدالمطلب در سایه دیوار کعبه بساطی می‌گسترده که جز او کسی به خاطر احترام او در آنجا نمی‌نشست و پسرانش در کنار او می‌نشستند تا اینکه «عبدالمطلب» بیرون می‌آمد. رسول خدا- صلی الله علیه و آله- پسر بچه‌ای بود که می‌آمد و بر بساط جدش می‌نشست. عموهایش ناراحت می‌شدند و او را می‌گرفتند تا کنار بکشند، ولی وقتی عبدالمطلب این را می‌دید به آنان می‌گفت: رهایش کنید! به خدا سوگند او شأن و مقامی دارد. و من می‌بینم روزی را که او بر شما سروری کند. آنگاه او را در بغل می‌گرفت و با خودش می‌نشانده و چون عبدالله و ابوطالب از یک مادر بودند، رو به ابوطالب می‌کرد و می‌گفت: این پسر مقام و شأن بزرگی دارد، او را حفظ کن و از وی حمایت نما، چون تنهاست و مانند مادر برای او باش تا چیزی که او را ناراحت می‌کند، به او نرسد. آنگاه او را بر شانه خویش می‌گذاشت و هفت دور طواف می‌کرد.<sup>۳</sup>

از ابن عباس نقل شده است که: «عبدالمطلب رسول خدا را با ساربانان خویش فرستاده بود در طلب و جمع‌آوری شتران خویش که پراکنده شده بودند و در صحرا گریخته بودند، پس آنها را جمع‌آوری فرمود و به این سبب طول کشید، و وقت آمدنش در نزد عبدالمطلب گذشت. عبدالمطلب چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید، او را گرفت و بوسید و گفت: ای فرزند عزیز من، بعد از این تو را در پی هیچ کار نمی‌فرستم؛ زیرا که می‌ترسم با تو مکر و حيله شود و کشته گردی».<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بلعمی ابو علی «تاریخنامه طبری»، ج ۲، صص: ۷۵۲ - ۷۵۵. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، «قصص الأنبياء ( قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)»، ص ۶۶۶.

<sup>۲</sup> «ترجمه تاریخ یعقوبی»، ج ۱، صص: ۳۶۵ - ۳۶۷.

<sup>۳</sup> قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۷۴۱.

<sup>۴</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)»، ج ۲، ص ۵۴۳.



ابن اسحاق می‌گوید: برای من نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و اله در ایام کودکی از انجام کارهای سوء بازداشته می‌شده است و خود آن حضرت صلی الله علیه و اله فرموده است: بچه‌های قریش سنگ‌هایی را برای بازی کردن حمل می‌کردند و من هم همراه آنها بودم. می‌بایست که دامن‌هایمان را بالا می‌گرفتیم و سنگ را با آن حمل می‌کردیم که در نتیجه کشف عورت می‌شد. و من که می‌خواستم به بچه‌ها کمک نمایم و سنگی را با دامنم حمل کنم، مورد خطابی قرار گرفتم که گفت: دامنت را رها کن. من او را ندیدم، اما دامنم را محکم کردم و با دوشم سنگ‌ها را حمل می‌کردم و تنها من بودم که دامنم را بالا نگرفته بودم.<sup>۱</sup>

رسول خدا را پس از وفات عبدالمطلب، عمویش ابو طالب سرپرستی کرد و بهترین سرپرست بود. ابو طالب با آنکه نادر بود، سروری بزرگوار و مطاع و با عظمت بود. علی بن ابو طالب گفت: ابی ساد فقیرا و ما ساد فقیر قبله.<sup>۲</sup> پدرم در عین ناداری سروری کرد و پیش از او فقیری سروری نیافت.<sup>۳</sup>

ابو طالب او را در نه سالگی<sup>۴</sup> به بصری در سرزمین شام برد و گفت بخدا قسم تو را بدیگری وانمی‌گذارم، و فاطمه دختر اسد بن هاشم همسر ابو طالب و مادر همه فرزندان، رسول خدا را پرورش داد. و از رسول خدا روایت می‌شود که پس از وفات فاطمه که زنی مسلمان و بزرگوار بود، گفت: الیوم ماتت امی،<sup>۵</sup> امروز مادرم وفات کرد. و او را در پیراهن خویش کفن کرد و در قبرش فرود آمد و در لحد او خوابید. پس به آن بزرگوار گفته شد: ای رسول خدا برای فاطمه سخت بیتاب گشته‌ای؟ گفت: آنها کانت امی از کانت لتجیع صبیانها و تشبعنی و تشعثهم و تدهنی و کانت امی،<sup>۶</sup> او براستی مادرم بود چه کودکان خود را گرسنه می‌داشت و مرا سیر می‌کرد و آنان را گردآلود می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت و مادرم بود.<sup>۷</sup>

## بزرگواری از کودکی:

ابو طالب می‌گوید: سال هشتم از تولد پیامبر می‌خواستم برای تجارت به سوی شام بروم و هوا بسیار گرم بود. و عده‌ای نیز همراه ما بودند که شترانشان از رفتن باز ایستاد، محمد- صلی الله علیه و اله- رفت و بر آنها دست کشید پس به راه افتادند<sup>۸</sup>

حتی دشمنان ایشان نیز به بزرگواری ایشان در کودکی اذعان داشتند: سال بعد از صلح حدیبیه پیامبر همراه با مسلمانان مدینه برای زیارت کعبه رهسپار مکه شدند. قریش بی‌درنگ مکرز بن حفص را همراه تنی چند نزد پیامبر فرستادند و گفتند: ای محمد به خدا سوگند هیچ‌گاه، نه در دوران کودکی و نه در دوران بزرگی به حيله معروف

<sup>۱</sup> «تاریخ تحقیقی اسلام»، ج ۱، ص: ۲۵۴ از سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۹۴.

<sup>۲</sup> ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص: ۳۶۷.

<sup>۳</sup> جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام؛ ص ۷۵۰.

<sup>۴</sup> یعقوبی احمد بن ابی (درگذشت: ۲۸۴ یا ۲۹۲ق)، تاریخ یعقوبی، برگرداننده: آیتی محمد ابراهیم ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص: ۳۶۹.

<sup>۵</sup> قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۷۵۰.

نبودی، با سلاح وارد حرم و قوم خود می‌شوی و حال آنکه شرط کرده بودی که جز با سلاح مسافر داخل نشوی و شمشیرها نیز در غلاف باشد. پیامبر فرمود: «ما وارد مکه نخواهیم شد مگر به همان گونه».<sup>۱</sup>

### گذشت نسبت به کودکان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کودکی همه روزه با همسال‌های خود از قبیل ابوسفیان که عموزاده آن حضرت بود و ابوسلمه و مشروح بن نویبه نزد آن درخت می‌آمدند و آنچه را که از آن خرما بوسیله وزیدن باد و منقار زدن پرنندگان ریخته بود جمع می‌کردند. فاطمه بنت اسد نمی‌دید که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در جمع کردن خرما نارس و رسیده بهم‌سال‌های خود سبقت بگیرد ولی کودکان دیگر برای جمع کردن خرما بر یکدیگر پیشدستی می‌کردند، اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین آنان با سکون و وقار و تواضع و تبسم حرکت می‌کرد، از حرص و عجله کودکان دیگر تعجب می‌نمود! ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله چنانچه بعد از رفقاییش چیزی از خرما می‌افتاد آن را بر می‌گرفت و الا با صورت باز و انبساط و خوش‌روئی تمام برمی‌گشت. فاطمه بنت اسد از کثرت حیاء، نیکوکاری، دل‌نازکی، سرعت اشک و دل‌رحمی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تعجب می‌کرد! گاهی می‌شد که فاطمه بنت اسد قبل از آمدن کودکان برای آن حضرت خرما جمع می‌کرد، موقعی که آن بزرگوار می‌آمد خرماها را به او تقدیم می‌نمود ولی آن برگزیده خدا دوست داشت که خرماها را با کودکان دیگر بخورد.<sup>۲</sup>

### چوپانی

و از جمله ویژگی‌های پیامبر اسلام (ص) این است که از کودکی چوپانی می‌کرد و اجرت می‌گرفت.<sup>۳</sup> چون صحرا آرامش دشت و بادیه برایش، از ماندن در میان مشرکان و بت‌پرستان مکه پسندیده‌تر بود و او بهترین پیشه را چوپانی می‌دانست. خلوت و تنهایی صحرا، علاوه بر این که برایش دست‌مایه شکیبایی و بردباری بود، باعث می‌شد که به درستی در طبیعت بنگرد و به راستی بیندیشد، در تاریکی شب نجوا کند و سختی روز را به جان بخرد و سستی و نخوت را به بازوی تلاش و هنر صبر به زانو درآورد که پیروزی در این امتحان شکیبایی، فرایندی چون پیشوایی جهان را به او ارزانی می‌داشت. آن گونه پیامبران الهی با سپری کردن این دوران، بر مسند راهنمایی امت تکیه زدند. از حضرت محمد (ص) در این باره نقل شده: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، مگر این که چوپان گوسفندان بوده است».

از ایشان سؤال شد که آیا شما نیز شبانی کرده‌اید؟ فرمود: «آری! من مدتی شبان گوسفندان اهل مکه در (سرزمین) قراریط بوده‌ام». وی همچنین از شبانی گوسفندان خانواده خود در «اجیاد» یاد می‌کند.

می‌فرماید: «خداوند موسی را مبعوث فرمود، درحالی که گوسفندچرانی می‌کرد، داود را مبعوث فرمود و او هم چوپان بود و من هم هنگامی که به پیامبری مبعوث شدم، چوپان گوسفندان خانواده خود، در اجیاد بودم».<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> میر شریفی سید علی، پیام آور رحمت، متن، ص ۱۷۹.

<sup>۲</sup> مسعودی، علی بن حسین، «إثبات الوصیة»، ص ۲۴۲.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱؛ ص ۱۵۶ تا ۱۷۰.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین ج ۲؛ ص ۵۴۲/ ترجمه پهلوان - ج ۲؛ ص ۳۴۲.

این فراز برای این آمد تا پیام آن، درباره کودکان بررسی شود، پیامی که دارد برای کودکان این است که همچون پیامبرشان که در کودکی اشتغال و مسئولیت پذیری داشته، کودکان هم در حدّ وسعشان اشتغال و مسئولیت پذیر شوند، البته در شرائط و امکاناتی که بزرگترها در اختیارشان قرار داده‌اند. برای بزرگترها نیز این پیام را دارد، در حد وسعشان به فرزندانشان مسئولیت داده و زمینه اشتغال آنها در جامعه را کم‌کم فراهم کنند.

### ۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان

طبق روایات و نقل‌های تاریخی رسیده از گفتارها و زندگانی پیامبر اسلام(ص)، آن حضرت یک دسته توصیه‌هایی درباره کودکان بیان داشته‌اند. و کودکانی که حضور پیامبر اسلام(ص) را درک کرده‌اند دو گروه تقسیم می‌کنیم: گروه اول آن کودکانی که پیامبر اسلام(ص) شخصاً(به عنوان پدر یا مثل پدر) مسئول تربیت و پرورش آنها بوده‌است، که عبارتند از: فرزندانش، علی بن ابی‌طالب (ع) و زید بن حارثه (مشهور به: پسرخوانده پیامبر). گروه دوم بقیه کودکانی که پیامبر اسلام(ص) به عنوان پدر آنها مطرح نبوده‌است.

در گزارشات تاریخی و روایات، درباره فرزندان خود آن حضرت (به غیر از اطلاعات کمی درباره کودکی فاطمه(س)) مطالب مفیدی بدست نمی‌آید. لذا این فراز (برخورد پیامبر با کودکان) چهار قسمت می‌آید: ۱. کلیاتی درباره سنن یا رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودکان؛ ۲. گزارشات رفتاری پیامبر اسلام(ص) درباره کودکی علی(ع)؛ ۳. گزارشات رفتاری پیامبر اسلام(ص) درباره کودکی دخترش فاطمه(س)؛ ۴. گزارشات رفتاری پیامبر اسلام(ص) درباره کودکی زید بن حارثه.

### سنن‌های پیامبر اسلام(ص) درباره کودک:

در این جا به صورت اجمالی، رفتارهای کلی پیامبر اسلام(ص) با کودکان بیان می‌شود، که تحت عنوان سنن در روایات مطرح شده‌است، ولی تفصیل رفتارهایشان در عنوان‌های مجزا تشریح می‌شود.

آن حضرت کوزه‌ای سفالی داشت که با آن وضو می‌ساخت و از آن آب میل می‌کرد. و مردم برای تبرک، کودکان خود را می‌فرستادند و داخل منزل حضرت می‌شدند. بدون این که کسی از آنان ممانعت کند، آن کودکان، آن کوزه آب را پیدا می‌کردند، و می‌آشامیدند و به صورت و بدن خود برای تبرک می‌مالیدند.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام روایت شده که هفت چیز در باره کودکی که تازه متولد شده از سنن پیامبر اسلام(ص) شمرده‌است:

<sup>۱</sup> طباطبایی، محمد حسین، «سنن النبی صلی الله علیه و آله (بوستان کتاب)، اجلد، قم، چاپ: اول، ص ۱۰۵ و ۱۰۶. طباطبایی، محمد حسین، «سنن النبی صلی الله علیه و آله» (اسلامیه)، اجلد، کتابفروشی اسلامیة - تهران، چاپ: هفتم، ۱۳۷۸. ص ۱۲۴ که آدرس داده از روی هذه المعانی فی کتب «احیاء العلوم»، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۷ و ج ۷ ص ۱۳۰ المکارم، ج ۱، ص ۳۷-۴۰ و المناقب، ج ۱، ص ۱۶۸؛ الفقیه؛ ص ۵۱۹؛ الامالی، ص ۷۱؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۹۸ و المحجّة البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۰ طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴. ج ۶؛ ص ۴۶۰.

اول: نامگذاری نیکو؛ دوم: تراشیدن موی سر کودک؛ سوم: به سنگینی موهای سرش نقره و یا طلا صدقه دادن؛ چهارم: برای او عقیقه کردن؛ پنجم: زعفران مالیدن به سر کودک؛ ششم: ختنه کردن کودک؛ هفتم: اطعام نمودن همسایگان از عقیقه.<sup>۱</sup>

### کودکی علی بن ابی طالب (ع) در محضر پیامبر اسلام (ص)

علی (ع) در زمان سی سالگی پیامبر اسلام دیده به جهان گشوده است، که در آن زمان، پنج سال از ازدواج آن حضرت با خدیجه گذشته است. همچنین در آن موقعیت زمانی ابوطالب از نظر مالی دچار مشکل شدند و پیامبر اسلام (ص) به ابوطالب پیشنهاد می‌کند تا سرپرستی فرزندش علی (ع) (که در کودکی است) را به پیامبر واگذار نماید، که ابوطالب قبول می‌کند، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شخصا متصدی پرورش و تربیت علی می‌شد، در موقع شیرخوارگی علی علیه السلام شیر را در حلق آن حضرت می‌ریخت، در موقع خواب علی گهواره جنبان علی بود، در وقت بیداری با علی هم سخن می‌شد و آن بزرگوار را گاهی بسینه و گاهی بدوش خود حمل و نقل می‌فرمود. و علی را گردش بکوه‌های مکه، شکاف کوه‌ها، رودبارها و جاده‌ها می‌برد.<sup>۲</sup>

در این باره از خود علی (ع) نیز گزارشاتی رسیده است:

من از عموم مسلمانان با هیچ کس بطور خصوصی نه انسی داشتم و نه مورد اعتماد بود و نه مستقیما هم‌رازم بود و نه نزدیکش می‌رفتم جز رسول خدا که از کودکی مرا در دامن خود پروراند و رسول خدا مرا در کودکی از دامان پدرم برگرفت و من شریک نان و آب آن حضرت و مونس و هم صحبتش بودم.<sup>۳</sup> در دورانی که بزرگ شدم مرا منزل و مأوا داد و مصارف مرا متحمل گردید و از یتیمی نجاتم بخشید.<sup>۴</sup>

### کودکی فاطمه (س):

مسلم است که فاطمه (س) در شهر مکه و در ابتدای بعثت چشم به جهان گشود. پس خردسالی و کودکی در سخت‌ترین دوران حیات پیامبر اسلام (ص) است در زمانی که مشرکان مکه بیشترین آزارها را به خانواده‌ی رسالت رساندند و حتی بارها نقشه قتل پیامبر (ص) را نیز داشتند که با یاری و حفظ خداوند، از دام مرگ نجات یافتند. از جمله آزارهای فراگیر مسلمانان نوپا تحریم و حصر در شعب ابی‌طالب بود:

<sup>۱</sup> سنن النبی (طباطبایی، اسلامیة)، ص: ۱۵۵ و ۱۵۶. نقل از کتاب «مکارم»

<sup>۲</sup> مسعودی، علی بن حسین، ترجمه إثبات الوصیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۲ ش. ص ۲۴۶. ص ۲۵۶.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال» ترجمه فهری، ج ۲؛ ص ۶۸۶.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه فهری، ج ۲، ص ۴۲۱.

در کتاب پیام آور رحمت از حلبی (ج ۱/ص ۳۳۷) نقل می‌کند: «بنی هاشم در شعب از نظر غذا و احتیاجات روزمره به شدت در تنگنا و سختی به سر می‌بردند. کار به جایی رسید که برخی مواقع از گیاهان و برگ درختچه‌ها تغذیه می‌کردند و ناله جانکاه گرسنگی کودکان از بیرون شعب شنیده می‌شد!»<sup>۱</sup>

قسمتی از زندگانی کودکی فاطمه(س) در همین شعب بود که داغ بی‌مادری را نیز برای دل کوچک فاطمه(س) به همراه داشت: امام صادق علیه السلام فرموده: هنگامی که حضرت خدیجه رحلت نمود فاطمه علیها السلام که کودکی بیش نبود دائما خود را به رسول خدا علیه السلام نزدیک می‌کرد و در اطراف او می‌گشت و می‌گفت: ای رسول خدا! مادرم کجاست؟ ولی پیامبر به او پاسخی نمی‌داد و فاطمه به دنبال کسی بود که بتواند پاسخ این سؤال را از او بگیرد، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در فکر بود که چه جوابی به او بدهد، در این حال جبرئیل بر او نازل گردیده و گفت: خداوند می‌فرماید: به فاطمه سلام برسان و به او بگو که مادرت با آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران، در خانه‌ای است که در بهشت قرار دارد و دیوارهای آن از طلا و ستونهای آن از یاقوت سرخ است. و فاطمه می‌گفت: خدا سلام و سلامتی است، و سلام و سلامتی از او و به سوی اوست.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام (در حال که کودک بود) نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پیامبر در چهره او آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشانید - معلوم می‌شود که حضرت فاطمه علیها السلام در سنین کودکی بوده است - پس فاطمه گفت: ای پدر! من گرسنه‌ام. پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن.<sup>۳</sup>

### پسر خوانده:

در جنگی «زید بن حارثه» در اواخر سن کودکی به اسارت در آمد، به همراه اسیران دیگر به بازار «عکاظ» بردند و فروختند حکیم بن حزام زید را خرید و به عمه خود «خدیجه» بخشید و خدیجه نیز او را به همسرش پیامبر اسلام (البته قبل از بعثت) بخشید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز «زید» را بلافاصله در راه خدا آزاد کرد و سپس او را مورد تفقد و ملاحظت قرار داده و در خانه خود نگه‌داشت. یک سال در موسم حج عده‌ای از افراد قبیله «حارثه» زید را در مکه دیدند و او را شناختند و داستان سوز و گداز و اندوه پدر و مادرش را به او بازگو کردند «زید» به وسیله آنان به پدر و مادرش سلام فرستاد و پیغام داد که برای دیدار آنان فوق العاده اشتیاق دارم و

<sup>۱</sup> میر شریفی سید علی، «پیام آور رحمت»، ص: ۵۰.

<sup>۲</sup> خرائج و جرائح ج ۱، ص ۵۲ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه قائم فرد، ص ۸۴ از الکافی ج ۵، وسائل الشیعه ج ۲۰، ص ۲۱۵، ح ۲۵۶۳.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی ص ۳۷۰. ترجمه نجفی ص ۲۹.

در آخر این جمله را افزود: به پدر و مادرم بگوئید من در این جا در کنار مهربان‌ترین پدرها به سر می‌برم. حارثه پس از اطلاع از جریان رفت مکه و خواست فدیة دهد تا پسرش را آزاد کند وقتی که نزد حضرت رسید عرض کرد قیمت فرزند مرا بستان و او را آزاد کن حضرت فرمود: اختیار با خود زید است اگر مایل باشد به نزد شما بیاید من بدون اخذ چیزی او را به شما می‌دهم. وقتی از زید سؤال کردند، گفت: هرگز از محمد صلی الله علیه و آله جدا نخواهم شد. حارثه گفت: ای پسر! بندگی را بر آزادی ترجیح می‌دهی! زید گفت: من از محمد صلی الله علیه و آله چیزهایی دیدم که ابدا کسی را بر او ترجیح نخواهم داد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله چون این سخن را از زید شنید دست زید را گرفت و به کنار کعبه برد و در اجتماع قریش فرمود: گواه باشید که زید فرزند من است، او از من ارث می‌برد و من از او. از آن به بعد مردم به زید می‌گفتند: زید بن محمد صلی الله علیه و آله وقتی که اسلام آمد و فرمود فرزند خوانده را به اسم پدرش بخوانید: «ادعوهم لآبائهم» دیگر مردم به او زید بن محمد نگفتند بلکه گفتند زید بن حارثه.<sup>۱</sup>

و در روایتی مشابه از امام رضا (ع) داستان زید، با کمی تفاوت نقل شده است.<sup>۲</sup>

### ۳.۱.۳. نامگذاری نیکو:

در روایتی از امام کاظم (ع) اهمیت و جایگاه نام‌گذاری نیکو از منظر پیامبر اسلام (ص) چنین آمده است: کسی خدمت پیامبر اسلام (ص) رسید و گفت: ای پیامبر خدا حق این فرزند بر من چیست؟ فرمود: «نام او را و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه اجتماعی نیکویی قرار دهی.»<sup>۳</sup>

پس نام‌گذاری نیکو از حقوق کودک است. یعنی اگر این کار برای کودک انجام نشود یا صحیح (نیکو بودن نام) نباشد، حق کودک ادا نشده و به عنوان مظلوم می‌تواند به درگاه خدا از والدینش در این باره شکایت کند. روش پیامبر اسلام (ص) در نام‌گذاری‌ها بر این بود که نام‌هایی با معانی نیکو و پسندیده بر انسان‌ها، شهرها، حیواناتش و وسائلش می‌نهاد. حتی نام‌های با معنای بد و مشمئزکننده را تغییر می‌داد. و سفارش می‌نمود نام‌های نیکو یعنی با معانی پسندیده و خوشایند یا هدفمند برگزینند، مثل نام‌های گل‌ها برای دختران و... در نام‌گذاری‌ها جنبه‌های تبلیغی اسلام (سیاسی) نیز مد نظر پیامبر اسلام (ص) و اهل بیتش بوده است، مثلاً پیامبر اسلام (ص) نام خودشان و نام‌هایی را سفارش نمودند که دلالت بر اسلام (بندگی خدا) بود، و نام‌هایی که معنای بندگی بت‌ها و بت‌پرستی داشتند را نکوهش کرده و تغییر می‌دادند. یا در زمان امام حسین (ع) که بعضی از مردم آن زمان علی (ع) را دشمن

<sup>۱</sup> شهید ثانی، زین الدین بن علی، «آرام بخش دل داغدیدگان» (ترجمه مُسکَن الفؤاد) - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۰ ش؛ ص ۲۴۶. به این مضمون نیز در

«زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ترجمه «إعلام الوری» ص ۲۱۹.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه «عیون أخبار الرضا علیه السلام» ج ۱؛ ص ۴۱۳.

<sup>۳</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۸ از الکافی ج ۶، ص ۴۸، ح ۱ و تهذیب الاحکام ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۸۴.

می‌داشتند ایشان نام همه پسرانش را علی گذاشتند.<sup>۱</sup> نمونه‌هایی از سفارشات یا نواهی پیامبر اسلام(ص) در نام‌گذاری‌ها در روایات زیر مشاهده می‌شود:

پیامبر اسلام(ص): بهترین نام‌ها عبدالله، عبدالرحمان و نام‌هایی است که دلالت بر بندگی خدا دارند.<sup>۲</sup>

پیامبر اسلام(ص): هرکس صاحب چهار فرزند شود و یکی را به نام من (محمد) نامد، بر من جفا کرده است.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام(ص): هیچ خانه‌ای نیست که نام محمد در آن باشد مگر آن که روزی آنها را بسیار کند. پس هرگاه آنان را محمد نامید، آنان را نزنید و دشنام ندهید.<sup>۴</sup>

پیامبر اسلام(ص): به نام پیامبران نام گذاری کنید.<sup>۵</sup>

کسی از پیامبر اسلام(ص) سؤال کرد: فرزندی برایم زاده شده است. او را چه بنامم؟ فرمود: «او را به محبوب‌ترین نام نزد من بنام، حمزه»<sup>۶</sup>

فرزندان خود را قبل از ولادت نامگذاری کنید و اگر ندانید که پسر است یا دختر نام‌هایی بر آنان بگذارید که بر مرد و زن هر دو گفته می‌شود؛ از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: «آن کودکی که از شما سقط می‌شوند و نامی برای آنان نمی‌گذارید روز قیامت که شما را ملاقات می‌کنند خواهند گفت: چرا نام ما را تعیین نکردید، در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله کودک حضرت فاطمه را قبل از اینکه متولد شود محسن نامید؟»<sup>۷</sup>

در اخبار زیادی گزارش شده است: نام گذاری حسن بن علی(ع) و حسین بن علی(ع) توسط پیامبر اسلام(ص) صورت گرفته است.<sup>۸</sup>

حتی بسیاری از مسلمانان یا از پیامبر اسلام(ص) نامی برای نام‌گذاری فرزندانشان می‌پرسیدند و یا حتی از خود حضرت درخواست نام‌گذاری فرزندانشان را کرده و ایشان این کار را انجام می‌دادند: مثلاً زنی فرزند خود را خدمت پیامبر - صلی الله علیه و آله - آورد تا برای او اسمی انتخاب کند و دعا نماید. «حضرت بعد از نام‌گذاری در سر کودک، غده‌ای را دید، دلسوزی نموده، دستش را بر سر او کشید و غده از بین رفت و جای آن مو رویید.»<sup>۹</sup>

<sup>۱</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۸ از «الکافی»، ج ۶، ص ۱۹، ح ۷؛ «بحارالانوار»: ج ۴۴، ص ۲۱۱، ح ۸.

<sup>۲</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۹، از «النوادر راوندی» ص ۱۰۴، ح ۷۵؛ «بحارالانوار» ج ۱۰۴، ص ۱۳۰ ح ۲۱.

<sup>۳</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از «الکافی»، ج ۶، ص ۱۹، ح ۶، «تهذیب الاحکام» ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۳۳.

<sup>۴</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۰ از «تنبيه الخواطر»، ج ۱، ص ۳۲، «نهج البلاغه ابن ابی الحدید»، ج ۱۹، ص ۳۶۶.

<sup>۵</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از «سنن ابی داود»، ج ۴، ص ۲۸۸، ح ۴۹۵۰، و «مسند ابی یعلی»، ج ۶، ص ۳۵۱ ح ۷۱۳۳.

<sup>۶</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از الکافی ج ۶، ص ۱۹، ح ۹؛ تهذیب الاحکام: ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۴۹.

<sup>۷</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه نجفی؛ ص ۲۰۸. ابن بابویه، محمد بن

علی، «الخصال»، ترجمه فهری، ج ۲، ص ۷۷۳.

<sup>۸</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.

<sup>۹</sup> «بحارالانوار»، ج ۱۸/ص ۸، حدیث ۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۲۰، ح ۱۹.

سفارش شده است که در نام‌گذاری نوزادان و کودکان از نام‌هایی که تداعی ناخوشایند و پوچ و بی‌معنی می‌کند پرهیز شود و از نام‌هایی که مفاهیمی متعالی و انسانی و زیبا دارد انتخاب شود تا کودک در بزرگی از نام خود احساس ناراحتی و اندوه نکند که متأسفانه یکی از روش‌های ناپسند استعمارگران در استعمار فرهنگی ملت‌ها همین تغییر نام‌ها است چه برای اشخاص و چه برای مکان‌ها و مؤسسات، و درست بر خلاف آنچه که پیامبر اسلام (ص) می‌خواهد عمل کردند یعنی نام‌های پر معنی و نیکو را به نام‌های بی‌هویت عوض کردند.<sup>۱</sup> دو نمونه می‌آوریم: «سعید بن مسیب گوید: از برای برادر مادری ام سلمه کودکی متولد شد و او را ولید نام نهادند حضرت رسول فرمود: نام‌های متکبرین و فراعنه خود را بر کودکان مگذارید، اکنون اسم او را برگردانید و عبد الله بگذارید، زیرا که پس از این مردی در این امت خواهد آمد که به او ولید خواهند گفت و ضرر او برای امت من از زیان فرعون بر قومش بیشتر است.» راوی گوید: مردم خیال می‌کردند مقصود حضرت ولید بن عبد الملک بوده و لیکن پس از این دانستیم که مقصود از این مرد ولید بن یزید بن عبد الملک بوده است.<sup>۲</sup> عبد شمس را حضرت رسول صلی الله علیه و آله (ناپسند شمرده و تغییر داده) عبد الله نام گذاشت<sup>۳</sup> دادن کنیه و القاب پسندیده، مطابق با فرهنگ عرب، یکی دیگر از سنت‌های پیامبر اسلام (ص) می‌باشد: از غزالی در «احیاء العلوم» نقل شده: آن جناب برای احترام أصحاب و به خاطر بدست آوردن دل‌هایشان آنان را به کنیه صدا می‌زد، و کسانی که کنیه نداشتند بر ایشان کنیه قرار می‌داد. و مردم نیز به همان کنیه صدایشان می‌کردند. و هم چنین زنان اولاد دار، و بی‌اولاد، و حتی بچه‌ها را کنیه می‌گذاشت و بدین وسیله دل همه را بدست می‌آورد.<sup>۴</sup>

### ۳. ۱. ۴. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

یکی دیگر از سنت‌های بسیار مؤکد پیامبر اسلام (ص) گفتن اذان در گوش راست نوزاد و گفتن اقامه در گوش چپ نوزاد می‌باشد. ایشان این عبادت را درباره‌ی بسیاری از کودکان انجام داده و برای هر نوزادی سفارش می‌نمودند تا ابتدا گوش نوزاد با کلمات آسمانی توحیدی آشنا گردد که همراه با فطرت او بوده و آمادگی او برای موحد بودن بیشتر می‌شود. نکته‌ی قابل توجه این است که آموزش و پرورش از نظر پیامبر اسلام (ص) از ابتدای تولد آغاز شده، همان طور که آمادگی و زمینه‌های تربیت فرزند را در ابتدای دوران بارداری مادر بلکه در تربیت قبل از ازدواج والدین شمرده است.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ قرآن» ج ۲، ص ۵۰۹.

<sup>۲</sup> «زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ص ۵۰.

<sup>۳</sup> طبرسی، فضل بن حسن، «زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ترجمه «إعلام الوری»، ص ۲۱۷.

<sup>۴</sup> طباطبایی، محمد حسین، «سنن النبی صلی الله علیه و آله» (اسلامیه)، ص ۵۳.

<sup>۵</sup> روایات مربوط به دو مطلب اخیر، در ذیل عنوان تغذیه مادر و انتخاب مادر شایسته در روایات آمده است.



ابو رافع می گوید: هنگامی که امام حسن(ع) متولد شد رسول خدا بگوش وی اذان گفت. موقعی که امام حسین(ع) متولد شد، نیز همین عمل را انجام داد.<sup>۱</sup>

از این دسته روایات می توان اثبات نمود که محور الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) بر اساس توحید است. در فرمایشات پیامبر اسلام(ص) آمده است: اثر گفتن اذان و اقامه در گوش بچه باعث محفوظ ماندن کودک از شر شیطان و جن زدگی است.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۵. کام برداشتن

از رفتارهای (سنت های) پیامبر اسلام(ص) در آغاز تولد نوزاد برداشتن کام<sup>۳</sup> او است. پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) علاوه بر این که خود بر این سنت عمل می کردند، دیگران را نیز به آن سفارش می نمودند. برای برداشتن کام کودک به این ها سفارش شده است: تربت امام حسین(ع)، آب فرات، آب باران، آب گرم، خرما و عسل. کام برداشتن علاوه بر آثاری که در روایات برای آن بیان شده، نوعی تیمن و تبرک است و برای کودک تاثیرات معنوی فراوانی خواهد داشت. در صدر اسلام بیشتر کام کودکان مسلمانان را حضرت محمد(ص) بر می داشت و برای آنها دعا می کردند.<sup>۴</sup>

### ۳. ۱. ۶. عقیقه

از فرمایشات پیامبر اسلام(ص) این است:

عقیقه فرزند از پسر و دختر روز هفتم است، روز هفتم فرزند را نام گذاری کنند و سر وی را بتراشند و مقابل موی او زر یا سیم صدقه دهند.<sup>۵</sup>

بعد از میلاد صدیقه کبری فاطمه زهرا- سلام الله علیها- سوره کوثر نازل شد و فرمود: «فصل لربک و انحر». یعنی به پاس میلاد این عطیه الهی، نماز شکر بگزار و یک شتر قربانی تقدیم کن. رسول خدا این سنت را در میلاد فاطمه با تقدیم یک شتر پروار ماده، اجرا نمود و بعد در میلاد سبط اکبر امام حسن مجتبی و میلاد سبط اصغر سیدالشهدا با عقیقه یک قوچ فرجه این سنت را ادامه داد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۵ و «قصص

الأنبیاء» (ترجمه قصص الأنبیاء جزائری)؛ ص ۷۳۵ و ص ۷۴۹.

<sup>۲</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۵ از «الکافی»، ج ۶، ص ۲۴، ح ۶.

<sup>۳</sup> کام برداشتن بدین معناست که مقداری خرما یا شیرینی را نرم و ملایم کرده و به صورت مایع ساخته و آن را به حلق کودک می ریزند.

<sup>۴</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۷ ص ۶۶. «جامع الاحادیث»، ص ۱۴۱. ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال» ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۲۶۸.

<sup>۵</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲؛ ص ۲۳۴.

<sup>۶</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۵، ص ۱۸۷. به همین مضمون در ترجمه «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲؛ ص ۵.

ابن غسان روایت می‌کند که پیغمبر خدا برای حسنین هر کدام یک گوسفند عقیقه کرد. آنگاه فرمود: از گوشت آن بخورید و به دیگران هم بدهید و یک پای آن را برای قابله بفرستید.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله از عقیقه و نوزاد یاد کرد و فرمود: «هنگامی که روز هفتم مولود شود قوچی برای او بکش و اعضای او را قطعه قطعه کن و او را بپز، پس از آن هدیه بده و صدقه بده و بخور و سر فرزند را بتراش و به وزنش طلا یا نقره بده.»<sup>۲</sup>

«فقهاء وقت عقیقه را برای نوزاد آخر هفته اول معین کرده‌اند، و پاره‌ای آن را واجب شمرده‌اند مانند سید مرتضی و ابن جنید و شیخ طوسی، و فقهای پس از او آن را سنت مؤکد و مستحب دانند.»<sup>۳</sup>

عبدالمطلب برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز هفتم میلاد آن حضرت عقیقه کردند و فرزندان خود را بدان دعوت کرد، پرسیدند این چه چیز است؟ پاسخ داد، این عقیقه احمد است.<sup>۴</sup>

### ۳. ۱. ۷. ختنه

ختنه کردن کودک از آدابی است که در سنت پیامبر اسلام (ص) وجود داشت. در سفارشات پیامبر اسلام (ص) این عمل برای پسران در روز هفتم ولادت کودک سفارش شده است. البته برای پسران بسیار سفارش شده ولی برای نوزاد دختر تأکید نشده و آن را واجب ندانسته، بلکه سفارش به کم بودن آن است، در روایاتی آمده است: فرزندان خود را هفتم روز ولادت ختنه کنید و از سرما و گرما اندیشه مند مگردید عمل ختنه تن را پاک سازد زمین از بول غیر مختون زاری کند.<sup>۵</sup> یا از پیامبر اسلام (ص) نقل شده: روز هفتم ولادت فرزندان خویش را ختنه کنید، که بهتر باشد و زودتر گوشت آن روییده گردد، زیرا زمین تا چهل روز از بول ختنه نشده پلید گردد.<sup>۶</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «زدواج، ختنه کردن، مسواک و عطر از سنت من و پیامبران پیش از من است.»<sup>۷</sup>

۱. «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۱، ص ۱۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۵

۲. بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه) ج ۲۶، ص ۷۶۹. «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۶۲.

۳. «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۶۲.

۴. ترجمه «من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۶۵.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۲۶۶.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۱۴۸.

۷. بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۵، ص ۸۱.

موسی بن بکر گوید: امام کاظم علیه السلام روایت نمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهمانی دادن، فقط در پنج مورد شایسته است: در جشن عروسی، و در شادی تولد نوزاد، و در ختنه سوران، و در خرید منزل، و در بازگشت از سفر حج.<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «هنگامی که زنان به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله هجرت کردند، در میان آنان زنی به نام ام حبیب بود که دختران را ختنه می‌کرد. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را مشاهده کرد، به وی فرمود: ای ام حبیب! کاری را که در گذشته انجام می‌دادی، اکنون نیز انجام می‌دهی؟ ام حبیب گفت: آری؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! مگر آن‌که حرام باشد و مرا از آن باز داری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، بلکه حلال است. نزد من بیا تا به تو بیاموزم! ام حبیب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و آن حضرت به وی فرمود: وقتی آن کار را انجام دادی، آن را عمیق نبر و از ریشه قطع نکن، بلکه اندک ببر، چرا که آن چهره را روشن‌تر می‌کند و برای شوهر لذت‌بخش‌تر است.»<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۸. بوسیدن و محبت به فرزندان

بی‌شک یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت است به گونه‌ای که اگر این نیاز برآورده شود کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد:

التلطف بالصبيان من عادة الرسول؛<sup>۳</sup> لطف و محبت کردن به کودکان یکی از عادات پسندیده پیامبر (ص) بود زیرا نوازش و محبت به کودک به او اعتماد به نفس می‌بخشد. ریشه محبت را در درون شان استوار می‌گرداند. حسن و حسین که دو کودک کوچک بودند آن دو را پیامبر در دامن خود قرار داده و هر دو را می‌بوسیدند.<sup>۴</sup>

از نکات مهم محبت به کودکان این است که تنها به محبت درونی بسنده نشود؛ زیرا محبت وقتی موثر و مفید خواهد بود که ابراز گردد و کودک از دوستی آنان آگاه شود و گرنه اصل دوستی تنها برای محبت‌کننده می‌تواند مفید باشد نه برای آنکه نسبت به او دوستی می‌ورزند. از این رو پیامبر همواره اصحاب خود را به آشکار ساختن محبت سفارش کرده‌اند. هم‌چنان که امام کاظم (ع) از پیامبر (ص) روایت می‌کنند: هرگاه یکی از شما برادر ایمانی‌اش را دوست دارد، این دوستی را به اطلاع او برساند که این کار برای دوستی و رابطه بین شما بهتر است «إذا أحب أحدكم

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۲، ص ۱۵۵.

<sup>۲</sup> بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۲، ص ۷۱۳. ج ۲۶، ص ۸۱۳.

<sup>۳</sup> فیض کاشانی، محمد معروف به ملّا محسن، «المحجّة البيضاء»، ج ۳، ص ۳۶۶.

<sup>۴</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف‌الیقین) ص ۳۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «بخش امامت ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الأنوار»، ج ۳، ص ۱۷۳.

«زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی؛ ص ۱۲۲.

اخاهُ فليعلمه فانه اصلح لذات بينكم»<sup>۱</sup> ابراز محبت به شیوه ها و روش های گوناگونی در مورد کودکان انجام پذیر است چون: در آغوش گرفتن، نوازش کردن، سخن گفتن به نرمی، بازی با فرزند و بوسیدن او و... است.

دل پاک کودک آئینه‌ای است درخشان و اظهار محبت پدر و مادر به فرزند و به خصوص بوسیدن او آئینه روح کودک را جلا می‌دهد و ضامن سلامت روحی و تعادل عاطفی کودک است و شاید فلسفه سفارش‌های پیامبر به بوسیدن فرزند در همین نکته نهفته باشد که می‌فرماید: بوسیدن فرزند کار نیک است و پاداش هر نیکی ده برابر است. «القبلة حسنةٌ و الحسنه عشرة»<sup>۲</sup> پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس فرزندش را ببوسد حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود و هر کس او را خوشحال سازد، خدای تعالی او را خوشحال می‌کند.<sup>۳</sup> همچنین پیامبر اسلام (ص) فرمودند: هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل فرزند است. بوی فرزند از بوهای بهشت است. فرزندان را زیاد ببوسید.<sup>۴</sup>

البته نکته‌ای را نباید از خاطر دور داشت و آن رعایت اعتدال در محبت و ابراز آن است هر چند افراط و تفریط در هر کاری ناپسند است لیکن در مسائل تربیتی باعث بروز آثار منفی مثل پرتوقعی کودک خواهد شد.

وجود نازنین حضرتش علاوه بر توصیه به ابراز محبت به واسطه بوسیدن خود نیز به این کار مبادرت می‌ورزید و کسی که این عمل «بوسیدن فرزند» را ترک کند از اهل جهنم می‌شمردند. هر کسی مهر و محبت نداشته باشد مشمول رحمت الهی قرار نمی‌گیرند. حسن بن علی ابن یوسف ازدی از مردی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: فردی به حضور پیامبر اسلام رسید و عرض کرد: من تاکنون فرزندم را نبوسیده‌ام. پیامبر که از شدت بی‌رحمی و قساوت او متعجب شده بود فرمود: این مرد نزد من از اهل جهنم است.<sup>۵</sup>

### جدا نکردن کودکان از والدین در بردگان:

ابو عبد الله صادق - صلوات الله علیه - می‌فرماید: مامورین رسول خدا - صلوات الله علیه - زنان و کودکان دشمن را از یمن به رسم بردگی می‌آوردند. در نیمه راه، موقعی که به جحفه رسیدند، خرجی آنان تمام شد و دخترکی را از مادرش جدا کردند و فروختند، و چون به مدینه آمدند و بر رسول خدا وارد شدند، رسول خدا صدای شیون آن زن را شنید و از علت آن جويا شد. در پاسخ گفتند: یا رسول الله، در راه به خرجی نیاز پیدا کردیم و دختر این زن را فروختیم. رسول خدا بهای آن دخترک را

<sup>۱</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۷۴، ص ۱۸۱.

<sup>۲</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۷۴، ص ۱۸۱.

<sup>۳</sup> ابن فهد حلی، احمد بن محمد، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عده الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

<sup>۴</sup> «کنز العمال»، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

<sup>۵</sup> حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

فرستاد تا او را مرجوع کردند. رسول خدا فرمود: این مادر و دختر باید باهم فروخته شوند یا باهم در همین جا نگهداری شوند. گفت: جدائی انداختن میان آنان حرام است. مگر در صورتی که خود آنان پیشنهاد کنند.<sup>۱</sup>

درباره‌ی وقتی یهودیان بنی قریظه به سزای خیانت و جنایت خود رسیدند. واقعی گوید: مجموع اسیران از زن و بچه هزار نفر بودند. پیامبر دستور داد در تقسیم و نیز فروش بین کودکان و مادرانشان جدایی نیفتد. اگر مادری دارای فرزند کوچک بود او را همراه فرزندش به مشرکان عرب، یهودیان مدینه و تیماء و خیبر می‌فروختند ولی اگر کودک نابالغی بی‌مادر بود او را فقط به مسلمانان می‌فروختند.<sup>۲</sup>

### از خواب بیدار کردن کودک با بوسه :

در حالی که جبرئیل امین در سمت راست و مسلمانان دور وی بودند و به باغ بنی نجار رفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آن فرشته موکل درود فرستاد، سپس بر سر زانو به زمین نشست و دید حسن علیه السلام دست بر گردن حسین علیه السلام انداخته و هر دو به خواب رفته‌اند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرتب آن دو را می‌بوسید تا زمانی که از خواب بیدار شدند، ولی باز خوابیدند، آن جناب حسن علیه السلام را و جبرئیل حسین علیه السلام را برداشته از باغ خارج شدند.<sup>۳</sup>

### ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک

انسان از بدو بسته شدن نطفه تا به دنیا آمدن و تا انتهای عمر نیازهای زیادی دارد.

ابراهیم مازلو پس از مطالعات فراوان، سلسله مراتبی از نیازهای انسان‌ها شکل داده است، که در نظر داشته تمام نیازهای نامحدود انسانی را در این چند طبقه قرار دهد:<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۴، ص ۳۶۲، ح ۲۶۸۰ و ح ۲۶۸۱.

<sup>۲</sup> «پیام آور رحمت»، ص ۱۴۱.

<sup>۳</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف الیقین)، ص ۳۳۱. «زندگانی حضرت زهرا(س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه نجفی، ص ۳۰۰.

<sup>۴</sup> علی اکبر فرهنگی، «ارتباط انسانی»، ج ۱، ص ۱۲۸.



مازلو، نیازهای انسان را به طبقات مختلف تقسیم می‌کند (در یک مدل پنج طبقه ارائه شده است) سلسله مراتب را به ترتیب شامل نیازهای زیستی، نیازهای امنیتی، نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام و در نهایت، نیاز به خودشکوفایی می‌داند. مازلو در نوشته‌های خود اشاره کرده است که این شکل طبقه‌بندی عمومیت مطلق ندارد. اما موارد زیادی را می‌توان یافت که این نوع تقدم و تاخر در نیازها، مصداق دارد. بعضی بر ترتیب و ترتب این نیازها بر یکدیگر، ایراد دارند، اگر ترتیب و پیش نیاز بودن هر طبقه برای طبقه‌ی دیگر را در این سلسله مراتب در نظر بگیریم؛ می‌توان گفت: نیازهای طبیعی انسان را نسبتاً به صورت جامع ارائه نموده است؛ ترتیب و ترتب مازلو در این سلسله نیاز را درباره کودکان می‌توان پذیرفت.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه این است که رفع کننده‌ی بعضی از این نیازها پاسخ مشخصی دارد، مثل نیاز جنسی که با ازدواج صحیح برطرف شده؛ یا تشنگی که با نوشیدن آب‌گوارا و یا گرسنگی که با غذای مناسب برطرف می‌شود. ولی برای برخی از این نیازها اسباب و شرایط متفاوتی باید در کنار هم گرد آید تا آن نیاز برآورده گردد، مثل نیاز به محبت، نیاز به شکوفایی، احساس امنیت، عزت نفس و ... .

کودک از بدو بسته شدن نطفه تا به دنیا آمدن و تا انتهای دوران کودکی نیازهای ویژه و خاص زمان و دوران خود را دارد. از میان پاسخ به نیازهای فزیولوژیکی کودکان (که به صورت صریح و مستقیم است) از پیامبر اسلام (ص) گزارش‌هایی پراکنده موجود است، مثل نوشاندن آب به کودک، غذا دادن به کودک و یا ایجاد سبب تهیه غذا برای کودک مثل صدقات و قرض دادن‌ها یا مثل زودتر تمام کردن نماز برای رسیدن مادر به طفل شیر خوار و ... . ولی آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است: چگونگی رفع این نیازهای کودک در کنار چگونگی رفتارهای دیگر پیامبر اسلام (ص) با کودکان باعث برطرف شدن نیازهای دیگر و رسیدن به قلّه‌های شکوفایی عقل و معرفت

<sup>۱</sup> همان.

شده است. که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: مثلاً در روایت زیادی از علی(ع) گزارش توجه پیامبر اسلام (ص) به نیازهای دوران کودکی علی(ع) چنین آمده است: «شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می‌دانید، پیامبر(ص) مرا در خردسالی در اتاق خویش می‌نشانند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت، و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است و هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتداء نمایم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چند ماه از سال را در غار حراء می‌گذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم، و کسی جز من او را نمی‌دید، در آن روزها، در هیچ خانه اسلام راه نیافت جز خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که خدیجه هم در آن بود و من سومین آنان بودم<sup>۱</sup>

همچنین روش پیامبر اسلام(ص) در توجه به نیازها و درخواست دیگران گزارش شده است، هرگاه که کسی از پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) درخواست مشروعی داشت، اجابت می‌فرمود و حتی اگر آن حضرت در نماز بود، نمازش را کوتاه می‌کرد.<sup>۲</sup>

### ۱.۹.۱.۳. برطرف کردن تشنگی کودک:

یکی از نیازهای اساسی انسان این است که برای ادامه حیات نیازمند به آب برای نوشیدن، نظافت و... است. در کودکان این نیاز به آب بیشتر محسوس بوده و زودتر تشنه شده و طاقتش نیز کمتر از بزرگسالان است. در موارد زیادی گزارش از آب‌نوشاندن به کودکان و دیگران آمده است، حتی در زمانی که شهرتش عالم‌گیر شده و حکومتش با ابرقدرت‌های آن زمان(روم و ایران) برابری می‌کرد نیز این سنت در رفتار ایشان مشاهده می‌شود:

در حلیه الأولیاء به نقل از انس آمده است: پیامبر خدا مهربان‌ترین فرد با مردم بود. به خدا سوگند، ابایی نداشت که در بامدادی سرد، برای برده‌ای یا کنیزی یا کودکی، آب بیاورد تا آن شخص دست و رویش را بشوید.<sup>۳</sup>

از جمله مواردی که پیامبر اعظم اسلام حضرت حسنین را بر خود مقدم داشت این بود که حضرت امیر می‌فرماید: مسلمانان دچار یک تشنگی شدیدی شدند. حضرت فاطمه اطهر حسنین را بحضور رسول خدا آورد و گفت: ایشان کودک می‌باشند و طاقت تشنگی ندارند پیغمبر خدا آنها را سیراب کرد.<sup>۴</sup>

ابو صالح مؤذن و گروه متعددی از اهل تسنن از حضرت علی(ع) و ام سلمه و میمونه روایت کرده‌اند که گفتند: دیدیم پیغمبر معظم اسلام(ص) پای خود را زیر لحاف یا لباس کرد (و استراحت نمود) و امام حسن طلب آب کرد، پیغمبر

<sup>۱</sup> شریف الرضی، محمد بن حسین، «نهج البلاغه»، ترجمه دشتی، ص ۳۹۹. «ترجمه و شرح نهج البلاغه» (فیض الإسلام)، ج ۴، ص ۸۱۴.

<sup>۲</sup> اصبهانی، عبدالله بن جعفر، «اخلاق النبی و آدابه»، ج ۱، ص ۴۳۹.

<sup>۳</sup> شیخی حمید رضا، «پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از نگاه قرآن و اهل بیت»، ص: ۲۲۵.

<sup>۴</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۷.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جای بر جست و پستان ناقه‌ای را که نزد ما امانت بود دوشید و شیر آن را در میان ظرف ریخت و بدست امام حسن داد. امام حسین بر جست که آن ظرف شیر را از دست امام حسن بگیرد. ولی رسول اکرم(ص) نمی‌گذاشت. فاطمه زهراء گفت: پدر جان! گویا امام حسن نزد تو محبوب‌تر باشد؟! پیامبر اسلام(ص) فرمود: نه، وی نزد من محبوب‌تر نیست، ولی حسن قبل از حسین طلب آب کرد. من و تو و این دو کودک و این شخص یعنی حضرت علی(ع) فردای قیامت در یک مکان خواهیم بود.<sup>۱</sup>

### ۲.۹.۱.۳. پوشش کودک:

یکی دیگر از نیازهای اولیه‌ی انسان، پوشش بوده، که درباره‌ی کودک از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ این نیاز نیز در کانون توجه پیامبر اسلام(ص) درباره‌ی انسان و به خصوص کودک بوده و در الگوی ارتباطی ایشان با کودکان یکی از مؤلفه‌های (آیتم‌های تشخیص) رفتاری است.

ابو عبد الله نیشابوری در کتاب امالی خود از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: یکوقت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و دید که حسنین لباس‌های نو پوشیده‌اند. پیغمبر خدا ایشان را در برگرفت و بوسید.<sup>۲</sup>

در بعضی کتب اصحاب از ام سلمه روایت می‌کند که گفت: من دیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک حله‌ای بحسین می‌پوشید. من امروز که روز زینت است این لباس را بحسین می‌پوشانم، من حسین را دوست می‌دارم.<sup>۳</sup>

یک روز پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود. ناگاه حسنین علیهما السلام در حالی آمدند که پیراهن قرمز پوشیده بودند، آن پیراهن‌ها به پای ایشان می‌پیچید و بزمین می‌خوردند. پیغمبر اکرم اسلام از منبر فرود آمد و ایشان را برداشت و در مقابل خود جای داد.<sup>۴</sup>

توجه: رنگ قرمز برای لباس مردان نهی شده است ولی برای کودکان اشکال ندارد. در فرازی از روایت دیگر درباره جنس لباس کودکان چنین آمده است: «آن دو هر یک لباس بلند از پشم و یا مو، بر تن داشتند و اثر مداد برلبهای آنها بود»<sup>۵</sup>

گویا این آرایش، کودکانه و مطابق با رسم عرب آن زمان بوده و نهی نکردن و سکوت پیامبر اسلام(ص) نشانه رضایت اوست که در فقه از آن به عنوان «تقریر معصوم» مطرح است، یعنی عمل حرامی نیست.

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) / ترجمه نجفی، ص ۳۲۲.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص ۲۹۹.

<sup>۴</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۸.

<sup>۵</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف یقین)، ص ۳۳۱.



نکته: یک نیازی که در قالب کودکان و زنان بیش از مردان احساس می‌شود، نیاز به «خوب دیده شدن» است. لذا کودکان به طرق مختلف سعی می‌کنند، نظر دیگران (والدین، مربی، سرپرست و حتی هم‌سالان) را به خود جلب کنند، این نیاز در اواخر کودکی و اوائل نوجوانی به اوج خود می‌رسد، و چیزهایی که در این زمینه مؤثر است در نظر کودک اهمیت فراوانی می‌یابد، ظاهر و پوشش یکی از مؤثرترین در این زمینه در نظر کودکان و زنان است، تا جایی که اکثراً کودک از ظاهر و پوشش دیگران در باره‌ی آنها قضاوت می‌کند. و خیال می‌کنند دیگران هم مثل آنها فکر می‌کنند، یعنی مهمترین مبنای قضاوت را همین ظاهر قلمداد می‌کنند، پس بزرگسالان باید به این نکته در ارتباط با کودک توجه کنند. این مسأله در عزت نفس یافتن کودک هم بسیار اهمیت دارد.

### ۳.۹.۱.۳. رنگ لباس نوزاد

پیامبر اسلام (ص) به پوشش کودک به ویژه در آغاز تولد اهمیت فراوان قائل بودند؛ تاکید ایشان در پوشاندن لباس سفید و نهی از پوشاندن لباس زرد حاکی از اهمیت و تاثیر رنگ لباس در کودک است. این مطلب در روایتی بلند آمده است: «جابر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بود که او را در پارچه سفید بپوشانند، ولی خانم‌ها نوزاد را در لباس زرد رنگی قنطاق کردند، اندکی بیش نگذشت که پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد، نوزاد را چون دسته گلی بدست گرفت و بوسه‌ای بر رخسار او زد، سپس روی به ایشان نموده و فرمود: مگر پیش از این بشما نگفته بودم که نوزاد را در پارچه سفید بپوشید؟ آنگاه دستور داد پارچه سفیدی آوردند و کودک را در آن بپوشیدند و آن پارچه زرد رنگ را بدور افکندند.»<sup>۱</sup>

### ۳. ۲. ۱۳. اهمیت دادن به نوع آرایش کودک:

و در تهذیب الاحکام است از امام صادق (ع) که کودکی را نزد رسول خدا (ص) آوردند برایش دعا کند و نکرد چون سرش جابجا تراشیده بود و فرمود همه سرش را بتراشند. (نوفلی گفته: قزع اینست که جایی را بتراشند و جایی را وانهند).<sup>۲</sup>

### ۳.۹.۱.۳. تغذیه کودک:

تغذیه کودک به سه صورت در کانون توجه پیامبر اسلام (ص) قرار گرفته است: ۱. سفارشات مستقیم مربوط به خوراک و اطعام کودک، ۲. سفارشات درباره شیردهنده کودک؛ ۳. سفارش به تغذیه‌ی مناسب و حلال والدین در بسته شدن نطفه و دوران بارداری، که نمونه روایات دو قسم اول مختصر می‌آید:

<sup>۱</sup> ترجمه «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۱، ص ۱۳۰ ح ۶. آدرس‌های دیگری با مضمون این حدیث داده‌اند: «مجمع البیان»، ج ۱۰، ص ۴۵۳ و حلبی آن در «مناقب آل ابی طالب»، ج ۳، ص ۳۸۵ به نقل از «جامع ترمذی»، «فضائل ابن حنبل»، «فضائل سمعانی» و از واحدی در «الوسیط» و از ثعلبی در «الکشف» و از خرگوشی در «شرف النبی و اللوامع» و از حارثی در «قوت القلوب» روایت کرده است. و سیوطی آن را در «الدر المثور» از ترمذی، نسایی، ابن ماجه، ابی داود، ابن حنبل، ابن ابی شیبه، ابن مردویه و حاکم حسکانی روایت کرده است؛ چنان که در «المیزان»، ج ۱۹، ص ۳۱۰ آمده است.

<sup>۲</sup> «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، ص ۵۵.

۱. سفارش به تغذیه مناسب شیردهنده کودک؛

### قسم اوّل: سفارشات مستقیم مربوط به خوراک و اطعام کودک

روایات زیر مربوط به ارتباط مستقیم پیامبر اسلام با کودک با موضوع غذاست:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد کودک گل یا زغال بخورد و فرمود: هر که گل خورد شریک مرگ خود است، هر که آن را بخورد و بمیرد بر او نماز نخوانند، گل خوردن مایه دورویی است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پیامبر در چهره او آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشانید (که حضرت فاطمه علیها السلام در سنین کودکی بوده است) پس فاطمه گفت: ای پدر! من گرسنه‌ام. پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن.<sup>۲</sup>

در این روایت پریشانی پیامبر اسلام (ص) برای گرسنگی کودکش فاطمه (س) ملاحظه می‌شود، ضاهراً ایشان در شرایطی است که نمی‌تواند غذایی برای کودکش تهیه نماید، با این حال عصبانی نشده و پرخاش نمی‌کند، و دعا می‌کند که حداقل کاری است که در آن زمان می‌تواند برای کودکش انجام دهد؛ که حداقل اثرش از نظر روانی، محبت و هم‌دلی با کودک است.

درباره‌ی ابتدای شیرخوارگی امام حسین (ع) نیز گزارش زیادی در روایات است، که پیامبر اسلام (ص) با انگشت مبارکش یا زبانش او را تغذیه کرد و در بعضی از روایات می‌فرماید: امام حسین از دیگری شیر نخورد. این مطلب خارق عادت و معجزه است و اختصاص به شخص نبی مکرم اسلام (ص) دارد پس از در الگوی ارتباطی ایشان خارج است.<sup>۳</sup>

در روایت مفقود شدن حسنین (ع) چنین گزارش شده:

پس از این جریان (باغ بنی نجار و پیدا کردن حسنین) پیامبر اسلام (ص) ایشان را بمنزل فاطمه اطهر آورد. فاطمه زهرا مقداری خرما برای حضرت حسنین آورد، ایشان خوردند و خوشحال گردیدند....<sup>۴</sup>

فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر سوره «لیل» از امام سجّاد علیه السلام روایتی نقل می‌کند که پیامبر اسلام (ص) خبردار شد، مردی بخیل، کودکان فقیر همسایه‌اش را از خرماهای ریخته زیر درخت منع می‌کند و حتی از دهان کودکان گرسنه خرما بیرون می‌کشد، برای خرید درخت اقدام کردند ولی صاحب باغ نپذیرفت و به علی (ع)

<sup>۱</sup> «آسمان و جهان» (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴)؛ ج ۶؛ ص ۲۱۵.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه روحانی، ص ۳۷۰. ترجمه نجفی، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> «أصول الکافی»، ترجمه کمره‌ای، ج ۳، ص ۳۴۱.

<sup>۴</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی؛ ص ۲۹۴.

داستان را گفتند. که او خانه‌ی آن مرد و درختش را با قیمتی بالاتر خرید و به پدر کودکان بخشید تا کودکان راحت از خرماها تغذیه کنند. پیامبر بسیار خشنود شدند.<sup>۱</sup> در این داستان پیامبر اسلام (ص) نهایت تلاش خود را برای تأمین تغذیه‌ی کودکان فقیر به کار می‌گیرد و سرانجام با همکاری و فداکاری علی (ع) به هدفش رسید.

در اسلام یکی از مسائلی که در تغذیه بسیار توجه شده است، حلال بودن آن است. و این اهمیت آن قدر زیاد است که پیامبر اسلام (ص) به خاطر آن خرما از دهان کودک کشیدند، با این که ایشان در ارتباط با کودکان نهایت مهربانی و تسامح را داشتند، ابو عمیره روایت کرده که: مردی یک طبق خرما برای پیغمبر عظیم الشان اسلام آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود: این خرما هدیه است یا صدقه؟ گفت: صدقه است. پیامبر اکرم آن خرما را بمردم داد، امام حسن در مقابل آن حضرت میان خاکها بازی می‌کرد. حسن علیه السلام یک خرما برداشت و بدهان خویش نهاد. وقتی رسول اکرم متوجه امام حسن شد انگشت خود را در دهان امام حسن کرد و خرما را از دهان وی خارج کرد و بدور انداخت و می‌فرمود: ما آل محمد صدقه نمی‌خوریم: و ...<sup>۲</sup>

علاوه بر گزارش‌هایی که از تأمین مخارج و تغذیه‌ی امام علی بن ابی‌طالب (ع) از کودکی تا بزرگسالی توسط پیامبر اسلام (ص) داشتیم، گزارش‌هایی هم درباره بخشندگی و قرض دادن ایشان داریم، که مربوط به تغذیه کودک است؛ نمونه‌ای از بخشندگی پیامبر اسلام (ص) در روایتی چنین آمده است: حضرت فاطمه علیها السلام امیرالمؤمنین (ع) گفت: من و بچه‌ها گرسنه‌ایم؟ و حتماً شما هم مثل ما گرسنه هستی؟ امام برای تهیه چیزی از منزل بیرون رفت، تا شاید پولی از کسی قرض کند و صرف عیال نماید، در این اثنا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت فاطمه وارد شد و از او سراغ علی علیه السلام را گرفت؟ و فرمود: این درهمها را بگیر و هنگامی که فرزند عمویم علی علیه السلام بازگشت، آنها را به او بده تا غذایی برای شما تهیه کند؟! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از منزل خارج شد و علی علیه السلام بازگشت، فاطمه علیها السلام: آنگاه درهم‌ها را که هفت درهم سنگی بود، به امام علیه السلام داد و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به اطلاع امام علیه السلام رساند. امام علیه السلام همراه فرزند برومندش، حسن علیه السلام به بازار رفت.<sup>۳</sup>

### قسم دوم: شیرخوارگی:

در روایاتی پیامبر اسلام (ص) برای تشویق مادران به شیردادن کودکان چنین می‌فرماید: ای حواء! سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که پیامبر، رسول، بشارت دهنده و بیم دهنده‌ام زنی نیست که از شوهرش به فرزندی آبستن شود مگر اینکه در سایه خداوند عز و جل است تا آنکه درد زایمان او را بگیرد و در برابر هر درد زایمانی برای او، یک آزاد سازی بنده مؤمن است و چون وضع حمل کند و شروع به شیردادن فرزند بنماید فرزند نمی‌مکد از شیر مادرش مگر اینکه در پیش روی مادر در روز قیامت نوری روشنایی می‌زند که هرکس او را ببیند از اولین و آخرین، شگفت زده می‌شود و این زن با اینکه روزه

<sup>۱</sup> بروجرودی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه) ج ۲۳، ص ۵۹۹.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۳۹.

<sup>۳</sup> همان.

نیست روزه دار و شب زنده دار محسوب می‌شود. روزه همه عمر و شب زنده داری همه عمر برای او نوشته می‌شود و چون فرزندش را از شیر بگیرد خداوند - که یادش بلند و بزرگ است - گوید: ای زن من هرچه از گناهان گذشته بر تو بود آمرزیدم و کار را از نو آغاز کن خداوند تو را رحمت کرد.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ شیری از شیر مادر برای نوزاد بهتر نخواهد بود.<sup>۲</sup>

پیامبر اسلام (ص) معتقد بودند که صفات و ویژگی‌های زن شیرده بر شیرخوار اثر گذاشته و همراه شیر به کودک منتقل می‌شود، لذا مکرر فرموده است: که زنان کوتاه فکر و کم عقل را برای دایگی نگزینید، چرا که شیر تأثیر دارد و کودک (در اخلاق و ملکات) میل بشیرده خود می‌دارد و از او این امور را ارث می‌برد، یعنی سستی و کم‌خردی را.<sup>۳</sup> یا می‌فرمودند: شیر زنا کار به کودکان خود مدهید، و شیر زن دیوانه، چون شیر بیماری مادر را به کودک منتقل می‌سازد و کودک شبیه آن زن می‌گردد.<sup>۴</sup>

### ۴.۹.۱.۳. اهمیت به ورزش کودکان

ورزش یکی از بهترین گزینه‌هایی است که می‌تواند اوقات فراغت کودکان را پر کرده و برای آنها ثمرات بسیار مطلوبی برجای گذارد. ورزش در سیره نبوی جایگاه برجسته‌ای دارد. معلوم نیست که چه رازی در کوه نهفته است که همه پیامبران بزرگ به نحوی با کوه سروکار داشته‌اند به راستی آنان هم برای ورزش جسم هم برای ورزش روح دامنه مصفا و فرح بخشی را برای مناجات و راز و نیاز انتخاب می‌کردند همانند موسی در کوه طور، عیسی در کوه ساعیر و پیامبر عظیم الشان اسلام نیز در کوه فاران (کوه نور) در «غار حراء» بودند.<sup>۵</sup> پیامبر اسلام (ص) علاوه بر اینکه به ورزش‌های موجود در آن زمان مثل کوهنوردی و تیراندازی و اسب سواری و... می‌پرداختند در مورد آموزش آن به کودکان نیز سفارش ویژه داشتند:

پیامبر اسلام (ص) فرمود: به کودکان خود شنا و تیراندازی بیاموزید. قال رسول الله (ص) علموا ابنائکم السباحه و الرمی<sup>۶</sup>

علاوه بر این پیامبر اسلام (ص) حسنین را تشویق به کشتی گرفتن با هم دیگر کرده و تماشا و تشویقشان می‌کرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعیه)، ج ۲۵، ص ۵۲۱.

<sup>۲</sup> ترجمه «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲، ص ۳۰.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه «من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۵۲.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۲۴۲. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۱۹۲.

<sup>۵</sup> پاک نژاد، سیدرضا، «اولین دانشگاه آخرین پیامبر»، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

<sup>۶</sup> عاملی، محمدابن حسن، «وسائل الشیعیه»، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

### ۶.۹.۱.۳. سوار کردن کودکان پیاده:

یکی از نیازهای کودکان احترام و شخصیت دادن است که باعث بزرگواری و کرامت انسان می‌شود. این کرامت انسانی امروزه در علوم انسانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد این روحیه بزرگواری و کرامت انسانی در مسلمانان برای پیامبر اسلام (ص) از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است. رفتارهای مختلفی باعث ایجاد زمینه‌های عزت نفس در کودک شود، همان طور که در مقابل رفتارهای بسیاری نیز در کاهش عزت نفس نقش اساسی ایفاء می‌کند، و شاید بتوان گفت «چگونگی رفتارها» از خود رفتارها در این باره بسیار مؤثرتر است.

استقبال و بدرقه رفتن مسافر به خصوص جهادگران اسلام، یکی از کارهای مؤثر در این زمینه است، که پیامبر اسلام (ص) سفارش کرده و خود هم انجام می‌دادند. وقتی خود ایشان نیز از مسافرت یا جنگی باز می‌گشتند، مردم به استقبال ایشان می‌آمدند. در بین مردم حضرت به کودکان هم توجه کرده و ناتوانی آنها را در نظر گرفته می‌فرمودند آنها را سوار کنند و خودشان هم چنین می‌کردند مثلاً فرزند شهید سردار اسلام جعفر بن ابی طالب را جلوی خود روی اسب سوار نمودند، تا به استقبال رزمندگان اسلام بروند، در نقل تاریخ چنین آمده است:

چون خالد مردم را برگردانید آنها را به سوی مدینه کوچانید، عروه ابن الزبیر گوید: چون قشون مؤته در برگشت خود به اطراف مدینه رسیدند، رسول خدا (ص) با مسلمانان به استقبال آنها رفتند و کودکان در میان آنها می‌دویدند و رسول خدا با دیگران سوار چهار پایان بودند و آن حضرت فرمود: این کودکان را با خود بردارید و سوار کنید و عبد الله بن جعفر را هم به من بدهید، عبدالله را به آن حضرت رسانیدند و او را گرفت جلوی خود سوار کرد<sup>۲</sup>

در نقل دیگری آمده است، «باز خورد» پیامبر اسلام (ص) از بدرقه کودک چنین بود:

وقتی که پیامبر اسلام (ص) در حال برگشت از جنگ بدر بودند، در هنگام ورودشان به شهر مدینه، مردم به استقبالشان آمدند، ایشان کودکی (اسامه پسر زید بن حارثه) را همراه خود سوار شتر می‌نمایند.<sup>۳</sup>

### ۷.۹.۱.۳. رعایت حال کودکان حتی در حج واجب:

یکی از موضوعاتی که در آن پیامبر اسلام (ص) به ضعف توانایی کودکان بسیار توجه نموده‌اند، در مسائل احکام و انجام تکالیف دینی است. دختران تا ۹ سال و پسران تا ۱۵ سال قمری مکلف به انجام واجبات نیستند.<sup>۴</sup> یکی از رخصت‌ها مربوط به انجام حج کودکان است، که همراه والدینشان علاقه‌مند به انجام حج بوده‌اند: رسول خدا

<sup>۱</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۱۰۳، ص ۱۸۹.

<sup>۲</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «أصول الکافی»، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص ۶۹۸ و ص ۲۵۵.

<sup>۳</sup> فارسی جلال الدین، «پیامبری و جهاد»، ص ۱۵۵.

<sup>۴</sup> البته این یکی از سه نشانه‌ی بلوغ است، دو نشانه دیگر روئیدن موهای خشن روی عانه و خروج منی است، که هر یک از این سه ظاهر شود فرد بالغ شده است.

(ص) رخصت داد، که بانوان و کودکان، شبانه از مشعر الحرام به سوی منی سرازیر شوند.<sup>۱</sup> تا در شلوغی بین مردان آزرده نگردند.

### ۸.۹.۱.۳ رعایت حال کودک در نماز:

از جعفر بن سلیمان از انس بن مالک روایت شده است: هر گاه پیامبر(ص) گریه کودکی را می شنید و در نماز بود، از سوره های کوتاه تلاوت می کرد تا نمازش را زودتر تمام کند. در روایت دیگری، قریب همین مضمون از امام علی بن الحسین(علیهما السلام) نقل شده است که پیامبر نماز می گزارد، اما نمازش را زود به پایان رساند و فرمود: عجله کردم چون صدای گریه کودکی را شنیدم و ترسیدم که بر پدر و مادرش سخت بگذرد. در جای دیگر پیامبر اسلام(ص) فرموده است: من چون وارد نماز می شوم، می خواهم که آن را طولانی سازم، آنگاه چون گریه کودکان را می شنوم، از نماز خویش به سبب آنچه از شدت اندوه مادرش از گریه اش می دانم، در می گذرم.<sup>۲</sup>

ابو عبد الله صادق فرمود: جدم رسول خدا که صلوات خدا بر او باد، با مردم نماز ظهر می خواند و دو رکعت آخر نماز را سریع و خفیف ادا کرد. موقعی که رسول خدا نماز خود را سلام داد، پرسیدند: آیا دستور جدیدی درباره نماز صادر شده است؟ رسول خدا گفت: از چه جهت؟ گفتند: شما دو رکعت آخر نماز را بسیار سریع و خفیف ادا کردید. رسول خدا به آنان گفت: آیا فریاد کودک را نشنیدید؟<sup>۳</sup>

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر خواب کودک و بیماری و ضعف ضعیف نبود نماز عشاء را تا ثلث آخر شب تأخیر می انداختم و وقت آن را تا آن زمان قرار می دادم.<sup>۴</sup> توضیح روایت بالا این است: کودکان را وادار(تشویق) می کردند تا بعد از نماز مغرب، نماز عشاء خود را هم بخوانند، سؤال شد: مگر آنان نماز خود را در غیر وقت آن می خوانند؟ امام فرمود: نه، اگر نماز عشا را تأخیر بیندازند، ممکن به خواب بروند، بنا بر این، اگر نماز عشاء خود را بدون فاصله بخوانند، بهتر خواهد بود که بخوابند و نماز عشاء آنان از دست برود.<sup>۵</sup>

و گاهی به خاطر کودکی که در حال بازی با ایشان بود، سجده را طولانی می کردند، ابن طاووس در الطرائف به بررسی این مطلب در روایات اهل سنت پرداخته است:

«در این که حسنین سید جوانان اهل بهشتند، ترمذی، ابن ماجه، حاکم، ابو نعیم، خطیب، ابن حجر، متقی، ابن عساکر، طبرانی، نسائی، مناوی و محب طبری بیست و هفت روایت آورده اند. و در کتابهایشان روایت کرده اند که پیامبر حسنین را روی دوش و سینه خود می نشاند و در نماز آنها را به پشت خود سوار می کرد و سجده نماز را آن قدر طولانی می نمود که آنها به اختیار خود از پشت پیامبر پائین می آمدند، چنان که حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود روایت کرده که گفت: با رسول خدا نماز عشا را

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۴، ص ۹۰.

<sup>۲</sup> «پیام پیامبر»، ترجمه فارسی، ص: ۷۵۷.

<sup>۳</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی؛ ج ۵؛ ص ۲۰۳.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «علل الشرائع»، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۲، ص ۱۹۳.

<sup>۵</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۳۱۱.

می‌خواندیم، چون به سجده می‌رفت حسن و حسین سوار پشتش می‌شدند و چون می‌خواست برخیزد آن دو را به آرامی به زمین می‌گذاشت و راست می‌شد و همچنین در همه سجده‌ها. در آخر نماز من عرض کردم یا رسول الله اجازه می‌دهید این کودکان را نزد مادرشان ببرم؟ فرمود: نه. ناگهان دیدم برقی نمودار شد و رسول خدا فرمود: نزد مادران بروید و آن برق پیش پای آنها را روشن می‌کرد تا به خانه مادر رسیدند. گویند این روایت از لحاظ سند درست است احمد بن حنبل در مسندش و متقی در «کنز العمال» و هیثمی در «مجمعش» آن را آورده‌اند و بیهقی در سنن خود به سند خود از «زر بن حبیش» نظیر این حدیث را آورده‌است.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به اعتراض بعضی از مردم در دفاع از امام حسن (ع) کودک فرمودند:

اما فرزندم حسن (که می‌گویید: پای منبر آمد و به ابو بکر گفت: از منبر پدرم فرود آی!)؛ آیا غیر از این است که شما و عموم اهل مدینه می‌دانید که حسن در میان صف نماز جماعت راه می‌رفت تا نزد پیغمبر معظم اسلام که در حال سجده بود می‌آمد و بر پشت مبارک آن حضرت سوار می‌شد و چون سر از سجده برمی‌داشت یک دست خود را به پشت حسن و دست دیگرش را روی زانوی مبارک خود می‌نهاد تا اینکه نماز را به این کیفیت تمام می‌کرد؟ گفتند: آری ما این موضوع را کاملاً می‌دانیم.<sup>۲</sup>

در کتابی دیگر موضوع توجه پیامبر اسلام (ص) به نیاز کودک چنین آمده است:

و نسائی بسند خود روایت کند از عبد الله بن شداد که او از پدر خود روایت می‌کند که او گفت: رسول الله (ص) بر ما برای نماز شام بیرون آمد و حسن بن علی را برداشته بود، چون وارد مسجد شد او را بر زمین گذاشت و تکبیر نماز گفت و به نماز اشتغال نموده و بسجده رفت برای یکی از این دو نماز و سجده‌اش طول کشید، او گوید که من سر برداشتم دیدم که کودکی بر پشت او نشسته است و او در سجده است باز رجوع بسجده خود نمودم، بعد از آنکه آن حضرت از نماز فارغ شد مردم گفتند یا رسول الله بغایت سجده دراز کردید چنانچه ما گمان کردیم که امری حادث شده یا وحی سمت تو ورود یافته؛ فرمود که: هیچ کدام از اینها نبود و لیکن پسر من حسن بر من سوار شده بود نخواستم که تعجیل کنم تا او حاجت خود را بردارد.<sup>۳</sup>

ترمذی و نسائی در صحاح بسند خود روایت کنند، از بریده که رسول الله (ص) یک روزی در خطبه بود که امام حسن و امام حسین آمدند جامه‌های سرخ پوشیده در آمدن افتان و خیزان بودند؛ آن حضرت آن را مشاهده فرمود از منبر بزییر آمد و ایشان را برداشته برد بر بالای منبر و در پیش خود نشاند و فرمود که من نظر کردم باین دو کودک که در آمدن بسر درمی‌آمدند نتوانستم بر آن صبر کرد تا حدیث را قطع کردم و ایشان را برداشتم، و جنابذی نیز نزدیک باین الفاظ ذکر کرده.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ابن طاووس، علی بن موسی، «الطرائف»، ترجمه داود إلهامی، ص ۳۶۹: آدرس داده از:

(۱) متقی، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۹. (۲) هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۱. (۳) بیهقی، سنن، ج ۲، ص ۲۶۳. (۴) احمد بن حنبل، مسند، ج ۹، ص ۱۸۱. (۵) حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص ۶۶۰.

<sup>۳</sup> اربلی، علی بن عیسی، «کشف الغمّة»، ترجمه و شرح زواره‌ای، ج ۲، ص ۸۹.

<sup>۴</sup> همان.

### ۹.۹.۱.۳. نظافت کودک:

رسول خدا (ص) که فرمود: کودکان خود را از آلودگی غذا بشوئید که شیطان آن را ببوید و کودک هراس کند و دو فرشته نویسنده از آن آزار کشند.<sup>۱</sup>

امالی صدوق: در خبر مناهی است از پیغمبر (ص) که فرمود: کسی از شما با دست آلوده نخوابد و اگر بخوابد و شیطان زده شود جز خود را ملامت نکند.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۱۰. آرام کردن گریه کودک:

یک روز پیغمبر عظیم الشان اسلام بر فراز منبر بود. وقتی صدای گریه حسنین را شنید سریع از جای برخاست.<sup>۳</sup> در روایاتی که گذشت، پیامبر اسلام (ص) برای آرام شدن گریه و ناراحتی کودک، نمازجماعت را کوتاه کردند.<sup>۴</sup> محمد بن مسلم گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که یونس بن یعقوب وارد شد دیدم که ناله می‌کند. حضرت صادق علیه السلام به او فرمود: چرا می‌بینم ناله می‌کنی؟ گفت: کودکی دارم که همه شب را برای او در اذیت بودم. امام صادق علیه السلام به او فرمود: ای یونس! پدرم امام باقر علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم روایت کرد که جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گشت در حالی که رسول خدا و علی علیهما السلام خسته بودند. جبرئیل گفت: ای حبیب خدا! چرا می‌بینم که ناله می‌کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو کودک داریم که از گریه آنان در اذیت هستیم. جبرئیل فرمود: نگو ای محمد خداوند شیعیانی برای این گروه بر می‌انگیزد که اگر یکی از آنان گریه کند، گریه‌اش لا اله الا الله است تا آن که هفت سال بر او بگذرد و چون هفت سالگی گذشت گریه‌اش استغفار برای پدر و مادرش محسوب می‌شود تا آن که به حد (بلوغ) برسد چون از حد (بلوغ) گذشت، هر نیکی که انجام دهد، برای پدر و مادرش خواهد بود، و هر بدی که کند، بر آن دو نیست.»<sup>۵</sup>

از این روایات می‌توان چنین استفاده نمود، که پیامبر اسلام (ص) از هر فرصتی برای بیان معارف توحیدی مطابق به حقائق آن موضوع را بیان می‌کند. گویا محور عالم بر اساس توحید است که پیامبر وظیفه دارد آن را در مصادیق متفاوت برای مردم متذکر شود. البته این روش بیانشان در قالب مهر، محبت و رحمت است به خصوص برای کودکان. چنانکه بزرگسالان را انذار و تبشیر می‌کنند ولی درباره‌ی کودکان انذاری مشاهده نمی‌شود.

<sup>۱</sup> «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، ص ۱۱۹.

<sup>۲</sup> همان مدرک، ص ۱۱۹.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۸.

<sup>۴</sup> «آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز» (ترجمه عده‌الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

<sup>۵</sup> «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۸۶۹.



### ۳. ۱. ۱۱. سپردن کودک به مربی:

از نیازهای انسان آموزش و پرورش است که در دوران ابتدائیِ زندگی از اهمیت بسیار زیادتری برخوردار است. چرا که پایه‌های شخصیتش در پرورش دوران کودکی پی‌ریزی می‌شود. بنابراین مربی نقش بسیار حساس، خطیر و تأثیرگذار در سرنوشت انسان دارد. مربی آن کسی است که همچون معماری قهار و یا باغبانی مهربان شخصیت کودک را می‌سازد. پیامبر اسلام(ص) هم با توجه و درک اهمیت والای این مطلب برای پرورش کودکش فاطمه(س) یک مربی زن، مهربان، مؤمن و دانا برمی‌گزیند، تا در نبود، پدر جای خالی مادر را برای دختر خردسالش پر کند:

«هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بمدینه طیبه هجرت نمود و با ام سلمه ازدواج کرد، فاطمه زهراء را به وی سپرد، تا او را پرورش دهد».<sup>۱</sup>

### ۳. ۱. ۱۲. رعایت عدالت بین کودکان:

رعایت عدالت از جمله توصیه‌های همیشگی است. در مورد کودکان، فرزندان و تربیت آنها در خانواده نیز توجه فراوانی به عدالت شده است از جمله: محبت عادلانه، تقسیم ارث عادلانه، حمایت مادی و معنوی عادلانه، رفتار عادلانه و ... چنان‌که پیامبر اکرم(ص) علاوه بر این که خود عادل‌ترین افراد در رفتار با کودکان بوده، در این‌باره سفارش فراوان داشته است.

### الف. نقش عدالت محوری پدر و مادر در زیست کودک

یکی از عوامل مهم و موثر که در تربیت نقش کلیدی دارد عدالت است. والدین موظفند که همواره سعی نمایند به عدالت و مساوات در بین فرزندان خود رفتار نمایند و هیچ زمانی پسر را بر دختر و فرزندی را بر سایر فرزندان ترجیح ندهند، و یا در نزد سایر فرزندان یکی را بیش از همه مورد مهر و محبت و نوازش قرار ندهند. قابل پیش بینی است که پدر و مادر از ثمره تلخ این تبعیض‌ها بی‌بهره نخواهند بود ضمن این‌که اعتماد فرزندان از والدین سلب می‌شود. خود با دست خویشتن آتش حسادت و دشمنی و کینه‌ورزی را شعله‌ور می‌سازند. البته جز این نیز نمی‌توان انتظار داشت. نعمان ابن بشیر از پیامبر اکرم(ص) روایت می‌کند که فرمود: «اتقوا الله و اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان یبروکم» از خداوند بترسید و در بین فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه قام فرد محمد، ص ۳۵، از دلائل الامامه، ص ۱۱.

<sup>۲</sup> «الحیاء»، ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۶۱۳.

اینک به شمه‌ای از دستورات و سیره پیامبر اسلام(ص) درباره رعایت عدالت اشاره می‌شود:

### ب. عدالت بین پسر و دختر

با توجه به اینکه پیامبر اسلام(ص) در آن روزها با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود باز هم توجه خویش را به کودکان و تربیت صحیح آنان از جانب والدین معطوف می‌داشت.<sup>۱</sup> نسبت به تبعیض قائل شدن بین پسران و دختران بسیار حساس بودند، نمونه گویای از این حساسیت رعایت عدالت در رفتار، در روایت زیر در این مصداق یافته: اگر بچه‌ای را روی زانو نشاندی دگری را نیز روی زانو بنشان: روزی پیامبر(ص) مشغول سخن گفتن با یاران خویش بودند، کودکی وارد مسجد شد و به نزد پدر خویش رفت. پدر طفل دستی بر سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشاند، اندکی بدین حال گذشت که دختر خردسال آن مرد وارد شد و به نزد پدر رفت، چون به نزدیک او رسید مرد دستی بر سر او کشید و در کنار خود نشاند. پیامبر(ص) که تبعیض و بی‌عدالتی مرد را درباره کودکانش دیده بود فرمود: چرا او را به زانوی چپ خود نشاندی؟! آن مرد، به دستور پیامبر عمل کرد و دخترش را به زانوی دیگر نشاند. رسول خدا فرمود: «الآن عدلت» اکنون عدالت را رعایت کردی.<sup>۲</sup>

عدالت رفتار کردن با کودکان در روایتی در دادن آهویی به عنوان اسباب‌بازی به آنها مصداق یافته، که این رفتار توسط پیامبر اسلام با حسنین انجام شده‌است، که به امام حسن یک آهو هدیه دادند. امام حسین هم آمد و خواست، حضرت به او دل‌داری داد و قبل از این که گریان شود بچه آهویی هم به امام حسین دادند. امام حسین هم آن بچه آهو را نزد مادرش زهرا آورد.<sup>۳</sup>

### ج. عدالت حتی در بوسیدن

مهر و محبت به کودکان و بوسیدن آنان جهت تکریم شخصیت آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لیکن باز هم والدین از رعایت عدالت در بین کودکان نباید غافل باشند. در روایاتی اعتراض پیامبر اسلام(ص) آمده است: روزی فردی را دید که دو فرزند خود را به همراه داشت. یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. رسول خدا به او فرمود: آیا مساوات راعایت کردی بین آنان؟! چرا عدالت و مساوات را بین آن دو رعایت نکردی.<sup>۴</sup> و در روایت سکونی آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که دارای دو کودک بود و یکی از آنان را در حضور

<sup>۱</sup> طبسی / محمدجواد / حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت ص ۱۰۱

<sup>۲</sup> ابن ابی الدنیا، «کتاب العیال»، ج ۱، ص ۱۷۳.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) / ترجمه نجفی؛ ص ۳۴۸ - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ ش.

<sup>۴</sup> []. انه نظر الی رجل له ابنان فقبل احدهما و ترک الآخر فقال النبی(ص) فهلا ساویت بینهما؟! طبسی / حسن ابن فضل / مکارم الاخلاق ص ۲۲۰

دیگری بوسید و آن دیگری را رها کرد، حضرت صلی الله علیه و آله بعنوان اعتراض فرمود: پس چرا آن یک را نبوسیدی و با آنان یک نواخت رفتار نمودی؟!<sup>۱</sup>

همان گونه که پیامبر اسلام مراعات این امر را می نمودند. ابوهیرره گوید: روزی پیامبر اکرم (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به سوی ما می آمد در حالی که هر یک از آن دو بر یکی از شانه های پیامبر نشسته بود و رسول گرامی باری این را می بوسید و باری آن را...<sup>۲</sup> برخی از حنابله در کتابی که آن را «نهایة الطلب و غایة السؤل» نامیده به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده است که گفت: در خدمت پیامبر بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام حسین (علیه السلام) را بر زانوی راست و فرزند خود ابراهیم را بر زانوی چپ نشانده بود و گاهی از روی حسین و گاهی از روی ابراهیم می بوسید.<sup>۳</sup>

### د. عدالت در هدیه دادن به کودکان

هدیه هر چند یک کالای مادی است لیکن حامل پیام و اثری است که پیام آن مهر و محبت از جانب هدیه دهنده به گیرنده است و اهل بیت نیز به این عمل نیک سفارش می کنند و معتقدند که هدیه مهر و محبت به یادگار می گذارد: بنابراین کودکان که از روحیه ای لطیف و حساس برخوردارند. هدیه دادن والدین به کودکان گواه صادقی از محبت والدین به آنان است. لیکن در این عمل نیک افراط و تفریط، تبعیض و تفاوت روا نیست. زیرا به جای آنکه سودمند افتد، سبب ایجاد حسادت و اختلاف بین کودکان می شود. بنابراین پیامبر اسلام در این باره می فرماید:

در هدیه دادن به فرزندان مسوات را رعایت نمائید و اگر من کسی را بر کسی مقدم می داشتم هر آئینه زنان (دختران) را مقدم می داشتم.<sup>۴</sup>

**نکته** در این مطالب رعایت عدالت و مساوات به یک معنی آمده است به لحاظ اینکه کودکان قادر به تمایز بین عدالت و مساوات نیستند. بنابراین چون باید والدین در نظر کودکان عادل به نظر آید، باید به گونه ای رفتار کنند، که علاوه بر این که حقیقتاً عدالت را رعایت کرده اند، باید مساوات را نیز در ظاهر رعایت کنند. لذا این نوشتار در مقام مقایسه بین عدالت و مساوات نیست، به همین مقدار توضیح بسنده می شود.

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه؛ ج ۵؛ ص ۱۶۰ ح ۴۷۰۴ - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ ش.

<sup>۲</sup> خرج علینا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسین هذا اعلی عاتقه و هذا عاتقه و هو یلتم هدامره و هذا مره حتی انتهى الینا... مجلسی / محمدباقر / بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۸۱

<sup>۳</sup> ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف / ترجمه داود إلهامی؛ ص ۳۷۰ - ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش.

<sup>۴</sup> ساووا بین اولادکم فی العطیه فلو کنت مفضلاً احد لفضلت النساء. متقی هندی / علاء الدین / کنز العمال / ج ۱۶ ص ۴۴۶

## ه. آثار عدم نهادینه شدن عدالت در میان کودکان

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «میان فرزندان تان در نهان عدالت را رعایت کنید همان گونه که دوست دارید آنان میان خودتان در نیکی و لطف عدالت کنند.»<sup>۱</sup>

لیکن زمانی که پدر و مادر با عدل و انصاف نباشند و میان کودکانشان امتیاز قائل شوند و بعضی را بر بعضی ترجیح دهند، ضررهای روحی روانی غیرقابل جبرانی را متوجه کودکان خود ساخته‌اند؛ که بعضی از این آثار سوء در کتاب امینی عبارتند از:

۱. کودکان در محیط خانواده عملاً از رفتار والدین درس حق کشی و بی عدالتی فرا می‌گیرند و تدریجاً بدان عادت کرده و در قبال انجام بی عدالتی احساس گناه نمی‌کنند.

۲. فرزندان که قربانی تبعیض شده اند نسبت به پدر و مادر کینه پیدا می‌کنند و در رفتارشان تغییر ایجاد می‌شود و به دنبال بهانه جوئی هستند.

۳. والدین خود باعث برافروخته شدن حسد و کینه توزی در بین کودکانشان می‌شوند.

۴. کودکانی که مورد تبعیض قرار بگیرند، احساس محرومیت و مظلومیت می‌کنند و عقده‌ای بار می‌آیند و این عقیده ممکن است که در وجود کودک تولید اضطراب و ناراحتی و ناامنی کند و او همیشه خود را در انزوا احساس کند بنابراین منجر به افت تحصیلی او می‌گردد.<sup>۲</sup>

از موارد مهم رعایت نکردن عدالت و تساوی میان فرزند در برخی از فرهنگ‌ها، تفاوت گذاشتن میان فرزندان دختر و پسر است. این مسئله در زمان جاهلی به قدری پررنگ بود که آنان حتی نمی‌توانستند وجود فرزندان دختر را تحمل نمایند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای مبارزه با این بینش و تفکر، تلاش زیادی کرد. از نمونه های روشن این مبارزه، اهمیت بیش از اندازه آن حضرت به فرزندان دختر و حتی بیان برتری آنان بر فرزندان پسر است. در روایتی از آن حضرت نقل شده است:

بهترین فرزندان دختران پرده نشین هستند. هر مردی که یکی از آنها را داشته باشد، خداوند او را به عنوان پرده‌ای در برابر آتش جهنم قرار خواهد داد، و کسی که دو تا از آنها را داشته باشد، خداوند به وسیله آن دو، او را به بهشت وارد خواهد ساخت، و اگر سه تا شدند یا مانند آنها خواهران دیگری داشته باشد، خداوند از آن مرد جهاد و صدقه را برمی‌دارد.<sup>۳</sup> در روایت دیگری فرمودند: بهترین فرزندان شما، دختران هستند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بروجرودی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)؛ ج ۲۶؛ ص ۸۷۳- تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ق.

<sup>۲</sup> امینی / ابراهیم / آئین تربیت ص ۲۴۰.

<sup>۳</sup> همان، ص ۲۱۹.

<sup>۴</sup> شیخ حرّ عاملی، «وسائل الشیعه»، ج ۹، ص ۱۲۳.

## و: رعایت نوبت:

در ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودکان، رعایت نوبت مسأله‌ی مهم دیگری در تربیت اجتماعی و ارتباطات انسانی است که می‌توان آن را از مصادیق عدالت دانست. در آداب معاشرت اسلامی اگر دو کودک باهم و هم‌زمان درخواست چیزی به خصوص آب کنند، ابتدا باید درخواست کودک کوچکتر را پاسخ داد، ولی اگر یکی زودتر از دیگری درخواست کند و کودک کوچکتر نیز بعد از او، همان درخواست را داشته باشد، باید رعایت نوبت را نموده و ابتدا به درخواست کودک اولی پاسخ داد، پیامبر اسلام(ص) ابتدا تشنگی امام حسن(ع) را برطرف کردند و بعد امام حسین(ع) چون امام حسن زودتر درخواست کرده بود.<sup>۱</sup>

## ز: عدالت در تقدیر(نگه داشتن اندازه و اسراف نکردن)

در روایتی نیز پیامبر اسلام(ص) چنین رفتار عادلانه‌ی مادری را ستوده است: «گویند روزی زنی با دو کودک خویش بر عایشه همسر رسول گرامی وارد شد عایشه به رسم میهمان نوازی و توجه به کودکان آن زن سه دانه خرما به آن زن داد. مادر کودکان به هر یک از آنان خرمایی داد و خرمای دیگر را نیز دونیم کرد و به هر کدام نیمی از خرما عطا کرد. زمانی که پیامبر به منزل بازگشت، عایشه جریان را برای آن حضرت تعریف کرد. پیامبر فرمود: آیا از عمل آن زن متعجب شدی؟ خداوند به خاطر رعایت عدالت و مساوات آن زن را به بهشت خواهد برد.»<sup>۲</sup>

## ۳. ۱. ۱۳. شرکت دادن کودکان در مسئولیت‌های زندگی:

**راحت طلب نکردن کودک:** خانواده‌ای سالم است که در محبت و ورزیدن به کودکان حد اعتدال را رعایت کند، یعنی نه کمبود و نه زیاد از حد در محبت و ورزیدن. محبت افراطی باعث می‌شود، کودک را از انجام کارهایی که در توان اوست هم باز دارند، و از مواجهه با کوچکترین مشکلات و سختی‌ها محافظت کنند، در نتیجه کودک استقلال لازم را بدست نمی‌آورد و فردی لوس، پرتوقع، زودرنج و خودشیفته می‌گردد، که در پذیرش و انجام مسئولیت‌های زندگی‌اش احساس ناتوانی خواهد کرد. در حدیثی از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است: سختگیری(مسئولیت دادن) بر کودک در خردسالی موجب زیادی عقل او در بزرگسالی است.<sup>۳</sup> در بازی‌ها هم باید کودک فکر کند و راه چاره برای رسیدن به برنده شدن را بیابد.

یکی از بزرگترین جریان‌های حساس تاریخ انسانیت بعثت پیامبر اسلام(ص) است. باز حساس‌ترین زمان بعثت، ابتدای بعثت بوده است. سخت‌ترین آن دوران، تحریم مسلمانان در شعب ابوطالب بوده که با فوت دویاور از بزرگترین یاوران پیامبر اسلام(ص) یعنی درگذشت ابوطالب و خدیجه همراه شد. کودکی فاطمه(س) در این دوران

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۷.

<sup>۲</sup> کریمی / محمدعلی / الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان.

<sup>۳</sup> خرمشاهی بهاء الدین، «پیام پیامبر» ص ۷۹۱.

بسیار بسیار سخت، خطرناک و طاقت فرسا است. که غم و اندوه فراق مادر نیز بر آن افزوده گردیده است. در چنین شرائطی مسئولیت ابلاغ رسالت بر دوش پیامبر اسلام (ص) قرار گرفت که تنها مسلمانان اندک آن زمان تنها یاوران بودند. در این میان فاطمه‌ی خردسال چنان در این مسئولیت پدر بزرگوارش را یاری نمود که پیامبر اسلام (ص) لقب ام‌ابی‌ها بر وی نهاد. در تاریخ (قصص الانبیاء) شرح شرکت داشتن فاطمه (س) آمده است:

«فاطمه (س) از همان دوران بود که تصمیم گرفت در عین کوچکی جای خالی مادر را در کنار پدر پر کند و نهایت سعی خود را در دفاع از پدر به عهده گرفت، هر زمان که مشرکان قریش پیامبر (ص) را آزار می‌دادند و در حین نماز خاکروبه و شکنجه حیوانات را بر سر آن حضرت می‌ریختند، فاطمه (س) با دست‌های کوچک خود آلودگی‌ها را از سر و روی پدر پاک می‌نمود و او را دل‌داری می‌داد، تا آنجا که او را (ام‌ابیها) یعنی (مادر پدرش) نامیدند. سرانجام وقتی که فاطمه (س) هشت ساله بود، پیامبر (ص) تصمیم به هجرت گرفت، و شبانه مکه را به مقصد مدینه ترک نمود، بعد از آن علی (ع) از جانب پیامبر (ص) مأموریت یافت تا فاطمه (س) و مادر خود فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به مدینه هجرت دهد، گروه مسلحی از قریش به تعقیب ایشان پرداختند، سرانجام نبردی سخت روی داد و امام علی (ع) یک تنه همه آنها را تار و مار ساخت و فواطم را به سلامت به مدینه انتقال داد.»<sup>۱</sup>

یکی دیگر از نقاط حساس تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص)، داستان «مباهله» پیامبر اسلام (ص) با مسیحیان نجران است. که پیامبر (ص) در این مسئولیت خطیر و بسیار مهم، حسنین (ع) را با پدر و مادرشان همراه برد. در حالی که حسنین، کودک خردسال بودند.<sup>۲</sup>

یکی از مواضع مهم و حساس دیگر که پیامبر اسلام (ص) به کودکی مسئولیت سپرده است، در جریان انجام حج بوده است، که به کودکی فرمود سخنان پیامبر را برای مردم فریاد کند: و سوار بر شترش رمی جمره عقبه را انجام داد و نزد زمزم ایستاد و ربیعۀ بن امیۀ بن خلف را که هنوز کودکی بود فرمود تا زیر سینه شترش بایستاد، (تا هر چه گفت او هم تکرار کند): ای ربیعۀ بگو.<sup>۳</sup>

مطلب قابل توجه درباره کودکی حسنین ارث به جا گذاشتن ایشان است، در حالی که آنها طبقه دوم ارث بودند، البته نه ارث مالی بلکه ارزشی، به گونه‌ای شخصیت دادن به این کودکان است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> جزائری، نعمت الله بن عبد الله، «قصص الانبیاء» (قصص قرآن - ترجمه قصص الانبیاء جزائری)، ص ۷۱۴.

<sup>۲</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف الیقین)، ص ۲۵۵.

<sup>۳</sup> ترجمه «تاریخ یعقوبی»، ج ۱، ص ۵۰۴ و ۵۰۳.

<sup>۴</sup> «ارشاد» (مفید) ص ۲۰۶ و «بحار الانوار»، ج ۴۳، ص ۲۶۳، ح ۱۰. برای آنان این فضیلت و کرامت کافیه است که هنگام آخرین بیماری پیامبر اکرم که منجر به فوتش گردید، فاطمه - سلام الله علیها - آن دو را در کودکی نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آورد و عرض کرد: پدر جان! این دو پسران تو هستند چیزی به عنوان ارث به آنان عطا فرما. رسول خدا فرمود: برای «حسن» هبیت و شکوه و آقایی خودم را و برای حسین سخاوت و شجاعتم را به ارث می‌گذارم.

سوره «هل اتي» در قرآن کریم بخاطر عمل و ایثار این دو کودکی که موجب اجر و ثواب بهشت شد، نازل گردیده است که این آیه شریفه شامل حال آنان و پدر و مادرشان می شود که: «ما اطعام می دهیم شما را بخاطر خداوند و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم».<sup>۱</sup>

### ۳. ۱. ۱۴. خوش رفتاری و شوخی با کودکان:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با وجود علو مقام و درجاتش، در برخورد با کودکان با خوش خلقی و حتی در بسیاری از موارد، مزاح و شوخی برخورد می کرد.<sup>۲</sup>

ابو هریره می گوید: این دو گوش من شنیدند و این دو چشم من دیدند که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با دو دست خود دو کتف حسنین را گرفته بود. ایشان از جلو بدن پیامبر خدا بالا می رفتند. آن حضرت می فرمود: (به صورت شعر) بیا بالا چشم تو کوچک است (شاید منظور مزاح با وی بوده است). راوی می گوید: آن کودک بقدری بالا آمد که پاهای خود را روی سینه مبارک پیغمبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله نهاد.<sup>۳</sup> علقمه از ابو سلمه نقل کرده است که پیامبر خدا (ص)، زبانش را برای حسن و حسین (ع) از دهان مبارکش بیرون می آورد، کودک، زبان آن حضرت را دید، خندید، بیشتر شوخی های پیامبر (ص) را در مورد کودکان نقل کرده اند.<sup>۴</sup> در روایتی از انس نقل شده است: گاهی من با برادر کوچکم به نزد پیامبر شرف یاب می شدیم. آن حضرت در برخورد با آن کودک، مزاح می کرد و می فرمود: «یا ابا عمیر ما فعل النُّعیر» (ابو طلحه انصاری کودکی به نام ابا عمیر داشته که پرنده کوچکی همانند گنجشک - که در عربی نُعیر نامیده می شود - داشته و این پرنده که برای او عزیز بوده می میرد و پیامبر برای مزاح با او چنین می فرمودند).<sup>۵</sup>

### ۳. ۱. ۱۵. لبخند زدن به کودک:

در کتاب کامل الزیارات از یعلی عامری نقل می کند که گفت: من از حضور پیامبر اسلام (ص) خارج شدم. ناگاه دیدم حسین علیه السلام با کودکان مشغول بازی است. پیغمبر خدا نزد آن جمعیت آمد و دست های خود را باز کرد که حسین (ع) را بگیرد، حسین (ع) از این طرف به آن طرف فرار می کرد، پیامبر خدا همچنان می خندید تا حسین (ع) را گرفت، آنگاه یکی از دست های خود را زیر گلوی حسین و دست دیگر را پشت سر آن حضرت گرفت و دهان خود را به دهان حسین نهاد و مشغول

<sup>۱</sup> دهر (انسان)، ۷۶، ۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، «جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۶۰۴.

<sup>۲</sup> «صحیح سنن ترمذی»، ج ۵، ص ۲۶۲.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۲۰.

<sup>۴</sup> ورام بن اُبی فراس، مسعود بن عیسی، «مجموعه ورام»، «آداب و اخلاق در اسلام» (ترجمه تنبیه الخواطر)، ص ۲۱۸. اصبهانی، عبدالله بن جعفر، «اخلاق النبی و آدابه»، ج ۱، ص ۳۳۱.

<sup>۵</sup> اصبهانی، عبدالله بن جعفر، «اخلاق النبی و آدابه»، ج ۱، ص ۱۵۴.

بوسیدن گردید.<sup>۱</sup> ابن اثیر به نقل از خدمت گزار پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که: «کان النبی صلی الله علیه و آله من افکه الناس مع صبی» - یعنی پیامبر اسلام (ص) در برخورد با کودکان خوشروترین و متبسم ترین مردم بود.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۱۶. نوازش کودکان:

امروزه بسیاری از روان شناسان به این نتیجه رسیده اند که نوازش کودک و کشیدن دست محبت به سر او و بوسیدنش تأثیری عمیق در او دارد، به گونه ای که اگر والدین در دوران کودکی فرزند خود را ببوسند او هیچ گاه آن را فراموش نخواهد کرد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در دورانی که خشونت اخلاقی در اوج خود بوده و کسی به این مسائل توجهی نداشت، با ظرافت و دقت کامل، نقش اساسی این امور را در تربیت کودک به مردم می آموخت. در صحیح مسلم نقل شده است:

روزی پیامبر، امام حسن (علیه السلام) را روی پای خود نشاند و صورت مبارک او را می بوسید. شخصی به نام اقرع بن حابس همین که این منظره را مشاهده کرد، گفت: من ده پسر دارم و تا به امروز، حتی یک بار هم آنها را نبوسیده ام. آن حضرت از این گفتار او ناراحت شد و فرمود: کسی که رحم ندارد خدا هرگز بر او رحم نمی کند.<sup>۳</sup>

البته نوازش و عطوفت آن حضرت تنها درباره فرزندان و نوه های خود نبود، بلکه آن حضرت نسبت به همه کودکان چنین رفتاری داشت.

از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: رسول خدا فرمود: کودکان را دوست داشته باشید و به ایشان رحم کنید! و پیامبر (ص) وقتی صبح می شد دستش را بر سر فرزند و فرزند فرزندش می کشید.<sup>۴</sup>

و نیز مرویست که روزی آن حضرت از راهی عبور می فرمود، پسر بچه کوچکی پیش آمد و سلام نمود و تبسم کرد، آن حضرت فرمود آیا مرا دوست می داری؟ عرض کرد آری بخدا قسم، آن حضرت فرمود مثل چشمانت؟ عرض کرد بلکه بیشتر، فرمود مثل پدرت مرا دوست می داری؟ عرض کرد بیشتر، فرمود مثل مادرت؟ عرض کرد بیشتر، فرمود مثل جانت؟ عرض کرد بیشتر بخدا قسم، فرمود آیا مثل پروردگارت؟ عرض کرد الله الله یا رسول الله این مقام نه برای تو است و نه برای دیگران، یا رسول الله جز این نیست که تو را دوست می دارم برای خدا، پس آن حضرت به همراهیان خود فرمود شما هم این چنین باشید که خدا را دوست بدارید برای آنکه بشما احسان و نعمت عنایت فرموده و دوست بدارید مرا برای دوستی با خدا، و سپس آن حضرت آن بچه را نوازش فرمود و از داشتن چنین ادبی او را تحسین نمود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)»، ترجمه نجفی، ص ۲۹۹.

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن»، ج ۴، ص ۸۹، نقل از: (الطبقات الكبرى ۱ / ۴۲۴ و النهایه ۳ / ۴۶۶ ابن اثیر)

<sup>۳</sup> مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۷۷ / اسماعیل بن عمر قرشی، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ج ۷، ص ۱۴۱.

<sup>۴</sup> ابن فهد حلی، احمد بن محمد، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه عدّه الداعی)؛ ج ۱؛ ص ۸۱ - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش.

<sup>۵</sup> دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب / ترجمه مسترحمی؛ ج ۲؛ ص ۱۹۶ - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۴۹ ش.



### ۳. ۱. ۱۷. دست کشیدن روی صورت کودک:

راه‌های ابراز محبت متفاوت است. پیامبر اسلام علاوه بر گفتار و رفتار که از دور (بدون تماس بدنی) به کودکان ابراز محبت نموده، از ابزار تماس بدنی هم برای برقراری ارتباط با کودکان برای ابراز محبت استفاده نموده‌است. که این تماس بدنی در مصادیق عرفی و در چهارچوب شرعی، در گزارشات ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان، مصادیق متفاوتی داشته است. که نمونه‌ای از آن، نوازش کردن صورت کودک با دست است:

جابر پسر سمره می‌گوید: کودک بودم، پیامبر دستی بر صورتم کشید. دستش آنقدر خنک و خوشبوی بود که گویی تازه از طبله عطار بیرون آورده است.<sup>۱</sup>

### ۳. ۱. ۱۸. دست روی سر کشیدن:

ابزار ارتباطی دیگر در ابراز محبت و از مصادیق تماس بدنی، نوازش کردن سر کودک با کف دست، در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان گزارش شده است:

از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: پیامبر (ص) وقتی صبح می‌شد دستش را بر سر فرزند و فرزند فرزندش می‌کشید.<sup>۲</sup>

بیان روایت دلالت بر این دارد که روش بلکه عادت پیامبر اسلام (ص) چنین بوده‌است، یعنی روش نوازش کردن ایشان دست کشیدن روی سر کودک است.

### ۳. ۱. ۱۹. در آغوش کشیدن و روی زانو نشاندن کودک:

ابزار ارتباطی دیگر از انواع ابزار ارتباطی تماس بدنی محسوب می‌شود، در آغوش کشیدن و روی زانو نشاندن (در دل نشاندن) است:

عباس گفته است که: نزد پیامبر گرامی نشسته بودم که بناگاه حسن علیه السلام آمد. هنگامی که پیامبر گرامی او را دید، گریه کرد و فرمود: حسن جان بیا! بیا! آن کودک گرانمایه که به آهستگی گام می‌سپرد، به سوی پیامبر رفت و آن حضرت او را برگرفت و روی زانوی راست خویش نشانند. چیزی از این جریان نگذشته بود که حسین علیه السلام وارد شد و پیامبر گرامی (ص) با دیدن آن کودک مه سیما، او را نیز با نهایت مهر و محبت نزد خویش فراخواند و روی زانوی چپ نشانند!<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> حسینی محمد بهاء الدین، «باده ناب»، ص ۶۱۱، از «صحیح مسلم».

<sup>۲</sup> ابن فهد حلی، احمد بن محمد، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عدّه الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

<sup>۳</sup> ابن نما حلی، جعفر بن محمد، «در سوگ امیر آزادی» (ترجمه مشیر الأحران)، ص ۸۵.

علاوه بر این که این عمل از خود پیامبر اسلام(ص) زیاد گزارش شده، سفارش به این گونه ابراز مهربانی، یعنی «در آغوش کشیدن و روی زانو نشاندن کودکان» نیز داشته‌اند. حتی ترحم به کودکان را شرط شمول رحمت خداوند بر بندگانش برشمردند. روایات مربوط به این مطلب در رعایت اعتدال آمد برای اختصار تکرار نمی‌گردد.

### ۳. ۱. ۲۰. روی شانه نشاندن:

در ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودکان، نکته‌ای مشهود بوده، که از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، حضرت هر وقت در هر زمان و در هر حالت که کودک بر ایشان وارد شده است، او را پذیرا گشته، با او تندی ننموده و حتی کودک را با زبان خوش هم به زمان دیگری برای هم‌بازی شدن وعده نداده است، بلکه در گزارش‌هایی هم، اگر کسی قصد دور کردن کودکان را از ایشان داشته، آن فرد را از این کار نهی فرموده‌است. یکی از مهمترین، حساس‌ترین، سخت‌ترین و پُرفشارترین لحظات برای پیامبر اسلام(ص) در طول حیاتش زمان دریافت وحی بوده که چنان حالت خاصی بر پیامبر اسلام(ص) عارض می‌شده، که عادی نبوده‌است و اطرافیان ایشان به حالت غیر عادی ایشان، پی‌می‌بردند و سکوت می‌کردند، تا نزول وحی کامل شده و پیامبر(ص) به حالت عادی خودش برگردد. در گزارشات زندگی ایشان حتی در این حالت نیز کودک بر شانه و پشت ایشان سوار شده به بازی پرداخته و کسی جرأت نداشته که کودک را نهی کرده یا دور کند: طبرانی در کتاب «المعجم الکبیر» در ترجمه حسین (علیه السلام) از «احمد- بن رشد» از «عمرو خالد حرانی» از «ابن لهیعة» از «ابی الاسود» از «عروة بن زبیر» از عایشه ام‌المؤمنین روایت کرده که گفت: «حسین بن علی رضی الله عنه هنگامی که کودک نوپائی بود بر رسول خدا(ص) وارد شد در حالی که به پیامبر(ص) وحی می‌شد او به شانه پیامبر (ص) نشست و در همان حال که پیامبر (ص) خم شده بود، بر پشت پیامبر(ص) مشغول بازی شد.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین می‌فرماید: شما و اهل مدینه قبول دارید که فرزندم حسن به جانب پیامبر معظم اسلام(ص) می‌شتافت و پس از اینکه بر گردن مقدس آن حضرت سوار می‌شد پاهای خود را به نحوی بر سینه مبارک آن بزرگوار آویزان می‌نمود که برق خلخال‌های حسن از انتهای مسجد مشاهده می‌شد، و حسن همچنان در آغوش رسول خدا بود تا آن حضرت از خواندن خطبه و سخنرانی فراغت حاصل می‌نمود.<sup>۲</sup>

برای این ابزار ارتباطی پیامبر اسلام(ص) (روی شانه نشاندن) در ارتباط با کودکان گزارش‌های متعددی آمده‌است. که ایشان در یکی از این چهار حالت بوده‌اند: «نشسته بدون حرکت»، در حالت «ایستاده و راه رفتن»، در

<sup>۱</sup> ابن طاووس، علی بن موسی، «الطرائف»، ترجمه داود إلهامی، ص ۳۷۳: از ماوردی، «اعلام النبوة»، ص ۸۳- در باب ۱۲ آن به همین اسناد و همین لفظ آورده، خوارزمی، «مقتل» ج ۱، ص ۱۵۹- هیثمی، «مجمع الزوائد»، ج ۹، ص ۱۸۷-۱۸۸- «صواعق»، ص ۱۱۵- سیوطی، «خصائص»، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۵- «کنز العمال»، ج ۶، ص ۲۲۳.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه روحانی، ص ۶۶۰.

حالت «سجده در نماز» و درحالت «سجده مانند در بازی با کودکان همراه با حرکت». که می‌توان آن را از بهترین ابزار نشاط آفرین در کودکان در آن زمان دانست.

### ۳. ۱. ۲۱. روی سینه قراردادن کودک:

گاهی اوقات وقتی کودک بر پیامبر اسلام (ص) وارد می‌شده‌است، ایشان در حالت خوابیده بر پشت بوده‌اند و کودک به سمت ایشان رفته و روی شکم و سینه‌ی حضرت می‌نشست و پاهایش را از دو طرف رها کرده و بچه‌تصوّر سوارکاری داشته‌است. گاهی اوقات هم کودک روی سینه مبارک ایشان می‌خوابیدند. مثلاً صدوق در کتاب امالی روایت می‌کند: یک وقت پیامبر عظیم الشان اسلام در خانه امسلمه بود به وی فرمود: مبدا بگذاری کسی نزد من بیاید. ناگاه حسین علیه السلام که کودکی بود آمد و امسلمه نتوانست از او جلوگیری نماید آن حضرت همچنان آمد تا بحضور پیامبر خدا مشرف شد. وقتی امسلمه نیز بدنبال حسین (ع) آمد دید آن بزرگوار روی سینه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته... (پیامبر اجازه ندادند کودک را از ایشان جدا کنند).<sup>۱</sup> این روایت دلالت بر این دارد که حسین خردسال در طول روز اجازه داشتند، نزد پیامبر اسلام (ص) بروند و کسی حق ممانعت از ایشان را نداشته‌است.

### ۳. ۱. ۲۲. بازی با کودکان

#### ۱. همبازی شدن والدین با کودکان

پیامبر (ص) همواره با نوه‌هایش یعنی امام حسن و امام حسین (ع) کودکانه بازی می‌کرد.<sup>۲</sup> حتی گاهی با کودکانِ اصحابش (فرزندان مسلمانان) بازی می‌کردند زیرا بازی از نیازهای طبیعی کودک است و بدون آن کودک رشد سالم نخواهد داشت. یکی از راه‌های اظهار محبت به کودکان، شرکت بزرگسالان در بازی آنها با شیوه کودکانه است. این کار سبب فزونی شخصیت آنان می‌شود. رسول اکرم (ص) در این باره فرمود: آن کس که نزد او کودکی است، باید در رفتارش با وی کودکانه رفتار نماید.<sup>۳</sup>

#### ۲. خنداندن کودکان در بازی:

توجه به کودکان و خندان آنان برای پیامبر از اهمیت زیادی برخوردار بود، به گونه‌ای که اصحاب او بارها پیامبر را در کوچه و بازار مشاهده کردند که با گروهی از کودکان، به ویژه یتیمان، بازی می‌کرد تا آنها را بخندانند. در

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام» (ترجمه جلد ۴۴ بحار الأنوار)، ص ۲۴۱.

<sup>۲</sup> محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۷۰۱ حدیث های ۲۲۳۳۱-۲۲۳۳۳.

<sup>۳</sup> العالمی، محمد بن الحسن الحر، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

روایتی آمده است: پیامبر زبان مبارک خود را برای نوه گرامی اش حسن بیرون می آورد و آن کودک با دیدن سرخی زبان او شاد و خندان می شد. (و با شادمانی به سوی او می رفت).<sup>۱</sup>

### ۳. بازی کودک با محاسن:

از ابو هریره روایت شده: «یک روز پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، در میان مسجد نشست و بمن فرمود: کودک را صدا بزن، امام حسن آمد و در کنار پیغمبر عالی قدر اسلام نشست و دست خود را در میان محاسن شریف رسول خدا می کرد، پیامبر اکرم هم دهان امام حسن می بوسید.<sup>۲</sup>

### ۴. سواری دادن به کودک

بیشترین گزارشی که درباره نوع بازی های پیامبر اسلام (ص) با کودکان مشاهده می شود، سواری دادن به کودکان است، به خصوص درباره ی دو نوه اش حسنین (ع). حتی در حال نماز پیامبر (ص)، در هنگام وحی بر پیامبر (ص) و در حال خوابیدن پیامبر (ص) روی سینه اش می نشستند، و به بازی می پرداختند، بلکه خودشان را تکان داده «هی هی» می کردند. حتی در یکی از گزارشات از پیامبر (ص) خواسته اند که برایشان صدای مرکب درآورد که پیامبر اسلام (ص) در آن حالت ذکر «العفو» را بر زبان راندند، و در تعدادی روایات از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که به این بازی با کودکانش افتخار نموده اند، مثل این روایت: «كان الحسن و الحسين یرکبان فوق ظهر النبی و یقولان حل حل و یقول النبی نعم البعیر بعیرکما» ابن ابی نجیح گوید امام حسن (ع) و امام حسین بر پشت پیامبر (ص) سوار می شدند می گفتند حل حل و پیامبر می فرمود: نیکو شتری است شتر شما<sup>۳</sup> البته به نظر می رسد این صدا در آوردن فقط اختصاص به حسنین (ع) داشته و این را باید پای محبت به فرزند یا امام بودنشان بگذاریم.

معانی از عمر بن الخطاب روایت می کند که گفت: حضرت حسنین را بر آغوش پیغمبر اعظم اسلام دیدم و بایشان گفتم: اسب شما خوب اسبی است!! پیامبر اکرم فرمود: ایشان هم خوب سوارانی می باشند!! ابن حماد نیز از پدرش نقل می کند که گفت: پیامبر خدا برای حضرت حسنین زانو بزمین زد و ایشان را بر عکس یک دیگر بر پشت مبارک خویشتن سوار نمود و فرمود: شتر شما خوب شتری است!!<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> همان. ص ۴۹۱.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۳۵.

<sup>۳</sup> : مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۴۳، ص ۲۸۵. ترجمه نجفی، ص ۳۱۹.

<sup>۴</sup> همان، ص ۳۱۹.

## ۵. پل ساختن برای کودک

پیامبر اسلام (ص) در میان جمع هم که بودند، خود را با بازی کودک همراه می نمود؛ مثلاً ایشان در حالی که ایستاده بودند امام حسن (ع) کودک بوده و می خواسته از میان دو پای ایشان بگذرد، ایشان هم با بازی کودک حالت خود را تغییر داده و بین دو قدمشان را باز گذاشتند، تا کودک راحت بازی کند: «عبدالله ابن زبیر می گوید: گاه می دیدم پیامبر میان دو پای خود را فراخ می نمود تا حسن (ع) از سوئی برود و از سوی دیگر بیرون بیاید»<sup>۱</sup>.

## ۶. دویدن دنبال کودک

در کوچه مردی به نام یعلی عامری از محضر رسول گرامی خارج شد تا به ضیافتی برود. ناگاه حسین (ع) را دید که مشغول بازی است. طولی نکشید که رسول اکرم (ص) به اتفاق اصحاب از منزل خارج شدند. وقتی پیامبر حسین را دید از اصحاب جدا شد در حالی که به سوی فرزندش قدم برمی داشت. دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. کودک خنده کنان این سو و آن سو می گریخت و رسول خدا نیز خنده کنان از پی او می دوید. سرانجام کودک را گرفت. دستی زیر چانه او و دستی دیگر بر پشت گردن او نهاد و او را بوسید.<sup>۲</sup>

در این جریان در واقع نوعی احترام به کودک است که پیامبر اسلام (ص) اصحاب را رها می کند و با اندکی از صرف کردن وقت خود هم بازی حسین خردسال می شود.

## ۷. نردبان ساختن و شعر خواندن برای کودک

در «الطرائف» ابن طاووس، آمده است: «یاران دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست حسین را که کودکی خردسال بود می گرفت و کف پای او را روی سینه خود می گذاشت و او را تا بالای شانه خود بالا می برد و می فرمود: «حزقه، حزقه، ترق عین بقة: کوچولو کوچولو بالا بیا ای چشم پشه» (که بعضی از دانشمندان می گویند این تعبیر پیشگوئی از شهادت و سوراخ شدن پیکر حسین (علیه السلام) است چون اخیراً کشف شده که چشم پشه سوراخ سوراخ است).<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> رضائی، مانده، «تربیت کودک در اسلام»، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> عن یعلی العامری خرج من عند رسول الله (ص) الی طعام دعی الیه فاذا هو بحسین (ع) یلعب معه الصبیان فاستقبل النبی (ص) امام القوم ثم بسط یدیه فطفرالصبی هاهنا مره و هاهنا مره و جعل رسول الله (ص) یضاحکه حتی اخذه فجعل احدی یدیه تحت ذقنه و الاخری تحت قفاه و وضع فاه علی فیه و قبله... «بحارالانوار»، ج ۴۳، ص ۲۶۲.

<sup>۳</sup> ابن طاووس، علی بن موسی، «الطرائف»، ترجمه داود إلهامی، ص ۳۷۰: این آدرسها را داده: ترمذی، «صحیح»، ج ۲، ص ۲۴۰-۳۰۷- ابن ماجه، «صحیح»، «مسند احمد بن حنبل»، ج ۵، ص ۳۶۹، «مسند طیالسی»، ج ۱۰، ص ۳۳۲-۳۲۷، «سنن بیهقی»، ج ۲، ص ۲۱۳، «کنز العمال»، ج ۷، ص ۱۰۸.

## ۸. سواری دادن به کودکان در وقت نماز، هدیه، احترام، مزاح

توجه پیامبر اسلام(ص) و بازی با کودکان فقط به امام حسن و امام حسین اختصاص نداشت بلکه او با کودکان دیگر نیز این گونه بود، گویند: روزی پیامبر اسلام(ص) برای اقامه نماز عازم مسجد بود. در راه همین که کودکان پیامبر را دیدند به سوی او دویدند و برگرد او حلقه زدند و هر یک صدا می زد یا رسول الله، کن جملی « شتر ما باش «تا بر دوش تو سوار شویم» کودکان که گویا رفتار پیامبر با حسنین را دیده بودند انتظار داشتند که پیامبر درخواست آنان پاسخ مثبت بدهد. حضرت هم انتظار آنان را برآورده نمود و با آنان هم بازی شد.

مردم که در مسجد جمع شده بودند انتظار پیامبر(ص) را می کشیدند تا نماز بپا دارند بلال را به سراغ ایشان فرستادند. بلال به پیامبر(ص) رسید و عرض کرد: یا رسول الله(ص) مردم منتظرند! فرمود ای بلال برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از تنگ شدن دل کودکان است. سپس فرمود: به منزل برو و اگر چیزی هست برای کودکان بیاور. بلال روانه منزل ایشان شد و تعدادی گردو یافت و آنها را نزد پیامبر برد. پیامبر نیز گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: «اتبیعون جملکم بهده الجوزات» آیا شتر خود را در عوض این گردوها می فروشید؟ کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر را رها کردند و پیامبر راهی مسجد شد و فرمود: خدا رحمت کند برادرم یوسف را که او را به چند درهم فروختند و مرا به چند گردو.<sup>۱</sup>

## ۹. حمایت از بازی کردن کودکان

مضمون روایاتی دال بر این است که پیامبر اسلام(ص) از بازی کردن کودکان حمایت نموده اند: مثل این روایت: پیامبر گرامی بر کودکانی گذشت که با خاک بازی می کردند، یکی از یاران پیامبر آنها را از این کار منع کرد. پیامبر(ص) فرمود: آنها را رها کن زیرا خاک بوستان کودکان است. مر رسول الله علی صبیان و هم یلعبون بالتراب. فنهام بعض اصحاب النبی(ص) فقال دعهم فان التراب ربيع الصبیان.<sup>۲</sup> «عرامه الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره.» سرکشی کودک در کودکی، سبب افزایش عقل او در بزرگی می شود.<sup>۳</sup>

### ۳. ۱. ۲۳. معانقه:

در گزارشات فقهی عامه آمده است: « قرطبی گفته: خلافتی در جواز معانقه با خردسال نیست و دلیل آن معانقه پیغمبر(ص) است با حسن رضا.<sup>۴</sup> این گزارش بیان گر این است که پیامبر اسلام(ص) با کودکی به نام حسن رضا معانقه داشته است،

<sup>۱</sup> جلالی شاهرودی، محمدحسن، «نفایس الآثار»، ص ۲۸۶.

<sup>۲</sup> هیشمی، نورالدین علی ابن ابی بکر، «مجمع الزوائد»، ج ۸، ص ۱۹۵. قضاعی، محمد بن سلامه، «شرح فارسی شهاب الأخبار» (کلمات قصار پیامبر خاتم ص) ص ۸۹.

<sup>۳</sup> «پیام رسول» (ترجمه ای دیگر از نهج الفصاحه)، ص ۵۶۹، ح ۲۸۱۹.

<sup>۴</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، ص ۲۴.

بنابر این یکی از ابزارهای ارتباطی ایشان با کودکان را می‌توان «معانقه» شمرد. در روایتی جداگانه تصریح بر معانقه پیامبر اسلام(ص) با کودک را نیافتیم.

### ۳. ۱. ۲۴. مصافحه(دست دادن):

مصافحه یکی از آداب اسلامی است، اهمّیت آن درباره کودک است که توسط پیامبر اسلام (ص) همچون بزرگسالان محترم شمرده شده است: «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با بزرگ و کوچک(کودک) و دارا و ندار دست می‌داد و مصافحه می‌کرد، و دست خود را نمی‌کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد و به هر کس که می‌رسید سلام می‌کرد.<sup>۱</sup>

### ۳. ۱. ۲۵. تفحص کودک گم شده:

در روایتی از ابن عباس نقل شده است، فاطمه(س) به پدرش رسول خدا خبر دادند، حسنین از بامداد تا به حال ناپدید شده‌اند و از آنها اطلاعی ندارم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به گروهی از یاران که وقتی آنها را شمارش نمودیم هفتاد نفر می‌شدند فرمود: برخیزید و از نور دیدگانم خبری بیاورید! همگی به تفحص پرداختند، اما آنها را نیافته و بدون هیچ گونه اطلاعی بازگشتند! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این حادثه غیر منتظره آزرده خاطر گردید راهی مسجد شد و در آنجا برای پیداشدنشان دست به دعا برداشت سپس برای یافتن حسنین به راه افتاد، در حالی که جبرئیل امین در سمت راست و مسلمانان دور وی بودند<sup>۲</sup> در کتاب: خرایج از مقداد بن اسود کندی روایت می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای یافتن حسن و حسین که از خانه بیرون رفته بودند خارج شد و من هم با آن حضرت بودم. پس از این نظرم بدرخت خرمائی افتاد که آن درخت بر سر حسنین سایه انداخته بود. پیامبر معظم اسلام در میان حسنین نشست، در ابتداء سر حسین را روی زانوی راست خود و بعد سر حسن را روی زانوی چپ خویشان نهاد، سپس دهان خود را در دهان حسین گذاشت تا آن حضرت بیدار شد و گفت: ای پدر! و دو باره خوابش رفت. حسن هم بیدار شد و گفت: ای پدر! و دو باره خوابش رفت.<sup>۳</sup>

### ۳. ۱. ۲۶. احترام به کودکان:

انسان گل سر سبد موجودات است و اسلام همواره حریم او را محترم شمرده است. این حرمت، صرف نظر از ویژگی‌های هر دسته و گروه برای تمامی انسان‌ها وجود دارد و جنسیت، قومیت، نژاد، سن در آن دخالت ندارد و این حرمت و کرامتی است که خداوند از بدو خلقت انسان به او بخشیده است و در برابر آن نیز از او مسئولیت

<sup>۱</sup> دیلمی، حسن بن محمد، «إرشاد القلوب»، ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۲۹۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، «آداب معاشرت از دیدگاه معصومان

علیهم السلام» (ترجمه وسائل الشیعة)، ص ۱۱۱.

<sup>۲</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف الیقین)، ص ۳۳۱.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه نجفی، ص ۳۰۰.

خواسته است.<sup>۱</sup> پس انسان به گونه‌ای آفریده شده است که همیشه دوست دارد، مورد تکریم و احترام دیگران باشد. به همین دلیل، بسیاری از انسان‌ها برای جلب محبت دیگران، تلاش‌های فراوان می‌کنند. بنابراین، انسان به صورت طبیعی، در برابر هر نوع تحقیری مقاومت می‌کند و از خود واکنش نشان می‌دهد. این مسئله برای کودکان نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. چه بسا کودکان بسیاری که والدینشان همه نیازهای مادی آنان را برآورده می‌کنند، ولی چون به آنان احترام نمی‌گذارند و همیشه آنان را تحقیر می‌کنند، با والدین خود ارتباط صمیمانه برقرار نمی‌نمایند و این موجب بروز مشکلاتی در مسیر تربیت آنان خواهد شد. این احترام کردن به کودک باعث بوجود آمدن عزت نفس در کودک می‌شود. امروزه از آن تعبیر به «کرامت انسانی» هم می‌شود. که مهم‌ترین عامل برای «درستکاری» و «جلوگیری از بزهکاری و گناه» در انسان است. مثلاً در کتاب حکمت‌نامه کودکان از ری شهری بر این صفت انسانی تأکید شده و آن را فصل ممیز الگوی تربیتی اسلامی از غیر آن دانسته شده است.

از نکات ظریفی که در سیره پیامبر اسلام (ص) مکرراً نقل شده، احترام به کودکان موج می‌زند. یعنی در تمام گزارشات آمده، ارتباط ایشان با کودکان همراه با احترام به کودکان است. در گزارشات خاصی این حالت بیشتر به چشم می‌آید: الف: اعتماد به کودک: در روایات زیادی بر اولین مسلمان بودن یا اولین مرد مسلمان بودن علی (ع) دلالت دارد<sup>۲</sup>، در حالی که در آن زمان (بعثت پیامبر) علی (ع) کودکی ده ساله است، یعنی پیامبر اسلام (ص) به علی (ع) اعتماد نمود با اینکه کودک بود. و حتی علی (ع) در از همان زمان با پیامبر اسلام (ص) نماز خوانده، آن هم نه فقط در خفا بلکه در کنار کعبه و در نماز جماعت سه نفره در منظر و دید و آزار مشرکان، یعنی در سخت‌ترین شرایط تبلیغی همراه پیامبر است.<sup>۳</sup> در حدیثی منقول از پیامبر اسلام (ص) چنین آمده است که امیرالمؤمنین را در هفت سالگی نمازگزار و مورد درود فرشتگان همراه خود معرفی کرده است: «وقد صلت الملائكة علی و علی علی سبع سنین و ذلک انه لم یکن احد من الرجال یصلی غیری و غیره»؛ یعنی به تحقیق رحمت فرستادند ملائکه بر من و بر علی (ع) هفت سال و این از برای آن بود که نبود از جنس مردمان احدی که نماز گزارد به غیر از من و علی (ع).<sup>۴</sup>

مأمون عباسی در مباحثه با عالمان آن زمان به این نکته (اعتماد پیامبر اسلام بر علی (ع) در کودکی) استناد کرده است.<sup>۵</sup>

**ب: با احترام صدا کردن کودک:** به لحاظ این که یکی از راه‌های ارتباط با دیگران ارتباط کلامی است و این ارتباط زمانی مورد توجه قرار خواهد گرفت که همراه با لحن نیکو و عاری از طعنه و تمسخر باشد. این چنین

<sup>۱</sup> قرآن کریم در این باره می‌فرماید: به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر [مرکبها] بر نشاندم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکارا دادم. «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفصیلاً» اسراء، ۱۷، ۷.

<sup>۲</sup> دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة للمفید)، ص ۵۰۸. «الاستیعاب»، ج ۳، ح ۱۰۹۱.

<sup>۳</sup> دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة للمفید)، ص ۵۰۸. از «مناقب خوارزمی» ص ۵۳.

<sup>۴</sup> «دفاع از تشیع» (ترجمه الفصول المختارة للمفید)، ص ۵۰۸.

<sup>۵</sup> همان مدرک، ص ۵۱۳.



می‌توان عزت نفس کودک را تقویت کرد. پیامبر اسلام(ص) همواره کودکان را با احترام و نام نیک صدا می‌کردند. مثلاً هنگام صحبت با فرزندان خویش از لفظ "یا بُنی" ، فرزند عزیزم، استفاده می‌کردند.<sup>۱</sup>

**ج: جا باز کردن برای کودک در مجلس:** تحویل گرفتن و جا باز کردن هنگام ورود کودک به مجلسی که نشسته‌اند، بسیار در عزت نفس (کرامت انسانی) کودک مؤثر است. که پیامبر گرامی می‌فرمایند: هر گاه از فرزند خود نام می‌برید گفتار خویش را با اکرام و احترام در آمیزید و در نشست‌ها و مجالس جائی برای آنها فرسخ سازید و با چهره درهم کشیده با آنان برخورد نکنید.<sup>۲</sup>

**د: نظرخواهی از کودک در مسائل قابل فهمش و احترام به نظرش:** در موقعیت‌های زمانی متفاوتی این ابزار ارتباطی توسط پیامبر اسلام(ص) در ارتباط با کودک استفاده شده است، نمونه‌هایی از این احترام گذاشتن را در روایت زیر می‌بینیم: پس از این جریان(باغ بنی نجار) پیغمبر عالی‌قدر اسلام صلی الله علیه و آله امام حسن را روی شانه راست و امام حسین را روی شانه چپ خود گرفت و مراجعت نمود. موقعی که حضرت امیر از این داستان آگاه شد متوجه حضرت رسول گردید. سپس حضرت امیر بحضور رسول اعظم اسلام آمد و گفت: پدر و مادرم بفدایت یا رسول الله! یکی از این دو شیر بچه مرا بده من بیاورم که شما خسته نشوی. پیغمبر خدا بحضرت امام حسن فرمود: حاضری روی شانه پدرت بروی؟ گفت: یا جدا! بخدا قسم که روی شانه تو را بیشتر دوست دارم. آنگاه پیامبر خدا به امام حسین فرمود: آیا می‌روی روی شانه پدرت؟ گفت: یا جدا بخدا قسم که من هم با برادرم حسن هم عقیده هستم، زیرا روی شانه تو بودن از برای من و حسن از روی شانه پدرم محبوب‌تر است. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله ایشان را بمنزل فاطمه اطهر آورد.<sup>۳</sup>

**ه: تغافل:** خود را به غفلت زدن در اشتباهات کودک یکی از اصول تربیتی کودک شمرده می‌شود. که مضمون بعضی روایات آن را تأیید می‌کند: « در روایتی چنین آمده است: خدای پیامرزد مردی را که به درست کاری فرزندش کمک کند و آن این‌که از بدی‌هایش بگذرد و وقتی با خدای خود راز و نیاز می‌کند برای فرزندش دعا کند. <sup>۴</sup> و در حدیثی آمده است: شخصی نقل کرد من از پسریم به امام ابی الحسن موسی علیه السلام شکایت کردم، حضرت فرمود: او را مزین و با او قهر کن ولی طولش مده. و پیامبر (ص) وقتی صبح می‌شد دستش را بر سر فرزند و فرزند فرزندش می‌کشید.<sup>۵</sup>

و از آن‌جای که کودک از روحیه‌ای لطیف برخوردار است هر چه قدر از سوی والدین و مربیان مورد احترام قرار گیرد حرف شنوی او بیشتر خواهد بود و تربیت او آسان‌تر خواهد بود. از سویی دیگر اگر کودک از جانب والدین و مربیان خود مورد بی‌احترامی قرار گیرد نه تنها که سخن‌ها و تعلیمات آنان در او اثر تربیتی نخواهند داشت

<sup>۱</sup> دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة للمفید)، ص ۵۰۸. «مناقب خوارزمی»، ص ۱۰۹.

<sup>۲</sup> ابطیحی اصفهانی، سید محمدباقر، «جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الاطهار»، ص ۱۲۴. «اذا سمیتم الولد فاکرموله و اوسعوا له فی المجلس و لاتبجوا وجهها»

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۲۹۴.

<sup>۴</sup> «آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز» (ترجمه عده الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

<sup>۵</sup> همان مدرک.

بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز خواهد داشت. علاوه بر این‌ها در گزینه‌های ابزارهای ارتباطی، استقبال از کودک در آمدنش، بدرقه‌ی کودک در رفتنش، جا باز کردن در مجالس برایش و... احترام و شخصیت دادن به کودک در ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودک موج می‌زند. که برای رعایت اختصار در عنوان‌های دیگر نیامده است.

### ۳. ۱. ۲۷. سلام کردن به کودکان

اگرچه «سلام کردن» به کودکان را نیز می‌توان یکی از قسمت‌های دیگر احترام به کودکان دانست لکن به خاطر اهمیت بسیار زیاد آن ما آن را در قسمتی جدا بیان کردیم. بسیاری از افراد گمان می‌کنند که چون کودکان کوچک‌ترند باید همیشه آنان به بزرگ‌ترها سلام کنند، در حالی که آموزش آداب اجتماعی آنان بر عهده بزرگ‌ترهاست. در روایت بسیاری نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) همیشه به کودکان سلام می‌کرد. در روایتی از انس بن مالک آمده است: ما در حال بازی بودیم که پیامبر صلی‌الله علیه و آله از کنار ما گذشت و گفت: "السلام علیکم یا صبیان!" سلام بچه‌ها.<sup>۱</sup> قطب راوندی در کتاب «لُبُّ اللَّبَابِ» روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد.<sup>۲</sup> حتی دیگران را هم سفارش به آن فرموده‌اند: صَلُّوا عَلٰی اَطْفَالِكُمْ فَانَّهُمْ مِنْ اَفْرَاطِكُمْ. بر کودکانتان درود بفرستید؛ زیرا آنان پیش‌آهنگان شمایند.<sup>۳</sup> تا جایی که آن را از سنت‌های خود شمرده و می‌فرمودند: سلام دادن بر کودکان از چیزهایی که تا هنگام مرگ آنها را رها نمی‌کنم تا پس از من سنت باشد.<sup>۴</sup> و حتی در سلام کردن به هر که می‌رسید حتی به زنان و کودکان و زیردستان، پیشی می‌گرفت.<sup>۵</sup> تا جایی که گفته شده کسی نمی‌توانست در این امر از ایشان پیشی گیرد، ولی به حسنین(ع) در کودکی اجازه داده که به ایشان زودتر سلام کنند، و این مطلب در حدیث مشهور کساء آمده است.

### ۳. ۱. ۲۸. استقبال از کودک با خوش‌رویی:

یک روز پیامبر معظم اسلام صلی‌الله علیه و آله بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود. ناگاه حسنین علیهماالسلام در حالی آمدند که پیراهن قرمز پوشیده بودند، آن پیراهن‌ها به پای ایشان می‌پیچید و بزمین می‌خوردند. پیغمبر اکرم اسلام(ص) از منبر فرود آمد و ایشان را برداشت و در مقابل خود جای داد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> حسینی زاده، سید علی، «تربیت فرزند»، ص ۱۰۷.

<sup>۲</sup> طباطبایی، محمد حسین، «سنن النبی صلی‌الله علیه و آله» (چاپ اسلامی)، ص ۴۳.

<sup>۳</sup> «پیام رسول» (ترجمه‌ی نهج الفصاحه)، ص ۵۷۰.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۳۹۵ و «سنن النبی» (چاپ اسلامی)، ص ۴۲.

<sup>۵</sup> طباطبایی، محمد حسین، «تعالیم اسلام»، ص ۱۲۷.

<sup>۶</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۸. «تاریخ تحقیقی اسلام»، ج ۴، ص ۳۳۷.

از عبد العزیز نقل می‌کنند که گفت: پیغمبر خدا نشسته بود که حضرت حسنین وارد شدند، وقتی چشم حضرت رسول به ایشان افتاد فوری از جای برخاست و اظهار کرد که ایشان دیر بحضور آن حضرت آمده‌اند. پیغمبر خدا ایشان را استقبال نمود و در آغوش خود گرفت...<sup>۱</sup>

در کتاب کامل الزیارات از یعلی عامری نقل می‌کند که گفت: من از حضور پیغمبر عظیم الشان اسلام خارج و متوجه آن‌جائی که مهمان بودم شدم. ناگاه دیدم امام حسین علیه السلام با کودکان مشغول بازی است. پیغمبر خدا نزد آن جمعیت آمد و دست‌های خود را باز کرد که امام حسین را بگیرد، امام حسین از این طرف به آن طرف فرار می‌کرد، پیامبر خدا همچنان می‌خندید تا حسین علیه السلام را گرفت، آنگاه یکی از دست‌های خود را زیر گلوی حسین و دست دیگر را پشت سر آن حضرت گرفت و دهان خود را بدهان حسین نهاد و مشغول بوسیدن گردید.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۲۹. عیادت از کودک بیمار:

امام صادق در تفسیر آیه: وفا می‌کنند بنذر (سوره هل اتی آیه ۷)، فرمود حسن و حسین که کودک بودند بیمار شدند رسول خدا (ص) با دو مرد بعیادت آنها آمد یکی از آنها گفت ای ابو الحسن اگر برای دو فرزندت نذری می‌کردی خدا آنها را شفا می‌داد فرمود سه روز بشکرانه خدا روزه می‌دارم...<sup>۳</sup>

همچنین یکی دیگر از موارد پیامبر (ص) با نوجوانان، عیادت ایشان از نوجوان بیمار یهودی است؛ نوجوان یهودی که به خدمت پیامبر (ص) می‌رسید، بیمار شد و در حال احتضار بود، حضرت محمد (ص) به عیادت او رفت و در کنارش نشست و فرمود: «اسلام بیاور؛ نوجوان به سوی پدر خود که در کنارش نشسته بود، نگاه کرد و پدرش به او گفت: ابوالقاسم را اطاعت کن؛ او نیز اسلام آورد و جان داد. پیامبر (ص) در حالی که از خانه او بیرون می‌آمد، فرمود: خدا را سپاس که او را به وسیله من از آتش نجات داد».<sup>۴</sup>

ابن عباس می‌گوید: «زنی بچه‌ای را خدمت پیامبر آورد و گفت: یا رسول الله! این بچه دیوانه شده و هنگامی که ناهار یا شام می‌خوریم بر سر ما خاک می‌پاشد. حضرت دست مبارکش را به سینه کودک کشید و دعا کرد. آن کودک هر چه خورده بود استفراغ کرد و چیز سیاهی از شکمش خارج شد و در همان حال خوب شد».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۹.

<sup>۲</sup> زندگانی حضرت زهرا (س) (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار، ترجمه نجفی، ص ۲۹۹.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الأمالی» (للسدوق)، ترجمه کمره‌ای، ج ۲۲، ص ۷۱۷.

<sup>۴</sup> قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۳۵. نقل کرده از بحار: ۱۸ / ۱۰، حدیث ۱۹.

<sup>۵</sup> همان.

هنگامی که ام معبد صحنه شیر دادن گوسفند لاغر (که قبلاً شیر نمی داد) را دید به پیامبر اسلام (ص) گفت: «ای نیک صورت! من یک بچه هفت ساله دارم مانند پاره‌ای گوشت است! که نه می‌تواند سخن بگوید و نه می‌تواند برخیزد» و او را پیش پیامبر آورد. رسول خدا- صلی الله علیه و آله- خرمایی را برداشت و جوید و در دهان بچه گذاشت. در حال بچه برخاست و راه رفت و حرف زد! هسته خرما را نیز در زمین کاشت فوری سبز شد و به صورت نخلی در آمد که خرما در آن پدیدار شد. و همیشه در زمستان و تابستان این گونه بود.<sup>۱</sup>

### عیادت کودک از پیامبر (ص):

در کتاب: امالی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: در آن مرضی که پیغمبر خدا مریض شد و شفا یافت فاطمه اطهر با حسنین به عیادت آن حضرت رفت. آن بانوی با عظمت در حالی که امام حسن را بدست راست و امام حسین را بدست چپ خود گرفته بود داخل منزل عایشه گردید. امام حسن طرف راست پیامبر خدا و امام حسین سمت چپ آن حضرت نشست، آنگاه دست خود را به بدن مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌مالیدند. ولی آن حضرت از خواب بیدار نشد. حضرت زهرا اطهر به حسنین فرمود: فرزندان محبوب من! جد شما خواب است، اکنون برگردید و بگذارید تا از خواب بیدار شود، آنگاه نزد او مراجعت نمائید. گفتند: ما اکنون باز نخواهیم گشت. سپس امام حسن روی بازوی راست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن روی بازوی چپ آن حضرت خوابیدند و قبل از پیغمبر اعظم اسلام از خواب بیدار شدند. هنگامی که حسنین خوابیدند حضرت فاطمه علیها السلام متوجه منزل خویشان گردید...<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۳۰. قبول حرف کودک بر اساس میزان فهم و کمالش:

این گزینه‌ای دیگر از شخصیت دادن پیامبر اسلام (ص) به کودک است: قبول اسلام از علی (ع) که در سن کودکی و قبول اسلام حسنین (ع) در سن کودکی توسط پیامبر اسلام (ص) گزینه‌ای از این مطلب است.<sup>۳</sup>

گزینه‌ی دیگر از قبول حرف کودک توسط پیامبر اسلام (ص)، قبول حرف زید بن حارثه در کودکی (در گزارشات کودک گفته‌اند) که بسیار اهمیت داشته است چرا که معارض از حرف بزرگسالان (یکی از بزرگترین شخصیت‌های اجتماعی مدینه) داشته است: طبری درباره بازگشت از غزوه بنی المصطلق گزارش داده است، که بین یکی از انار و یکی از مهاجرین بر سر آب نزاعی پیش آمد. عبدالله بن ابی به یاری انصاری آمد و گفت: سزاوارید شما بدانکه این مهاجرین را فربه کردی و سپر ایشان شدید تا ایشان به پادشاه شما چنین کنند، همچون سگی را که کسی بپرورد، چون بزرگ شود پرورنده را بخورد. باید وقتی به مدینه رسیدیم عزیزان ذلیلان را بیرون کنند. و خواست که انصار دیگر برای مهاجران هزینه نکنند تا همه از

<sup>۱</sup> همان مدرک، ص ۱۱۹.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا (س)» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۲۹۴.

<sup>۳</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه حسن زاده، ص ۸۲۱. «الإرشاد للمفید»، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۶.

گرسنگی بمیرند. یکی از یاران پیغمبر به نام زید ارقم آنجا نشسته و این سخن عبد الله شنیده بود، به عمویش جریان را گفت، عمش هم به پیغمبر گفت. پیغمبر بسیار ناراحت شد. خبر در بین اصحاب پیچید. چون خبر به عبد الله رسید، برخاست و مردمان را گرد کرد و به نزدیک پیغمبر آورد و سوگند خورد که من این سخن نگفتم تا دل پیغمبر خوش کند. پس مردمان زید را ملامت کردند و عمش را، و گفتند زید کودک است و این که گفت به نادانی گفته است. پس از آن زید خدای را دعا کرد گفت از میان من و عبد الله هر که دروغزن است او را رسوا کن. پس خدای عز و جل آیت فرستاد و گفت: إِذَا جَاءَكَ الْمُتَأَفِّقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ، تا آخر سوره. و زید را و عمش را بستود و عبد الله را دروغزن کرد چنانکه گوید: اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. چون سوره فرود آمد، پیغمبر بر یاران خواند تا گواهی دادند بر دروغزنی عبد الله، و زید ارقم را پیش خواند و بناخت و گفت راست گفתי و گوشهای او را به دست بگرفت و گفت: این گوشها آن است که خدای را و پیغمبر را وفا کرد و هر چه شنیده بود راست بگفت.<sup>۱</sup>

داستان اولین دعوت پیامبر اسلام(ع) که باید از خویشاوندانش(دعوت اقریین) که بسیار علی(ع) که کودک است، مورد احترام پیامبر اسلام(ص) واقع شده است.<sup>۲</sup>

### ۳.۱.۳. پرهیزدادن از خشونت با کودکان

پیامبر اسلام(ص) علاوه بر اینکه خود با کودکان خشن نبودند، اگر کسی نیز با آنها با خشونت برخورد می کرد، او را از این کار نهی می کردند.<sup>۳</sup>

از بانو «لبابه»، دختر «حارث» که همسر «عباس»، عموی پیامبر بود- و به «ام الفضل» شهرت یافت- آورده اند که: روزی من از حسین علیه السلام پرستاری می کردم، آن کودک ارجمند را آوردم و بر دامن پیامبر گرامی نهادم. آن حضرت حسین علیه السلام را مورد مهر و محبت قرار داد و درست در همان حال که کودک در آغوش پیامبر بود، ادرار کرد و قطره‌ای از آن به لباس پیامبر چکید. من آن کودک ارجمند را با دو انگشت اندکی فشردم و او گریه کرد. پیامبر گرامی که از کارم ناخشنود گردید، رو به من کرد که: «مهلا یا ام الفضل! ثوبی یغسل و قد اوجعت ابنی!» هان ای «لبابه»! چه می کنی؟ آهسته! شکیبایی پیشه ساز، لباس من قابل شستشو می باشد و چاره اش اندکی آب روان است، اما تو پسر من را آزدی که از نظر روحی و تربیتی جبران پذیر نیست! من با پوزش خواهی رفتم تا آب بیاورم...<sup>۴</sup> و نیز آورده اند که حضرت حسین علیه السلام در همان دوران کودکی و شیرخوارگی، روزی بر روی دستها و پاها آمد تا بر دامن و سینه پیامبر قرار گرفت و در آغوش آن حضرت بود که ادرار به او دست داد، ما

<sup>۱</sup> بلعمی ابو علی «تاریخنامه طبری»، ج ۳، ص: ۲۱۰-۲۱۱.

<sup>۲</sup> آیتی محمد ابراهیم «تاریخ پیامبر اسلام»، ص: ۱۰۳. از طبری، ج ۳، ص ۱۱۷۲. ارشاد مفید، ص ۲۴-۲۵. تاریخ الامم و الملوک، ص ۶۲-۶۴.

تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۸۷. از خاصه و عامه، و از تفسیر ثعلبی، و از براء بن عازب و ابو رافع. الکامل، ج ۲، ص ۴۱-۴۲.

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۱۱.

<sup>۴</sup> «در سوگ امیر آزادی» (ترجمه مثیر الأحزان) ص ۷۴. از بحار، ج ۴۴، ص ۲۴۶، ح ۴۶.

شتافتیم تا او را بگیریم و باز داریم که پیامبر فرمود: «ابنی، ابنی، ثم دعا بماء فصبه علیه.» این فرزند گرانمایه من است، آری پسر من است! آن گاه مقداری آب خواست و آن نقطه را آب کشید.<sup>۱</sup>

این مطلب اختصاص به حسنین(ع) ندارد، بلکه ایشان از خشونت با کودکان دیگر(غیر از حسنین) که بر لباس یا بدن و مبارک حضرت بول کرده‌اند، نیز جلوگیری نمودند، این مطلب چنین گزارش شده است: همواره کودکان خردسال را بمحضر پیغمبر (ص) می‌بردند تا برای آنها از خدا برکت بخواهد یا او را نامی بگذارد، حضرت برای احترام به خانواده‌اش کودک آنها را بر دامن خود می‌گذارد و چه بسا که کودکی بر دامن آن بزرگوار بول می‌کرد و یکی از حاضران در موقع بول کردن کودک بانگ بر او می‌زد. حضرت می‌فرمود: از ادرار کودک جلوگیری نکنید و کودک را آسوده می‌گذاشت تا بولش را تمام کند و بعد برای او دعا می‌کرد یا اسم‌گذاری می‌نمود و خانواده‌اش را خوشحال می‌ساخت بطوری که می‌فهمیدند که حضرت از بول کودکان ناراحت نشده و پس از آنکه می‌رفتند پیغمبر لباسش را می‌شست.

یکی از انصار بزغاله‌ای داشت که آن را ذبح کرده و به همسرش گفت: مقداری از آن را پخته و مقداری هم کباب تهیه کن شاید پیامبر خدا- صلی الله علیه و آله- امشب به خانه ما تشریف بیاورد و نزد ما افطار کند. این را گفت و به سوی مسجد روان شد. آن مرد دو کودک داشت که وقتی پدرشان بزغاله را می‌کشت آنان مشاهده می‌کردند. یکی از آن دو به دیگری گفت: به نزد من بیا تا سر تو را ببرم، بعد چاقو را گرفته و او را سر برید. وقتی مادرشان آنها را به آن حالت دید شیون و فریاد کرد، آن بچه (که برادرش را کشته بود) از ترس گریخت و از بالای غرفه به زمین افتاد و مرد. مادرشان آن دو را پنهان کرده و غذا را پخت و آماده کرد. وقتی پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- به خانه آن مرد انصاری آمدند، جبرئیل- علیه السلام- نازل شد و گفت: ای رسول خدا! از او بخواه بچه‌هایش را فراخواند. حضرت آنان را طلبید و پدر آن دو کودک رفت و سراغ آنان را گرفت، مادرشان گفت: الان حاضر نیستند، مرد انصاری نزد پیامبر برگشت و غائب بودنشان را به پیامبر خبر داد. حضرت فرمود: حتماً باید آن دو حاضر شوند. آن مرد دوباره برگشت و زن جریان را به او گفت: جنازه بچه‌ها را مقابل حضرت آوردند، پیامبر صلی الله علیه و آله- دعا کرد و آنگاه هر دو کودک زنده شدند و سالها عمر کردند.<sup>۲</sup> در این گزارش محبت پیامبر اسلام(ص) با دو کودک خاطی آمده ولی خشونت بی‌میان نیامده و اگر کوچکترین تنبیه یا تندی داشتند، حتماً در گزارش می‌آمد.

### نزدن کودک گریان:

و در توحید روایت کرده: «رسول خدا (ص) فرمود: کودک را به خاطر اینکه می‌گرید مزیند زیرا گریه طفل تا چهار ماه گواهی شهادت به لا اله الا الله است، و تا چهار ماه دیگر صلوات بر پیغمبر است، و تا چهار ماه دیگر دعا به جان پدر و مادر است.»<sup>۳</sup> و در حدیثی مشابه آمده است: جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گشت در حالی که رسول خدا و علی علیهما السلام ناله می‌کردند. جبرئیل گفت: ای حبیب خدا! چرا می‌بینم که ناله می‌کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو

<sup>۱</sup> «در سوگ امیر آزادی» (ترجمه مثیر الأحران) ص ۷۵. از بحار، ج ۴۳، ص ۲۹۶، ح ۵۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۲۶.

<sup>۲</sup> قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۶۳۴.

<sup>۳</sup> «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعة)؛ ج ۲۶؛ ص ۸۶۹ و «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۱۶، ص ۲۸۱ نقل از توحید صدوق، ص ۳۳۱.

علامه طباطبایی در المیزان این حدیث را تفسیر کرده است «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۱۶؛ صص ۲۸۱-۲۸۲.

کودک داریم که از گریه آنان در اذیت هستیم. جبرئیل فرمود: نگو ای محمد خداوند شیعیانی برای این گروه بر می‌انگیزد که اگر یکی از آنان گریه کند، گریه‌اش لا اله الا الله است تا آن که هفت سال بر او بگذرد و چون هفت سالگی گذشت گریه‌اش استغفار برای پدر و مادرش محسوب می‌شود تا آن که به حد (بلوغ) برسد چون از حد (بلوغ) گذشت هر نیکی که انجام دهد برای پدر و مادرش خواهد بود و هر بدی که کند بر آن دو نیست.<sup>۱</sup>

## نکشتن کودکان کافرین

عبید الله بن علی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: نجده حروری (که از خوارج بوده) نامه‌ای به ابن عباس نوشت و از کشتن کودکان (در جنگ) پرسید که پیامبر خدا (ص) چه می‌کرد؟ و از یتیم که چه موقع یتیمی او پایان می‌یابد؟

ابن عباس به او نوشت اما در باره یتیم، پایان یتیمی او نیرومند شدن اوست و آن همان احتلام و بلوغ است مگر اینکه در او رشدی نبینی و او نزد تو سفیه یا ضعیف باشد که در این صورت ولی او او را نگهداری می‌کند و اما کودکان، پیامبر خدا (ص) آنها را نمی‌کشت.<sup>۲</sup>

نیز واقدی گوید: سعد بن عباد طایفه خزرج را فرا خواند و اسید بن حضیر طایفه اوس را. مسلمانان از هر سوی جمع شدند و به دشمن غضب نموده و قصد کشتن زن و بچه‌های ثقیف و هوازن را نمودند. چون این خبر به پیامبر رسید سه مرتبه فرمود: «اینان را چه می‌شود که کودکان را می‌کشند! کودکان نباید کشته شوند». اسید گفت: ای رسول خدا مگر اینان بچه‌های مشرکان نیستند؟ فرمود: «مگر خوبان شما فرزندان مشرکان نبوده‌اند؟! هر نوزادی بر فطرت توحید متولد می‌شود». اینجا نیز پیام‌آور رحمت با تمهید خردمندانه و جدیت خود از کشتار و قتل عام هزاران زن و کودک جلوگیری کرد.<sup>۳</sup>

موقعی که رسول خدا (ص) یک گردان جنگی را به مأموریت دشمن می‌فرستاد، فرمانده آنان را در کنار خود می‌نشانید و گردان را در مقابل فرمانده و در بین سفاراتش می‌گفت: پیران و کودکان و زنان را مکشید.<sup>۴</sup>

## ترحم بر کودک کافر:

به روایت ابن اسحاق ابو سفیان بن حارث بن عبد المطلب عموزاده پیامبر که حضرت را هجو می‌کرد و در تمامی جنگ‌ها بر ضد رسول خدا شرکت داشت تا آنجا که حضرت خونس را هدر شمرده بود، همراه عبد الله بن ابی امیه محزونی پسر عمه پیامبر و برادر ام سلمه که او نیز از مخالفان و دشمنان سرسخت آن حضرت بود، در همین ایام برای پذیرش اسلام راهی مدینه شدند. در بین راه به سپاه اسلام برخوردند و خواستند با واسطه شدن عباس بن عبد المطلب خدمت پیامبر برسند ولی حضرت

<sup>۱</sup> بروجرودی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه) ج ۲۶؛ ص ۸۶۹.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۳۴۱.

<sup>۳</sup> «پیام آور رحمت»، ص: ۲۰۶ و ۲۰۷.

<sup>۴</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۴، ص ۲۲۱.

نپذیرفت. ام سلمه نزد حضرت شفاعت آنان را نمود. پیامبر فرمود: «مرا به آنان نیازی نیست، پسر عمویم آبرویم را ریخت، پسر عمه و برادر همسر هم گفت آنچه را که گفت!» ابو سفیان بن حارث که فرزند خردسالش را به همراه داشت گفت به خدا سوگند یا مرا می‌پذیرد یا دست این پسر را می‌گیرم و سرگردان در بیابان‌ها می‌گردم تا هر دو از گرسنگی و تشنگی جان دهیم! هنگامی که این مطلب به پیامبر رسید بخاطر کودک بر آنان دلسوزی و مهربانی نمود و به حضور پذیرفت و آن دو نزد حضرت مسلمان شدند.<sup>۱</sup>

### جبران ترس کودکان:

علی (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) علی (ع) را به سوی قبیله بنی جذیمه فرستاد تا نافرمانی خالد بن ولید را جبران کنم، فرمود: یا علی! تو برو. من به سوی آنان رفته و دیه آنها را پرداختم. آنگاه آنها را به خدا سوگند دادم که آیا چیزی باقی مانده است؟ گفتند: چون ما را به خدا سوگند دادی (می‌گوییم) که کاسه‌های سگان ما و زانوبند شتران ما باقی مانده است. من بهای آنها را نیز پرداختم. باز طلای زیادی به همراه من باقی ماند که همه آنها را به آنان دادم و گفتم: این را می‌دهم بدان جهت که ذمه پیامبر خدا (ص) در آنچه می‌دانید و نمی‌دانید به خاطر ترسی که زنان و کودکان داشتند بری گردد. آنگاه به خدمت پیامبر خدا (ص) بازگشته و جریان را گزارش نمودم. حضرت فرمود: سوگند به خدا! اگر در عوض این کاری که انجام دادی شتران سرخ مو به من می‌رسید، این قدر خوشحال نمی‌شدم. «پیامبر خدا (ص) بر فراز منبر رفت و سه بار فرمود: «خداوندا! من از آنچه که خالد بن ولید انجام داده به سوی تو بیزاری می‌جویم.»<sup>۲</sup>

### برگرداندن کودک از میدان جنگ:

ابو سعید در سن سیزده سالگی در احد حاضر شد ولی بواسطه کودکی از طرف پیغمبر مأمور به مراجعت گردید، پدرش مالک از شهدای غزوه بدر بشمار می‌رود.<sup>۳</sup>

رسول خدا (ص) با مسلمانان از شهر خارج شدند تا وضع را رسیدگی کنند، و صلاح در این دیدند که در دامنه کوه سلع لشکرگاه بسازند، در حالی که خندق بین او و لشکر کفر فاصله بود، و دستور داد تا زنان و **کودکان** در قلعه‌های مدینه متحصن شوند.<sup>۴</sup>

رسول خدا (ص) رزمندگان را سان می‌بیند و یکایک را از نظر می‌گذراند. عبد الله بن عمر، اسامه بن زید، رافع بن خدیج، براء بن عازب، اسید بن طهیر، زید بن ارقم، و زید بن ثابت را بعلت خردسالی از رده خارج می‌سازد. سعد بن ابی وقاص برادرش - عمیر بن ابی وقاص - را به خدمت پیامبر می‌برد. پیامبر می‌فرماید: «برگرد!» عمیر گریه سر می‌دهد تا به او اجازه می‌دهد بیاید. وی در همین

<sup>۱</sup> «پیام آور رحمت»، ص: ۱۹۰.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۳۵۷.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «کمال الدین»، ترجمه کمره‌ای، ج ۱، ص ۲۶.

<sup>۴</sup> «ترجمه تفسیر المیزان»، ج ۱۶، ص ۴۴۱.



جنگ به شهادت می‌رسد.<sup>۱</sup> طبری هم چنین گزارش جنگی را درباره رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودکان بیان کرده است: و هر کسی را که خُرد بود باز گردانید.<sup>۲</sup>

### نگرفتن جزیه برای کودکان:

و حفص بن غیاث - قاضی سنی - گفت: از ابی عبد الله علیه السلام در باره زنان سؤال کردم که: چگونه جزیه از ایشان ساقط و مرفوع شده است؟ پس فرمود: این بدان جهت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن زنان و کودکان در دار الحرب نهی فرموده است، مگر آنکه زنان در جنگ شرکت داشته باشند، و حتی در این مورد نیز فرموده است: و زن اگر چه در جنگ هم شرکت کند، چندان که برای تو ممکن باشد، و از جانب او بیم پدید آمدن خللی در جبهه مسلمین نداشته باشی از کشتنش خودداری کن. پس در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کشتن زنان در دار الحرب نهی فرموده، این رعایت در دار الاسلام اولی است، و اگر زن از پرداختن جزیه امتناع کند کشتنش جایز نیست. پس چون قتل او ممکن نبوده جزیه از او برداشته شده است. و همچنین از شخص زمینگیر از اهل شرک و ذمه و شخص نابینا و پیر فرتوت و زن و کودکان در دار الحرب جزیه برداشته شده است.<sup>۳</sup>

### ۳. ۱. ۳۲. تشویق کودکان

شبی رسول خدا(ص) در حالی که امام حسن و امام حسین با او بودند به خانه فاطمه (س) وارد شدند و به آن دو بزرگوار فرمودند برخیزند و با یکدیگر کشتی بگیرند. آنان مشغول بازی بودند که فاطمه (س) از درب خانه وارد شد در حالی که صدای پیامبر به گوش می‌رسید که می‌فرمود: حسن جان حسین را سخت بگیر و به زمین بزن. فاطمه(س) عرض کرد: عجیب است که این را بر آن جرات می‌دهی، آیا بزرگتر را به کوچکتر دلیر می‌کنی؟ پیامبر فرمود: دخترم آیا راضی نیستی که به حسن چنین می‌گویم در حالی که دوستم جبرئیل می‌گوید حسین جان حسن را بگیر و بر زمین بیفکن «یعنی من حسن را تشویق می‌کنم و جبرئیل حسین را»<sup>۴</sup>

از این جریان نیز می‌توان الگو گرفت که والدین علاوه بر اینکه باید به ورزش کودکان توجه کنند خود نیز نظارت داشته باشند و موجب جذابیت بازی کودکان شوند، زیرا اگر کودکان و والدین را در کنار خود احساس کنند و مشوق خود ببینند علاوه بر این که انگیزه آنان بالا می‌رود دیگر به سوی فساد کشیده نخواهند شد.

شایان ذکر است که پیامبر به ورزش‌های دیگری مانند اسب سواری، وزنه برداری و... نیز توجه داشته‌اند.

<sup>۱</sup> «پیامبری و جهاد»، ص ۹۲. «تاریخنامه طبری»، ج ۳، ص ۱۶۴.

<sup>۲</sup> «تاریخنامه طبری»، ج ۳، ص ۱۶۴.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۲، ص ۳۵۵.

<sup>۴</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار» ج ۱۰۳، ص ۱۸۹.

تشویق کردن پیامبر اسلام (ص) اختصاص به ورزش ندارد، نمونه‌ای دیگر برای تکبیر گفتن امام حسین (ع) در کودکی است: به سن دو سالگی رسید، اما هنوز کلامی بر زبان مبارکش جاری نشده بود: یک روز که پیامبر اکرم (ص) به قصد اقامه نماز جماعت تکبیره الاحرام را بر زبان جاری ساخت به دنبال او صدای کودکانه و آرام حسین (ع) به گوش رسید که در کمال خضوع و خشوع نغمه (الله اکبر) را سرداد، پیامبر از شوق شنیدن صدای حسین هفت بار تکبیر گفت و حسین (ع) نیز هفت بار (الله اکبر) را به دنبال پیامبر تکرار کرد! به دینسان نخستین کلمه‌ای که بر زبان حسین (ع) جاری شد نغمه (الله اکبر) بود<sup>۱</sup>

### تشویق کودک برای علم آموزی:

اهمیت علم از نظر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به قدری زیاد است که بر کسی پوشیده نیست، نمونه‌ای از آن این است که اسراء جنگی بدر باسواد در قبال آموختن خواندن و نوشتن به ده نفر از کودکان یا جوانان مسلمان، بدون پرداخت غرامت آزاد می‌شدند. جالب توجه این‌که برای اولین بار و آخرین بار در تاریخ بشریت، به فرمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آموزش دانش به جای غرامت جنگی پذیرفته گشت نه پیش از آن و نه پس از آن، کسی در دنیا ندیده بود که یک فرمانده که در جنگ پیروز شده است، آموزش کودکان را به جای فدیة و غرامت جنگی بپذیرد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خود شخصاً به آن آموزشگاه‌ها می‌رفت و کسانی را که خواندن و نوشتن می‌دانستند، با خود می‌برد و دستور می‌داد که از کودکان امتحان بگیرند و ببینند در درس و مشق چه اندازه پیشرفت کرده‌اند؟ هر کودک را در کار آموختن کوشاتر می‌دید، بیشتر تشویق می‌کرد.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۳۳. دفاع حق کودکان:

پیامبر اسلام (ص) در ارتباط با دیگران از حق دفاع می‌کرد، حتی اگر یک طرف نزاع فرد سالخورده و مورد احترام مردم و جایگاه والای اجتماعی و طرف دیگر یک برده یا کودک بود و حق با کودک یا برده باشد. نمونه‌ای از این دفاع از حق توسط ایشان درباره مفاخره بین شیبه و عباس است که علی بن ابی طالب (ع) با این که سن کمتری نسبت به آنها داشت در مفاخره آنها شرکت کرد و خود را غالب دانست، که آنها بسیار ناراحت شدند و او را کودک خطاب کرده و نزد پیامبر اسلام (ص) از او شکایت کردند، که ایشان حق را به علی (ع) دادند. ابن بریده از پدرش نقل می‌کند که گفت: هنگامی که با یکدیگر مفاخره می‌کردند، از کنار آنان می‌گذشت پس به آنان گفت: درباره چه چیزی به یکدیگر افتخار می‌کنید؟ عباس گفت: ای علی به من فضیلتی داده شد که به هیچ کس داده نشده است. گفت: ای عباس چه چیزی به تو داده شده است؟ گفت: آب دادن حاجیان به من داده شده. علی گفت: ای شیبه تو چه می‌گویی؟ گفت: چیزی به من داده شده که به هیچ کس داده نشده است. گفت: چه چیزی به تو داده شده؟ گفت: تعمیر کردن مسجد الحرام. علی به آنان گفت: از شما پیران شرم دارم، به من با کوچکی سنم چیزی داده شده که به شما داده نشده است. گفتند: یا علی چه چیزی به تو داده شده؟ گفت: من با شمشیر، دماغ شما را زدم تا به خدا و رسول او ایمان آوردید. عباس در حالی که خشمناک بود بلند شد و دامن خود را می‌کشید تا اینکه وارد بر رسول خدا شد، پیامبر به او گفت: چه چیزی با خود داری ای عباس؟ گفت: آیا نمی‌بینی که این کودک چه گونه با من روبرو می‌شود؟ گفت: آن کودک کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد پروردگارت به تو سلام می‌رساند و

<sup>۱</sup> جزائری، نعمت الله بن عبد الله، «قصص الأنبياء»، ص ۷۴۹.

<sup>۲</sup> طباطبایی، محمد حسین، «تعالیم اسلام»، ص ۲۰۸.

می‌گوید: به آنان چنین تلاوت کن: «اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله» عباس سه بار گفت: ما راضی شدیم.<sup>۱</sup>

نمونه‌ای دیگر از دفاع از حق کودک توسط پیامبر اسلام (ص) این است که، روزی وارد منزل خود شد و دید که عایشه رو به فاطمه کرده و با فریاد به او می‌گوید: ای دختر خدیجه، تو گمان می‌کنی که مادرت بر ما برتری دارد، او چه برتری بر ما دارد، او هم مانند یکی از ما بود و فاطمه سخن او را می‌شنید و چون پیامبر خدا (ص) را دید گریه کرد، پیامبر به او فرمود: ای دختر محمّد برای چه گریه می‌کنی؟ گفت: او از مادر من یاد کرد و او را کوچک شمرد و من گریه کردم، پیامبر خشمناک شد و فرمود: ساکت باش ای حمیرا، همانا خداوند به زن زایا و مهربان برکت داده و خدیجه از من طاهر (یا همان عبد الله) و مطهر را به دنیا آورد و نیز قاسم و فاطمه و رقیه و ام‌کلثوم و زینب را به دنیا آورد، ولی تو زنی هستی که خداوند او را نازا کرده و بچه نمی‌آوری.<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۳۴. دعا برای کودک:

نکته‌ای که باید توجه داشت این است که: می‌توان گفت، اصلی‌ترین معنایی که محور تمام پیام‌های پیامبر اسلام (ص) را در ارتباطاتش تشکیل داده، «توحید» است که آن را با ابزارهای ارتباطی متفاوتی ارائه نموده است. یکی از صریح‌ترین این ابزارها «دعا» است که مستقیم مخاطب را متوجه معبود یکتا کرده، و روح توحید را درونش می‌دمد. در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان یا درباره کودکان نیز این مطلب به خوبی دیده شده است:

هنگامی که ابن عباس خردسال بود، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - برای او دعا کرد و فرمود: «خدا یا! او را در دین فقیه کن. و تأویل قرآن را به او بیاموز». ابن عباس بعد از اینکه بزرگ شد، هم فقیه بود و هم تأویل قرآن را می‌دانست.<sup>۳</sup>

همواره کودکان خردسال را به محضر پیغمبر (ص) می‌بردند تا برای آنها از خدا برکت بخواهد یا او را نامی بگذارد، حضرت برای احترام به خانواده‌اش کودک آنها را بر دامن خود می‌گذازد و چه بسا که کودکی بر دامن آن بزرگوار بول می‌کرد حضرت می‌فرمود: از ادراک کودک جلوگیری نکنید و کودک را آسوده می‌گذاشت تا بولش را تمام کند و بعد برای او دعا می‌کرد یا اسم‌گذاری می‌نمود.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> حسکانی، عبید الله بن عبد الله، «سیمای امام علی علیه السلام در قرآن» ترجمه «شواهد التنزیل»، ص ۱۴۳.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۱۱۱.

<sup>۳</sup> قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، «جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام»، ص ۳۹. از بحار: ۱۸/۱۸.

<sup>۴</sup> طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۵۰.

### ۳. ۱. ۳۵. گریه بر مصیبت فرزند:

هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت (این پسر از ماریه قبطیه بود که در سال هشتم هجرت در مدینه متولد شد و در سال دهم از دنیا رفت) پیامبر صلی الله علیه و آله برسم زبان حال فرمود: ای ابراهیم بر مرگ تو اندوهگین هستیم ولی شکیبائیم، دل اندوه دارد و چشم می‌گرید ولی ما چیزی نمی‌گوئیم که خداوند را بخشم آورد. (و او تنها پسر بود).<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به هنگام درگذشت فرزند گرامش ابراهیم فرمود: اگر نبود که درگذشته ذخیره فرد زنده است، و آخر به اول ملحق خواهد شد؛ در این صورت برایت سوگواری می‌کردم! سپس گریسته و فرمود: چشم می‌گرید و دل غمناک است، و هرگز جز آنچه موجب خشنودی پروردگار است بر زبان نرانیم، ای ابراهیم آگاه باش که در فقدان تو ما غمناکیم!<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۳۶. تسلیت بر مرگ کودک:

بریده نقل می‌کند: روش این بود، که همیشه، انصار را مورد توجه داشت، و از ایشان احوال پرسى می‌نمود و بیماران ایشان را عیادت می‌کرد. به پیغمبر خبر دادند که زنی از انصار، فرزندی از او مرده است، و بی‌تابی می‌کند، پیغمبر اکرم به دیدن او رفت، و او را امر به صبر و تقوی نمود. عرض کرد: یا رسول الله، من زنی هستم که بچه برای من نمی‌ماند، و جز این پسر فرزندی نداشتم. پیغمبر اکرم فرمود: هیچ زن مسلمان و مرد مسلمانی نیست، که سه فرزند از او بمیرد، مگر اینکه خداوند ایشان را، داخل بهشت می‌کند.<sup>۳</sup>

از انس بن مالک نقل است که مردی همه روزه به محضر حضرت رسالت - صلی الله علیه و آله و سلم - شرفیاب می‌شد و طفلی همراه خود داشت. کودک وفات یافت و مرد، روزی چند خدمت آن حضرت نرسید. از حالش استفسار فرمود. اصحاب عرض نمودند طفلی که همراه داشت مرده است و به علت مصیبت اوست که شرفیاب نشده است. آن حضرت فرمود: «چرا به من خبر ندادید؟ برخیزید به سوی برادر خود برویم و او را تسلیت بدهیم. چون بر او وارد شد. او را افسرده یافت و او را سخت دل‌تنگ دید و تعزیتش فرمود. گفت: ای پیغمبر خدای! او را برای زمان پیری و فتور قوای خود امید می‌بردم. فرمود: آیا شادمان نمی‌دارد تو را که فرزندت در روز قیامت در برابرت باشد و او را گویند که داخل بهشت شو و بگوید پروردگارا من و پدر و مادرم. پس همیشه شفاعت کند تا خدای تعالی شفاعت او را در باره شما قبول فرماید و شما را با همدیگر داخل بهشت نماید.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> «من لا یحضره الفقیه»، ج ۱، ص ۲۵۸.

<sup>۲</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه جعفری، ص ۴۰. مسعودی، علی بن حسین، «ترجمه اثبات الوصیه»، ص ۳۰۲.

<sup>۳</sup> شهید ثانی، زین الدین بن علی، «ارمغان شهید» (ترجمه مُسکَن الفؤاد).

<sup>۴</sup> شهید ثانی، زین الدین بن علی، «تسلية العباد در ترجمه مُسکَن الفؤاد»، ص ۳۸.

### ۳. ۱. ۳۷. وداع کودک با محضر:

ابن عباس آورده است که: من به هنگام شدت یافتن آخرین بیماری پیامبر خدا- که بر اثر آن جهان را بدرود گفت- در کنار بسترش بودم. آن حضرت در آن شرایط، حسین علیه السلام را بر سینه مبارک چسباندید و در حالی که آخرین لحظات بود و روح بلند و ملکوتی آن بزرگوار آماده پرواز، و عرق از چهره مبارک و پیشانی بلندش بر سر و روی فرزند دلبندهش نیز می‌چکید، می‌فرمود: «مالی و الیزید؟ لا بارک الله فیه، اللهم العن یزید!» مرا با یزید چکار؟ خدای برکت را از او بردارد! و آن گاه رو به جانب آسمان می‌کرد که: بار خدایا! لعنت و نفرینت را نثار «یزید» ساز! پس از آن برای مدتی از هوش رفت و پس از بهوش آمدن در حالی که دیدگانش اشکبار بود، دگرباره حسین علیه السلام را بوسه باران ساخت و فرمود: «أما إن لی و لقاتلک مقاما بین یدی الله عز و جل.»<sup>۱</sup> اما بی‌گمان برای من و کشنده تو ای حسین عزیز! در پیشگاه خدا جایگاهی برای حسابرسی و شکایت به بارگاه او خواهد بود (و من در آنجا از بیدادی که بر تو و یارانت خواهد رفت، دادخواهی خواهم نمود و من طرفتان خواهم بود)<sup>۲</sup>

### ۳. ۱. ۳۸. سرپرستی کودکان یتیم:

نمونه‌ای از سرپرستی یتیم توسط پیامبر اسلام (ص) دختر خودش فاطمه (س) می‌باشد، که در چهار سالگی مادرش خدیجه رحلت نمود.<sup>۳</sup>

نمونه‌ای از یتیم نوازی پیامبر اسلام (ص)، پس از شنیدن خبر شهادت جعفر است، که به منزلش آمد کودکانش را نوازش کرد و به اسماء بنت عمیس تسلیت گفت و فرمود: «گریه کنندگان باید برای همچون جعفر بگریند» آنگاه به حضرت زهرا علیها السلام فرمود غذایی فراهم سازد و برای خانواده جعفر ببرد و این کار در بین بنی هاشم رسم شد.<sup>۴</sup>

در روایتی پیامبر اسلام (ص) سرپرستی از یتیم را جزء وظائف خودشان و امام (به عنوان حاکم اسلامی یا از شئون امام) دانسته است. ای مردم! هر کس مالی گذارد از آن ورثه او است، و هر کس مرتعی یا ملکی باقی گذارد به من (به عنوان حاکم اسلامی) باز خواهد گشت. این گونه اموال که از کسانی می‌ماند و وارثی ندارند، جزء انفال (اموال عمومی) است- چنان که در حدیث گذشت- از این رو به حاکم اسلامی (پیامبر یا امام یا نایب امام) باز می‌گردد، تا در مصالح و مضار عمومی و پرداخت وام و امداران و تأمین هزینه ناتوانان و تربیت کودکان بی‌سرپرست و .. مصرف گردد.<sup>۵</sup> و در روایت دیگر فرمودند: من از هر مؤمنی به خود او اولی هستم و علی بعد از من بدو اولی و آحق است و فرمود: تفسیرش این است که: هرگاه بعد از

<sup>۱</sup> بحار، ج ۴۴، ص ۲۶۶، ح ۲۴.

<sup>۲</sup> ابن نما حلی، جعفر بن محمد، «در سوگ امیر آزادی» (ترجمه مثیر الأحران) ص ۸۴.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار، ترجمه روحانی، ص ۲۲۲).

<sup>۴</sup> «پیام آور رحمت»، ص: ۱۸۳ به نقل از یعقوبی (۲/ ۶۵).

<sup>۵</sup> «الحیاء»، ترجمه احمد آرام، ج ۲، ص ۷۳۲.

مرگ کسی وامی یا زن و کودک بی سرپرستی (یا آب و ملک بی سرپرستی) به جهان بماند بر عهده من است و هر که مالی به جای خود وانهد از آن ورثه او است، مردی که مالی ندارد بر خود تسلط و اختیاری ندارد (صاحب اختیار خود نیست) و اختیار امر و نهی عیال خود را هم ندارد در صورتی که نفقه و خرجی به آنها ندهد، پیغمبر و امیر المؤمنین و امامان بعد از او را خدا ملزم ساخته است بدان و از این رو نسبت به مردم از خودشان اولی و احق گردیدند، سبب اسلام عامه یهود نبود مگر اعلام این موضوع از رسول خدا (ص) و آنها به سبب این تعهد نسبت به خودشان و عیالاتشان آسوده خاطر شدند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «أصول الکافی»، ترجمه کمره‌ای، ج ۳، ص ۱۴۵.

## ۲.۳. گفتار دوم: ارتباط پیامبر اسلام (ص) با دیگران درباره کودکان؛

### ۳.۲.۱. عوامل زمینه ساز تربیت کودک

پیامبر اسلام (ص) درباره کودکان سفارشات متعددی داشته‌اند. در این گفتار آن دسته از سفارشات ایشان درباره کودکان می‌آید، که تصریح بر عمل ایشان به آن، در متون روایی و تاریخی گزارش نشده باشد. ابتدا سفارشات کلی ایشان درباره کودکان در دو قسمت (پیش از تولد و پس از تولد) می‌آید:

#### الف- پیش از تولد

تربیت کودک در دوره‌ی پیش از تولد یعنی بررسی عواملی که در تربیت انسان تا زمان رسیدن تولدش مؤثرند. که سه قسم است: ۱. نقش عوامل ژنتیکی و وراثتی بر کسی پوشیده نیست. انسان در زمان انتخاب همسر، باید با انتخاب همسر سالم، عاقل، دانا و... یعنی با در نظر گرفتن متدهای نشان دهنده‌ی سلامت جسمی و روانی به این مطلب درباره‌ی فرزندش توجه کند. ۲. زمان و چگونگی بسته شدن نطفه، در شکل گرفتن شخصیت کودک از عوامل مهم به شمار آمده است. ۳. از عوامل مهم دیگر اهمیت به حلال بودن، نوع تغذیه، احساسات مادر و... در دوران بارداریست.

#### ۱. نقش انتخاب همسر در تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)

انتخاب همسر از جمله عواملی است که زمینه‌های شکل‌گیری تربیت را ایجاد می‌کند. با گزینش همسر پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته می‌شود؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهند. در میان این دو، مهم‌ترین نقش را محیط خانواده ایفا می‌کند، چرا که کودک حساس‌ترین زمان تربیت و رشد خود را در خانواده می‌گذراند و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می‌روند. از این‌رو اگر همسران از لحاظ جسمی و روحی و روانی، سالم بوده و تربیتی سالم داشته باشند، به یقین می‌توان گفت بخش مهمی از تربیت کودک سامان یافته است. بسیاری از روانشناسان بر این باورند که تفاوت‌های فردی اعم از تفاوت‌های جسمی و ظاهری (قد، وزن، رنگ، چهره و...) و صفات شخصیتی و خصائص رفتاری منحصر به فرد انسان، تحت تاثیر دو عامل مهم وراثت و محیط ایجاد می‌گردد و از میان این دو عامل وراثت تاثیر بیشتری بر روند رشد در دوران جنینی می‌گذارد. ساختار انسان‌ها برگرفته از ساختار پدر، مادر و اجدادشان می‌باشند و بسیاری از خصوصیات جسمی و عقلی و روانی آنها را از طریق ژن‌های عامل وراثت به ارث می‌برند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نجاتی، حسین، «روان‌شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی» ص ۸۴

در احادیثی منسوب به پیامبر اسلام (ص) ارتباط این مطلب (تأثیر انتخاب همسر در تربیت فرزند) چنین تصریح شده است: «پدر در حق فرزند خود سه وظیفه دارد: گزینش مادر خوب برای او، انتخاب نام نیکو برای او، و سعی بلیغ در تربیت او».<sup>۱</sup> پیامبر اسلام (ص) توصیه‌هایی درباره انتخاب همسر و ازدواج نموده است، درباره تأثیر ویژگی‌های شخصیتی والدین بر فرزندان می‌فرماید: «انكحوا الاكفاء و انكحوا منهم و اختاروا لئنفکم» به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید.<sup>۲</sup> در بسیاری از روایات بر این «اکفاء» (هم‌کفو و هم‌شان) تأکید شده است و در بعضی از روایات آن را «مسلمانی و حبّ اهل بیت (ع)» دانسته‌اند. و فرموده‌اند: «و أنظرفی ای انصاب تَضَع و لدک فإِنَّ العرق دساس» بنگر که فرزندان را در چه نسل و نژادی قرار می‌دهی زیرا رگ و ریشه خانوادگی در فرزند اثر می‌گذارد.<sup>۳</sup> تأکید پیامبر اسلام (ص) بر دقت در انتخاب همسر شایسته نشان می‌دهد که اسلام به تأثیر عوامل ارثی در رشد و تکوین شخصیت فرد توجه ویژه دارد. در روایت دیگری تأثیر ژنتیک را چنین گوشزد می‌کند: الرَّحْمُ شِجْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. رَحِمُ شَاخِهَا وَ رِجَّةُهَا مِنْ جَانِبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. و فرموده‌اند: «از ازدواج با زن احمق و کودن سخت بپرهیزید، زیرا معاشرت و زندگی با او، بلا و رنج است، و فرزند وی هم تباه و بی‌فایده است».<sup>۴</sup> و درباره وراثت در صالح بودن فرمودند: «برای نطفه‌های خویش و تولید نسل دقت کنید و افراد صالحی انتخاب کنید، زیرا (از نظر سلامت و تأثیر اخلاق) دایی هم یکی از شریک‌های (ژنتیکی) همسر است، و اصالت و صلاحیت را حتی در وضع دایی زن هم می‌توان جست و جو نمود».<sup>۵</sup>

حتی چگونگی تأثیر گذاری عوامل ژنتیکی بر فرزند را متفاوت با ظاهر والدین هم امکان پذیر دانسته است: مردی از «انصار» به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و با نگرانی گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! این زن دختر عموی من است، و من هم پسر فلانی هستم - و تا ده پشت خود را معرفی کرد- و زن من دختر فلانی است - و تا ده پشت او را شمرد- و اضافه کرد: در حسب و سابقه خانواده من و همسرم حبشی و سیاه پوستی وجود نداشته، اما همسرم بچه سیاه پوستی زاییده است! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن این سخن، اندکی سر خود را به زیر افکند و بعد سر بلند کرد و فرمود: نود و نه «ژن» متعلق به توست و نود و نه «ژن» متعلق به همسر تو می‌باشد، وقتی «ژنها» در هم آمیخت و تحول یافت، خداوند اراده می‌فرماید، که هر «ژنی» به سوی «ژن» شبیه خود تمایل پیدا کند (صد در صد «ژنها» ی پدید آمدن نطفه متعلق به تو و همسر تو نیست، بلکه یک «ژن» باقی می‌ماند، که به خواست خدا تحول پیدا می‌کند) نگران نباش، حرکت کن و با خیال راحت دنبال کار خود برو، این نوزاد متعلق به تو است، که از یک «ژن» تو و یک «ژن» همسر تو پدید

<sup>۱</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه حسن زاده، ص ۵۸۱.

<sup>۲</sup> عاملی، محمدبن الحسن، «وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه»، ج ۱۴، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> متقی، هندی، «کنز العمال»، ج ۱۵، ص ۸۵ و «حکمت نامه کودک»، ص ۳۹ به نقل از «مسند شهاب»، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۶۳۸.

<sup>۴</sup> معانی الاخبار ص ۳۰۲.

<sup>۵</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر»، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۱۹۲.

<sup>۶</sup> همان مدرک، ص ۱۹۱. شاید بتوان ضرب‌المثل حلال زاده به داییش میره را نیز با توجه به این روایت درست تفسیر کرد.



آمده است. مرد انصاری، با شنیدن سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوشحال شد، دست همسر خود را گرفت، و در حالی که به همسر و فرزند او علاقه زیادتری پیدا کرده بود، دنبال کار خود رفت.<sup>۱</sup>

## ۲. نقش زمان و چگونگی بسته شدن نطفه، در شکل گرفتن شخصیت کودک

کم و کیف تأثیرات زمان و چگونگی حالت زن و شوهر هنگام انعقاد نطفه، در علم روز هنوز بررسی و اثبات نشده است؛ تنها از نظر سلامت جسمی و آرامش داشتن زوجین توصیه‌هایی شده است. در حالی که در روایات رسیده از اهل بیت (ع) تأثیرات بسیار عجیب از زمان، مکان و حالات در انعقاد نطفه بیان شده است؛ که از آن میان خلاصه‌ی سه روایت از پیامبر اسلام (ص) خواهد آمد. البته اکثر این اثرات احتمالی بیان شده است، ولی چون پیامبر اسلام (ص) صادق بوده و بیاناتش برگرفته از منبع وحی الهی بوده، و از طرفی در علم پزشکی کمترین در صد احتمال خطر برای سلامتی بسیار جدی گرفته می‌شود، توجه و بکارگیری این توصیه‌ها را هیچ عاقلی نمی‌تواند نادیده انگارد، به خصوص درباره آن اثرات دنیایی، که برای منکران قیامت هم مهم است:

در روایتی تأثیر «زمان» در انعقاد نطفه چنین بیان شده است:

هر گاه یکی از شماها خواهد با زن خود درآید باید از شب‌های ماه نو و از نیمه‌های هر ماه خودداری کند، زیرا شیطان در این دو وقت دنبال فرزند برود.<sup>۲</sup>

و در روایتی نقل از عبدالله بن حسین بن زید بن علی بن الحسین (ع) از پدرش و او از امام صادق (ع) و او از پدراورش از علی (ع) نقل می‌کند، که پیامبر خدا (ص) فرمود: ای امت! خداوند بیست و چهار چیز را بر شما نمی‌پسندد و شما را از آنها نهی می‌کند، (از میان آن توصیه‌های ترک‌کردنی این مطالب مربوط به زمان و حالت‌هایی است که نباید نطفه منعقد شود): بر شما نمی‌پسندد نگاه کردن به فرج‌های همسران - و گفت که آن کوری می‌آورد - و سخن گفتن در حال جماع - و گفت که آن باعث لال شدن فرزند می‌شود - ... و غسل کردن زیر آسمان بدون لنگ، و جماع کردن در زیر آسمان و ... و اینکه مرد با زنش همبستر شود در حالی که او در حیض است - و اگر همبستر شد و فرزندی مبتلا به جذام یا پیسی به وجود آمد کسی را جز خودش سرزنش نکند - و اینکه مرد با زنش همبستر شود در حالی که محتلم شده تا هنگامی که از احتلامی که دیده غسل کند - و اگر چنین کند و فرزندش دیوانه متولد گردد کسی را جز خودش سرزنش نکند...<sup>۳</sup>؛<sup>۴</sup>

از توصیه‌های دیگر پیامبر اسلام (ص) درباره چگونگی آمیزش برای انعقاد نطفه چنین است:

یا علی در حال ایستادن با همسرت نزدیکی مکن زیرا این عمل کار الاغ است و اگر فرزندی میان شما تولید شود در بستر بول کند چنان که حمار در هر کجا بول کند، یا علی در شب عید قربان با زنت همخوابگی مکن زیرا اگر فرزندی پیدا شود شش

<sup>۱</sup> همان مدرک، ص ۲۵۰.

<sup>۲</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه کمره‌ای، ص ۱۲۱.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۲۹۱.

<sup>۴</sup> شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، «جهاد النفس وسائل الشیعة»، ترجمه افراسیابی، ص ۲۱۹.

انگشتی باشد یا چهار انگشتی، یا علی با همسرت در زیر درخت میوه مجامعت مکن زیرا اگر دارای فرزند شوی او مردی جلاد آدمکش و جاسوس خواهد شد، یا علی در مقابل خورشید با زنت همبستر مشو مگر اینکه پرده‌ای بیابیزی تا شما را پنهان کند، زیرا اگر دارای فرزند شوید آن فرزند همیشه با فقر و تنگدستی دست بگریبان است تا روز مرگش، یا علی میان اذان و اقامه مؤذن با همسرت مقاربت مکن زیرا اگر فرزند بهمرسانید خونریز خواهد گشت و بدان حریص باشد، یا علی در حالی که زنت حامله است با او مواجهه مکن مگر این‌که قبلاً وضو بسازی زیرا اگر در آن حال دارای فرزند شوید کور باطن و بخیل باشد، یا علی در نیمه شعبان با زوجات نزدیکی نکن زیرا اگر فرزندی برایتان پیدا شود شوم و بد فال و نامبارک و نحس باشد و نحسیتش در چهره‌اش هویدا باشد. یا علی در اواخر ماه شعبان یا یکی دو روز بآخر مانده با همسرت نزدیکی مکن زیرا اگر فرزندی نصیبتان شود گمرکچی یا از اعوان ظلمه شود و در خدمت حکومت ظالم باشد و کشتار جماعت بسیاری از مردم بدست او انجام گیرد، یا علی در بام خانه‌ها با همسرت هم‌خوابگی مکن زیرا اگر فرزندی برایتان آید منافق و ریاکار و بدعت‌گذار باشد، یا علی هر گاه بسفیری از منزل خارج شوی در آن شب با عیالت نزدیکی مکن زیرا اگر فرزند بهمرسانید مال را در راه نادرست خرج خواهد کرد و این آیه را رسول خدا صلی الله علیه و آله قراءت فرمود إن المبدرین كانوا إخوان الشیاطین (بیهوده مصرف‌کنان مال، برادران دیوان باشند). یا علی اگر در سفیری از شهر خارج شوی تا سه شبانه روز با عیالت همبستر مشو چرا که اگر فرزندی برایتان آید دستیار ظالمان خواهد شد بر علیه تو. یا علی بر تو باد که در شب دوشنبه از زوجات کام‌گیری زیرا اگر فرزندی آید حافظ قرآن گردد، و راضی باشد آنچه خداوند عز و جل نصیبش فرموده است، یا علی اگر در شب سه شنبه با عیالت مواجهه کنی و دارای فرزند شوی آن فرزند شهادت در راه خدا پس از گواهی او بتوحید و کلمه لا اله الا الله و أن محمدا رسول الله نصیبش خواهد شد، و خداوند او را در زمره مشرکین عذاب نکند، و نیز بوی دهانش خوش باشد، و رحیم دل و با سخاوت و از غیبت و تهمت و دروغ و بهتان پاک زبان باشد. یا علی اگر با عیالت در شب پنج‌شنبه هم‌بستری کنی و خداوند فرزندی بشما عنایت کند او یکی از رؤسا یا علما خواهد گشت و اگر در روز پنجشنبه باشد نزدیک زوال ظهر که خورشید در وسط آسمان است و دارای فرزند شوید شیطان تا زمان پیری او باو نزدیک نگردد و مدیریت دیگران را کند و خداوند او را سلامتی در دین و دنیا عطا فرماید یا علی اگر کامیابیت از او در شب جمعه باشد و فرزندی بیاید آن فرزند خطیب دهن‌دار و خوش بیان شود. و اگر در روز جمعه مجامعت کنی بعد از نماز عصر و فرزند نصیبتان شود او مردی مشهور و معروف و دانشمند شود. و اگر در شب جمعه بعد از نماز عشا مجامعت کنی امید است که اگر فرزند بهم رسد از ابدال و رجال الهی باشد إن شاء الله تعالی.<sup>۱</sup>

### ۳. نقش حلال بودن، نوع تغذیه، احساسات مادر و ... در دوران بارداری، بر کودک

روایات زیادی درباره سفارشات دوران بارداری است، که می‌توان آن را چند قسم کرد: ۱. روایاتی که چگونگی کودک و حالاتش را هنگام حمل بیان می‌کند. ۲. روایاتی که سفارشی به نوع تغذیه مادر دارد. که بخاطر اختصار و خارج نشدن از اصل موضوع فقط به یک نمونه روایت از قسم اول اکتفاء می‌شود:

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۲۶۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: چون فرزند در شکم مادرش قرار گیرد، اگر پسر باشد صورتش بطرف پشت مادر است، و اگر دختر باشد صورتش بطرف شکم مادر است، و دو دستش بر دو گونه او، و زنجانش بالای زانوان او، و بشکل محزونی مهموم است، زیرا او بمانند دربند بسته‌ای بوسیله روده‌ای از ناف خود بناف مادرش بسته شده است، چنان که بوسیله همان ناف تا زمان مقدر برای ولادتش از طعام و شراب مادرش تغذیه می‌کند<sup>۱</sup>

## ب: پس از تولد

از دیدگاه اسلام رشد انسان پس از تولد در چند مرحله متوالی صورت می‌گیرد از پیامبر(ص) در این زمینه روایت شده: «فرزند تو هفت سال آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. اگر تا سن بیست و یک سالگی خوی و خصلت‌های او را پسندیدی که خوب و گرنه او را به حال خویش رها کن، زیرا تو در پیشگاه خدا معذوری<sup>۲</sup>. از منظر پیامبر گرامی اسلام(ص) مراحل رشد در سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت قابل تقسیم است که در هر یک از این مراحل با توجه به شرایط سنی کودک و نوجوان باید آداب و تعالیمی خاص را به او آموخت و انتظارات مشخصی از او داشت. دو دوره سیادت و اطاعت مربوط به دوران کودکی بوده که موضوع این پایان نامه شامل آن می‌شود. (سیادت و سروری به معنی مورد توجه بودن و تامین خواسته‌ها و نیازهای کودک در این دوره می‌باشد)

## دوره نونهالی

پیامبر اسلام(ص) این دوره را سن سیادت کودک دانسته و پدر و مادر را موظف به رفع نیازهای مادی و معنوی کودک نموده و برای آنان تکالیفی را مقرر کرده است که از جمله آن وظایف که تاثیر بسزایی در تربیت کودک دارد، شیردادن به نوزاد است که ایشان سفارشات زیادی در این باره داشته‌اند؛ می‌فرماید: «برای کودک شیری برتر از شیر مادر نیست»<sup>۳</sup> در قرآن نیز به تغذیه کودک با شیر مادر تاکید کرده و مدت شیردهی را دوسال معرفی کرده است.<sup>۴</sup> با این همه تاکید اگر شیردهی با رعایت قوانین خاص [اعم از با وضو بودن، رو به قبله بودن و خوردن مال حلال] و... انجام گیرد نقش بسزایی در زمینه سازی تربیت در آینده خواهد داشت.

## دوره اطاعت:

اما در دوره اطاعت و نوباوگی که روانشناسان این دوره را از سن ۷ الی ۱۴ سالگی کودک ذکر کرده‌اند، به وجود آوردن زمینه های آموزشی را عامل تربیت شدن کودکان می‌دانند، همان‌طور که پیامبر نیز این دوران را [۷ سال دوم] دوران

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۶، ص ۳۶۹. ابن بابویه، محمد بن علی، «کتاب المواعظ»، ترجمه عطاردی، ص ۱۱۸.

<sup>۲</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ص ۹۵، ج ۱۱۰۴.

<sup>۳</sup> محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، ج ۵، ص ۲۰۸۲.

<sup>۴</sup> بقره، ۲، ۲۳۳.

اطاعت نامیدند و آموزش در این دوران را مهم توصیف کردند. زیرا از آموزش در این دوره است که شخصیت انسان برای آینده بارور می‌شود. لیکن ممکن است نوع و کیفیت تاثیر برخی از آداب که پیامبر اسلام(ص) و معصومین پس از تولد کودک رعایت و سفارش می‌کردند بر ما روشن نباشد، ولی اصل تاثیر آنها بر کودک [تاثیر جسمانی و یا روانی] در سیره معصومین و پیامبر انکار ناپذیر است.<sup>۱</sup>

### ۳. ۲. ۲. حقوق کودکان:

در دین کامل اسلام، برای هر گروه و فردی حقوقی بیان شده است. در این میان، کودکان در برابر والدین دارای حقوقی هستند. در بعضی از روایات پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) به این موضوع پرداخته شده است، که ما در این جا به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم. در روایت سکونی از امام صادق(ع) و او از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) فرمود: بر پدر و مادر در صورتی که فرزندشان صالح باشد، رعایت همان چیزی لازم است که رعایت آن بر فرزند لازم است.<sup>۲</sup> می‌توان این روایت را چنین تفسیر کرد، در مقابل هر وظیفه و حقی که بر گردن فرزندان (کودکان هم جزء فرزندان‌اند) است، وظیفه و حقی بر گردن والدین است، اگرچه حق والدین بسیار بزرگتر است ولی ادا نشدن همین حق کمتر کودک نیز برای والدین جائز نیست. پیامبر اسلام(ص): «چنانچه فرزند عاق پدر و مادر می‌شود هر گاه حقوق ایشان را به جای نیاورد، پدر و مادر نیز عاق فرزند می‌شوند هر گاه نیکوکار باشد و حقوق فرزند را رعایت نکنند»<sup>۳</sup> در روایت دیگری، پیامبر گرامی با اشاره به نکته تربیتی مهمی در برخورد با فرزندان، فرمودند: فرزندان خود را دوست داشته باشید و به آنان رحم کنید و هنگامی که به آنان وعده می‌دهید، به وعده‌های خود وفا کنید زیرا آنان به شما به عنوان کسانی که به آنها روزی می‌دهید، می‌نگرند.<sup>۴</sup>

حق آموزش و پرورش: «از ابورافع نقل شده است که از پیامبر اسلام(ص) پرسیدم: آیا برای فرزند نسبت به والدین حقی است؟ آن حضرت فرمودند: حق فرزند بر والدین این است که به او نوشتن، شنا و تیراندازی یاد دهد و برای او میراثی پاک به ارث بگذارد.<sup>۵</sup> در این روایت، آموزش سواد، ورزش‌های کاربردی مثل شنا و تیراندازی یکی از جنبه‌های حقوقی فرزند در کودکی است و برآورده کردن نیازهای کودک از راه حلال جنبه‌ی دیگری از جنبه‌های آن است. همان طور که گذشت «انتخاب نام نیک» نیز به همراه «تأدیب کودک» در سیره پیامبر اسلام(ص) از حقوقش شمرده شده است: یا علی: حق فرزند بر پدرش اینست که در انتخاب نام و آداب او بکوشد، و او را در موضعی شایسته جای دهد،<sup>۶</sup> به موضوع «تربیت» و «آموزش» خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup> «پیام رسول»، ص: ۱۵۶.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه جعفری؛ ج ۱؛ ص ۹۱.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۱، ص ۴۳.

<sup>۴</sup> همان.

<sup>۵</sup> بیهقی، احمد بن حسین، «معجم سنن الکبری»، ج ۱۰، ص ۱۵.

<sup>۶</sup> ترجمه «من لا یحضره الفقیه»، ج ۶، ص ۳۰۵.

## حفظ اموال کودک در سیره پیامبر اسلام (ص) از حقوق کودک بر گردن والدین یا سرپرست شمرده شده

است، به خصوص اگر یتیم هم باشد در روایتی از حسن بن علاء گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه اندازه از ثروت فرزند برای شخص حلال است؟ فرمود: غذایش بدون زیاده روی آن هم وقتی ناگزیر از آن باشد. راوی گوید: عرض کردم: پس فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی که همراه با پدر خویش به خدمتش رسیده و ایشان فرموده بودند که: تو و هر چه داری از آن پدرت است، یعنی چه؟ فرمود: پدرش را خدمت آن حضرت آورده بود، و گفت: ای پیامبر خدا این مرد پدر من است و به من ستم نموده و مالی را که ارثیه مادرم بود، از بین برده و به من نداده است. پدر گفت: هر چه که بوده، خرج همین فرزندم و خودم کرده‌ام. پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو و ثروت مال پدرت هستی و چیزی نزد این مرد نمانده است، آیا (بخاطر این چنین شکایت) رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر پیر را برای پسرش باز داشت می‌نماید؟ در این حکایت پسر دیگر کودک نبوده ولی از زمان کودکی شکایت داشته است. شکایتش هم وارد نبوده است.

### سفارش یتیم:

یتیم بر کودکی اطلاق می‌شود که پدر یا مادر یا هر دو را از دست داده باشد، اگرچه در مباحث دیگر مربوط به کودک نیز یتیم هم مشترک است ولی به خاطر تأکید زیاد آیات و روایات در سیره پیامبر اسلام (ص) با کودکان در جایگاه حقوق کودک به صورت مختصر لازم است جداگانه بررسی گردد.

### حفظ اموال یتیم: روایات زیاد و آیاتی بر این مطلب دلالت دارد، در روایتی این حق کودکان یتیم را بر

والدینشان چنین متذکر شده است: در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از انصار هنگام مرگ پنج یا شش بنده‌اش را آزاد کرد. او هیچ ثروتی غیر از آن‌ها نداشت و فرزندان صغیری داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود: اگر از کار وی مرا باخبر کرده بودید، به شما اجازه نمی‌دادم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید! کودکان صغیری از خود باقی می‌گذارد که برای مشتی طعام دست به سوی مردم دراز کنند!<sup>۱</sup> در این جا ارث بردن کودکان را حق آنها بر شمرده و بر بخشش پدرشان (وصیت) ترجیح داده است، تا جایی که اصلاً آن بخشش را مشروع و جائز ندانسته است. پس حفظ اموال کودک از حقوق او بر والدین یا دیگر سرپرستان است، به خصوص اگر یتیم هم باشد؛ در روایت ابو حمزه از امام باقر علیه السلام این مطلب را به صراحت تأکید می‌کند که فرمود: «شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! برادرم مُرد و کودکان یتیمی برجا گذاشت. آنان گله‌ای دارند. چه مقدار از آن‌ها برای من حلال است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر حوض‌شان را تعمیر می‌کنی، و امانده‌شان را برمی‌گردانی و آن‌ها را به چرا می‌بری - بدون آن‌که زیاده روی کنی و به فرزندان‌شان زیان رسانی - از شیرشان استفاده کن. و خداوند تباهکار را از اصلاحگر بازمی‌شناسد.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۱؛ ص ۳۵۱.

<sup>۲</sup> بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

<sup>۳</sup> همان مدرک، ص ۷۵۱.

رسول خدا (ص) به ابو ایوب انصاری وارد شد و از میدانی که جلو خانه او بود پرسش کرد که از کیست؟ معاذ بن عفرأ گفت: یا رسول الله آن از آن سهل و سهیل دو فرزند یتیم عمرو است که در کفالت من هستند، من آنها را برای شما راضی می‌کنم، آن را مسجد خود ساز، و رسول خدا (ص) دستور داد در آن مسجدی ساختند<sup>۱</sup>

در حدیث سکونی این سخن از پیامبر نقل شده است: «هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روح کافر فرود می‌آید، همراه خود سیخ‌هایی از آتش می‌آورد و با آنها به گونه‌ای جانش را می‌گیرد که دوزخ صیحه می‌زند... علی علیه السلام گفت: آیا به فردی از امت تو این عذاب می‌رسد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری؛ به زمامدار ستمگر و مال یتیم‌خور!»<sup>۲</sup>

**آرام کردن گریه یتیم:** ابو مریم انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: هر گاه یتیمی بگرید، عرش الهی به لرزه درآید، و خداوند تبارک و تعالی فرماید: کیست که این بنده مرا - که در اوان کودکی پدر و مادرش را از او گرفته‌ام - به گریه واداشته است؟! بغزت و جلالم سوگند که: هر کس او را از گریه باز دارد و آرامش کند، بهشت را برای او واجب می‌سازم.<sup>۳</sup> در روایت دیگری چنین رسیده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون یتیمی گریه کند، به جهت گریه‌اش عرش می‌لرزد و خداوند متعال می‌فرماید: «چه کسی، آن بنده‌ام را که پدر و مادرش را در خردسالی‌اش از او گرفته‌ام به گریه آورده است. پس سوگند به عزت و شکوه من، هیچ کس او را آرام نمی‌کند مگر آنکه بهشت بر او لازم می‌گردد.»<sup>۴</sup>

**گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ملاقات دختر کوچک شهید زید:** از خالد بن سلمة مخزومی: چون زید بن حارثه از دنیا رفت پیغمبر (ص) به خانه‌اش رفت، دختر زید چون حضرت را دید بنای ناله و گریه نهاد، پیغمبر (ص) بشدت گریست. گفت: یکی از اصحاب گفت یا رسول الله (ص) این چه حالت است؟ فرمود این از شوق دوست است نسبت به دوست.<sup>۵</sup>

**اولویت سرپرستی یتیم برای اقوام:** پیامبر که از مکه «عمرة القضا» بازگشت، [امامه] دختر [خردسال] حمزه آنان را دنبال کرد و پیاپی صدا می‌زد: عمو جان، عمو جان! علی (ع) او را در آغوش گرفت. علی، جعفر و زید بر سر پرستاری آن کودک به کشمکش پرداختند. پیغمبر فرمود: حق جعفر است؛ چون همسرش، خاله این دختر بود.<sup>۶</sup> در روایتی دیگر اولویت نگه داری کودکان بی‌پدر را با مادر دانسته و برای چنین زنی اجر و ثواب بیان کرده است: «این افراد در روز قیامت در سایه عرش

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «أصول الکافی»، ترجمه کمره‌ای، ج ۳، ص ۷۰۸. نقل از سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۹۸. «تاریخ تحقیقی اسلام»، ج ۲، ص ۱۹۶.

<sup>۲</sup> همان مدرک، ص ۷۵۱.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان»، ترجمه «ثواب الأعمال»، ص ۵۰۳.

<sup>۴</sup> «پیام پیامبر»، ص ۳۰۵.

<sup>۵</sup> طبرسی، حسن بن فضل، «مکارم الأخلاق»، ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۴۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، «آرام بخش دل داغدیدگان» (ترجمه مُسکَن الفؤاد)، ص ۲۴۷.

<sup>۶</sup> حسینی محمد بهاء الدین، «باده ناب»، ص ۴۷۹. این عمره را «عمره قضا» نام نهاده‌اند؛ چون قضای عمره حدیبیه بود.

خدا جای دارند، آن گاه که سایه‌ای جز آن سایه نیست: زنی که همسرش بمیرد و کودکان صغیری را باقی گذارد و زن بگوید: من با وجود این یتیمان، شوهر نمی‌کنم تا زمانی که بمیرند یا خداوند آنان را بی‌نیاز کند. و بنده‌ای که غذایی را فراهم آورد و از مهمان خود به طور کامل پذیرایی کند و یتیم و فقیری را بر آن سفره دعوت کند و برای رضای خدا به آنان غذا بدهد.<sup>۱</sup>

### ۳.۲.۳. تربیت و آموزش کودک

**اهمیت و ضرورت تربیت کودک:** یکی از ویژگی‌های انسان تربیت پذیری است. همان طور که گذشت «تربیت» و «آموزش» در سیره پیامبر اسلام(ص) از حقوق کودک است. اهمیت و ضرورت تربیت بر کسی پوشیده نیست، و هیچ مکتب و مذهب و گروهی نیست که این مهم را انکار کند. لیکن اختلافات در اهداف و نوع تربیت است. انزال کتب و ارسال رسل هم برای تربیت و هدایت او است و همه مکاتب و گروه‌ها و مذاهب برای تربیت آدمی در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای قائلند و پیامبر اسلام(ص) نیز بر تربیت در این دوران تاکید داشته و آن را از جمله وظایف والدین و مسؤولین می‌داند. برخی از روایات پیامبر اسلام(ص) بیان‌گر اهمیت این امر می‌باشند: «هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به پسر بهتر از حسن ادب و تربیت نیکو نیست».<sup>۲</sup> یا روایت شده است: «ما وَرَثَ الْوَالِدِ وَوَلَدَهُ أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ»<sup>۳</sup> «هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست» و فرموده‌اند: «لَا يَأْتِي الْوَدَّ وَالِدٌ وَوَلَدَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَصْدُقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ»<sup>۴</sup> «اگر پدری فرزند خویش را تربیت کند بهتر از این است که روزی یک و نیم کیلوگرم طعام صدقه بدهد.

بنابراین با تربیت صحیح فرزندان است که انسان می‌تواند به پادشاهای بزرگ الهی نائل آید و در مسیر رضایت الهی قرار گیرد تا موجب بهشتی شدن او گردد از این رو است که پیامبر گرامی(ص) فرزند را این‌گونه تعبیر می‌فرماید: «الولد ریحانه الجنة» فرزند گل بهشتی است» فرمودند: فرزند صالح، گل خوشبو و با طراوتی از گل‌های بهشت است.<sup>۵</sup> پس بهترین اشخاصی که می‌توانند کودکان را با الگوگیری از رفتار و گفتار پیامبر اسلام(ص) در مسیر صحیح قرار دهند والدین می‌باشند.

در تعالیم پیامبر اسلام(ص) بر روی برخی از آموزش‌ها و تربیت‌ها برای فرزندان عنایت ویژه‌ای وجود دارد از جمله علم و سواد، قرآن، احکام دینی، نماز و قرآن، تیراندازی، شنا، سوارکاری و ... است.

### اهمیت آموزش در کودکی

اهمیت علم در اسلام بر کسی پوشیده نیست به گونه‌ای خدای متعال در قرآن به قلم قسم یاد می‌کند. پیامبر اسلام(ص) نیز از همان ابتدای رسالت همواره بر علم و علم آموزی تاکید دارند و مردم را به آموختن آن

<sup>۱</sup> نهج الفصاحه، ص ۴۰۲، ح ۱۲۲۰.

<sup>۲</sup> متقی هندی/ کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۵۶.

<sup>۳</sup> همان ص. ۴۶۰.

<sup>۴</sup> حسینی زاده، سیدعلی، «تربیت فرزند»، ج ۱، ص ۳۳. عاملی، محمدابن الحسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

<sup>۵</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۱۷۰.

تشویق و ترغیب می‌کنند نقل می‌کنند که: «روزی پیامبر وارد مسجد شد و با دو حلقه جمعیت مواجه شد دسته‌ای مشغول بحث علمی بودند و دسته‌ای مشغول عبادت خدا و راز و نیاز با او حضرت فرمود: هر دو گروه بر صوابند. لیکن آنان خدا را می‌خوانند و اینان می‌آموزند و نادان را آموزش می‌دهند، اینان برترند (و) من برای تعلیم فرستاده شده‌ام و با گروه اول نشست.<sup>۱</sup> اهمیت تعلیم و تربیت را در کودکی در مقایسه با بزرگسالی چنین فرموده‌است: «حکایت کسی که در کودکی علم می‌آموزد مانند نقش بر سنگ است و کسی که در پیری علم می‌آموزد مانند کسی است که بر آب می‌نویسد.»<sup>۲</sup> همچنین پیامبر اسلام (ص) فرمودند: ... به کودکان خود کارهای سودمند بیاموزید...<sup>۳</sup> همچنین پیامبر اسلام (ص) فرمان دادند: «اسیران فقیری از قریش که در جنگ بدر، در سال دوم هجری به چنگ مسلمانان افتاده بودند و نمی‌توانستند برای آزادی خویش فدیة بپردازند؛ هر کدام که قرائت و کتابت را می‌دانستند، مکلف شدند که ده کودک مسلمان را در مدینه آموزش بدهند تا آزاد شوند. بلاذری می‌گوید: بسیاری از آنها اقدام به آموزش قرائت و کتابت به کودکان مسلمان کردند و سپس آزاد شده و به مکه بازگشتند، و عده‌ای از آنها که عدالت و حقانیت اسلام را درک کرده بودند، اسلام آوردند.»<sup>۴</sup> سخنان و رفتار پیامبر اسلام (ص) در مورد مسائل آموزشی راه‌گشای والدین و مسئولین مرتبط در امر تربیت کودک است، که فرموده‌اند: «هر کودکی که در جستجوی علم و عبادت باشد تا بزرگ شود، خداوند ثواب هفتاد و دو صدیق به او می‌دهد.»<sup>۵</sup>

## اولویت های آموزش کودکان

**توحید:** «من ربی صغیرا حتی یقول لا اله الا الله لم یحاسبه الله. هر کس کودکی را تربیت کند تا «لا اله الا الله» بگوید، خداوند از او حساب نمی‌کشد.»<sup>۶</sup> در تمام ارتباطات پیامبر اسلام (ص) روح اخلاص موج می‌زند. و در ارتباطات با کودکان این نمود بیشتری دارد. مثلاً حقیقت‌گریه‌ی معمولی کودک (تا هفت سال) را تعبیر به گفتن ذکر توحید می‌کند.<sup>۷</sup> می‌توان هدف اصلی تربیت را در سیره پیامبر اسلام (ص)، موحد شدن و متخلق شدن متربی به صفات پسندیده دانست. که با استفاده از قاعده‌های تربیتی دینی و به کار بستن آنها تربیت توحیدی صورت پذیرد.

**آموزش قرآن:** از آنجائی که قرآن از جایگاه ویژه‌ای در نزد پیامبر اسلام (ص) برخوردار است، آن حضرت به خاطر اهمیت این موضوع و نهادینه کردن قرآن در زندگی انسان‌ها نخست به پایه‌ریزی این کتاب شریف در سنین کودکی و آموزش آن به کودکان اسرار فراوانی دارند، می‌فرمایند: هر کس به فرزند خودش قرآن بیاموزد گوئی ده

<sup>۱</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۱، ص ۲۰۶.

<sup>۲</sup> «پیام پیامبر»، ص ۲۳۹. «پیام رسول»، ص ۳۵.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۲۴۰.

<sup>۴</sup> «تاریخ تحقیقی اسلام»، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۵</sup> «پیام رسول»، ص ۲۲۹-۱۱۰۹.

<sup>۶</sup> «پیام رسول»، ص ۵۷۰، ج ۲۸۲۱.

<sup>۷</sup> «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۸۶۹.



هزار حج انجام داده است. من علم ولده القرآن فکانما حج البیت عشره الف حجه ..<sup>۱</sup> و در حدیثی دیگر می فرماید: فرزندان خود را به سه ویژگی تربیت کنید: ۱. محبت پیامبر اسلام (ص) ۲. محبت اهل بیت ۳. قرائت قرآن. زیرا حاملان قرآن در سایه خدایند در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست و در کنار پیامبر و برگزیدگان او جای دارند. ادبوا و لادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن فان حمله القرآن فی ظل الله یوم لا ظل الا ظله مع انبیاءه و اصفیاءه<sup>۲</sup> و هر کس به او قرآن بیاموزد پدر و مادرش را بخوانند و به ایشان حله ببوشانند که از نور آن صورت اهل بهشت بدرخشد.<sup>۳</sup>

**آموزش خواندن و نوشتن:** از آنجائی که آموزش خواندن و نوشتن زیر بنای بسیاری از آموزش‌های دیگر بوده و با فراگرفتن خواندن و نوشتن، یادگیری آموزش‌های دیگر میسر می‌شود، پیامبر اسلام (ص) در آن را در شمار حقوق کودک شمردند.<sup>۴</sup> همچنین روایت شده است که روزی پیامبر درباره مسابقه خطاطی و خوش نویسی به امام حسن و امام حسین سفارش می‌فرمود: هر کس خط او زیباتر است قدرت او نیز بیشتر است. کودکان هر کدام خط زیبایی نوشتند و خدمت پیامبر رسیدند. لیکن امر قضاوت را واگذار نمود به فاطمه زهرا (س)، حضرت زهرا (س) نیز فرمود: من چگونه میان این دو داوری نمایم؟ ای نور دیدگانم با پاره کردن رشته این گردنبندها و ریختن دانه‌های آن بر سر شما هر کسی که بتواند دانه بیشتری جمع کند او برنده و قدرتش بیشتر است. (نقل شده که جبرئیل دانه هارا طوری قرار داد که هر دو به تساوی رسیدند).<sup>۵</sup> حتی یکی از تاریخ نویسان می‌نویسد: زنی به نام «الشفاء» که در جاهلیت خواندن و نوشتن را فرا گرفته بود، به خانه حضرت می‌آمد و به زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خواندن و نوشتن می‌آموخت و از این روی، از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گرفت.<sup>۶</sup>

**آموزش احکام،** هم جزء حقوق کودک بر گردن والدین است: روایت شده است نبی مکرم اسلام روزی نظر کردند به بعضی از اطفال و سپس فرمودند: وای به حال فرزندان آخر الزمان. به خاطر پدران و مادرانشان. از پیامبر پرسیدند: پدران و مادران مشرک آنها؟ حضرت فرمود: خیر از پدران و مادران مومن آنها که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را با آنها نمی‌آموزند و اگر فرزندان چیزی آموختند، مانع آموزش فرزندان می‌شوند. و از آنها در دنیا به سرمایه ناچیزی راضی‌اند. من از چنین پدرانی بیزارم و آنها از من روی گردانند.<sup>۷</sup> نکته مهم در این بخش این است که آموزش احکام و عقائد آنقدر مهم است که پیامبر از والدینی که به آموزش فرزندان خود مبادرت نمی‌کنند، بیزار است و از سویی آموزش احکام

<sup>۱</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۱، ص ۲۰۶.

<sup>۲</sup> «کنز العمال»، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

<sup>۳</sup> ابن فهد حلی، احمد بن محمد، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عده الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

<sup>۴</sup> طبرسی، حسن ابن فضل...، «مکارم الاخلاق»، ص ۲۲۰.

<sup>۵</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۴۵، ص ۱۹۰.

<sup>۶</sup> طباطبایی، محمد حسین، «تعالیم اسلام»، موسسه بوستان کتاب، ص ۲۰۸.

<sup>۷</sup> «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۱۹۶.

و عقائد پیش از زمانی که فکر و ذهن کودک و نوجوان به امور زندگی مشغول شود و یا تحت تاثیر عقائدی دیگر قرار گیرد باید صورت پذیرد. زیرا ذهن خالی آنها بهتر و راحت‌تر پذیرای حق خواهد بود. آشنا کردن فرزند به احکام اسلام و حلال و حرام از جمله وظایف پدر و مادر بر فرزند است رسول خدا (ص) فرمودند: اما روزه تأدیب: بچه که به سن بلوغ نزدیک شد بروزه گرفتن وادار می‌شود به منظور تأدیب ولی واجب نیست.<sup>۱</sup>

**آموزش نماز:** جزء مصادیق احکام، ذیل آموزش و حقوق کودک است ولی از آنجایی که نماز نقش مهمی در دین‌داری دارد و از آن به عنوان ناهی منکر (عامل بازدارنده از بدی‌ها) یاد شده است، و در صورتی انسان در بزرگسالی جزء نمازگزارن خواهد بود که از کودکی با آن مأنوس باشد پس این رکن از همان ابتدا باید در کودک پایه‌ریزی شود چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرموده است: «فرزندانتان را در سن هفت سالگی وادار به نماز کنید و اگر خواستید تنبیه کنید از سن ده سالگی باشد و از این سن بیشتر بستر خواب آن‌ها را جدا کنید»<sup>۲</sup>. و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش صحیح. نماز عبادتی است دارای ابعاد گوناگون که در آن ذکر، قرائت و اعمال خاص وجود داشته و آموزش آن فقط با گفتن و دستور دادن میسر نیست؛ پس نیازمند روش‌های خاصی است. روش اصلی در زندگی معصومین و سیره پیامبر اسلام (ص) آموزش عملی بوده است و آنان به جای اینکه فقط توضیح شفاهی بدهند، ابتدا در میدان دید کودک نماز خوانده و عملاً به آن می‌پرداختند، یا فرزندشان را با خود به جمع نمازگزاران به مسجد می‌بردند. مثلاً امام صادق (ع) می‌فرماید که روزی پیامبر اسلام خواستند نماز بخوانند امام حسین (ع) نیز پهلوی حضرت قرار گرفتند. امام حسین (ع) نتوانست تکبیر نماز را صحیح انجام دهند و پیامبر تا ۷ مرتبه این عمل را تکرار کردند تا اینکه امام حسین (ع) توانستند صحیح انجام بدهند.<sup>۳</sup> و همچنین در سیره ایشان است که می‌فرمودند: چنان‌که دیدید من نماز می‌خوانم نماز بجا آورید. صلو کما رایت منی اصلی»<sup>۴</sup> و همچنین علی (ع) گزارش یادگیری نماز را از پیامبر اسلام (ص) در سنین کودکی چنین یاد می‌کند: به خدا سوگند و باز هم به خدا سوگند! در میان جهانیان یادی از یاد من برای رسول خدا دوست داشتنی‌تر نیست و نماز بر دو قبله چون نماز من نیست چرا که هنوز کودک و نابالغ بودم که نماز می‌خواندم.<sup>۵</sup> در هیچ روایتی از روایات پیامبر اسلام (ص) تنبیه برای کودک به جز برای نماز مشاهده نمی‌شود و این نقش حیاتی نماز را در تربیت می‌فهماند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کودکان خود را وقتی به هفت سالگی رسیدند، به نماز خوان تمرینی وادار کنید، و آن گاه که نه ساله شدند، اگر خود زیر باز نماز خواندن نرفتند، (با رعایت مصالح همه جانبه) آنان را مورد تنبیه قرار دهید.» البته توجه داریم که، نماز خواندن برای دختران نه ساله، واجب می‌باشد.

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه فهری، ج ۲، ص ۶۳۹.

<sup>۲</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۳۱۱.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۴۳، ص ۳۰۷.

<sup>۴</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۸۹، ص ۱۸۸.

<sup>۵</sup> «ترجمه کتاب سلیم»، ص ۱۳۴ منابع دیگر برای این روایت: «خصال». باب ۱۰، ح ۶، ۷، ۸ و «امالی صدوق» ح ۴۸ و «امالی طوسی» ح ۸۵.

**آموزش آداب اجتماعی:** نیز یکی از اولویتهای آموزشی در سیره پیامبر اسلام(ص) با کودکان است که ذیل حقوق کودک مطرح می‌شود. چون کودکان در محیط خانه و اجتماع با دیدن و مشاهده‌ی رفتار دیگران، از آن تقلید، تکرار و الگوبرداری می‌کنند، بسیاری از قوانین، آداب و رسوم اجتماعی را از این طریق فرا می‌گیرند. پیامبر اسلام(ص) در لابلای بیان احکام و قوانین اجتماعی سفارشات نیز در این باره دارد. برای نمونه دو گزینه می‌آید:

**الف. غذا خوردن:** در دین مبین اسلام برای غذا خوردن آدابی را معین نموده‌اند مثلاً بخشی از آن آداب را عمر ابن ابی سلمه فرزندام سمله اشاره می‌کند و می‌گوید: در کودکی در خانه پیامبر خدا(ص) زندگی می‌کردم و بر سر سفره دستم را به هر طرف دراز می‌کردم و غذا برمی‌داشتم پیامبر فرمود: ای پسر بسم الله بگو و با دست راست و از جلو خودت غذا بخور.<sup>۱</sup> همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ شما از حقوق همسایه به جز اندکی نمی‌دانید، ... و به کودکان خود چیزی ندهد که بچه‌های او را ناراحت کند.<sup>۲</sup>

**ب. شغل و کسب درآمد،** از آموزش‌های اجتماعی دیگری است که جزء حقوق فرزندان است. البته اختصاص به کودکی ندارد ولی زمینه‌های آن قطعاً از کودکی شکل می‌گیرد. مردی خدمت پیغمبر رسید عرض کرد یا رسول الله من به این فرزندم نوشتن را آموختم به چه کاری بگذارمش؟ فرمود: بهر کاری که خواهی‌اش وادار مرد محترم، ولی به پنج کارش مگذار سباء و زرگر و قصاب و گندم فروش و بنده فروشش مکن عرض کرد: یا رسول الله سباء کیست؟ فرمود: آنکه کفن فروشی کند و در آرزوی مرگ امت من است در صورتی که من یک نوزاد از امت خودم را دوست‌تر دارم از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد و اما زرگر برای اینکه او همواره با زیان امتم دست بگریبان است و اما قصاب برای اینکه آنقدر سر می‌برد تا رحم از دلش می‌رود و اما گندم فروشی برای اینکه مواد خوراکی امت مرا انبار می‌کند و اگر بنده‌ای با دزد پیشه‌گی بمیرد بهتر است که با انبار داری چهل روز خوار و بار، و اما برده فروشی برای اینکه جبرئیل نزد من آمد و گفت یا محمد براستی بدترین افراد امت تو برده فروشانند.<sup>۳</sup> البته امور دنیوی که مردم خودشان بدان می‌پردازند بلکه گاهی بیش از حد وقت خود را بدان اختصاص می‌دهند کمتر مورد سفارش پیامبر اسلام(ص) و اهل بیتش(ع) واقع شده است. به خاطر همین بیشتر چگونگی آن، حد و مرز و احکام آن بیان و سفارش شده است.

### ایجاد محبت اهل بیت(ع):

از موضوعاتی که در مسئله تعلیم و تربیت اسلامی فرزند مطرح شده آن است که پدر و مادر، فرزند را بر دوستی علی بن ابیطالب(ع) و فرزندان او تربیت کنند، زیرا مایه سعادت دنیوی و اخروی است چنانکه رسول خدا(ص)

<sup>۱</sup> طبرسی، حسن ابن فضل، «مکارم الاخلاق» ص ۱۵۷.

<sup>۲</sup> طبرسی، علی بن حسن، «مشکاة الأنوار»، ترجمه هوشمند و محمدی ص ۴۴۹.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه فهری، ج ۱، ص ۳۱۹.

خطاب به یکی از انصار فرمود: «فرزندان خود را بر دوستی علی(ع) ادب کنید». و در نقلی دیگر چنین فرمودند: «فرزندان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن».<sup>۱</sup> نیز مرویست که روزی پیامبر اسلام(ص) از راهی عبور می‌فرمود، پسر بچه کوچکی پیش آمد و سلام نمود و تبسم کرد، آن حضرت فرمود آیا مرا دوست می‌داری؟ عرض کرد آری بخدا قسم، آن حضرت فرمود مثل چشمانت؟ عرض کرد بلکه بیشتر، فرمود مثل پدرت مرا دوست میداری؟ عرض کرد بیشتر، فرمود مثل مادرت؟ عرض کرد بیشتر، فرمود مثل جانت؟ عرض کرد بیشتر بخدا قسم، فرمود آیا مثل پروردگارت؟ عرض کرد الله الله یا رسول الله این مقام نه برای تو است و نه برای دیگران، یا رسول الله جز این نیست که تو را دوست میدارم برای خدا، پس آن حضرت به همراهیان خود فرمود شما هم این چنین باشید که خدا را دوست بدارید برای آنکه به شما احسان و نعمت عنایت فرموده و دوست بدارید مرا برای دوستی با خدا، و سپس آن حضرت آن بچه را نوازش فرمود و از داشتن چنین ادبی او را تحسین نمود.<sup>۲</sup>

حتی در نقلی محبت اهل بیت را مبنای سنجش ایمان و دوستی خدا شمردند: پیامبر اسلام(ص) به علی(ع) اشاره کردند و فرمودند آیا این را می‌بینی؟ گفت: آری، فرمودند: دوستدار این مرد دوست خداست، او را دوست بدار و دشمن این مرد دشمن خداست، او را دشمن بدار. و این مرد را دوست بدار، هر چند پدر و پسرش را بکشد و دشمن این را دشمن بدار، هر چند پدر یا پسرش باشد.<sup>۳</sup> همچنین پیامبر(ص) فرموده‌اند: هر کس ما را دوست بدارد، روز قیامت همراه ما خواهد بود و اگر انسان سنگی را دوست داشته باشد، خدایش با آن محشور می‌فرماید.<sup>۴</sup> همچنین پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و فرمود: هر کسی که این دو کودک و پدر و مادر ایشان را دوست داشته باشد فردای قیامت درجه او نظیر درجه من خواهد بود.<sup>۵</sup> رسول خدا(ص) فرمود: ای مردم شما را آگاه نکنم بر بهترین مردم؟ گفتند چرا یا رسول الله... و فرمود خدایا تو میدانی که حسن و حسین در بهشتند و جد و جده‌شان در بهشتند پدر و مادرشان در بهشتند، عمه و عمه‌شان در بهشتند، خاله و خاله‌شان در بهشتند خدایا تو می‌دانی هر که دوستشان دارد در بهشت است و هر که دشمنشان دارد در دوزخ است،<sup>۶</sup>

**محبت به امام حسین:** روزی پیامبر صلی الله علیه و آله همراه یارانش از راهی عبور می‌کردند. در آن مسیر کودکانی مشغول بازی بودند، نزد یکی از آنان نشست، و پیشانی او را بوسید و با وی مهربانی کرد علت آن را از وی پرسیدند. حضرت پاسخ داد: من روزی دیدم این کودک هنگامی که با فرزندم حسین علیه السلام بازی می‌کرد، خاک‌های زیر پای حسین را

<sup>۱</sup> «میزان الحکمه»، ص ۹۵ از «الصواعق المحرقة»: ص ۱۷۲، «ینایع الموده»: ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۲۶۸، «کنز العمال»: ج ۱۶، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹.

<sup>۲</sup> دیلمی، حسن بن محمد، «إرشاد القلوب»، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۱۹۶.

<sup>۳</sup> فتال نیشابوری، محمد بن احمد، «روضه الواعظین»، ترجمه مهدوی دامغانی ص ۶۵۹. به نقل از «تفسیر امام عسکری(ع)» و «معانی الاخبار» و

«عیون اخبار الرضا» و «علل الشرائع صدوق». در «بحار الانوار»، ص ۵۴، ج ۲۷، نیز آمده است.

<sup>۴</sup> همان مدرک، ص ۶۵۹. از بحار الانوار، جلد ۲۷، صفحات ۷۹ و ۹۵، آمده است.

<sup>۵</sup> «زندگانی حضرت زهرا» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار)، ترجمه نجفی، ص ۲۹۹.

<sup>۶</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الأمالی» (للصدوق)، ترجمه کمره‌ای، ص ۴۳۵.

برمی‌داشت، و به صورت خود می‌مالید. بنابراین چون او را از دوستان حسین است، من هم او را دوست دارم، جبرئیل مرا خبر داد این کودک از یاران حسین علیه السلام در کربلا خواهد بود.<sup>۱</sup>

**پرهیز از آموزشهای نا بجا به کودکان:** امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «رسول خدا (ص) از این که مرد با همسرش آمیزش کند در حالی که کودکی در گهواره آن دو را می‌نگرد، نهی فرمودند.»<sup>۲</sup> همچنین پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در محل آمیزش کودکی بیدار باشد و آنان را ببیند و سخن آنان را بشنود و نفس زدن آنان را احساس کند آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد اگر پسر باشد زنا کار می‌شود و اگر دختر باشد زنا می‌دهد.»<sup>۳</sup> جدائی جای خواب کودکان از هم‌دیگر برای همین است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن گاه که کودکان شما به ده سالگی رسیدند، جای خوابیدن آنان را از هم جدا کنید. (در یک بستر نخوابند).<sup>۴</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: ۱. آمیزش پنهانی وی ۲. صبح زود در پی روزی رفتن ۳. هوشیاری و مواظبت او.»<sup>۵</sup>

### ۳. ۲. ۴. جهت دهی اوقات فراغت کودکان

یکی از دلایل بروز فساد و مشکلات اخلاقی جامعه بیکاری است. بنابراین می‌توان گفت والدین از جمله اشخاصی هستند که می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح و پرکردن اوقات بی‌کاری از انحراف کودکان و نوجوانان خود جلوگیری کنند و مانع انحراف آنان باشند. از این جمله است پرداختن به ورزش جهت پرکردن اوقات فراغت و بی‌کاری. اثر مهارت‌های حسی و حرکتی و فعالیت‌های ورزشی بر کنش‌های روانی و ذهنی به گونه‌ای است که بسیاری از روانشناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت مانند «ژان پیاژه، آلفرد آدلر، کورنو و موریس دبس» عقیده دارند که این گونه فعالیت‌ها می‌بایست در درجه اول برنامه‌های آموزشی کودکان و نوجوانان قرار بگیرد. زیرا پرداختن به این مهم نه تنها باعث تقویت کنش‌های ذهنی آنها می‌گردد، بلکه موجب نشاط روانی و سرزندگی و تقویت اعتماد به نفس و بالطبع بهداشت روانی آنان می‌گردد.<sup>۶</sup> در روایتی پیامبر اسلام (ص) ورزش شنا را از بهترین سرگرمی‌ها برای مومن شمرده است. خیر لهوالمومن السباحه روایات مربوط به آموزش، ورزش و بازی کودکان (که قبلاً گذشت) نیز ذیل این عنوان می‌گنجد.

<sup>۱</sup> مرتضوی کرون، علی رضا، «داستانهایی از زندگی چهارده معصوم»، امام حسین.

<sup>۲</sup> بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۵، ص ۴۳۹.

<sup>۳</sup> همان مدرک.

<sup>۴</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۳۱۱.

<sup>۵</sup> همان مدرک، ص ۴۴۱.

<sup>۶</sup> افروز غلامعلی / مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان/ص ۴۵.

### ۳. ۲. ۲. سفارش به نگهداری حیوانات برای کودکان

یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند برای پر کردن اوقات فراغت کودکان پیشنهاد خوبی باشد. برای بعضی از مردم امکان نگهداری حیوانات یا پرندگان اهلی در خانه‌هایشان وجود دارد. این کار از طرف اسلام امری پسندیده است به شرطی که حیوانات اذیت نشوند. دیدن حیوانات و غذا دادن به آنها باعث شور و نشاط در کودکان است: در کتاب طب الائمه است که رسول خدا (ص) فرمود: حیوانات اهلی در خانه‌هایتان داشته باشید که شیطان‌ها بدان‌ها سرگرم شوند و از کودکان کناره‌کنند.<sup>۱</sup> و از امام صادق (ع) روایت شده که: خانه پیغمبری نبوده جز که در آن کبوتر بوده چون که بی‌خردان جن و پری با کودکان خانه بازی کنند، و چون کبوتر در آن باشد با کبوتر بازی کنند و مردم را رها کنند.<sup>۲</sup> در روایتی هم گذشت که صیادی یک بچه‌آهو را برای امام حسن (ع) (در کودکی) نزد پیامبر اسلام (ص) هدیه آورد و ایشان پذیرفته و آن را در اختیار کودک قرار داد. اگر امکان ندارد که دائماً حتی از پرنده‌های کوچک قفسی نگهداری کنند، می‌توانند با گذاشتن آب و غذا برای حیواناتی که اطراف خانه‌ها هستند از بعضی اثرات بودن حیوانات در خانه، بهره‌مند شوند. مثلاً اگر مقداری دانه با یک ظرف آب کوچک در فضای بازی که ممکن است قرار دهند، گنجشک‌ها و فاخته‌ها به مرور زمان آن را دیده، و از آن استفاده می‌کنند.

البته نباید به حیوانات و بچه‌هایشان ظلم شود: عبدالرحمان بن عبدالله، اظهار می‌دارد: در حال مسافرت، در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. چشم به حمراهی (پرنده ای همانند گنجشک) افتاد که دو جوجه با خود داشت. ما جوجه‌هایش را برداشتیم. حمراه آمده، در اطراف ما بال و پر می‌زد. هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطلع گردید فرمود: چه کسی نسبت به فرزند این پرنده، مرتکب خلاف شده، فرزندش را به وی برگردانید.

روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله از محلی عبور می‌فرمود، در این هنگام آهوئی که در دامی گیر کرده بود به آن جناب شکایت برد، آهو گفت: یا رسول الله من کودکی دارم که احتیاج به شیر من دارد، من اکنون در این دام گرفتارم و کودکم گرسنه مانده است، اینک مرا از این دام برهان تا کودک خود را شیر دهم. حضرت فرمود: من چگونه شما را آزاد کنم و حال اینکه صاحب دام اکنون در اینجا نیست، آهو گفت: شما مرا رها کنید من پس از اینکه کودکم را شیر دادم مراجعت خواهم کرد، پیغمبر صلی الله علیه و آله به این شرط او را از دام صیاد رها کنید، و در آن جا توقف فرمود تا آهو مراجعت کرد، در این هنگام صاحب دام نیز از راه رسید، حضرت از آهو شفاعت نمود، صیاد نیز او را رها کرد.<sup>۳</sup>

در این دو نمونه روایت توصیه به جلوگیری از ظلم و مهربانی پیامبر اسلام (ص) نسبت به بچه‌های کوچک حیوانات بیان شده است. اگرچه آنها را نمی‌توان مصداق کودک دانست.

<sup>۱</sup> «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار) ص ۱۰۳.

<sup>۲</sup> «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار) ص ۱۰۴.

<sup>۳</sup> طبرسی، فضل بن حسن، «زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ترجمه اعلام الوری؛ ص ۳۶.

### ۳. ۲. ۵. رفتار کودکان:

مشارکت والدین در بازی کودکان برای آنان نشاط انگیز بوده و موجب رشد استعدادها و تلطیف عواطف آنان نیز خواهد شد. لذا اگر بازی با کودک با قاعده و سالم باشد، می‌تواند تفکر کودک را رشد دهد، به همین جهت گفته‌اند بازی تفکر کودک است. از پیامبر بزرگوار اسلام خطاب به والدین راجع به هم‌بازی شدن با کودکان نقل شده است که فرمود: هر کس کودکی داشته‌باشد باید با وی کودکانه رفتار نماید.<sup>۱</sup> و در خبر دیگری آمده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس را کودکی در کنار است باید با وی چون کودکان هم‌بازی شود.<sup>۲</sup> تاکید گفتاری و کرداری پیامبر اسلام (ص) در ارتباط مستقیم با کودکان متعدد حاکی از توجه ژرف حضرت به رفتار کودکان با کودکان است.

### ۳. ۲. ۶. شاد کردن کودکان

از آنجایی که هم‌بازی شدن با کودکان و شوخی با آنان باعث شادی کودکان می‌شود و شاد کردن کودکان در سیره پیامبر اسلام (ص) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. می‌فرماید: بدرستی که در بهشت خانه‌ای قرار دارد که به آن خانه شادی می‌گویند. کسی وارد آن نمی‌شود مگر اینکه کودکان را شاد کرده باشد. (ان فی الجنة دار یقال دارالفرح لایدخلها الا من فرح الصبیان)<sup>۳</sup> شایان ذکر است که شاد کردن کودکان به واسطه هم‌بازی شدن و شوخی با آنان نیز نوعی احترام به آنان است و آنان پدر و مادر را در کنار خود احساس می‌کنند و زمانی که این‌گونه احساس در وجود آنان به وجود آمد هر آئینه فرمان‌بری از والدین نیز بیشتر خواهد شد. پیامبر اسلام (ص) فرمود: هر کس فرزندش را ببوسد حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود و هر کس او را خوشحال سازد، خدای تعالی او را خوشحال می‌کند.<sup>۴</sup>

### ۳. ۲. ۷. ابتدای صدقه از کودکان خود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «پنج خرما، یا پنج گرده نان یا چند دینار (سکه طلا) یا درهم (سکه نقره) که آدمی بدست می‌آورد و می‌خواهد آنها را خرج کند، شایسته‌ترین افراد [بترتیب] پدر و مادرند، و گروه دوم خود و عائله‌اش می‌باشد، و سوم خویشان و برادران (همکیشان) مؤمن او می‌باشند، و چهارم بر همسایگان فقیر، و پنجم در راه خدا (جهاد) خرج کند که اجرش از همه کمتر است». و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن مرد انصاری - که هنگام مرگ تمام دارائی خود را که پنج یا شش برده بوده آزاد نمود در حالی که فرزندان کوچک داشت، فرمود: «اگر پیش از دفن مرا از کارش باخیر ساخته بودید اجازه نمیدادم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنید! کودکانی خردسال را وانهاده تا از مردم گدائی کنند!». سپس امام صادق علیه

<sup>۱</sup> حرعاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۶۱ ح ۴۷۰۷.

<sup>۳</sup> متقی هندی، «کنز العمال»، ج ۶۰۰۹.

<sup>۴</sup> ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عده الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

السلام افزود: پدرم به من گفت که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرموده: «[در انفاق] از افراد تحت تکفل خود بترتیب نزدیکی آنان به خود شروع کن».<sup>۱</sup>

### ۳. ۲. ۸. وفای به عهد با کودک

سیره پیامبر اسلام (ص) با کودکان در این باره چنین است: فرزندان را دوست بدارید و با آنها مهربانی کنید. و چنانچه وعده‌شان دادید بوعده خود عمل کنید زیرا آنان جز شما را روزی ده خود نمی‌دانند.<sup>۲</sup> خداوند - عز و جل - از پامال شدن حقوق بانوان و کودکان چنان خشم می‌گیرد که از سایر خطاها خشم نمی‌گیرد.<sup>۳</sup> از دروغ گفتن بپرهیزید، که دروغ نه جدی و نه شوخی آن، روا نیست. انسان نباید به کودک خود وعده‌ای بدهد و وفا نکند. دروغ گفتن انسان را به بدهکاری می‌کشاند و بدکاری او را به جهنم می‌رساند. راستی انسان را به سوی نیکوکاری می‌برد و نیکوکاری او را به بهشت می‌رساند.<sup>۴</sup>

### ۳. ۲. ۹. تکلیف نداشتن کودک:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قلم تکلیف از چند گروه برداشته شده است یکی دیوانه، تا زمان بهبودی، دیگری کودک، تا زمان بلوغ و ادراک و سوّمی شخص که خوابیده است، تا به هنگام بیداری<sup>۵</sup>

### ۳. ۲. ۱۰. دعا برای فرزند

در نقل‌های مختلفی پیامبر اسلام (ص) با عناوین متفاوتی برای کودکان دعا کرده‌اند. و دعای رهبر عادل و پدر را در حق فرزند جزء دعای مستجاب برشمردند: «از علی بن ابی‌طالب (ع) نقل شده که پیامبر خدا (ص) در وصیتی به من فرمود: یا علی چهار نفرند که دعای آنان رد نمی‌شود: رهبر عادل، و دعای پدر به فرزند، و دعای مردی که در غیاب برادر دینی خود او را دعا می‌کند، و دعای مظلوم».<sup>۶</sup>

نمونه‌ای از دعاهاى ایشان تعویذ برای کودکان است: عبد الله بن عمر می‌گوید: ما گروهی بودیم که در حضور پیغمبر اعظم اسلام نشسته بودیم. حضرت حسنین که کودک بودند از آنجا عبور کردند. رسول خدا فرمود: این دو فرزند مرا بیاورید تا همان طور که حضرت ابراهیم برای اسماعیل و اسحاق تعویذ و دعا خواند من هم برای ایشان بخوانم. آنگاه این دعا را برای ایشان خواند: «اعیذ کما بکلمات الله التامّة، من کلّ عین لامة و من کلّ شیطان و هامة» در نقل دیگر این را خواند: «کفی بسمع الله واعیا

<sup>۱</sup> ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه جعفری، ص ۳۲۸.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «ترجمه من لا یحضره الفقیه»، ج ۵، ص ۱۶۰.

<sup>۳</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۵، ص ۲۰۴.

<sup>۴</sup> «پیام رسول»، ص ۲۹۸.

<sup>۵</sup> علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، «آینه یقین» (ترجمه کشف الیقین)، ص ۶۹.

<sup>۶</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال» ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۲۸۵.



لمن دعا لا مرمی وراء امر الله لرام رم' همچنين روايت شده: پيامبر اسلام(ص) سوره: الفلق و سوره الناس را برای سلامتی حسنين می خواند. بدین لحاظ است که این دو سوره به معوذتین نامیده شدند<sup>۱</sup>

و در تهذیب الاحکام است از امام صادق (ع) که کودکی را نزد رسول خدا (ص) آوردند برایش دعا کند و نکرد چون سرش جایجا تراشیده بود و فرمود همه سرش را بتراشند. نوفلی گفته: قرع اینست که بتراشند جایی را و وانهند جایی را.<sup>۲</sup>

رسول خدا فرمود: خدای بیامرزد مردی را که به درست کاری فرزندش کمک کند و آن اینکه از بدیهایش بگذرد و وقتی با خدای خود راز و نیاز می کند برای فرزندش دعا کند.<sup>۳</sup>



---

<sup>۱</sup> اربلی، علی بن عیسی، «کشف الغمّة»، ترجمه و شرح زواره‌ای، ج ۲، ص ۹۱.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» ( ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۵.

<sup>۳</sup> «آداب و سنن» (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، ص ۵۵.

<sup>۴</sup> ابن فهد حلی، احمد بن محمد(۸۴۱ق)، عدّه الداعی و نجاح الساعی، نائیجی، محمّد حسین، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عدّه

الداعی)، ج ۱، ص ۸۱.

## فصل چهارم: استنتاج الگوی ارتباطی انسانی پیامبر اسلام (ص) درباره کودکان.

### مقدمه:

در این فصل مسأله‌ی سوّم پایان‌نامه باید پاسخ داده شود: چه الگوی ارتباط انسانی از رفتار پیامبر اسلام(ص) با کودکان استنباط می‌شود؟

قبل از ورود به موضوع اصلی بیان نکاتی لازم است تا انسجام ابتدا تا انتهای فصول این پایان نامه در ذهن مخاطب مخدوش نگردد. ابتدا در فصل اول عناوین ارتباطی مهم به کار گیری شده در پایان نامه تعریف شد، در فصل دوم اجزای مدل‌های ارتباطی بر اساس همان عناوین با توجه به همان تعاریف، ارائه گردید. نتیجه آن اجزاء فرایند ارتباط بود آن هم به در یک تصویر(مثل یک حلقه از زنجیر) که از ابتدا تا انتهای فراگرد(مثل خود زنجیر) به هم پیوسته تکرار می‌شود، پس نظریه پردازان ارتباطی، ارتباط را همچون یک فیلم در نظر می‌گیرند که از زنجیره‌ی عکس‌های مرتب و به هم پیوسته تشکیل شده است، که در هر یک از این عکس‌ها(تصویرها، هریک از این حلقه‌های زنجیر) را به عنوان «مدل ارتباطی» در نظر گرفته‌اند و به تجزیه و تعریف این مدل‌ها پرداخته‌اند، نتیجه کارشان(ارائه مدل ارتباطی) را در زنجیره‌ای از این عناوین با حفظ ترتیب معین ارائه نموده‌اند، که ما این این عناوین را پس از بررسی در فصل دوم در جدول شماره یک منسجم ارائه می‌گرد. در این جدول آن مؤلفه‌های الگوی ارتباطی بدست آمده است که در ارتباط پیامبر اسلام(ص) امکان بررسی دارد:

### جدول شماره یک

|  |
|--|
| ۱. فرستنده، گوینده، پیام فرست، منبع پیام،  |
| ۲. گیرنده، مخاطب، پیام گیر، دریافت کننده پیام، مقصد پیام.  |
| ۳. پیام، گفتار،  |
| ۴. منبع پیام، منبع معنی، منبع اطلاعاتی، رمزها، ریشه‌های پیام، رویدادها، سطح دانش، (منبع) محتوای پیام، باورها، عقاید، ایده‌ها، مهارت‌های ارتباطی، ابزارهای ارتباطی(نرم افزاری)، مهارت‌های عمومی، نگرشها، دانش‌ها، مهارت گفتگو، مهارت دیدن، مهارت شنیدن، مهارت نوشتن، مهارت خواندن، ابعاد ادراک، مقاصد، نظارتها، محتوای مقصود، حوزه تجربی پیام فرست، توانایی ارتباطی فرستنده و گیرنده، امکانات ارتباطی در دسترس. |
| ۵. رمزگذاری، دستگاه رمزگذار، ایجاد کردن پیام،  |
| ۶. رمزگشا، رمزخوانی، بازگردانی رمز، بازخوانی رمز، پیام گشایی، تفسیر پیام، تأثیر مقصود، حوزه تجربی گیرنده پیام،   |

|     |  |
|-----|--|
| ۷.  | کانال، ابزارهای ارتباطی (سخت افزاری)، وسیله، کانال ترکیبی، وسیله نقلیه پیام،   |
| ۸.  | بازخورد، محور تنظیم پیام در نظر پیام فرست، پس فرست، بازتاب پیام، عکس العمل گیرنده پیام،                              |
| ۹.  | ظرفیت پیام، حجم پیام،  |
| ۱۰. | اختلالات، پارازیت، دروازه بانان خبر، اثر گذاران بر پیام (بعد از تولید پیام توسط فرستنده قبل از رسیدن به مخاطب اصلی)، |
| ۱۱. | حالات فرستنده و گیرنده مثل: ترس، خشم، ترس، محبت زیاد و... البته این‌ها نیز قسمی از منبع معنای فرستنده است.           |
| ۱۲. | ساختار شبکه پیام، ساز و کار و شکل سیستم‌های ارتباطی، زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و... که بر ارتباط مؤثر است.          |

#### ۴.۱. گفتار اول: جزئیات الگوی ارتباطی پیامبر اسلام با کودکان:

##### ۴.۱.۱. بخش اول مطابقت عناوین ارتباطی با روایات

در این جا (گفتار اول) همه‌ی عناوین جدول مطابق با تعاریفشان یک به یک با گزارشات فصل سوم بررسی مصداقی خواهد شد، عناوینی که برای آن مصداقی یافت شود در ذیل در جداولی به ترتیب (ترتیبی که در مدل‌ها آمده بود) تبیین خواهد گردید. سپس نتیجه این تطبیق (مصداق یابی و تطبیق دستاورد فصل دوم (همین جدول) و روایات فصل سوم) ارزیابی شده و در جدول‌های مؤلفه‌های (آیتم‌های) مدل ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان تبیین می‌گردد. و سر انجام در گفتار دوم الگویی منسجم برای ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان ارائه می‌گردد. برای طولانی نشدن متن فصل چهارم، همه متن فصل سوم در این جا تکرار نمی‌شود، ولی چون برای تطبیق و مصداق‌یابی به متن گزارشات آن (روایات و گزارشات تاریخی رفتار و گفتار پیامبر اسلام (ص) با کودکان یا درباره کودکان) نیاز است، و برای حفظ انسجام متن پایان نامه، در این جا همان عناوین تیتراهای فصل سوم تکرار می‌شود، ولی مراد از هر یک از این تیتراها، تمام مطالبی است که ذیل آن در فصل سوم آمده است. البته به فرازی از متن مورد نیاز اشاره می‌آید.

##### ۴.۱.۱.۱.۴. واکنش پیامبر اسلام ص درباره فرهنگ جاهلی طرد کودکان<sup>۱</sup>

در قسمتی از متن ذیل این عنوان در فصل سوم چنین آمده است:

<sup>۱</sup> رجوع کن ص ۵۸. فصل سوم ذیل عنوان ۲۰۰۳. واکنش پیامبر اسلام ص درباره فرهنگ جاهلی طرد کودکان.

«پیامبر (ص) در حالی که بسیار ناراحت و پریشان بود و اشک‌ها را از چشم پاک می‌کرد، فرمود: اگر نه این بود که رحمت خدا بر غضبش پیشی گرفته، لازم بود هر چه زودتر از تو انتقام بگیرد!»<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

### فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منبع پیام: محبت، احساسات، حالات، رفتار، توحید، احکام و باورهای دینی.

گیرنده: آن پدر، والدین، جامعه.

رمزها: ۱. ناراحتی و پریشانی ۲. گریه ۳. کلمات بکار رفته در گفتار.

پیام: «نباید دخترتان را بکشید»، «رحمت خدا بر غضبش پیشی گرفته و گرنه لازم بود هر چه زودتر از ظلم‌کننده به کودکان بی‌گناه انتقام بگیرد»، توبه کن.

کانال‌های ارتباطی: ۱. احساس ۲. رفتار ۳. گفتار ۴. حالات چهره ۵. آگاهی دادن.

نگرش‌ها: سبقت رحمت بر غضب، توحید، سوق دادن بندگان و جامعه به مهرورزی.

هدف‌ها: پشیمان کردن گناه‌کار از اشتباهش با آگاهی دادن، توبه دادن او، تربیت توحیدی والدین و جامعه.

«پیامبر (ص) از شنیدن این ماجرا سخت ناراحت شد و در حالی اشک می‌ریخت فرمود: «من لا یرحم لا یرحم» کسی که رحم نکند به او رحم نخواهد شد» سپس رو به سوی قیس کرد و گفت: روز بدی در پیش داری، قیس عرض کرد چه کنم تا بار گناهم سبک شود؟ پیامبر فرمود: به تعداد دخترانی که کشته‌ای بندگان آزاد کن (شاید بار گناهت سبک شود)<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

### فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منبع پیام: پس فرست: رحمت، ترحم به کودکان بی‌گناه، احکام.

گیرنده: پدر کودک. والدین بد رفتار با کودک، مسئولین مرگ کودکان.

رمزها: ناراحتی، اشک و گریه، کلمات در گفتار بیان شده: «من لا یرحم لا یرحم»، روز بدی در پیش داری و ...

پیام: گریه کردن و ناراحتی پیامبر (پیام رفتاری)، «من لا یرحم لا یرحم»، «روز بدی در پیش داری».

کانال‌های ارتباطی: عاطفی: ابراز ناراحتی، رفتاری: گریه، گفتاری: جملاتی که پیامبر اسلام (ص) در این

<sup>۱</sup> تفسیر نمونه از «القرآن بواکب الدهر» جلد ۲ صفحه ۲۱۴.

<sup>۲</sup> رجوع کنید به ص ۷۸ با عنوان ۳. ۰. ۲. واکنش پیامبر اسلام ص درباره فرهنگ جاهلی طرد کودکان. «جاهلیت و اسلام» صفحه ۶۳۲.

جا فرمودند.

بازخوردگیری: پیامبر خوب به مطالب گوش دادند و پس از ابراز پشیمانی او راه حل برایش پیشنهاد کردند.

نگرش‌ها: با دید رحمت للعالمین بودن پیامبر(ص).

هدف‌ها: تربیت این پدر، جبران اشتباه و توبه، آموزش مهرورزی به جامعه درباره فرزندان.

پس فرست: حالت ناراحتی و پشیمانی آن پدر و درخواست راه‌کار برای جبران و توبه.

در قسمتی از متن ذیل این عنوان در فصل سوّم چنین آمد: در حالات "صعصعة بن ناجیه" جد فرزدق شاعر معروف) که انسان آزاده و شریفی بود می‌خوانیم در عصر جاهلیت با بسیاری از عادات زشت آنها مبارزه می‌کرد تا آنجا که ۳۶۰ دختر را از پدرانشان خرید و از مرگ نجات داد، و حتی در یک مورد برای نجات نوزاد دختری که پدرش تصمیم بر قتل او داشت، مرکب سواری خود، و دو شتر، به پدر آن دختر داد. پیامبر (ص) فرمود: کار بسیار بزرگی انجام دادی و پاداش تو نزد خدا محفوظ است!<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

**فرستنده: پیامبر(البته در جایگاه پس فرست)**

گیرنده: صعصعة بن ناجیه.

پیام: عاطفی: ابراز خورسندی، گفتاری: کار بسیار بزرگی انجام دادی و پاداش تو نزد خدا محفوظ است.

رمزها: کلمات به کار رفته در گفتار پیامبر و حالاتشان که نشان گر رضایتشان بوده است.

کانال: رفتاری عاطفی، گفتاری.

نگرش‌ها: رحمت للعالمین بودن پیامبراسلام(ص).

هدف پیامبر از ارتباط: تشویق این فرد و جامعه به رفتار انسانی، اخلاقی و دینی، تربیت توحیدی.

منبع پیام: عاطفی(رضایت مندی، تشویق)، مهر ورزی، توحید، دین اسلام.

در حدیثی از پیامبراسلام(ص) می‌خوانیم: «کسی که بازار می‌رود و تحفه‌ای برای خانواده خود می‌خرد همچون کسی است که می‌خواهد به نیازمندی کمک کند (همان پاداش را دارد) و هنگامی که می‌خواهد تحفه را تقسیم کند، نخست باید به دختر و بعد به پسران بدهد، چرا که هر کس دخترش را شاد و مسرور کند چنان است که گویی کسی از فرزندان اسماعیل (ع) را (از بردگی) آزاد کرده باشد»<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

<sup>۱</sup> رک همان نقل از أمالی المرتضی، ج ۲، ص: ۲۸۲، «قاموس الرجال»، ج ۵، صفحه ۱۲۵. شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج ۱۳، ص: ۱۷۵.

<sup>۲</sup> رک همان عنوان. «مکارم الاخلاق»، صفحه ۵۴.

## فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: مهرورزی (به فرزندان دختر همچون پسران)، توحید، توکل، دین و ...

گیرنده: یاران، جامعه (مرتبط با فرزندان دختر)

رمزها: حالات چهره، کلمات بکار رفته در گفتار، ترغیب و تشویق، تشبیه (هزینه کردن برای خانواده را به کمک به نیازمندان، و شاد کردن دخترش را به آزاد کردن یک فرزند اسماعیل از بردگی تشبیه کرده است).

پیام: هزینه کردن سرپرست برای خانواده و تقسیم عادلانه، شروع دادن هدیه از دختران

کانال‌ها: عاطفی (مقدم داشتن دختران بر پسران)، گفتاری (تشویق کردن، تشبیه کردن و بقیه جملات گفته شده)

نگرش‌ها: رحمت للعالمین بودن پیامبر، توحید، توکل

هدف‌ها: تشویق والدین و جامعه به رفتار انسانی، عاطفی، اخلاقی و دینی با دختر بچه‌ها، عدالت ورزی، تربیت توحیدی،

در حدیثی: «به پیامبر اسلام (ص) خبر دادند خدا به او دختری داده است، ناگهان نگاه به صورت یارانش کرد دید آثار ناخشنودی در آنها نمایان گشت! (گویی هنوز رسوبات افکار جاهلی از مغز آنها برچیده نشده) پیامبر (ص) فوراً فرمود: ما لکم؟ ریحانه اشما، و رزقها علی الله عز و جل! این چه حالتی است در شما می‌بینم؟! خداوند گلی به من داده آن را می‌بویم، و اگر غم روزی او را می‌خورید، روزیش با خدا است.»<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

## فرستنده: پیامبر اسلام (ص) (البته در جایگاه پس فرست)

منع پیام: مهرورزی (به فرزندان دختر همچون پسران)، توحید، توکل، دین و ...

گیرنده: یاران، جامعه (مرتبط با فرزندان دختر)

رمزها: سؤال، تعجب، مثال و تشبیه (دختر به گل)، توکل، حالات چهره، کلمات بکار رفته در گفتار

پیام: «این چه حالتی است در شما می‌بینم؟! خداوند گلی به من داده آن را می‌بویم، و اگر غم روزی او را می‌خورید، روزیش با خدا است»

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (تعجب، حالت سؤالی)، گفتاری (تشبیه کردن دختر به گل و بقیه جملات گفته

<sup>۱</sup> «وسائل الشیعه»، جلد ۱۵ صفحه ۱۰۲.

نگرش‌ها: رحمت للعالمین بودن پیامبر، توحید، توکل

هدف‌ها: تشویق این فراد و جامعه به رفتار انسان، اخلاقی و دینی با دختر بچه‌ها، تربیت توحیدی

#### ۲.۱.۱.۴. دوران کودکی پیامبر اسلام (ص)<sup>۱</sup>

در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با مادر رضایی چنین آمده است: «روزی که حلیمه می‌خواست محمد را همراه سایر فرزندان خود برای شبانی به صحرا بفرستد، گردن آویزی را برای حفظ او از چشم زخم به گردن وی آویخت، محمد از حلیمه پرسید: این چیست؟ به چه منظوری آن را بر گردن من می‌آویزی؟ حلیمه گفت: می‌خواهم تو را بوسیله این گردنبند از چشم زخم مردم محافظت کنم، محمد در عین کوچکی گردنبند را از گردن گشود و گفت: خداوند خالق من، مرا حفظ خواهد کرد و من احتیاجی به این گردنبند ندارم!<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص) (البته در جایگاه پس فرست) در کودکی

منع پیام: توحید، توکل، دین، افعال و حالات و ...

گیرنده: مادر رضائی پیامبر (ص) حلیمه سعیدیه.

رمزها: سؤال، تعجب، توکل، حالات چهره، کلمات بکار رفته در گفتار.

پیام: «این چیست؟ به چه منظوری آن را بر گردن من می‌آویزی؟»، «محمد در عین کوچکی گردنبند را از گردن گشود» و «خداوند خالق من، مرا حفظ خواهد کرد و من احتیاجی به این گردنبند ندارم!».

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (تعجب، حالت سؤالی)، گفتاری (جملات گفته شده)، رفتاری (گشودن گردنبند از خودش).

نگرش‌ها: توحید، توکل.

هدف‌ها: تربیت توحیدی مادر رضائیش و جامعه، آموزش توکل، مبارزه با خرافه و ...

در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با پرستارش فاطمه بنت اسد چنین آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در کودکی همه روزه با همسال‌های خود از قبیل ابوسفیان که عموزاده آن حضرت بود و ابو سلمه و مشروح بن نویبه نزد آن درخت می‌آمدند و آنچه را که از آن خرما بوسیله وزیدن باد و متقار زدن پرندگان ریخته بود جمع می‌کردند. فاطمه بنت اسد نمی‌دید که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در جمع کردن خرما نارس و رسیده بهمسال‌های خود سبقت بگیرد ولی کودکان دیگر برای جمع

<sup>۱</sup> رک ص ۶۰ با عنوان ۳. ۱. ۱. دوران کودکی پیامبر اسلام (ص).

<sup>۲</sup> جزائری، نعمت الله بن عبد الله، «قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)»؛ ص ۶۶۶.

کردن خرما بر یکدیگر پیشدستی می‌کردند، اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین آنان با سکون و وقار و تواضع و تبسم حرکت می‌کرد، از حرص و عجله کودکان دیگر تعجب می‌نمود! ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله چنانچه بعد از رفقایش چیزی از خرما می‌افتاد آن را بر می‌گرفت و اگر نبود با صورت باز و انبساط و خوش‌روئی تمام برمی‌گشت. فاطمه بنت اسد از کثرت حیاء، نیکوکاری، دل‌نازکی، سرعت اشک و دل‌رحمی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تعجب می‌کرد! گاهی می‌شد که فاطمه بنت اسد قبل از آمدن کودکان برای آن حضرت خرما جمع می‌کرد، موقعی که آن بزرگوار می‌آمد خرماها را به او تقدیم می‌نمود ولی آن برگزیده خدا دوست داشت که خرماها را با کودکان دیگر بخورد<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبراسلام (ص) (البته در جایگاه پس فرست)

منع پیام: مهرورزی (به کودکان)، توحید، توکل، حیاء، نیکوکاری، دل‌نازکی، سرعت اشک و دل‌رحمی، شکم‌باره نبودن، افعال و دین و ... .

گیرنده: جامعه، پرستار کودکی.

رمزها: سکون، وقار، تواضع، تبسم، تعجب، توکل، حالات چهره، صورت باز و انبساط و خوش‌روئی، مسابقه ندادن در شکم‌بارگی، شکم‌باره نبودن.

پیام: رفتارها، عواطف و حالات بیان شده.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (تعجب، حالت سؤالی)، گفتاری (تشبیه کردن دختر به گل و بقیه جملات گفته شده).

نگرش‌ها: رحمت للعالمین بودن پیامبر، توحید، توکل، حیاء، نیکوکاری، دل‌رحمی.

هدف‌ها: تشویق افراد و جامعه به رفتار انسان، اخلاقی و دینی با بچه‌ها، تربیت توحیدی.

ذیل عنوان کودکی پیامبر(ص) در فصل سوّم با عنوان چوپانی چنین آمده است:<sup>۲</sup> از حضرت محمد(ص) در این باره نقل شده: می‌فرماید: «خداوند موسی را مبعوث فرمود، درحالی‌که گوسفندچرانی می‌کرد، داود را مبعوث فرمود و او هم چوپان بود و من هم هنگامی که به پیامبری مبعوث شدم، چوپان گوسفندان خانواده خود، در اجیاد بودم.» «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، مگر این‌که چوپان گوسفندان بوده‌است.» از ایشان سؤال شد که آیا شما نیز شبانی کرده‌اید؟ فرمود: «آری! من مدتی شبان گوسفندان اهل مکه در (سرزمین) قراربط بوده‌ام.» وی همچنین از شبانی گوسفندان خانواده خود در «اجیاد» یاد می‌کند.<sup>۳</sup> این فراز برای این آمد تا پیام آن، درباره کودکان بررسی شود، پیامی که دارد برای کودکان این است که هم‌چون پیامبرشان که در کودکی اشتغال و مسئولیت پذیری داشته، کودکان هم در حدّ وسعشان اشتغال و مسئولیت پذیر شوند، البته در شرائط و امکاناتی که بزرگترها در اختیارشان قرار داده‌اند. برای بزرگترها نیز این پیام را دارد، در حدّ وسعشان به فرزندان‌شان مسئولیت داده و زمینه اشتغال آنها در جامعه را کم‌کم فراهم کنند. جدول اجزای ارتباطی این فراز این چنین است:

<sup>۱</sup> رک ص ۶۲ با عنوان ۳. ۱. ۱. دوران کودکی پیامبراسلام(ص)، گذشت نسبت به کودکان.

<sup>۲</sup> رک ص ۶۲.

<sup>۳</sup> رک ص ۶۳ با عنوان ۳. ۱. ۱. دوران کودکی پیامبراسلام(ص)، شبانی.



فرستنده: پیامبراسلام (ص)

منع پیام: توحید، توکل، تلاش، افعال و دین و ...

گیرنده: جامعه، کودک، مربیان کودک

رمزها: فعل(چوپانی)، گفتار(کلمات به کاررفته در کلام ایشان)

پیام: برای کودکان این است که همچون پیامبرشان که در کودکی اشتغال و مسئولیت پذیری داشته، کودکان هم در حد وسعشان اشتغال و مسئولیت پذیر شوند، البته در شرائط و امکاناتی که بزرگترها در اختیارشان قرار داده‌اند. برای بزرگترها و جامعه، نیز این پیام را دارد، در حد وسعشان به فرزندان مسئولیت داده و زمینه اشتغال آنها در جامعه را کم‌کم فراهم کنند.

کانال‌ها: رفتاری (چوپانی کردن)، گفتاری(جملاتی که در وصف چوپانی خودشان و پیامبران فرموده‌اند)

نگرش‌ها: توحید(دوری از محیط شرک آلود مکه)، تربیت دینی، مسئولیت پذیری، شخصیت دادن به کودکان

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان و فراهم کردن زمینه آموزش، اشتغال و مسئولیت‌پذیری آنها، تربیت توحیدی، زرنگ(فعال) بار آوردن کودکان.

در قسمتی از متن تعریف دشمن از صفات کودکی او چنین آمده است: «سال بعد از صلح حدیبیه پیامبر همراه با مسلمانان مدینه برای زیارت کعبه رهسپار مکه شدند. چند نفر از قریش با دیدن اسبان و سلاح‌های مسلمانان شتابان خود را به مکه رساندند و سران قریش را از این امر مطلع کردند. قریش بی‌درنگ مکرز بن حفص را همراه تنی چند نزد پیامبر فرستادند و گفتند: ای محمد به خدا سوگند هیچ‌گاه، نه در دوران کودکی و نه در دوران بزرگی به حيله معروف نبودی، با سلاح وارد حرم و قوم خود می‌شوی و حال آنکه شرط کرده بودی که جز با سلاح مسافر داخل نشوی و شمشیرها نیز در غلاف باشد. پیامبر فرمود: «ما وارد مکه نخواهیم شد مگر به همان گونه». آنگاه قریش مکه را خالی گذاشتند و به کوه‌ها رفتند و گفتند به محمد و یارانش نگاه هم نخواهیم کرد. رسول خدا در حالی که بر شتر قسوا سوار بود و مسلمانان شمشیر بسته اطراف آن حضرت را گرفته بودند وارد مکه شد. سواره طواف کرد و با عصای خود حجر الاسود را استلام نمود، مسلمانان هم همراه آن حضرت طواف کردند». اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبراسلام (ص)

منع پیام: باورها: توحید، توکل، صداقت، عدم حيله گری و ... افعال و رفتار پیامبر از ابتدا تا زمان

فتح مکه

گیرنده: جامعه، دشمنان

رمزها: افعال پیامبر و گفتارشان(کلمات به کاررفته در کلام ایشان) که دلالت بر صداقت و عدم

حيله گری ایشان داشته است.

<sup>۱</sup> رک ص ۶۲ با عنوان ۳. ۱. ۱. دوران کودکی پیامبراسلام(ص).

پیام: محتوای پیام رفتاری ایشان از کودکی تا بزرگسالی این بوده است: من صداقت داشته و دارم و حيله گر نیستم، شما هم، صداقت داشته باشید و مکر و حيله گری نکنید.

کانال‌ها: رفتارها و گفتارهای صادقانه و خالی از حيله گری؛

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، همواره دوری کردن از حيله گری حتی در محیط شرک آلود مکه و حتی با دشمن.

هدف‌ها: تشویق جامعه به صداقت، عدم حيله گری و ... ، تربیت توحیدی.

#### ۳.۱.۱.۴. برخورد با کودکان<sup>۱</sup>:

ذیل عنوان «سنت‌های پیامبر اسلام(ص) درباره کودک» در فصل سوم چنین آمده است: «هفت چیز در باره کودکی که تازه متولد شده از سنت (سنت پیامبر اسلام (ص) ) است: اول: نامگذاری؛ دوم: تراشیدن موی سر کودک؛ سوم: به سنگینی موه‌های سرش نقره و یا طلا صدقه دادن(البته در صورت تمکن مالی)؛ چهارم: برای او عقیقه کردن؛ پنجم: زعفران مالیدن به سر کودک ؛ ششم: ختنه کردن کودک؛ هفتم: اطعام نمودن همسایگان از عقیقه<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است: فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، سنت پیامبر (ص)، آداب دینی (اسلام) درباره کودکان، و ...

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک

رمزها: فعل(افعال نامبرده شده: نامگذاری، تراشیدن موی سر کودک، صدقه دادن طلا و یا نقره به سنگینی موه‌های سر نوزاد، عقیقه کردن، زعفران مالیدن به سر کودک، ختنه کردن؛ اطعام نمودن همسایگان از عقیقه) گفتار(کلمات به کاررفته در کلام ایشان در باره‌ی این افعال)

پیام: پیام برای والدین: برای کودکان این سنت‌ها (بیان شده در روایت) را انجام دهید.

پیام برای جامعه: نسبت به نیازهای جسمی، عاطفی و شخصیتی کودکان وظیفه دارید. این‌ها از سنت‌های پیامبر اسلام (ص) است، شرایط انجام سنت‌های ایشان را در جامعه پدید آورده و آن را جزء آداب و رسوم اجتماعی (سنت‌های اجتماعی) در آورید.

کانال‌ها: رفتاری (انجام امور بیان شده توسط پیامبر(ص) یا دستور انجام آن)، گفتاری(جملاتی که حضرت درباره‌ی این سنت‌ها فرموده‌اند)

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، مسئولیت پذیری والدین و جامعه نسبت به کودکان، شخصیت دادن و

<sup>۱</sup> رک ص ۶۳ با عنوان ۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان ، ذیل عنوان سنت‌های پیامبر اسلام(ص) درباره کودک.

<sup>۲</sup> سنن النبی (طباطبایی، اسلامیه)، ص: ۱۵۵ و ۱۵۶.

مهرورزی به کودکان، تبیین آداب اسلامی، ایجاد سنت‌های اجتماعی اسلامی درباره کودکان.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان و فراهم کردن زمینه آموزش سنت‌های پیامبر(ص) به والدین در جامعه و مسئولیت‌پذیری آنها، تربیت توحیدی، داشتن آثار ظاهری اسلامی کودکان، برطرف شدن نیازهای جسمی، عاطفی و اجتماعی کودکان (مثلاً توجه به نظافت و آرایش کودک)

در قسمت دیگر این متن چنین آمد: «آن حضرت کوزه‌ای سفالی داشت که با آن وضو می‌ساخت و از آن آب میل می‌کرد. و مردم برای تبرک، کودکان خود را می‌فرستادند و داخل منزل حضرت می‌شدند. بدون این‌که کسی از آنان ممانعت کند، آن کودکان آن کوزه آب را پیدا می‌کردند، و می‌آشامیدند و به صورت و بدن خود برای تبرک می‌مالیدند»<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص) و ...

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک، کودک

رمزها: فعل (افعال نامبرده شده پیامبر (ص): وضو، آب میل نمودن از کوزه)؛ تقریر پیامبر(ص) (جلوگیری نکردن از ورود کودکان به منزل پیامبر(ص))، اجازه استفاده کردن از وسایلشان به کودکان)؛ گفتار (کلمات به کاررفته در کلام ایشان در باره‌ی این افعال)

پیام: پیام برای والدین: نسبت کودکانان این چنین (مثل پیامبر(ص) بیان شده در روایت) رفتار کنید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیت داده با مهر و رفتار کنید. از تقریر: کودکانان را به سوی پیامبران الهی بفرستید.

کانال‌ها: رفتاری (انجام امور بیان شده توسط پیامبر(ص))؛ تقریر (سکوت پیامبر(ص) نسبت به کارهایی که در منظرشان انجام شده است)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت درباره‌ی این سنت‌ها فرموده‌اند).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، شخصیت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب اسلامی درباره کودکان.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان، تربیت توحیدی

ذیل عنوان کودکی علی بن ابی طالب (ع) در محضر پیامبر اسلام(ص)<sup>۲</sup> آمده است: «علی علیه السلام در موقعی متولد شد که سی سال از عمر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشته بود، پیغمبر خدا علی را زیاد دوست می‌داشت به طوری که بفاطمه بنت اسد می‌فرمود: ای مادر گهواره علی علیه السلام را نزد رختخواب من قرار بده، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شخصاً متصدی پرورش و تربیت علی می‌شد، در موقع شیرخوارگی علی علیه السلام شیر را در حلق آن حضرت می‌ریخت، در موقع خواب علی گهواره

<sup>۱</sup> طباطبایی، محمد حسین، «سنن النبی صلی الله علیه و آله (بوستان کتاب)، ۱ جلد، قم، چاپ: اول، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

<sup>۲</sup> رک ص ۶۴ با عنوان ۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان، ذیل کودکی علی بن ابی طالب (ع) در محضر پیامبر اسلام(ص).

جنبان علی بود، در وقت بیداری با علی هم سخن می‌شد و آن بزرگوار را گاهی بسینه و گاهی بدوش خود حمل و نقل می‌فرمود. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله علی را گردش به کوه‌های مکه، شکاف کوه‌ها، رودبارها و جاده‌ها می‌برد.<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص)، توجّه به نیازهای کودک، جبران زحمات عمویش ابوطالب و همسر عمویش و ...  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک، علی (ع) در کودکی.

رمزها: فعلی (افعال انجام شده پیامبر (ص)): شخصا متصدی پرورش و تربیت شدن، نوشاندن شیر به نوزاد، گهواره جنبانی در موقع خواب کودک، چسباندن کودک بسینه‌ی خود، حمل و نقل کودک بدوش خود، گردش و تفریح بردن کودک در طبیعت، بردن کودک به ورزش پیاده‌روی و کوه‌نوردی. گفتاری (کلماتی که در هم سخنی با کودک بکار بردند)

پیام: پیام برای والدین: نسبت کودکانان این چنین (مثل پیامبر (ص) بیان شده در روایت) رفتار کنید و به رفع نیازهایش توجه نمائید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیت داده با مهر ورزی رفتار کنید. و کودکانان را به سوی پیامبران الهی بفرستید.  
کانال‌ها: رفتاری عاطفی (انجام امور بیان شده توسط پیامبر (ص))؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان با کودک و مادر کودک فرموده‌اند).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، کمک آبرو مندانه به نیازمندان با شخصیت (دارای مقام و موقعیت اجتماعی)، شخصیت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان، تربیت توحیدی، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری

درباره‌ی پرورش دادن پیامبر اسلام (ص) از خود علی (ع) نیز گزارشاتی رسیده است: «من از عموم مسلمانان با هیچ کس بطور خصوصی نه انسی داشتم و نه مورد اعتماد بود و نه مستقیماً هم‌رازم بود و نه نزدیکش می‌رفتم جز رسول خدا که از کودکی مرا در دامن خود پروراند و در دورانی که بزرگ شدم مرا منزل و مأوا داد و مصارف مرا متحمل گردید و از یتیمی نجاتم بخشید با وجود حضرتش من از اینکه پی‌کاری گیرم و یا کسبی نمایم بی‌نیاز بودم هزینه زندگی خودم و اولادم بعهده آن حضرت بود و همچنین فرموده است: رسول خدا مرا در کودکی از دامن پدرم برگرفت و من شریک نان و آب آن حضرت و مونس و هم صحبتش بودم»<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

<sup>۱</sup> مسعودی، علی بن حسین، «ترجمه إثبات الوصیة» ص ۲۵۶.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه فهری، ج ۲، ص ۴۲۱.

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص)، توجه به نیازهای کودک، جبران زحمات عمویش ابوالب و همسر عمویش و ...  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (اجزاء تشکیل دهنده‌ی افعال انجام‌شده توسط پیامبر (ص): شخصا متصدی پرورش و تربیت شدن، تغذیه کودک، مونس و هم‌صحبتی با کودک، امتداد پرورش و تربیت و رفع نیاز کودک تا سرو سامان یافتنش) گفتاری (کلماتی که در هم سخنی با کودک بکار بردند)  
پیام: پیام برای والدین و مربیان: نسبت کودکانان این چنین (مثل پیامبر (ص) بیان شده در روایت) رفتار کنید و به رفع نیازهایش توجه نمائید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیت داده با مهر ورزی رفتار کنید. و کودکانان را به سوی پیامبران الهی بفرستید.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص): شخصا متصدی پرورش و تربیت کودک شدن، تغذیه کودک، مونس و هم‌صحبتی با کودک، امتداد پرورش و تربیت و رفع نیاز کودک تا سرو سامان یافتنش)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان با کودک فرموده‌اند).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، کمک آبرومندان به نیازمندان با شخصیت (دارای مقام و موقعیت اجتماعی)، شخصیت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان، تربیت توحیدی، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، سروسامان بخشیدن به متربی.

ذیل عنوان کودکی فاطمه (س)<sup>۱</sup> آمده است: «در قسمتی دیگر از این متن، بررسی روایاتی که مربوط به ارتباط پیامبر اسلام (ص) با دخترش فاطمه (س) در کودکی آمده است: یک نمونه: امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام (در حال که کودک بود) نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد ایشان در چهره دخترش آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشاند - معلوم می‌شود که حضرت فاطمه علیها السلام در سنین کودکی بوده است - پس فاطمه گفت: ای پدر! من گرسنه‌ام. پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن.<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

<sup>۱</sup> رک ص ۶۴ با عنوان ۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان، کودکی فاطمه (س).

<sup>۲</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی ص ۳۷۰.

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیّت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص)، توجه به نیازهای کودک، دعا برای کودک، هم‌دردی کردن با کودک، توجه نمودن به کودک، گوش دادن به سخنان کودک و پاسخ مناسب دادن و ...

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (افعال انجام شده پیامبر (ص): شخصا متصدی پرورش و تربیت شدن، استقبال از کودک با اشاره کردن به زانوی راستش، نشان دادن کودک بر زانویش، بلند کردن دست‌ها برای دعا، لحن مهربانی در گفتار.)  
گفتاری (کلماتی که در هم سخنی با کودک بکار بردند: دخترم، اینجا (روی زانویش) بنشین.)

پیام: پیام برای والدین: نسبت کودکان با مهرورزی و صبوری رفتار کنید و به رفع نیازهایش توجه نموده برای رفع آن تلاش و دعا کنید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیّت داده با مهر و ورزی رفتار کنید. و شرایط و زمینه‌های اجتماعی مناسبی (مطابق با آموزه‌های اسلامی) برای رفع نیازهای زیستی (فیزیولوژی) و عاطفی کودکان، و بالندگی و شکوفایی آنها فراهم کنید.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص) با دقت نگاه کردن، توجه کردن به کودک، دعوت کردن از کودک به نشستن، جا باز کردن برای نشستن در آغوش، با دقت، گوش کردن به حرف کودک، تأمل کردن در پاسخ مناسب دادن به کودک، دست به دعا برداشتن و دعا کردن برای کودک)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان با کودک فرموده‌اند: دخترم! اینجا بنشین، دعا) حالات ایشان در برخورد با کودک (با دقت نگاه کردن با روی باز به کودک، دست‌ها را برای کودک آغوش کردن و...)

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، شخصیّت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی کودک، صبور کردن کودک با شرکت دادنش در سختی‌ها.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیّت دادن به کودکان، تربیت توحیدی، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، صبور بار آوردن کودکان.

در قسمتی از متن ذیل عنوان «برخورد با کودکان» (پسر خوانده)<sup>۱</sup> آمده است: «زید بن حارثه کنیه‌اش ابو اسامه است، وی اصلاً عرب است و در غارتی که در زمان جاهلیت رخ داد به سن هشت سالگی اسیر شد و خدیجه او را خریده و بشوهرش رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشید، و حضرت او را آزاد کرد و بفرزندی گرفت، و در زمان اسلام میان او و حمزه بن عبدالمطلب برادری انداخت، و در هنگامی که اسیر شده بود پدرش شراخیل سخت ناراحت بود، و بعد از اینکه خبر یافت خدیجه بنت خویلد او را خریده و بشوهرش محمد بخشیده است، با برادرش به مکه آمد و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدند و از آن حضرت درخواست کرد که فدیة بگیرد و او را آزاد کند، پیامبر در جواب ایشان فرمود: من او را آزاد می‌گذارم هر کجا که خود می‌خواهد برود و هر که را که

<sup>۱</sup> رک ص ۶۵ با عنوان ۳. ۱. ۲. برخورد با کودکان، ذیل عنوان پسر خوانده.

خود می‌خواهد اختیار کند، و سپس او را طلبید و فرمود اینان را می‌شناسی؟ زید گفت: آری این پدر من است و آن دیگر عمویم، حضرت فرمود: از میان ما سه تن هر که را می‌خواهی اختیار کن، زید گفت: من جز تو را نمی‌خواهم! فرمود: آیا برده بودن را بر آزادی و پدر و عمویت ترجیح می‌دهی؟ گفت: آری، و به پدر و عمویش گفت: من از این مرد چیزی دیده‌ام که ممکن نیست کسی را بر او ترجیح دهم! پدر و عمویش مأیوس شدند. و پس از آن رسول خدا زید را به حجر اسماعیل برده و فرمود: ای حاضران! بشما اعلام می‌کنم که زید پسر خوانده من شد و از من ارث می‌برد و من نیز از وی ارث می‌برم.<sup>۱</sup> و چون پدر و عموی زید این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند خوشحال گشته و رفتند. اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص)، توجه به نیازهای کودک، یتیم‌نوازی، آزاد کردن بردگان، خواندن صیغه برادری و ...  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (افعال انجام شده پیامبر (ص): آزاد کردن کودک از بردگی، شخصا متصدی پرورش و تربیت شدن، حق انتخاب به کودک دادن، نگرفتن مبلغ کودک برده، اعلام نمودن برده‌ی آزاد شده به عنوان پسرخوانده مطابق رسم جامعه، گرفتن دست کودک، ایجاد برادری). گفتاری (کلماتی که در هم سخنی با کودک بکار بردند)

پیام: پیام برای والدین: نسبت کودکان این چنین رفتار کنید (مثل پیامبر (ص) بیان شده در روایت که فرزندان ما را بیار دوست داشته و خواستار شما باشند) و به رفع نیازهایش توجه نمائید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیت داده با مهر ورزی رفتار کنید. و کودکانتان را به سوی پیامبران الهی بفرستید. تربیت صحیح دینی نه تنها بچه‌ها را آزرده خاطر نمی‌کند، بلکه آنها را عاشق مربی کرده تا جائی که حاضر نیست از مربی جدا گردد. از طرفی او را لوس و خودخواه بار نمی‌آورد.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص)، گرفتن دست کودک، او را در جمع به خود نسبت دادن و مورد تشویق قرار دادن، به او وعده‌ی یاری دادن (مثل ارث بری))؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان با کودک و دیگران درباره‌ی کودک فرموده‌اند: من او را آزاد می‌گذارم هر کجا که خود می‌خواهد برود و هر که را که خود می‌خواهد اختیار کند، و سپس او را طلبید و فرمود اینان را می‌شناسی؟ زید گفت: آری این پدر من است و آن دیگر عمویم، حضرت فرمود: از میان ما سه تن هر که را می‌خواهی اختیار کن، زید گفت: من جز تو را نمی‌خواهم! فرمود: آیا برده بودن را بر آزادی و پدر و عمویت ترجیح می‌دهی؟ گفت: آری، و به پدر و عمویش گفت: من از این مرد چیزی دیده‌ام که ممکن

<sup>۱</sup> البته بعد در مدینه آیه نازل شد و حکم پسر خوانده گی را برداشت و دستور داد هرکس را به نام پدر واقعیش نسبت دهند.

<sup>۲</sup> شهید ثانی، زین الدین بن علی، «آرام بخش دل داغدیدگان» (ترجمه مُسکِن الفؤاد) - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۰ ش؛ ص ۲۴۶. به این مضمون نیز در «زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ص ۲۱۹.

نیست کسی را بر او ترجیح دهم! و پس از آن رسول خدا زید را به حجر اسماعیل برده و فرمود: ای حاضران! بشما اعلام می‌کنم که زید پسر خوانده من شد و از من ارث می‌برد و من نیز از وی ارث می‌برم).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، شخصیت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، صبوری متربی و صبور بار آوردن فرزندان از کودکی، آزادی و آزادگی انسان.

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان، تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، آزادی انسانها از اسارت استعمارگران و آزادگی و رهایی از بندگی غیر خدا (هوای نفس، شیطان و ...)

بازخورد (پس فرست): پیامبر در جواب ایشان فرمود: من او را آزاد می‌گذارم هر کجا که خود می‌خواهد برود و هر که را که خود می‌خواهد اختیار کند، و سپس او را طلبید و فرمود اینان را می‌شناسی؟ زید گفت: آری این پدر من است و آن دیگر عمویم، حضرت فرمود: از میان ما سه تن هر که را می‌خواهی اختیار کن، زید گفت: من جز تو را نمی‌خواهم! فرمود: آیا برده بودن را بر آزادی و پدر و عمومیت ترجیح می‌دهی؟ گفت: آری، پس از آن رسول خدا زید را به حجر اسماعیل برده و فرمود: ای حاضران! بشما اعلام می‌کنم که زید پسر خوانده من شد و از من ارث می‌برد و من نیز از وی ارث می‌برم. و چون پدر و عموی زید این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند خوشحال گشته و رفتند.

#### ۱.۱.۱.۴. نام گذاری نیکو<sup>۱</sup>:

نمونه‌هایی از سفارشات یا نواهی پیامبر اسلام (ص) در نام‌گذاری‌ها در روایات زیر مشاهده می‌شود:

«پیامبر اسلام (ص): بهترین نام‌ها عبدالله، عبدالرحمان و نام‌هایی است که دلالت بر بندگی خدا دارند.<sup>۲</sup> پیامبر اسلام (ص): هرکس صاحب چهار فرزند شود و یکی را به نام من (محمد) نامد، بر من جفا کرده است.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام (ص): به نام پیامبران نام گذاری کنید.<sup>۴</sup> پیامبر اسلام (ص): هیچ خانه‌ای نیست که نام محمد در آن باشد مگر آن که روزی آنها را بسیار کند. پس هرگاه آنان را محمد نامیدید، آنان را تزئید و دشنام ندهید.<sup>۵</sup> پیامبر اسلام (ص): کسی از پیامبر اسلام (ص) سؤال کرد: فرزندی برایم زاده شده است. او را چه بنامم؟ فرمود: «او را به محبوب‌ترین نام نزد من بنام، حمزه»<sup>۶</sup> عبد شمس را حضرت رسول صلی الله علیه و

<sup>۱</sup> رک ص ۶۶ با عنوان ۳. ۱. ۳. نام‌گذاری نیکو.

<sup>۲</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۹، از «النوادر راوندی» ص ۱۰۴، ح ۷۵؛ «بحار الانوار» ج ۱۰۴، ص ۱۳۰ ح ۲۱.

<sup>۳</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از «الکافی»، ج ۶، ص ۱۹، ح ۶، «تهذیب الاحکام» ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۳۳.

<sup>۴</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از «سنن ابی داود»، ج ۴، ص ۲۸۸، ح ۴۹۵۰، و «مسند ابی یعلی»، ج ۶، ص ۳۵۱ ح ۷۱۳۳.

<sup>۵</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۰ از «تنبيه الخواطر»، ج ۱، ص ۳۲، «نهج البلاغه ابن ابی الحدید»، ج ۱۹، ص ۳۶۶.

<sup>۶</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱ از «الکافی» ج ۶، ص ۱۹، ح ۹؛ تهذیب الاحکام: ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۴۹.



آله (نایسند شمرده و تغییر داده) عبد الله نام گذاشت<sup>۱</sup> فرزندان خود را قبل از ولادت نامگذاری کنید و اگر ندانید که پسر است یا دختر نامهایی بر آنان بگذارید که بر مرد و زن هر دو گفته می‌شود زیرا فرزندان که سقط شده‌اند چون روز قیامت شما را ملاقات کنند و نام گذاری‌شان نکرده باشید فرزند سقط شده بیدرش می‌گوید چرا مرا نام گذاری نکردی؟ با این‌که رسول خدا (ص) محسن را نام گذاشت، پیش از آن‌که زائیده شود.<sup>۲</sup> اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار و تقریر پیامبر (ص) درباره نام‌گذاری، توجه به نیازهای اجتماعی کودک، اسماء‌الله، اسامی پیامبران، نام‌هایی که دلالت بر بندگی خدا دارد، نام‌های زیبا و پر محتوا، نام حمزه، نام‌های مناسب برای وسائلش، حیواناتش، شهر و مکان‌ها، القاب و کنیه‌های زیبا نهی از نام‌های بد مثل بندگی بت‌ها و ...

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (افعال انجام شده پیامبر (ص): نام‌گذاری کودکان، تغییر نام کودکان به نام‌های زیبا، تغییر نام مکان‌ها و شهر، نام گذاری وسائلش، نام گذاری حیواناتش، دادن القاب و کنیه‌های زیبا به کودکان). گفتاری (کلماتی که درباره نام گذاری در جملات بکار بردند: نام‌ها، القاب، کنیه‌ها. سفارش به نام‌گذاری نیکو و معرفی مجموعه نام‌های نیکو)

پیام: پیام برای والدین: حقوق کودکان را بدانید و ادا کنید و علاوه بر نیازهای مادی به رفع نیازهای اجتماعی‌شان توجه نمائید و به او احترام گذاشته و شخصیت بدهید. برای فرزندان نام‌های نیکو (از مجموعه نام‌های سفارش شده‌ی پیامبر (ص)) بنهید و وسائل کودک را نیز (همچون پیامبر (ص)) نام‌گذاری کنید. به فرزندان القاب نیکو بدهید.

پیام برای جامعه: به کودکان شخصیت داده با احترام و ادب رفتار کنید. از پیامبر (ص) (جان‌شینانش یعنی علمای ربانی) بخواهید، کودکان را نام‌گذاری کنند. نام‌های سفارش شده‌ی پیامبر اسلام (ص) (اسماء‌الله، اسامی پیامبران، نام‌هایی که دلالت بر بندگی خدا دارد، نام‌های زیبا و پر محتوا، نام‌های افراد برجسته‌ی دینی مثل حمزه، نام‌های مناسب برای وسائلش، حیواناتش، شهر و مکان‌ها، القاب و کنیه‌های زیبا نهی از نام‌های بد مثل بندگی بت‌ها) را در جامعه رواج داده تا جایی که جزء آداب و رسوم جامعه شده و خلاف آن ممکن نباشد. نام‌گذاری وسائل شخصی سنت پیامبر (ص) است که باید رواج یابد چرا که از نظرتربیت دینی اهمیت داشته و اثرگذار است، به خصوص برای کودکان که نیازمند به رشد تخیلی هستند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص) درباره نام‌گذاری مربوط به کودکان: به آغوش کشیدن و نام‌گذاری کودک، دادن القاب زیبا به کودکان، نام‌گذاری کودک قبل از تولد (حتی سقط شده))؛

<sup>۱</sup> طبرسی، فضل بن حسن، «زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام»، ترجمه «إعلام الوری»، ص ۲۱۷.

<sup>۲</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۷۱.

گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره نام گذاری کودکان و دیگران فرموده‌اند، که رنگی شده است: نام او را و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه اجتماعی نیکویی قرار دهی و...).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، شخصیت دادن و مهرورزی به کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، با عزت نفس بار آوردن فرزندان از کودکی، و... .

هدف‌ها: تشویق جامعه به شخصیت دادن به کودکان، تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، آزادگی و رهایی از بندگی غیر خدا (بت‌ها)، حذف نام‌بت‌ها از جامعه، گسترش نام‌های زیبای الهی، گسترش فرهنگ بندگی پیامبران، اسوه قرار دادن پیامبران الهی و افرادی همچون حمزه به خصوص برای کودکان و... .

بازخورد (پس فرست): جواب‌های پیامبر(ص) به کسانی که از ایشان پرسش درباره نام می‌کردند، معرفی مجموعه نام‌های زیبا با محتوای دینی، تغییر نام‌های ناپسند، اجابت درخواست کسانی که از ایشان می‌خواستند، فرزندشان را نام نهند.

## ۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد<sup>۱</sup>

ابو رافع می‌گوید: هنگامی که امام حسن(ع) متولد شد رسول خدا بگوش وی اذان گفت. موقعی که امام حسین(ع) متولد شد، نیز همین عمل را انجام داد.<sup>۲</sup> از این دسته روایات می‌توان اثبات نمود که محور الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) بر اساس توحید است. در فرمایشات پیامبر اسلام(ص) آمده است: اثر گفتن اذان و اقامه در گوش بچه باعث محفوظ ماندن کودک از شر شیطان و جن زدگی است.<sup>۳</sup> اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام(ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر(ص) درباره اذان و اقامه در گوش کودک، اذان و اقامه، مبانی تربیت دینی  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی(رفتار انجام شده پیامبر(ص): به آغوش کشیدن نوزاد، نزدیک کردن دهان مبارک به گوش کودک و اذان و اقامه گفتن با لحنی نرم و دلنواز در گوش کودکان). گفتاری(کلماتی که پیامبر اسلام(ص) در اذان و اقامه گفتن، گوش نوزاد را نوازش می‌دهد، و کلماتی که ایشان درباره اذان و اقامه گفتن برای نوزاد در جملات بکار بردند)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار

<sup>۱</sup> رک ص ۶۸ با عنوان ۳. ۱. ۴. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد.

<sup>۲</sup> مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۵ و «قصص الأنبياء» (ترجمه قصص الأنبياء جزائری)؛ ص ۷۳۵ و ص ۷۴۹.

<sup>۳</sup> «حکمت نامه کودک»، ص ۶۵ از «الکافی»، ج ۶، ص ۲۴، ح ۶.

گیریم. در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپ اقامه بگوئید.

پیام برای جامعه: از پیامبر(ص)(جانشینانش یعنی علمای ربانی) بخواهید، در گوش کودکان اذان و اقامه بگویند. شرایط آموزش و انجام آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی تربیت فرزند را در اجتماع فراهم کنیم.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر(ص): به آغوش کشیدن و اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد)؛ گفتاری (متن اذان و اقامه و جملاتی که حضرت در کلامشان درباره اذان و اقامه گفتن برای نوزاد به دیگران فرموده‌اند، که رنگی شده است: اثر گفتن اذان و اقامه در گوش بچه باعث محفوظ ماندن کودک از شر شیطان و جن زدگی است. و...).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، آشنا کردن فرزندان از بدو تولد با کلمات توحیدی، و... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، آشنایی فرزندان با تربیت توحیدی (بندگی خدا) از بدو تولد، گسترش فرهنگ توحیدی از بدو تولد تا مرگ در جامعه و... .

بازخورد (پس فرست): اجابت درخواست کسانی که از پیامبر(ص) می‌خواستند، در گوش فرزندشان اذان و اقامه بگویند، در آغوش کشیدن نوزاد برای این امر.

#### ۴.۱.۱.۶. کام برداشتن<sup>۱</sup>

در قسمتی از روایت داستان ابوظلحه و پیامبر اسلام(ص) آمد: پیامبر سؤال کرد: چیزی دیگر با بچه است؟ ابو طلحه گفت: بلی مقداری خرما است. حضرت خرما را گرفت و دانه‌ای از آنها را جوید سپس آن را از دهن مبارک بیرون آورد و در دهان بچه گذاشت سپس او را حنک نمود و عبد الله نام نهاد. یکی از انصار گفت: من نه نفر از فرزندان همین عبد الله را دیدم که همه قاری قرآن بودند.<sup>۲</sup> از امیرمؤمنان علی (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: کام فرزندان را با خرما بردارید زیرا پیامبر(ص) با امام حسن و امام حسین (ع) چنین کرد.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام(ص): کام کودک با آب گرم برداشته می‌شود.<sup>۴</sup> اجزای ارتباطی این قسمت چنین است: فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره کام برداشتن کودک، کام برداشتن کودک، مبانی تربیت دینی  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص): به آغوش کشیدن نوزاد، نزدیک کردن دست مبارک به دهان نوزاد

<sup>۱</sup> رک ص ۶۸ با عنوان ۳. ۱. ۵. کام برداشتن.

<sup>۲</sup> شهید ثانی، زین الدین بن علی، «آرام بخش دل داغدیدگان» (ترجمه مُسکَن الفؤاد) - ص ۱۶۰..

<sup>۳</sup> «حکمت نامه کودک» ص ۶۶ از «جامع الاحادیث»، ص ۱۴۱.

<sup>۴</sup> همان.

و کام برداشتنش به نرمی). گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره کام برداشتن نوزاد در جملات بکار بردند)  
پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار  
گیریم. کام نوزاد را با خرما، تربت کربلا آب فرات، آب باران یا آب گرم بردارید.

پیام برای جامعه: از پیامبر (ص) (جانشینانش یعنی علمای ربانی) بخواهید، کام کودکان را بردارید. شرایط  
آموزش و انجام آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت فرزند را در اجتماع فراهم کنیم.

کانالها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص): به آغوش کشیدن و برداشتن کام نوزاد: حضرت  
خرما را گرفت و دانه‌ای از آنها را جوید سپس آن را از دهن مبارک بیرون آورد و در دهان بچه گذاشت سپس او را  
حنک نمود؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره برداشتن کام نوزاد به دیگران فرموده‌اند، مثل کام  
کودک با آب گرم برداشته می‌شود و...).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش  
اسلامی درباره کودکان، آشنا کردن فرزندان از بدو تولد با آداب توحیدی، قدرت بخشی به کودک در سایه‌ی معارف  
اسلامی و ...

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، آشنایی فرزندان با تربیت  
توحیدی (بندگی خدا) از بدو تولد، گسترش فرهنگ تغذیه اسلامی از بدو تولد تا مرگ در جامعه و ...

بازخورد (پس فرست): اجابت درخواست کسانی که از پیامبر (ص) می‌خواستند، کام فرزندشان را بردارد، در  
آغوش کشیدن نوزاد برای این امر، نرم کردن خرما و در دهان نوزاد کشیدن.

#### ۷.۱.۱.۴. عقیقه<sup>۱</sup>

نمونه‌ای از فرمایشات پیامبر اسلام (ص) در این باره این است: «عقیقه فرزند از پسر و دختر روز هفتم است، روز  
هفتم فرزند را نام گذاری کنند و سر وی را تراشند و مقابل موی او زر یا سیم صدقه دهند.<sup>۲</sup> بعد از میلاد فاطمه سلام الله علیها  
سوره کوثر نازل شد و فرمود: «فصل لربک و انحر». یعنی به پاس میلاد این عطیه الهی، نماز شکر بگزار و یک شتر قربانی  
تقدیم کن. رسول خدا این سنت را در میلاد فاطمه با تقدیم یک شتر پروار ماده، اجرا نمود و بعد در میلاد سبط اکبر امام  
حسن مجتبی و میلاد اصغر سیدالشهدا با عقیقه یک قوچ فربه سنت را ادامه داد.<sup>۳</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این  
چنین است:

#### فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیّت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره عقیقه برای کودک،

<sup>۱</sup> رک ص ۶۹، باعنوان ۳. ۶. ۱. عقیقه.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲؛ ص ۲۳۴.

<sup>۳</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، «گزیده کافی»، ج ۵، ص ۱۸۷. به همین مضمون در ترجمه «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲؛ ص ۵

عقیقه کردن، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص): عقیقه برای فاطمه و حسنین) گفتاری (کلماتی که پیامبر

اسلام (ص) درباره عقیقه کردن در جملاتشان بکار بردند)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار

گیرید. برای فرزندانان عقیقه کنید.

پیام برای جامعه: در تربیت کودکان به سنن پیامبر اسلام (ص) تمسک باید شود، و این مستلزم این است که

آداب اسلامی و سنن نبوی آموزش داده شود و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید.

کانالها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده توسط پیامبر (ص): عقیقه کردن برای کودک)؛ گفتاری (جملاتی که

حضرت در کلامشان درباره برداشتن کام نوزاد به دیگران فرموده‌اند، مثل کام کودک با آب گرم برداشته می‌شود

و...).

نگرشها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش

اسلامی درباره کودکان، صدقه دادن برای کودک و... .

هدفها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، قرارداد فرزندان در مسیر

تربیت توحیدی (بندگی خدا) از بدو تولد، گسترش فرهنگ انفاق از بدو تولد تا مرگ در جامعه و... .

بازخورد (پس فرست): اجابت امر پروردگار به پیامبر (ص): وانحر که برای فاطمه شتر عقیقه کردند.

#### ۸.۱.۱.۴ . ختنه<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام (ص) فرموده‌است: روز هفتم ولادت فرزندان خویش را ختنه کنید که بهتر باشد و زودتر گوشت آن روییده

گردد زیرا زمین تا چهل روز از بول ختنه نشده پلید گردد.<sup>۲</sup> مهمانی دادن، فقط در پنج مورد شایسته است: در جشن عروسی، و

در شادی تولد نوزاد، و در ختنه سوران، و در خرید منزل، و در بازگشت از سفر حج.<sup>۳</sup> اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

#### فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، ختنه کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی،

حیا

<sup>۱</sup> رک ص ۷۰، با عنوان ۳. ۱. ۷. ختنه.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۱۴۸.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، ج ۲، ص ۱۵۵.

گیرنده: جامعه، والدین کودک، مربیان کودک.

رمزها: گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام(ص) درباره ختنه کردن در جمالتشان بکار بردند)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید. فرزندان را ختنه کنید. حیا را در ختنه کردن کودکان رعایت نمائید.

پیام برای جامعه: در تربیت کودکان به سنن پیامبر اسلام(ص) تمسک باید شود، و این مستلزم این است که آداب اسلامی و سنن نبوی آموزش داده شود و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید. ختنه کردن جزء بهداشت فردی و اجتماعی است. رعایت حیا لازم است حتی در بحث آموزش‌های ضروری پزشکی و حتی درباره کودکان.

کانال‌ها: گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره عقیقه کردن فرموده‌اند، مثل: روز هفتم ولادت فرزندان خویش را ختنه کنید که بهتر باشد و زودتر گوشت آن روییده گردد زیرا زمین تا چهل روز از بول ختنه نشده پلید گردد ختنه کردن از سنت من و پیامبران پیش از من است مهمانی دادن، فقط در پنج مورد شایسته است: ... و در ختنه سوران و...). رفتاری: توجه داشتن به انجام صحیح آداب اسلامی و آموزش صحیح آن در خفا به مسئول آن، رعایت حیا حتی در مسائل ضروری (بهداشتی و پزشکی)

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رعایت بهداشت برای کودکان، داشتن نشانه مسلمانی از بدو تولد، رعایت حیا در حین آموزش و انجام اعمال حتی در امور ضروری پزشکی و ...

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، قراردادن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا) از بدو تولد، گسترش فرهنگ بهداشت از بدو تولد تا مرگ در جامعه، زنده کردن سنت پیامبران، نشانه‌ی مسلمانی در فرد از کودکی و ...

بازخورد (پس فرست): تأیید ختنه کردن و آموزش صحیح آن در خفا (برای رعایت حیا) به مسئول انجام آن.

#### ۹.۱.۱.۴. توجه به موقع به نیاز کودک<sup>۱</sup>

در روایت زیادی از علی(ع) گزارش توجه پیامبر اسلام(ص) به نیازهای دوران کودکی علی(ع) چنین آمده است: «پیامبر(ص) مرا در اتاق خویش می‌نشاند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می‌پویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، پیامبر(ص) هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتداء نمایم.

<sup>۱</sup> رک ص ۷۲ با عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک.

پیامبر (ص) چند ماه از سال را در غار حراء می‌گذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم، و کسی جز من او را نمی‌دید<sup>۱</sup> اجزای ارتباطی این قسمت این چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمّیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی، اولویت دادن به نیازهای کودکان در عبادات و رفتارها  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در برطرف کردن نیازهای کودک: کوتاه کردن نماز، نشان دادن کودک در اتاق خویش، در آغوش گرفتن کودک، خوابانیدنش در بستر، چسبانیدن بدنش به بدن کودک، بویاندن بوی پاکیزه خود به کودک، و گذاشتن لقمه لقمه غذای در دهان کودک، کودک را به دنبال خود بردن) گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره رفع کردن نیاز کودک در جمالتشان بکار بردند، مثل: عجله کردم چون صدای گریه کودکی را شنیدم و ترسیدم که بر پدر و مادرش سخت بگذرد).

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید.

پیام برای جامعه: در رفع نیازهای کودکان باید به سنن پیامبر اسلام (ص) تمسک شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیت» رفع نیاز کودک در آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین تربیت کودکان در جامعه، آموزش داده شود و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید.

کانالها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره رفع نیاز کودک توسط پیامبر (ص) کوتاه کردن نماز، نشان دادن کودک در اتاق خویش، در آغوش گرفتن کودک، خوابانیدنش در بستر، چسبانیدن بدنش به بدن کودک، بویاندن بوی پاکیزه خود به کودک، و گذاشتن لقمه لقمه غذای در دهان کودک، کودک را به دنبال خود بردن)؛ گفتاری (جمالتی که حضرت در کلامشان درباره چگونگی رفع کردن نیازهای کودک به دیگران فرموده‌اند، مثل: عجله کردم چون صدای گریه کودکی را شنیدم و ترسیدم که بر پدر و مادرش سخت بگذرد).

نگرشها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید و ...

هدفها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، قراردادن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا مرگ در جامعه و ...  
بازخورد (پس فرست): رفع نیازهای درخواست شده توسط کودک با مهرورزی و احترام به کودک، کوتاه کردن نماز بخاطر شنیدن گریه‌ی کودک. رفع نیازهایی از کودک که از حالات کودک بدان پی می‌برند قبل از

<sup>۱</sup> شریف الرضی، محمد بن حسین، «نهج البلاغه»، ترجمه دشتی، ص ۳۹۹.

#### ۱۰.۱.۱.۴ برطرف کردن تشنگی کودک<sup>۱</sup>

حلیه الأولیاء به نقل از انس: پیامبر خدا مهربان‌ترین فرد با مردم بود. به خدا سوگند، ابایی نداشت که در بامدادی سرد، برای برده‌ای یا کنیزی یا کودکی، آب بیاورد تا آن شخص دست و رویش را بشوید.<sup>۲</sup> از جمله مواردی که پیامبر اسلام (ص) حضرت حسنین را بر خود مقدم داشت این بود که حضرت علی می‌فرماید: مسلمانان دچار یک تشنگی شدیدی شدند. حضرت فاطمه اطهر حسنین را بحضور رسول خدا آورد و گفت: ایشان کودک می‌باشند و طاقت تشنگی ندارند پیغمبر خدا امام حسن را خواست و او را سیر آب کرد، این عمل را نیز با امام حسین علیه السلام انجام داد.<sup>۳</sup> پیامبر اسلام (ص) پای خود را زیر لحاف یا لباس کرد (و استراحت نمود) و امام حسن طلب آب کرد، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جای بر جست و پستان ناقه‌ای را که نزد ما امانت بود دوشید و شیر آن را در میان ظرف ریخت و به دست امام حسن داد. امام حسین برجست که آن ظرف شیر را از دست امام حسن بگیرد. ولی رسول اکرم (ص) نمی‌گذاشت.<sup>۴</sup> اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی، اولویت دادن به نیازهای کودکان نسبت بزرگسالان، رعایت نوبت، تواضع و فروتنی.

گیرنده: جامعه، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در برطرف کردن نیازهای کودک: آب دادن و مقدم داشتن کودک بر خودش، رعایت نوبت بین بچه‌ها در آب دادنشان)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید. بیشتر از این که شعار دهید اهل عمل باشید. (گزارش کاملاً از رفتارها بود و کلامی در این جا از حضرت نقل نشده است) نوبت را رعایت کنید. (از امام حسن شروع کرد و حسین که کوچکتر بود را پیش نیانداخت) از ظرفیت‌های موجود برای رفع نیازهایتان مطابق شرع استفاده کنید. (از شتری شیر دوشید که نزدشان برای استفاده امانت بود) در رفع نیازهای کودکان تعجل (معطل) نکنید. (حضرت سریع برخاستند و به دیگری نگفتند.)

پیام برای جامعه: در رفع نیازهای کودکان باید به سنن پیامبر اسلام (ص) تمسک شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیت» رفع نیاز کودک در آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین تربیت کودکان در جامعه، آموزش

۱۱ رک ص ۷۴ با عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک. با عنوان برطرف کردن تشنگی به کودک.

۲ «پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از نگاه قرآن و اهل بیت»، ص: ۲۲۵.

۳ «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۷.

۴ همان



داده شود و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید. عدالت را رعایت کنید. تواضع مسئولین در برابر زیر دستان و کودکان (دوشیدن شیر بادستانش) برآورده کردن نیاز کودکان (زیردستان) توسط حاکم جامعه (مسئولین) با امکانات موجود در اسرع زمان بدون دستور دادن و کاغذ بازی. حاکمان و مسئولین جامعه باید خود را خادم نیازمندان (کودکان، مردم و...) بدانند و در رفع نیازهای آنها در کمال سرعت، متواضع باشند. حاکمان و مسئولین نباید به خاطر اشتغالاتشان از انجام وظیفه در قبال فرزندان و خانواده‌هایشان کوتاهی کنند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره رفع نیاز کودک توسط پیامبر(ص) زبان در دهان کودکانش گذاشتن (این عمل فقط درباره حسنین در کودکی گذارش شده و اختصاص به ایشان داشته است)، بشخصه و سریع اقدام به رفع نیاز کودک کردند)؛

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید و... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، قراردادن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا مرگ در جامعه و... . بازخورد (پس فرست): رفع نیازهای درخواست شده توسط کودک با مهرورزی و احترام به کودک، کوتاه کردن نماز بخاطر شنیدن گریه‌ی کودک. رفع نیازهایی از کودک که از حالات کودک بدان پی می‌بردند قبل از درخواست او.

#### ۱۱.۱.۱.۴. پوشش کودک:<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و دید که حسنین آن لباسها را پوشیده‌اند. پیغمبر خدا ایشان را در برگرفت و بوسید.<sup>۲</sup> در بعضی کتب اصحاب از ام سلمه روایت می‌کند که گفت: من دیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک حله‌ای بحسین می‌پوشید که فرمود: من امروز که روز زینت است این لباس را به حسین می‌پوشانم، من حسین را دوست می‌دارم.<sup>۳</sup> یک روز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود. ناگاه حسنین علیهما السلام در حالی آمدند که پیراهن قرمز پوشیده بودند، آن پیراهن‌ها به پای ایشان می‌پیچید و بزمین می‌خوردند. پیغمبر اکرم اسلام از منبر فرود آمد و ایشان را برداشت و در مقابل خود جای داد.<sup>۴</sup> و در روایتی: آن دو هر یک لباس بلند از پشم و یا مو، بر تن داشتند و اثر مداد برلب‌های آنها بود.<sup>۵</sup> گویا این آرایش، کودکانه و مطابق با رسم عرب آن زمان بوده و نهی نکردن و سکوت پیامبر نشانه رضایت

<sup>۱</sup> ر ک ص ۷۵ با عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک، پوشش کودک.

<sup>۲</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) / ترجمه نجفی، ص ۳۲۲.

<sup>۳</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص ۲۹۹.

<sup>۴</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۸.

<sup>۵</sup> «آینه یقین» (ترجمه کشف یقین)، ص ۳۳۱.

اوست که در فقه از آن به عنوان «تقریر معصوم» مطرح است، یعنی عمل حرامی نیست. جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: مهرورزی، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، آداب و سنن اسلامی، توجه به نوع پوشش کودک، تواضع و فروتنی.

گیرنده: جامعه، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در برطرف کردن نیاز پوشش کودک: لباس پوشاندن به کودک با دست خودش، نگاه کردن و توجه به کودکی که لباس نو پوشیده و انتظار دیده شدن دارد و به آغوش کشیدن و بوسیدنش)؛ گفتاری (الفاظی که پیامبر اسلام (ص) درباره پوشش و لباس کودکان به کار برده است)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید. در لباس پوشیدن به خردسالان کمک کنید، اگر امکان دارد در اعیاد به کودکان لباس نو بپوشانید، وقتی کودکان و نوه‌هایتان لباس نو را برای اولین بار پوشیدند با دیده تحسین بنگرید آنها را در آغوش گرفته بوسید چون بچه‌ها نیاز به توجه و دیده شدن دارند. نسبت به نوع و جنس و رنگ لباس کودکان توجه کنید هم از نظر گرما و سرما (لباس پشمی، از مو و ...)، نرم بودن (از پر) پوشش کامل (بلند) رنگ‌های شاد مثل سفید و قرمز (از رنگ زرد برای نوزاد نهی نمودند). والدین در قبال فرزندانشان مسئولند به بهانه‌ی مشاغل زیاد و وقت ندارم نباید از توجه به کودکانشان دریغ کنند.

پیام برای جامعه: در پوشش و لباس کودکان باید به سنن پیامبر اسلام (ص) تمسک شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیت» آن را مطابق آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین اثرگذار فرهنگی در بخش تولید پوشاک و لباس و مسئولین مرتبت با تربیت کودکان در جامعه، آموزش داده شود، و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید. بنابر این تهیه کنندگان لباس و پوشاک کودک و زیورآلات (مسلم‌نات مرتبط با تولید یا وارد کنندگان لباس و پوشاک) باید به الگوی نبوی در این زمینه (جنس، نوع، رنگ، طرح و ...) تمسک کنند. قانون‌گذاران کشورهای اسلامی نیز باید قوانین مربوط به این حوزه را بر اساس الگوی پیامبر اسلام (ص) تصویب کنند و مجریان قانون بر این حوزه (تولید، واردات و پخش پوشاک و زیورآلات) نیز باید با داشتن آگاهی لازم بر اجرای قوانین نظارت کارآمد را مبذول دارند. اگر چنین نباشد والدین در زمینه تهیه پوشاک کودکان مطابق با الگوی پیامبر اسلام (ص) دچار مشکل خواهند شد. سازندگان برنامه‌های رسانه‌ای مثل فیلم سازان نیز باید خود را موظف بدانند تا تولیداتشان در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء تمایل بینندگان به پیروی از الگوی پیامبر اسلام (ص) در زمینه پوشاک تهیه کنند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره رفع نیاز پوشاک کودک توسط پیامبر (ص) لباس پوشاندن به

کودکانش (این عمل فقط درباره حسنین در کودکی گذارش شده ولی عمل اختصاص به ایشان نیست)، نسبت به لباس جدید کودک عکس‌العملشان این بود که به کودک با توجه نگاه کرده او را در آغوش کشیده و بوسیدند؛ نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت رسول خدا(ص) در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید و... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری با محبت، گسترش فرهنگ پوشش اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا بزرگسالی در جامعه و... .

بازخورد (پس فرست): رفع نیازهایی از کودک که از حالات کودک بدان پی می‌برند مثل نیاز به توجه و دیده شدن او، وقتی کودک لباس جدید پوشیده و خود را در معرض دید ایشان قرار دادند، کودک با این رفتار منتظر گرفتن بازخورد از ایشان است، پیامبر اسلام(ص) هم با نگاه تحسین آمیز و بوسیدن نیاز کودک را پاسخ گو بودند.

نکته: یک نیازی که در کودکان و زنان بیش از مردان احساس می‌شود، نیاز به «خوب دیده شدن» است. کودکان به طرق مختلف سعی می‌کنند، نظر دیگران (والدین، مربی، سرپرست و حتی هم‌سالان) را به خود جلب کنند این نیاز در اواخر کودکی و اوائل نوجوانی به اوج خود می‌رسد، لذا چیزهایی که در این زمینه مؤثر است در نظر کودک اهمیت فراوانی می‌یابد، ظاهر و پوشش یکی از مؤثرترین در این زمینه در نظر کودکان و زنان است، تا جایی که اکثراً کودک از ظاهر و پوشش دیگران در باره‌ی آنها قضاوت می‌کند. و خیال می‌کنند دیگران هم مثل آنها فکر می‌کنند، یعنی مهمترین مبنای قضاوت را همین ظاهر قلمداد می‌کنند، پس بزرگسالان باید به این نکته در ارتباط با کودک توجه کنند. این مسأله در عزت نفس یافتن کودک هم بسیار اهمیت دارد. که در عنوان خودش خواهد آمد.

#### ۱۲.۱.۱.۴. تغذیه کودک<sup>۱</sup>

قسم اول: سفارشات مستقیم مربوط به خوراک و اطعام کودک<sup>۲</sup>

روایت است از رسول خدا صلی الله علیه و آله که نهی کرد کودک گل یا زغال بخورد و فرمود: هر که گل خورد شریک مرگ خود است، هر که آن را بخورد و بمیرد بر او نماز نخوانند، گل خوردن مایه دورویی است.<sup>۳</sup>

روزی فاطمه علیها السلام در سنین کودکی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پیامبر در چهره او آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشانید پس فاطمه گفت:

۱ رک ص ۷۷ با عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک، تغذیه کودک.

۲ رک ص ۷۷.

۳ «آسمان و جهان» (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴)؛ ج ۶؛ ص ۲۱۵.

ای پدر! من گرسنه‌ام. پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن.<sup>۱</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: مهرورزی، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، آداب و سنن اسلامی، توجه به نوع و چگونگی خوراک کودک، رعایت بهداشت، تواضع و فروتنی.

گیرنده: سرپرست و والدین کودک، جامعه، مسئولین تهیه مواد غذایی و غذا (قانون گذار، تولید کننده، وارد کننده و پخش کننده)، کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در باره تغذیه کودک: خوراکی دادن (خرما، لقمه غذا و ...) به کودک با دست خودش و دوشیدن شیر، تهیه غذا برای کودک، واسطه شدن برای تهیه غذا برای کودک، به آغوش کشیدن و بوسیدن کودک هم‌زمان با تغذیه؛ گفتاری (الفاظی که پیامبر اسلام (ص) درباره تغذیه کودکان به کار برده است، مثل: کودک گل و زغال نخورد)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان به کار گیرید. در غذا دادن به خردسالان دقت کنید، اگر امکان دارد در هنگام غذا خوردن کودکان و نوه‌هایتان با آنها همراه شوید و با دیده تحسین بنگرید آنها را در آغوش گرفته ببوسید چون بچه‌ها نیاز به توجه و دیده شدن دارند. نسبت به حلال بودن، سالم بودن، نوع و زمان غذای کودکان توجه کنید. والدین در قبال تغذیه فرزندانشان مسئولند و روز قیامت در این باره بازخواست خواهند شد.

پیام برای جامعه: در تغذیه کودکان باید بسیار دقت شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیت» آن را مطابق آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین در بخش تولید، واردات و توزیع مواد غذایی، آموزش داده شود، و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید. قانون گذاران کشورهای اسلامی نیز باید قوانین مربوط به این حوزه را بر اساس الگوی پیامبر اسلام (ص) تصویب کنند و مجریان قانون بر این حوزه نیز باید با داشتن آگاهی لازم بر اجرای قوانین نظارت کارآمد را مبذول دارند. سازندگان برنامه‌های رسانه ای مثل فیلم سازان نیز باید مواظب باشند تا تولیداتشان در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء تمایل بینندگان به پیروی از الگوی پیامبر اسلام (ص) در زمینه تغذیه باشد و از تبلیغات مواد غذایی مصنوعی مضر و غیر اسلامی پرهیز نمایند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره تغذیه ی کودک توسط پیامبر اسلام (ص) مثل لقمه گذاشتن در دهان کودک، خرما دادن و هم غذا شدن با کودک (در روایات مربوط به دوران کودکی امام علی (ع) نقل شده است) جلوگیری از خوردن غذای حرام (پیامبرخرمای صدقه را از دهان امام حسن بیرون کشیدند) فرمایشات پیامبر اسلام (ص) درباره تغذیه کودک (مثلاً فرمودند: ما آل محمد صدقه نمی‌خوریم)

<sup>۱</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» ( ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه روحانی، ص ۳۷۰.

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت رسول خدا(ص) در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید، تغذیه حلال، سالم، باندازه، و بموقع کودک و... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری با محبت، گسترش فرهنگ تغذیه‌ی اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا بزرگسالی در جامعه و... .

بازخورد (پس فرست): رفع نیازهایی از کودک توسط پیامبر اسلام(ص) که از حالات کودک بدان پی می‌بردند مثل گرسنگی فاطمه در کودکی، که او را به آغوش کشیده و برایش دعا کردند.

### قسم دوم: شیرخوارگی<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ شیری از شیر مادر برای نوزاد بهتر نخواهد بود.<sup>۲</sup> پیامبر (ص) مکرر می‌گفت: شیر زنا کار به کودکان خود مدهید، و شیر زن دیوانه، چون شیر بیماری مادر را به کودک منتقل می‌سازد<sup>۳</sup> در جای دیگر فرمودند: ای حواء! سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که پیامبر، رسول، بشارت دهنده و بیم دهنده‌ام زنی نیست که چون وضع حمل کند و شروع به شیردادن فرزند نماید فرزند نمی‌مکد از شیر مادرش مگر اینکه در پیش روی مادر در روز قیامت نوری روشنایی می‌زند که هرکس او را ببیند از اولین و آخرین، شگفت زده می‌شود و این زن با اینکه روزه نیست روزه دار و شب زنده دار محسوب می‌شود. روزه همه عمر و شب زنده داری همه عمر برای او نوشته می‌شود و چون فرزندش را از شیر بگیرد خداوند - که یادش بلند و بزرگ است - گوید: ای زن من هرچه از گناهان گذشته بر تو بود آمرزیدم و کار را از نو آغاز کن خداوند تو را رحمت کرد.<sup>۴</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از این که زنان احمق به کودکان شما شیر بدهند، سخت خودداری کنید، زیرا شیر (خصلتهای ناروا را منتقل می‌کند) و کودک شبیه آن زن می‌گردد.<sup>۵</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

### فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: مهرورزی، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، آداب و سنن اسلامی، توجه به نوع و چگونگی خوراک مادر و دایه کودک و صفات شیردهنده، رعایت بهداشت.

گیرنده: سرپرست و والدین کودک، جامعه، قانون‌گذار، تولید کننده، وارد کننده و پخش کننده).

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در باره شیرخوردن کودک، که در روایاتی نقل شده که با اعجاز رسول الله با انگشت یا زبانش به امام حسین(ع) شیر داد؛ گفتاری (الفاظی که پیامبر اسلام (ص) درباره شیر دهی

<sup>۱</sup> ص ۷۸ قسم دوم: شیرخوارگی ذیل عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک، تغذیه کودک.

<sup>۲</sup> ترجمه «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲، ص ۳۰.

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، «الخصال»، ترجمه مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۲۴۲.

<sup>۴</sup> بروجردی، آقا حسین، «منابع فقه شیعه» (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۵، ص ۵۲۱.

<sup>۵</sup> راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، «النوادر» (للاوندی)، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۱۹۲.

کودکان فرموده است، مثل: کودک صفات دایه اش را ارث می‌برد، یا سفارش به بهتر بودن شیر مادر برای هر (کودکی)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید. در گرفتن دایه برای خردسالان دقت کنید چرا که صفات او را به ارث می‌برند، تغذیه دوران شیرخوارگی بر تیزهوشی یا کندذهنی کودک اثر گذار است، والدین در قبال نوع تغذیه مادر در دوران بارداری، نوع تغذیه شیردهنده و صفاتش و دینش مسئولند و روز قیامت در این باره بازخواست خواهند شد و همه‌ی اینها بر رشد، اخلاق و تربیت فرزندشان مؤثر است.

پیام برای جامعه: در تغذیه شیرخوارگان باید بسیار دقت شود، چون بر رشد جسمی، ذهنی و معنوی کودک تا آخر عمرش مؤثر است. (صفات شیردهنده مثل کوندذهنی و بیماری به بچه شیرخوار منتقل می‌شود). پیامبر اسلام (ص) در درجه اول به شیر مادر برای کودک سفارش کردند و در صورت کمبود یا نبود به مرضعه گرفتن برای کودک با صفات پسندیده سفارش می‌کردند. پس جامعه موف است شرایط اجتماعی برای این امر را آماده کند. اگر وجود زنان در مشاغل اجتماعی بیرون از خانه ضروری است، قوانینی مناسب برای دوران بارداری و شیردهی به فرزندانشان در نظر گرفته شود و شرایط انجام این امر در عمل به آسانی فراهم باشد. آداب و رسوم جامعه باید مطابق با اجرای این امر باشد به گونه‌ای که جامعه به «قرارگرفتن زن در دوران بارداری و شیردهی کودکش» افتخار کند نه این که زن بخاطر حفظ موقعیت اجتماعی خود از بارداری و شیردهی فرزندش هراسان باشد.

سازندگان برنامه‌های رسانه ای مثل فیلم سازان موظفند تولیداتشان در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء تمایل بینندگان به تغذیه‌ی کودک با شیرمادرش یا انسان وارسته‌ی دیگری باشد و از تبلیغات برای مصرف شیر خشک (به جای شیر مادر) پرهیز نمایند. باید در متن فیلم‌ها یک زن باردار را زشت به تصویر نکشد و بچه شیر دادن را برای مادر یا زنی دیگر بسیار پسندیده با اثراتی بسیار مطلوب (که واقعاً دارد) جلوه دهند. روحانیون، ائمه‌ی جمعه و جماعت و مبلغین دینی نیز موظفند توصیه‌های اسلام درباره شیر مادر و اثرات مطلوب آن را به گوش مردم برسانند تا انشاء الله در فرهنگ اجتماعی نهادینه شود. اهل قلم نیز می‌توانند با نظر علمی تحقق این امر را در جامعه تسهیل کنند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره شیر خوردن کودک توسط پیامبر اسلام (ص) مثل تایید عملی شیر مادر و شیر دایه) در روایتی سخن از رفتار دایه با امام حسین به میان می‌آید که تقریر پیامبر اسلام (ص) در این باره محسوب می‌شود. دوران شیرخوارگی پیامبر و برکتی که به همراه داشت تشویق کننده به فرهنگ دایه گرفتن است.

گفتاری: سفارشات پیامبر اسلام (ص) درباره شیر مادر و صفات پسندیده داشتن دایه و نواهی حضرت از

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید، تغذیه حلال و سالم کودک، در نگرش پیامبر اسلام (ص) نه تنها ژنتیک پدر و مادر بر جسم و ذهن (استعدادها و علاقه‌های) کودک، مؤثر است، صفات شیردهنده به کودک نیز در این امر بسیار تأثیرگذار قلمداد می‌شود و بارها با بیان‌های مختلف بر آن تأکید شده است (البته پیامبر اسلام (ص) اثرات محیطی را نیز از عوامل مهم تأثیرگذار بر تربیت می‌داند که در روایات دیگر بر آن تصریح شده است.

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری با محبت، گسترش فرهنگ تغذیه‌ی اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا بزرگسالی در جامعه و ... .

بازخورد (پس فرست): رفع نیازهایی از کودک توسط پیامبر اسلام (ص) که از حالات کودک بدان پی می‌بردند مثل گرسنگی فاطمه در کودکی، که او را به آغوش کشیده و برایش دعا کردند.

#### ۱۳.۱.۱.۴ اهمیت به ورزش کودکان<sup>۱</sup>

علاوه بر اینکه پیامبر اسلام (ص) به ورزش‌هایی مثل پیاده روی، کوه‌نوردی، تیراندازی، اسب سواری و... می‌پرداختند در مورد آموزش آن به کودکان نیز سفارش ویژه داشتند: پیامبر اسلام فرمود: به کودکان خود شنا و تیراندازی بیاموزید قال رسول الله (ص) علموا ابنائکم السباحه و الرمی<sup>۲</sup> علاوه بر این پیامبر اسلام (ص) حسنین را تشویق به کشتی گرفتن با هم دیگر کرده و تماشا و تشویقشان می‌کرد.<sup>۳</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: مهرورزی، نشاط، سلامتی، قدرت بدنی خوب پیامبر اسلام (ص) و رفتارش درباره برطرف کردن نیازهای کودک، آداب و سنن اسلامی. ورزش‌های سالم مثل کوه‌نوردی، اسب سواری، شنا و ...  
گیرنده: سرپرست و والدین کودک، جامعه و کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) درباره ورزش کردن کودک، که در روایاتی نقل شده که رسول الله (ص) حسنین (ع) را تشویق به کشتی گرفتن کردند، خودشان از کودکی به دنبال گوسفندان پیاده روی می‌کردند و به کوهستان می‌رفتند، تیراندازی می‌کردند، مسابقه اسب سواری و شتر سواری می‌دانند، علی (ع) را در کودکی به کوهستان و غار حرا می‌برد؛ گفتاری (الفاظی که پیامبر اسلام (ص) درباره ورزش کودکان فرموده است، مثل: علموا ابنائکم السباحه و الرمی)

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره تربیت جسمی کودکان بکار گیرید. محیط ورزش

<sup>۱</sup> ر ک ص ۷۹ اهمیت به ورزش کودکان ذیل عنوان ۳. ۱. ۹. توجه به نیازهای کودک،

<sup>۲</sup> عاملی، محمدابن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، ج ۱۰۳، ص ۱۸۹.

را برای کودک فراهم و ایمن کنید. بچه‌ها را تشویق به ورزش کنید. ورزش‌های مناسب حال کودک را به او پیشنهاد کنید. هدفمند با نیازهای کودک به او ورزش آموزش دهید. ورزش‌های مفید و متناسب با نیازهای آینده برای کودک ترجیه دارد. مثلاً کوه‌نوردی، تیر اندازی، اسب سواری و شنا برای بچه‌های زمان پیامبر اسلام(ص) از ضرورتی برخوردار بود که آنها را آماده نبردهای تن به تن کند. پس والدین هم متناسب با شرایط زمانی، مکانی و نیازهای آینده‌ی کودک او را باید در کلاس‌های آموزشی ورزشی ثبت‌نام کنند.

پیام برای جامعه: باید شرایط ورزش برای کودکان فراهم شود و با برگزاری مسابقات ورزشی در سطوح و سنین مختلف در کودکان انگیزه‌ی ورزش را بالا برد. ورزش باعث تخلیه هیجان و انرژی بچه‌ها شده و سلامت جسمی و روحی جامعه را بدنبال دارد. اگر روح و بدن انسانی ضعیف، رنجور، بیمار و ناشکیب باشد توانایی پذیرش و دفاع حق را ندارد و به جای فردی مفید برای جامعه انگل و سربار جامعه شده و برای دیگران اسباب زحمت شده و زمینه‌های بزه‌کاری در خود فرد و جامعه را ایجاد می‌کند. قانون‌گذاران کشورهای اسلامی باید با قوانینی آموزش ورزش‌های ضروری را الزامی کرده و تا عادت دادن افراد به انجام آن ادامه یابد. مجریان قانون نیز باید شرایط مساعد را برای ورزش کودکان تا بزرگسالی فراهم کنند و آنها را بر این مهم عادت دهند. تولیدات سازندگان برنامه‌های رسانه‌ای مثل فیلم سازان نیز باید مخاطبانشان را از ضرورت ورزش و پیامدهای مثبت ورزش کردن و عاقبت سهل‌انگاری در انجام آن، آگاه کرده، و میزان انگیزه‌ی ورزش کردن را در مخاطبانشان ارتقاء بخشند. مبلغین دینی نیز موظفند سفارش‌های پیامبر اسلام(ص) و فتاوی مراجع(مقام معظم رهبری: ورزش برای جوانان لازم و برای سالمندان واجب است.) را در این امر به مخاطبانشان ابلاغ نمایند.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره ورزش کودک توسط پیامبر اسلام(ص) مثل کشتی گرفتن با کودک، همراه شدن با کودک در کوه‌نوردی (در روایات مربوط به دوران کودکی امام علی (ع) نقل شده است) گفتاری: فرمایشات پیامبر اسلام(ص) درباره ورزش کودک (مثلاً فرمودند: **علموا ابنائکم السباحه و الرمی**)

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت رسول خدا(ص) در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، سلامت و نشاط بخشی کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید، تربیت مسلمانان قوی و نیرومند و با ایمان از بدو کودکی، فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی انسانی و اجتماعی از بدو تولد و... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری با محبت، تقویت بنیه جسمی و روحی از بدو تولد، گسترش فرهنگ تغذیه‌ی اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا بزرگسالی در جامعه و... .

بازخورد (پس فرست): تشویق کودکان ورزشکار توسط پیامبر اسلام(ص).



#### ۱۴.۱.۱.۴. سپردن کودک به مربی<sup>۱</sup>

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بمدینه طیبه هجرت نمود و با ام سلمه ازدواج کرد، فاطمه زهراء را به وی سپرد، تا او را پرورش دهد.<sup>۲</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیّت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره برطرف کردن نیازهای کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی، اولویت دادن به نیازهای کودکان در عبادات و رفتارها  
گیرنده: جامعه، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در برطرف کردن نیازهای کودک: کوتاه کردن نماز، نشان دادن کودک در اتاق خویش، در آغوش گرفتن کودک، خوابانیدنش در بستر، چسباندن بدنش به بدن کودک، بویاندن بوی پاکیزه خود به کودک، و گذاشتن لقمه لقمه غذای در دهان کودک، کودک را به دنبال خود بردن) گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره رفع نیاز کودک در جملاتشان بکار بردند، مثل: عجله کردم چون صدای گریه کودکی را شنیدم و ترسیدم که بر پدر و مادرش سخت بگذرد).

پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی دربارهی چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند را آموخته و در تربیتشان بکار گیرید.

پیام برای جامعه: در رفع نیازهای کودکان باید به سنن پیامبر اسلام (ص) تمسک شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیّت» رفع نیاز کودک در آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین تربیت کودکان در جامعه، آموزش داده شود و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید.

کانالها: رفتاری عاطفی (امور انجام شده درباره رفع نیاز کودک توسط پیامبر (ص) کوتاه کردن نماز، نشان دادن کودک در اتاق خویش، در آغوش گرفتن کودک، خوابانیدنش در بستر، چسباندن بدنش به بدن کودک، بویاندن بوی پاکیزه خود به کودک، و گذاشتن لقمه لقمه غذای در دهان کودک، کودک را به دنبال خود بردن)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره چگونگی رفع کردن نیازهای کودک به دیگران فرموده‌اند، مثل: عجله کردم چون صدای گریه کودکی را شنیدم و ترسیدم که بر پدر و مادرش سخت بگذرد).

نگرشها: توحید، تربیت دینی، ایجاد محبت خداوند متعال در دل کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید و...

هدفها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و فرزندپروری، قراردادن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی رفع نیازها از بدو تولد تا مرگ در جامعه و...

۱ ر ک ص ۸۳، با عنوان ۳. ۱. ۱۱. سپردن کودک به مربی.

۲ «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۹.

بازخورد (پس فرست): رفع نیازهای درخواست شده توسط کودک با مهرورزی و احترام به کودک، کوتاه کردن نماز بخاطر شنیدن گریه‌ی کودک. رفع نیازهایی از کودک که از حالات کودک بدان پی می‌برند قبل از درخواست او.

#### ۱۵.۱.۱.۴. رعایت عدالت بین کودکان<sup>۱</sup>

نعمان ابن بشیر از پیامبر اسلام (ص) روایت می‌کند که فرمود: «اتقوا الله و اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان یبروکم» از خداوند بترسید و در بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند.<sup>۲</sup> روزی پیامبر (ص) مشغول سخن گفتن با یاران خویش بودند، کودکی وارد مسجد شد و به نزد پدر خویش رفت. پدر طفل دستی بر سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشاند، اندکی بدین حال گذشت که دختر خردسال آن مرد وارد شد و به نزد پدر رفت، چون به نزدیک او رسید مرد دستی بر سر او کشید و در کنار خود نشاند. پیامبر (ص) که تبعیض و بی‌عدالتی مرد را درباره کودکانش دیده بود فرمود: چرا او را به زانوی چپ خود نشانیدی؟! آن مرد، به دستور پیامبر عمل کرد و دخترش را به زانوی دیگر نشانید. رسول خدا فرمود: «الآن عدلت» اکنون عدالت را رعایت کردی.<sup>۳</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که دارای دو کودک بود یکی از آنان را در حضور دیگری بوسید و آن دیگری را رها کرد، حضرت صلی الله علیه و آله بعنوان اعتراض فرمود: پس چرا آن یک را نبوسیدی و با آنان یک نواخت رفتار نمودی؟!<sup>۴</sup> ابوهیره گوید: روزی پیامبر اکرم (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به سوی ما می‌آمد در حالی که هر یک از آن دو بر یکی از شانه‌های پیامبرنشسته بود و رسول گرامی باری این را می‌بوسید و باری آن را...<sup>۵</sup> پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: در هدیه دادن به فرزندانان مساوات را رعایت نمائید و اگر من کسی را بر کسی مقدم می‌داشتم هر آئینه زنان (دختران) را مقدم می‌داشتم.<sup>۶</sup> و امام حسن طلب آب کرد، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جای بر جست و پستان ناچه‌ای را که نزد ما امانت بود مکید و شیر آن را در میان ظرف ریخت و بدست امام حسن داد. امام حسین برجست که آن ظرف شیر را از دست امام حسن بگیرد. ولی رسول اکرم (ص) نمی‌گذاشت. فاطمه زهراء گفت: پدر جان! گویا امام حسن نزد تو محبوب‌تر باشد؟! پیامبر عالی‌قدر اسلام فرمود: نه، وی نزد من محبوب‌تر نیست، ولی حسن قبل از حسین طلب آب کرد...<sup>۷</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

<sup>۱</sup> رک ص ۸۳ با عنوان ۳. ۱. ۱۲. رعایت عدالت بین کودکان،

<sup>۲</sup> «الحیاء»، ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۶۱۳.

<sup>۳</sup> ابن ابی الدنیا، «کتاب العیال»، ج ۱، ص ۱۷۳.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه؛ ج ۵؛ ص ۱۶۰ ح ۴۷۰۴ - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ ش.

<sup>۵</sup> خرج علینا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسین هذا اعلی عاتقه و هذا عاتقه و هو یلتم هذامره و هذا مره حتی انتهى الینا... مجلسی /

محمدباقر / بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۸۱

<sup>۶</sup> ساووا بین اولادکم فی العطیه فلو کنت مفضلاً احد لفضلت النساء متقی هندی / علاء الدین / کنز العمال / ج ۱۶ ص ۴۴۶

<sup>۷</sup> «زندگانی حضرت زهرا علیها السلام» (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۳۱۷.

|   |
|---|
| فرستنده: پیامبر اسلام (ص)   |
| منبع پیام: محبت، احساسات، حالات، رفتار، توحید، احکام و باورهای دینی، رعایت نوبت، رعایت مساوات و عدالت، رعایت عدالت بین دختر و پسر، در نظر گرفتن لطافت روحیه دختران. |
| گیرنده: کودک، والدین، جامعه   |
| رمزها: ۱. جزئیات رفتار عادلانه با کودک ۲. حرکات بدنی پیامبر اسلام (ص) درباره کودک ۳. کلمات بکار رفته در گفتار   |
| پیام: رفتاری (رفتار عادلانه پیامبر اسلام (ص) با کودکان، رعایت نوبت و مساوات بین کودکان و ... را در ارتباط با کودکانان به کار گیرید.                                 |
| کانال‌های ارتباطی: ۱. احساس ۲. رفتار ۳. گفتار ۴. حالات چهره ۵. آگاهی دادن   |
| نگرش‌ها: سبقت رحمت بر غضب، توحید، سوق دادن بندگان و جامعه به مهرورزی  |
| هدف‌ها: پشیمان کردن گنه کار از اشتباه با آگاهی دادن (که باید هر دو فرزندش را ببوسد)، توبه دادن او، تربیت توحیدی والدین و جامعه،                                     |

#### ۱۶.۱.۱.۴ مسئولیت پذیری<sup>۱</sup>

یکی از بزرگترین جریان‌های حساس تاریخ انسانیت بعثت پیامبر اسلام (ص) است. باز حساس‌ترین زمان بعثت، ابتدای بعثت بوده است و همچنین سخت‌ترین آن دوران، تحریم مسلمانان در شعب ابوطالب بوده که با فوت دویاور از بزرگترین یاوران پیامبر اسلام (ص) یعنی درگذشت ابوطالب و خدیجه همراه شد. کودکی فاطمه (س) در این دوران بسیار بسیار سخت، خطرناک و طاقت‌فرسا است. که غم و اندوه فراق مادر نیز بر آن افزوده گردیده است. در چنین شرائطی مسئولیت ابلاغ رسالت بر دوش پیامبر اسلام (ص) قرار گرفت که تنها مسلمانان اندک آن زمان تنها یاوران بودند. در این میان فاطمه‌ی خردسال چنان در این مسئولیت پدر بزرگوارش را یاری نمود که پیامبر اسلام (ص) لقب ام‌ابی‌ها بر وی نهاد. یکی دیگر از نقاط حساس تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص)، داستان «مباهله» پیامبر اسلام (ص) با مسیحیان نجران است. که پیامبر (ص) در این مسئولیت خطیر و بسیار مهم، حسنین (ع) را با پدر و مادرشان همراه برد. درحالی که آن دو، کودک خردسال بودند. یکی از مواضع مهم و حساس دیگر که پیامبر اسلام (ص) به کودکی مسئولیت سپرده است، در جریان انجام حج بوده است، که به کودکی فرمود سخنان پیامبر را برای مردم فریاد کند: سوار بر شترش رمی جمره عقبه را انجام داد و نزد زمزم ایستاد و ربیعۀ بن امیۀ بن خلف را که هنوز

<sup>۱</sup> رک ص ۸۷ یا عنوان ۳. ۱. ۱۳. شرکت دادن کودکان در مسئولیت‌های زندگی.

کودکی بود فرمود تا زیر سینه شترش بایستاد، پس گفت: ای ربیعه بگو: ای مردم...<sup>۱</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

|  |
|--|
| فرستنده: پیامبر اسلام (ص)  |
| منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره مسئولیت دادن به کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی، اولویت دادن صبور بار آوردن کودکان با تحمل سختی‌ها   |
| گیرنده: جامعه، والدین کودک، کودک.  |
| رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در مسئولیت دادن به کودک: همراه بردن حسنین به مباحله، پرستار قراردادادن فاطمه در کودکی، به همراه بردن فاطمه به شعب ابی طالب، به کوه بردن علی (ع) در کودکی یا به جنگ فرستادنش در سنین کم، مسئولیت داد زدن پیام رسول در حج به ربیعه و...)<br>گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره مسئولیت دادن به کودک فرموده‌اند).      |
| پیام: پیام برای والدین و مسئولین کودک: به خاطر محبت زیاد از کار کردن کودک، قبول مسئولیت، سختی کشیدن در حد توانشان جلوگیری نکنید، و الا باعث لوس شدنشان، ناتوانیشان در انجام کارها در بزرگی، تجربه پیدا نکردنشان، انتظار بی جا و زیادی (پرتوقعی) آنها و پیامدهای منفی دیگر می‌شود.<br>پیام برای جامعه: در دادن مسئولیت کودکان باید به سنین و حد توان آنها توجه شود. |
| کانال‌ها: رفتاری عاطفی (انتخاب کودکی چون ربیعه در آن زمان مثل ربیعه برای مسئولیتی خطیر: ابلاغ احکام خداوند به مردم از طرف پیامبرش و اتمام حجت)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره دادن مسئولیت به کودک فرموده‌اند، مثل: ای ربیعه بگو...).   |
| نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، صبور بار آوردن کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید، مسئولیت پذیر کردن کودکان و... .  |
| هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و تربیت فرزندپروری، صبور کردن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی مسئولیت پذیری در جامعه و... .  |
| بازخورد (پس فرست): پاسخ مثبت به درخواست دخترش فاطمه درباره ارث معنوی حسنین.  |

<sup>۱</sup> ترجمه «تاریخ یعقوبی»، ج ۱، ص ۵۰۴ و ۵۰۳.

#### ۱۷۰۱۰۴. بوسیدن و محبت به فرزندان<sup>۱</sup>

وجود نازنین حضرتش علاوه بر توصیه به ابراز محبت به واسطه بوسیدن خود نیز به این کار مبادرت می‌ورزید و کسی که این عمل «بوسیدن فرزند» را ترک کند از اهل جهنم می‌شمارند. فردی به حضور پیامبر اسلام رسید و عرض کرد: من تاکنون فرزندم را نبوسیده‌ام. پیامبر که از شدت بی‌رحمی و قساوت او متعجب شده بود فرمود: این مرد نزد من از اهل جهنم است «هذا رجل عندي انه من اهل النار»<sup>۲</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

|   |
|---|
| فرستنده: پیامبر اسلام (ص)   |
| منع پیام: توحید، مهرورزی، اهمیّت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره آموزش دادن مهرورزیدن به کودک، مبانی تربیت دینی، آداب و سنن اسلامی، انواع روش‌های مهرورزی به کودک   |
| گیرنده: جامعه (مربیان کودک، مسئولین کودک، برنامه ریزان، قانون گذاران، مجریان قانون، فیلم و برنامه سازان...)، والدین کودک، کودک.   |
| رمزها: فعلی (رفتار انجام شده پیامبر (ص) در باره محبت به کودک):<br>گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره محبت کردن به کودک، یا در انواع محبت کردن به کودک فرموده‌اند).   |
| پیام: نیاز به محبت جزء نیازهای اساسی کودک محسوب می‌شود، که برطرف شدن آن منوط به استفاده‌ی روش‌های مختلف است، ابتداء آن برطرف کردن نیازهای زیستی است، مرحله دوم بکارگیری انواع نوازش، مرحله سوم هم بازی شدن با کودک، سپس با هم‌صحبتی و نظرخواهی و سرانجام با سپردن مسئولیت؛ اینها به مرور باعث تجربه یافتن کودک و عزت نفس یافتن او می‌شود. |
| کانال‌ها: رفتاری عاطفی (رفتارهای محبت آمیز پیامبر اسلام (ص) با کودکان)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره مهرورزیدن به کودک فرموده‌اند، مثل: <b>هذا رجل عندي انه من اهل النار</b> و...).   |
| نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، با محبت بارآوردن کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی درباره کودکان، رفع نیازهای کودک با مهرورزی و عزت نفس دادن به او در سایه توحید، مسئولیت پذیر کردن کودکان، ایجاد نشاط در کودکان تا بزرگسالی و ...  |
| هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و فرزندپروری، صبور کردن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی مسئولیت پذیری در جامعه و ...  |

<sup>۱</sup> رک ص ۷۰ با عنوان ۳. ۱. ۸. بوسیدن و محبت به فرزندان.

<sup>۲</sup> حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

بازخورد (پس فرست): دنبال کودک گم شده رفتن.

#### ۱۸.۱.۱.۴. احترام به کودکان<sup>۱</sup>

جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، احترام ورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره آموزش دادن احترام گذاشتن به کودک و انواع روش‌های احترام گذاری به کودک: اعتماد کردن، با احترام صدا کردن، جاباز کردن در مجالس، تغافل، سلام کردن، استقبال رفتن و ... .

گیرنده: جامعه (مربیان کودک، مسئولین کودک، برنامه ریزان، قانون گذاران، مجریان قانون، فیلم و برنامه سازان و...)، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (احترام گذاشتن‌های پیامبر(ص) در رفتار و ارتباط با کودک: اعتماد کردن، با احترام صدا کردن، جا باز کردن برای کودک در مجالس، نظرخواهی کردن، تغافل، سلام کردن، به استقبال کودک رفتن، به عیادت کودک بیمار رفتن، راست شمردن خبر دادن کودک) گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام(ص) درباره احترام گذاشتن به کودک، یا در انجام انواع احترام گذاشتن به کودک فرموده‌اند).

پیام: نیاز به احترام جزء نیازهای سطح چهارم کودک در دیدگاه مازلو محسوب می‌شود، که برطرف شدن آن منوط به استفاده‌ی روش‌های مختلف است، ابتداء آن در چگونگی برطرف کردن نیازهای زیستی است، مرحله دوم شخصیت دادن به کودک همچون بزرگان است مثل با احترام صدا کردن، مرحله سوم مانند یکی از افراد مورد احترام در بزرگسال با کودک رفتار کردن، اینها به مرور باعث عزت نفس یافتن کودک می‌شود.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (رفتارهای احترام آمیز پیامبر اسلام(ص) با کودکان)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره احترام ورزیدن به کودک فرموده‌اند).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، محترم بارآوردن کودکان، تبیین آداب تعلیم و پرورش اسلامی محترمانه درباره کودکان، عزت نفس دادن به کودک در سایه توحید، مسئولیت پذیر کردن کودکان (با نظر خواهی)، ایجاد نشاط در کودکان تا بزرگسالی و ... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و فرزندپروری، افزایش احترام اجتماعی، صبور کردن فرزندان در مسیر تربیت توحیدی (بندگی خدا)، گسترش فرهنگ اسلامی در چگونگی مسئولیت پذیری در جامعه و ... .

<sup>۱</sup> رک از ص ۹۷ با عنوان ۳. ۱. ۲۶. احترام به کودکان تا عنوان ۳. ۱. ۳۰. قبول حرف کودک بر اساس میزان فهم و کمالش تا ص ۱۰۲.

بازخورد (پس فرست): راست شمردن حرف کودک.

#### ۱۹.۱.۱.۴. پرهیزدادن از خشونت با کودکان<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر اینکه خود با کودکان خشن نبودند، اگر کسی نیز با آنها با خشونت برخورد می‌کرد، او را از این کار نهی می‌کردند.<sup>۲</sup> جدول اجزای ارتباطی این قسمت چنین است:

فرستنده: پیامبر اسلام (ص)

منع پیام: توحید، احترام ورزی، محبت ورزی، اهمیت و شخصیت دادن به کودکان، رفتار پیامبر (ص) درباره آموزش دادن تربیت صحیح کودک، کنترل خشم و پرهیز از خشونت، نمونه‌های از پرهیز دادن خشونت با کودک در رفتار پیامبر اسلام (ص): نزدن کودک، نکشتن کودکان کافران، ترحم به کودکان کافران، جبران ترس کودکان با هدیه دادن، نگرفتن جزیه از کودکان اهل کتاب، سرپرستی یتیمان کافران و اهل کتاب زیر حکومت اسلامی، جدا نکردن اسیران و بردگان از کودکانشان و حتی برگرداندن کودک فروخته شده به نزد مادرش و ... .

گیرنده: جامعه (مربیان کودک، مسئولین کودک، برنامه ریزان، قانون گذاران، مجریان قانون، فیلم و برنامه سازان و...)، والدین کودک، کودک.

رمزها: فعلی (پرهیز دادن‌های پیامبر (ص) از خشونت در رفتارشان درباره کودک، مثل دادن هزینه بازخرید کودک فروخته شده برای برگرداندن نزد مادر اسیرش)  
گفتاری (کلماتی که پیامبر اسلام (ص) درباره پرهیز دادن خشونت نسبت به کودک فرموده‌اند: مثل مادران و کودکان اسیر و برده را از هم جدا نکنید.)

پیام: از خشونت با کودکان پرهیزید. کودک را تنبیه بدنی نکنید. زمان قهر کردن با کودک خاطی را طولانی نکنید.

کانال‌ها: رفتاری عاطفی (رفتارهای پرهیز دهنده پیامبر اسلام (ص) از خشونت با کودکان)؛ گفتاری (جملاتی که حضرت در کلامشان درباره پرهیز دادن خشونت درباره کودک فرموده‌اند).

نگرش‌ها: توحید، تربیت دینی، محترم بارآوردن کودکان، عزت نفس دادن به کودک در سایه توحید، خشونت مشکل کودکان را کم نکرده بلکه باعث ایجاد مشکل در کودک هم می‌شود، ایجاد نشاط در کودکان تا بزرگسالی و ... .

هدف‌ها: تربیت توحیدی فرزندان، آموزش عملی رفتار و فرزندپروری، افزایش احترام اجتماعی، کم کردن

<sup>۱</sup> رک ص ۱۳۲ با عنوان ۳. ۱. ۳۱. پرهیزدادن از خشونت با کودکان.

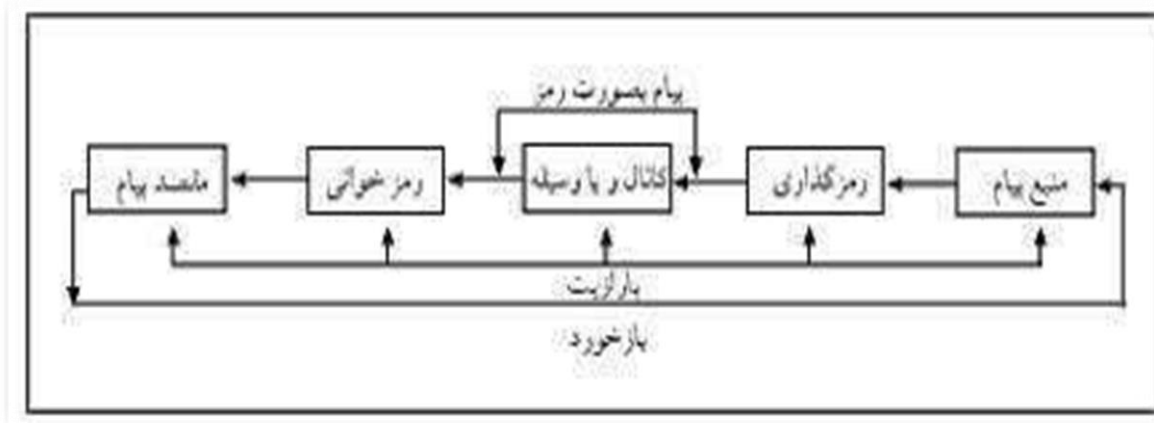
<sup>۲</sup> «تاریخ پیامبر اسلام»، ص ۱۱۱.

بازخورد (پس فرست): وقتی به او گزارش دادند، کودکی اسیر را به خاطر کم بود مخارج فروخته‌اند، هزینه باز خرید کودک و دستور بازگرداندن.

با توجه به این که جدول روایات باقی مانده در زیر به همین منوال خواهد بود و مطلب جدیدی بدست نمی‌آید، به خاطر رعایت اختصار و جلوگیری از تکرار به همین مقدار اکتفاء می‌گردد.

#### ۲.۱.۴. بخش دوم: تحلیل جزئیات الگوی ارتباطی:

بر اساس مؤلفه‌های ارتباطاتی که در جدول‌های بالا از مطابقت با ارتباطات پیامبر اسلام (ص) با کودکان بدست آمد، می‌توان مدل ارتباطی ایشان (قالب ارتباطشان) را در ساده‌ترین حالت چنین نشان داد: فرستنده (منبع پیام)، رمزگذاری، پیام، کانال، ابزارهای ارتباطی، رمزخوانی، گیرنده مقصد پیام.



البته پارازیت در ارتباطات خود شخص پیامبر اسلام (ص) به خاطر عصمت مفروض نیست، ولی از افرادی که از ایشان الگو می‌گیرند، برایشان امکان پارازیت در ارتباط متصور است. این تصویر قسمتی از الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان را نشان می‌دهد، پس علاوه بر توضیح محتوای هر یک از این اجزاء، درباره محتوای مدل ارتباطی ایشان مطالب دیگری باید تبیین گردد. برای روشن شدن این مؤلفه‌ها باید مصادیق هر یک را باهم دیگر بسنجیم تا زمینه استنتاج الگوی ارتباطی ایشان فراهم آید. بدین منظور هر مؤلفه را به عنوان تیتراژ در نظر گرفته و آنچه روبروی آن در جدول‌های بالا آمد، ذیل آن بررسی می‌شود و نکته‌های ارتباطی آن بیان می‌گردد، چون در مدل‌های ارتباطی از این مؤلفه‌ها، با نام «اجزاء مدل ارتباطی» یاد شده است، من هم این چنین می‌نویسم:

#### تبیین اجزاء مدل ارتباطی پیامبر اسلام (ص):



#### ۴. ۱. ۲. ۱. فرستنده (منبع پیام)؛

همان طور که قبل گذشت، «ارتباط» یک «فراگرد» است. مثل یک فیلم که از عکس‌های متعدد پشت سر هم تشکیل می‌شود، در هر لحظه از جریان فراگرد ارتباط نیز یک عکس دارد که در مدل‌های ارتباطی که فصل دوم بیان شد به تبیین اجزاء قالب ارتباط می‌پردازد که در هر عکسی در طول جریان فراگرد ارتباط تکرار می‌شود، البته محتوای این اجزاء متفاوت است. برای تبیین الگوی ارتباطی ناگزیر ابتدا به یافتن مصادیق اجزاء این مدل‌ها در ارتباطات پیامبر اسلام (ص) (همان قالب‌ها) پرداخته شد، و در این فصل به بررسی و دسته‌بندی به مواد این اجزاء ارتباطی (همان قالب‌ها) پرداخته می‌شود که پیامبر اسلام (ص) در ارتباطشان با کودکان به کار برده‌اند.

«فرستنده» از ارکان مدل ارتباطی است، مراد از فرستنده، شخصی است که پیامی را برای گیرنده (مخاطبش) می‌فرستد. در فصل دوم این نوشتار مشهورترین مدل‌های ارتباطی بررسی و بیان شده که در مدل‌های مختلف با عناوین مختلفی از فرستنده یاد شده‌است، مثل: فرستنده، ارتباط گر، منبع پیام، آغازگر ارتباط، گوینده، پیام فرست، منبع معنی، مبدأ پیام؛ که در اینجا همه را با لفظ فرستنده لحاظ می‌کنیم. در تمام روایات و گزارشات تاریخی بررسی شده از «پیامبر اسلام (ص)» درباره کودکان، باید ایشان را به عنوان ارتباط گر یا همان فرستنده پیام در نظر بگیریم، تا بتوانیم الگوی ارتباطی ایشان با کودکان را استخراج کنیم. دلیل این مطلب این است، با توجه به این که می‌توان مدل ارتباطی را به یک قالب تشبیه کرد، که مواد مختلف از محتوا در آن قرار گرفته، که دائم از ابتدای شروع تا انتهای فراگرد ارتباط، این قالب با محتوای مختلف جایگزین شده و تکرار می‌شود تا زنجیره‌ی فراگرد ارتباطی را تشکیل دهد، در هر یک از گزارش‌های آمده قسمتی از جریان فراگرد ارتباطی که پیامبر اسلام (ص) در آن نقش فعال داشته‌اند را در نظر می‌گیریم، یعنی در واقع یک تصویر از یک لحظه‌ی (از یک حلقه) فراگردهای ارتباطی گزارش شده را بر اساس مدل ارتباطی انتخاب کرده‌ایم (قسمت‌هایی از روایات و گزارشات تاریخی در فصل سوم)، البته نه این که در جایگاه «فرستنده» نمی‌توان کسی دیگر را دید، بلکه عمداً قسمت‌هایی از گزارشات، انتخاب شده، که تصویر ایشان از نظر مدل ارتباطی، در جایگاه «فرستنده» باشد، چرا که بنای این نوشتار کشف الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان است، بنابر این تبیین فرستنده‌های دیگر (از گزارشات مثل راوی حدیث) نه تنها در این هدف (تبیین الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص)) کمک نمی‌کند بلکه روند کار را دچار خلل می‌کند.

البته تذکر این نکته لازم است، که در تبیین گزارشات در جدول مدل‌ها، پیامبر اسلام (ص) در نقش فرستنده، دو جایگاه دارد، گاهی آغازگر ارتباط است، و گاهی در جایگاه «پس فرست» است که حلقه‌ی جدیدی از فراگرد ارتباط را تشکیل می‌دهد، که باز هم می‌تواند به عنوان فرستنده در الگوی ارتباطی مطرح شود.

مطلب دیگر درباره شخصیت پیامبر اسلام (ص) است، چراکه الگوبرداری، با پیروی از ویژگی‌های شخصیتی الگو امکان پذیر می‌شود، در این نوشتار در تمامی مدل‌ها به عنوان «پیامبر» دیده شده است، یعنی به عنوان یک انسان عادی، یک پدر عادی، سرپرست عادی نیست، حتی در دوران کودکی هم با همین عنوان (جایگاه پیامبری) دیده شده است، چرا که در همه‌ی گزارشات با همین عنوان است. این مطلب از آن جهت اهمیت دارد که در عرف

مردم علاوه بر این که به معنای، الفاظ، کلمات، جملات و... توجه می‌کنند، برای بدست آوردن معنای واقعی و مراد، به شخص و شخصیت گوینده نیز توجه می‌کنند، بر این اساس علاوه بر گفتار، به سکوت، افعال و رفتار، تقریر پیامبر اسلام (ص) نیز توجه و استناد می‌شود. به خصوص با مقام «عصمت» که شیعه برای پیامبر قائل است و ایشان را در دریافت، نگه‌داری، و تبیین وحی، از خطا و اشتباه مبرا می‌داند، ثمرش در ارتباطات ایشان این است که: آن حضرت به عنوان فرستنده، در انتخاب معنای مورد نظر برای محتوای پیام، در رمزگزاری، و در ارسال و رساندن پیام به گیرنده (مخاطب) از هر خطا و اشتباهی مصون بوده و برایشان در این مراحل ارتباطی «نویز» (پارازیت، اختلال) نباید تصور شود. علی‌اکبر فرهنگی در تبیین مدل ارتباطی، «حوزه‌ی تجربی» پیام فرست (Experience domain) را مد نظر قرار داده و معتقد است<sup>۱</sup>، در موفق بودن یا ناموفق بودن ارتباط تأثیر شگرفی دارد؛ ما به جای اصطلاح او (حوزه‌ی تجربی پیام فرست)، عنوان «ویژگی‌های شخصیتی فرستنده» در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان را قرار می‌دهیم که جامع‌تر (جامع افراد) و مانع‌تر (مانع اغیار) به نظر می‌رسد.<sup>۲</sup> بنابراین در این جا لازم است آن ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اسلام (ص) مؤثر بر فرایند ارتباط با کودکان، (در ارتباطات ایشان با کودکان) به عنوان فرستنده، بررسی گردد، تا با تشریح آن، زوایای محتوایی الگو (علاوه بر قالب‌ها) تبیین گشته و الگوبرداری دیگران از ایشان تسهیل گردد. پس در واقع در این جدول به دنبال کشف صفات و ویژگی‌های فرستنده‌ی مؤثر بر ارتباط هستیم، و این ویژگی‌ها را در «ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان یا ارتباط ایشان درباره‌ی کودکان» دنبال می‌کنیم. حیطه‌ی آن هم جداول بالا است که از بررسی گزارشات و روایات فصل سوم بدست آمده‌است. پس می‌توان گفت، جدول زیر «بررسی ویژگی‌های مؤثر شخصیتی پیامبر اسلام (ص) بر الگوی ارتباط انسانی با کودکان»<sup>۳</sup> در نقش فرستنده» با توجه به روایات و جداول ارتباطی بالا است، که توضیح کوتاهی برای هر ویژگی بیان می‌گردد:

<sup>۱</sup> ر ک ۲، ۳. ۲. مدل ارتباطی (فرهنگی، علی اکبر)

<sup>۲</sup> آنچه در این جا باید بررسی گردد عوامل تأثیر گذار بر رفتار و ارتباط است. حوزه علمی تجربی فقط (از نظر لفظی) شامل تجربیات فرد می‌شود که متغیر بوده و تنها عامل تأثیر گذار بر رفتار و ارتباطات فرد نیست، در حالی که ویژگی‌های شخصیتی شامل صفاتی در فرد می‌شود که نسبتاً ثابت بوده و به گونه‌ای عامل رفتار محسوب می‌شود که اثرات تجربیات فرد بر رفتار را نیز در بر می‌گیرد، نظریه‌های شخصیت در تعریف و تبیین شخصیت بر این مطلب تصریح یا اشاره دارند ولی بررسی آن نظریات و تعاریف در این جا ما را از مسیر موضوع منحرف می‌کند، لذا به همین اندازه اکتفاء می‌کنیم.

<sup>۳</sup> البته این ویژگی‌ها به گونه‌ای بر کلیه‌ی اجزاء مدل ارتباطی مؤثر است، ولی بیشترین جایی که خود را نشان می‌دهد، در فرستنده و بعد در گیرنده است. می‌توان عنوان آن را گذاشت: منبع پیام یا ویژگی‌های فرستنده و گیرنده در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان.

|                            |  |
|----------------------------|--|
| ۱. اخلاص                   | <p>مهمترین ویژگی پیامبر اسلام(ص) به عنوان رسول حق این است که جامعه را موحد کند، بنابراین این تمام شئون ارتباطی ایشان حول محور توحید است. اگر انسان در ارتباط ایشان دقت کامل کند مبنای الگوی ارتباطی ایشان را، به خوبی در «توحید» درمی یابد. این امر فقط صرف زیربنا و باطن رفتار ایشان نیست، بلکه توحید پروری علاوه بر چهارچوب بنیادی ارتباطاتشان در جنبه های ظاهری رفتارهایی از ایشان خود را به صورت مصداقی هم بروز می دهد، در بعضی از روایات وضوح بروز آن را در ارتباط پیامبر اسلام(ص) یافتیم که در جداول بالا روبروی پیام عنوان «توحید» را آورده ایم، رفتارهایی مثل اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد که صریحاً شهادت به یگانگی پروردگار تلقین می گردد، در سفارش های پیامبر درباره نام گذاری ها نیز ویژگی توحید ایشان (موحد بودنشان) روشن است سفارش به نام هایی فرموده است که به معنای بندگی خدا (مثل عبدالله، عبدالرحمن و ...) یا یکی از نام های بندگان خالص خداوند، مثل نام پیامبران است.</p> |
| ۲. مهرورزی،<br>کانون عواطف | <p>در تمام رفتارهای ارتباطی پیامبر اسلام(ص) به خوبی مهر و محبتشان نمایان است. لذا مصداقی رفتاری بسیاری از آن را می توان در گزارش های ارتباطی در جداول بالا مشاهده کرد. می توان مهر ورزی را (همراه با توحید) سنگ زیر بنای تربیت و ارتباط ایشان با کودک دانست. اگر انگیزه ای غیر از مهرورزی مبنای ارتباط با کودک قرار گیرد، آن ارتباط از نظر تربیتی محکوم به شکست است.</p>   |
| ۳. توکل                    | <p>پیامبر اسلام(ص) همواره وظیفه ی خود را انجام داده ولی نتیجه ی مثبت داشتن برای عملشان را از خداوند درخواست می نمودند و به آنچه خداوند متعال برایشان رقم می زد، راضی بودند. و سعی می کردند، به دیگران نیز چنین روحیه ای (توحید افعالی) را آموزش دهند. این ویژگی باعث می شود، مربی به امر تربیت کودک به عنوان یک وظیفه الهی بنگرد و خداوند را ناظر بر رفتارهای خود دانسته و دیگران را هم بندگان خدا دیده، و نتیجه و پاداش خود را نیز از خدا می طلبد.</p>  |

|   |  |
|---|--|
| <p>پیامبر اسلام(ص) با همه‌ی افراد به خصوص کودکان بسیار رؤوف و مهربان بودند، نه تنها ایشان کوچکترین خشونت‌ی نسبت به کودکان نداشتند، بلکه از شنیدن رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به کودکان بسیار ناراحت و متأثر می‌شدند، مثل گریان شدن از شنیدن خبر زنده به گورکردن دختر بی‌چهره‌های خردسال در زمان جاهلیت. این ویژگی از صفات خوب مادرانه برای مربی کودک به شمار می‌آید.</p>   | <p>۴. دل رحمی، سرعت اشک و دل نازکی</p> |
| <p>روایت‌های مختلفی تمیحاً از این ویژگی خبر می‌دهد. اگر مربی شکم‌باره باشد، نمی‌توان از کودکان انتظار بلند همتی داشت.</p>   | <p>۵. شکم‌باره نبودن</p>               |
| <p>این ویژگی نیز یکی از اساسی‌ترین مبانی آموزه‌های پیامبر اسلام(ص) در الگوی ارتباطی‌شان می‌باشد. چرا که ظاهر بر باطن اثر گذار است و متدین بودن والدین و مربیان کودک بر متدین شدن(تربیت دینی یافتن) کودک بسیار مؤثر است. ایشان با رفتارهایشان احکام اسلام را به کودکان (و حتی بزرگسالان) می‌آموزند.</p>  | <p>۶. مقید بودن به احکام دین اسلام</p> |
| <p>این ویژگی نشانه عزت نفس در فرد است، که باعث می‌شود فرد عمداً خطا نکند. پس برای تربیت کودک داشتن چنین ویژگی بسیار اهمیّت دارد؛ چرا که اگر کودک این ویژگی را بیابد، می‌توان گفت از انجام بسیاری از خطاها در امان می‌ماند.</p>  | <p>۷. حیاء</p>                         |
| <p>پیامبر اسلام(ص) همواره به روش‌های مختلف به تشویق و ترغیب افراد مختلفی می‌پرداختند، تشویق افرادی که کارهای نیکو انجام داده یا از اشتباهاتشان درس گرفته و درصدد جبران آن برمی‌آمدند. این روحیه نسبت به کودکان نقش پررنگ‌تری داشته است. درباره بزرگسالان بیشتر از تشویق‌های وعده‌ای(با فاصله زمانی) مثل پاداش‌های آخرتی و بهشت استفاده می‌کردند ولی برای تشویق کودکان از امور بدون فاصله زمانی و ملموس بیشتر استفاده می‌نمودند. مثل لبخند زدن، تحویل گرفتن کودک، تشویق‌های گفتاری، در آغوش کشیدن، دست روی سر کودک کشیدن، هم‌بازی شدن و سواری دادن به کودک، لقمه در دهان کودک گذاشتن، خرما، گردو یا خوراکی دیگری به کودک دادن، دادن بچه آهو به حسنین و</p> | <p>۸. روحیه ترغیب و تشویق‌گری</p>      |

|   |   |
|---|---|
| <p>... ایشان رفتارهای مثبت، ترک رفتارهای منفی و صفات اکتسابی مثبت را تقویت نموده‌اند و از قرار دادن صفات ذاتی (غیر اکتسابی) افراد مثل زیبایی صورت فرد به عنوان ملاک و معیار تشویق خودداری می‌کردند.</p>   |   |
| <p>نبی مکرم اسلام (ص) در رفتارها و گفتارهایشان بازی‌گری و نفاق نداشتند. آنچه بر زبانشان جاری می‌شد و انجام می‌دادند از باورهای عمیق قلبیشان نشأت می‌یافت. این خصیصه‌ای بسیار لازم و ضروری، برای فردیست که با کودک ارتباط دارد. که یکی از ثمرات آن صداقت است.</p>  | <p>۹. اعتقاد قلبی و باور داشتن به گفته‌ها و رفتارهایش</p>               |
| <p>مربی کودک باید راستگو باشد، و به آنچه وعده می‌دهد، عمل کند، و گفتارش مطابق با واقع و مستند، با اطمینان از درستی) باشد و گرنه در چشم کودک دروغگو محسوب شده و اعتبارش نزد دیگران مخدوش شده دیگر روی حرف او حساب لازم را باز نمی‌کنند. کودک نیز در مقابل شنیدن دروغگویی مقاومت می‌کند و اعتبار فرد دروغ‌گو نزدش مخدوش می‌شود.</p> | <p>۱۰. صداقت در گفتار و کردار، وفای به عهد، عمل کردن مطابق سفارشاتش</p> |
| <p>یکی از ویژگی‌های مورد نیاز مربی کودک این است که مهربانیش بر خشم و غضبش غالب باشد، این ویژگی از پیامدهای صبر و حلم است، که باعث می‌شود مربی در قبال خطاهای کودک رفتاری متناسب و از روی مهربانی و دل‌سوزی ارائه دهد نه این که عصبانی شده و برای خنک شدن دلش، کودک را تنبیه نامتناسب کند.</p>                                     | <p>۱۱. سبقت رحمت بر غضب، حلم</p>  |
| <p>یکی از مؤثرترین راه‌های برقراری ارتباط استفاده از زبان بدن برای ارسال پیام است. مثل «با توجه نگاه کردن» و «آغوش باز کردن» برای بچه‌ای که تازه وارد شده است. این امر در بسیاری از گزارشات ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان مشهود است.</p>   | <p>۱۲. برقراری ارتباط با زبان بدن</p>                                   |
| <p>غالباً شیوه‌ی ارسال پیام پیامبر اسلام (ص) هنگام ارتباط، چنین بود که علاوه بر ابزارهای لفظی و کلامی، ابزارهای زبان بدن را نیز برای ارسال پیام همراه (استفاده) می‌کردند. این در فهم و پذیرش پیام توسط مخاطب بسیار تأثیرگذار است.</p>   | <p>۱۳. همراه کردن زبان گفتار با زبان بدن</p>                            |
| <p>پیامبر اسلام (ص) حتی در کودکی هم حاضر نشد گردنبندی (که از روی خرافه برای محافظت می‌دانستند) را به گردنش بیاویزد، و آن را از خود دور کرد. اگر والدین و مربیان کودک اهل خرافه باشند، از دو پیامد نامطلوب خارج نیست: یا کودکان هم</p>   | <p>۱۴. خرافه‌گرا نبودن</p>  |

|   |  |
|---|--|
| <p>خرافه پرست می‌شوند یا دلیلی موجّه برای مخالفت با والدین و مربیان‌شان می‌یابند.</p>   |  |
| <p>تکبر و خودبرتر بینی از صفاتی است که مانع مربی و والدین برای خدمت کردن به کودک می‌شود. پیامبر اسلام(ص) با کودکان به گونه‌ای متواضانه رفتار می‌کرد که ایشان را از خود می‌دانستند تا جایی که علاوه بر حسنین(ع) کودکان در کوچه نیز از ایشان خواستند تا با آنها هم بازی شده و آنها را بر دوش خود سوار کند. بارزترین مثال تکبر نداشتن ایشان شترسواری دادن به حسنین بر پشتش است.</p>  | <p>۱۵. تواضع</p>                       |
| <p>صورت باز، انبساط و خوش‌روئی، تبسم، تعجب، شکلک در آوردن در بازی با کودک، اخم، شل شدن گونه‌ها به پائین در حالت غم و اندوه، اشک و.... مصادیقی از حالات چهره است که در ارتباطات انسانی جزء ابزارهای کارآمد ارتباطی و زیر مجموعه زبان بدن به شمار می‌آید، هرچه مینیکس صورت فرد از ظرفیت بالاتری برخوردار باشد در نشان دادن احساس، عواطف و هیجانات به مخاطب مؤثرتر خواهد بود. از ویژگی‌های بارز رسول گرامی اسلام(ص) بهترین استفاده از این حالات چهره در ارتباطات با کودکان است. داشتن این ویژگی، جزء امتیازات یک مربی برای نیل به موفقیت در امر تربیت است.</p> | <p>۱۶. حالات چهره مناسب</p>            |
| <p>گفتار پیامبر اسلام(ص) فصیح و رسا، با لحنی نرم و کین بود و این ویژگی پیامبر در قرآن عامل نفوذ او در قلبها و رمز موفقیت در ارتباطاتش شمرده شده،<sup>۱</sup> این ویژگی جزء مهمترین شرائط تأثیرگذاری کلام است تا جایی که خداوند به موسی دستور می‌دهد با بزرگترین دشمنش فرعون با این حالت سخن بگوید. (قولاً لئیناً)<sup>۲</sup>. و خداوند به مسلمان نیز دستور به رعایت رحمت در ارتباط با مسلمانان ولی شدت با کفار را صادر فرموده است: «اشداء علی الکفار رحماء بینکم»<sup>۳</sup>.</p>   | <p>۱۷. بیانی شیوا، نرم و کین</p>       |
| <p>درست است که یک «شغل» آن چیزی است که از شنیدن لفظ چوپانی به ذهن انسان متبادر می‌شود، ولی مراد از آن یک «ویژگی جامع تربیتی» است، مراد آن خصوصیتی است که یک چوپان موفق دارد، چوپان باید نسبت به حیوانات زبان نفهم ایثار کند، صبوری ورزد، نیازهایشان را برآورده کند، آنها را مواظبت و نگهداری کند. یک چوپان انتظارات بی‌جا و زیادی از گوسفندان</p>   | <p>۱۸. همچون مادری مهربان (چوپانی)</p> |

<sup>۱</sup> آنجا که می‌فرماید: ای پیامبر اگر تو غلیظ‌القلب بودی مردم از گردت پراکنده می‌شدند.

<sup>۲</sup> سوره طه آیه ۴۴.

<sup>۳</sup> سوره فتح آیه ۲۹.

|  |                                 |
|--|---------------------------------|
| <p>ندارد. پیامبر اسلام(ص) و دیگر پیامبران الهی قبل از بعثتشان موظف به چوپانی بودند، از ویژگی‌های لازم یک مربی موفق این است که همچون چوپان ایشارگر، صبور، فداکار، مسئولیت پذیر، دلسوز، منظم، زرنگ و ... باشد. اگر محیطی باشد که کودکان مسئولیت نگه‌داری و مواظبت از حیوانی را زیر نظر یک بزرگتر عهده دار شوند، خود کودکان نیز به مرور تجربه بسیار خوبی در این زمینه می‌یابند، که برای موفقیت آنها در آینده بسیار مفید است. با واگذاری بعضی از کارهای فرزند کوچکتر به آنها در محیط خانواده یا جایی که امکان دارد، نیز این هدف تحقق خواهد یافت. می‌توان عروسک بازی دختر بچه‌ها را نیز برای دستیابی کودکان به این ویژگی(در سطح پایین‌تری نسبت به نگه‌داری از یک حیوان) مؤثر دانست.</p> |                                 |
| <p>از بارزترین ویژگی‌های شخصیّتی پیامبر اسلام(ص) مسئولیت‌پذیری ایشان است، انجام هر امری را عهده‌دار می‌شدند، آن را به بهترین حالت، تمام و کمال انجام می‌دادند. اگر یک مربی یا والدین مسئولیت پذیر نباشند، در انجام امور کودک کاستی به خرج می‌دهند و در نتیجه در ارتباط با کودک و تربیتش ناموفق خواهند بود. این مسئولیت‌پذیری در سه حوزه مربوط به کودک، خود را نشان می‌دهد: شناختی، عاطفی و رفتاری. قطعاً جزء مهم‌ترین اهداف تربیتی ایشان «مسئولیت پذیر شدن کودکان» است.</p>  | <p>۱۹. مسئولیت پذیری</p>        |
| <p>یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد پیامبر اسلام(ص) که باعث ارتقای عزت نفس کودکان می‌شود، شخصیت دادن به کودک است، آن هم در زمانی نزدیک به جاهلیت که هیچ احترامی برای کودکان و زنان قائل نبودند، به خصوص درباره دختر بچه‌ها. که این رفتارهای پیامبر اسلام(ص) را می‌توان مصادیقی از این ویژگی دانست:</p> <p>نامگذاری نیکو، تراشیدن موی سر کودک و صدقه دادن طلا و یا نقره به سنگینی موهای سر نوزاد، عقیقه کردن، زعفران مالیدن به سر کودک، ختنه کردن؛ اطعام نمودن همسایگان از عقیقه، با احترام صدا کردن کودک، بوسیدن دست دخترش و...</p>   | <p>۲۰. شخصیت دادن به کودکان</p> |
| <p>پیامبر اسلام(ص) علاوه بر این که با بیانی نرم، فصیح، بلیغ و شیوا احکام را تبیین می‌نمودند، با رفتارشان نیز سعی نموده‌اند احکام الهی را به دیگران (کودکان) بیاموزند، همان طور که به یارانشان می‌فرمودند: نماز بخوانید،</p>  | <p>۲۱. تبیین و آموزش احکام</p>  |

|   |  |
|---|--|
| <p>همچنان که من نماز می خوانم. برای کودکان این شیوه (دعوت عملی بدون گفتار) را نسبت به شیوه دعوت گفتاری بیشتر در نظر داشتند، چرا که اثر آن ماندگارتر است. ایشان برای آموزش احکام به کودکان ابتدا به کودکان نهایت محبت را ابراز می کردند، وقتی در دل کودک جا باز می کردند، رفتارهای خود را در معرض دید آنان قرار می دادند و بچه ها بخاطر رغبتی که به ایشان داشتند از رفتارشان الگو برداری می کردند. مثل این که در نماز و با این که امام جماعت در مسجد بودند، حسنین هنگام سجده بر پشتشان سوار می شدند، و ایشان نه تنها کودک را نهی نمی کردند بلکه سجده را به خاطر بازی کودک طولانی تر کرده و حتی از بیان آن برای اصحابشان نیز ابایی نداشتند. در روایات این چنین (که در فصل سوم آمد) هیچ دعوت گفتاری کودک به نماز از ایشان نمی بینیم.</p> |  |
| <p>طبق جدول دسته بندی سلسله مراتب نیازهای ابراهیم مازلو اگر در سطح حداقل، آن نیاز برطرف نشود، انسان احساس نیاز در سطح بالاتر را ندارد، او ابتدایی ترین نیاز انسان نیازهای فیزیوژیکی (زیستی) است که در گزارش های متعددی از موضوع ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودک درباره ی اهمیت دادن و برطرف کردن این سطح نیازهاست. این موضوع درباره گزارشات کودکی امیرالمؤمنین (ع)، دخترش فاطمه (س) و حسنین (ع) به خوبی هویدا است.</p>  | <p>۲۲. توجه به نیازهای زیستی کودک و برطرف کردن هرچه سریع تر آن</p> |
| <p>یکی از معضلات جامعه امروزی کم بودن میزان گفتگو بین انسانهاست. این مسأله برای کودکان و تربیتشان نقشی اساسی دارد. در ارتباطات پیامبر اسلام (ص) علاوه بر ظرافت های زبان بدن، گفت و شنود با کودک نیز تا انس یافتن کودک به ایشان ادامه می یابد. نکته ی بسیار مهمی در این ویژگی باید رعایت شود، این است که محتوای گفتگو و کلمات انتخابی در ارتباط با کودک، باید متناسب با فهم و رغبت کودک باشد، و گرنه باعث رنجش کودک گشته او را روی گردان خواهد کرد. گویا پیامبر اسلام (ص) رعایت این نکته را امری ضروری قلمداد می نمود، مثلاً در گفتگو با کودکان درباره موضوعاتی سخن می گفتند که کودک علاقه مند و درگیر آن است، حالت بیانشان نیز کودکانه بوده، و زمان ارتباط کلامی و جملات کوتاه بوده و کلمات برای کودک قابل فهم بوده است.</p>          | <p>۲۳. هم صحبتی و انس با کودک</p>                                  |
| <p>یکی از خصوصیات رفتاری که انسان را در چشم دیگران مؤدب و دوست داشتنی</p>   | <p>۲۴. روحیه</p>   |



|  |   |
|--|---|
| <p>قلمداد می‌کند، این ویژگی است، که در استمرار ارتباط با کودکان و تربیتشان بسیار مؤثر است. پیامبر اسلام(ص) از دیگران به خاطر خدماتشان تشکر کرده و سعی می‌کردند روحیه شکرگزاری (از خداوند) را نیز در دیگران زیادکنند. به عنوان نمونه در روایتی در فصل سوم<sup>۱</sup> چنین آمد: سپس آن حضرت آن بچه را نوازش فرمود و از داشتن چنین ادبی او را تحسین نمود.<sup>۲</sup></p>              | <p>قدرشناسی و قدردانی</p>   |
| <p>اگر کسی خوبی به دیگران کند نباید آن را بازگو کند یا درمقابلش پاداشی طلب کند، اگر این بازگوکردن ها تکرار شود موجب رنجش فرد می‌گردد. پیامبراسلام(ص) در مقابل بزرگترین خدماتشان به کودکان هم چیزی طلب نکردند<sup>۳</sup> و آن را بازگو نمی‌کردند. این امر در عزت نفس یافتن کودک بسیار مؤثر است.</p>  | <p>۲۵. منت‌نگذاشتن</p>  |
| <p>یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام(ص) برای موحّد بارآوردن کودکان این بود، که در جلوی کودک با صدای بلند دعا می‌نمودند، هم برای خودبچه‌ها و هم برای دیگران.</p>  | <p>۲۶. دعا برای کودک</p>  |
| <p>هم‌دلی و هم‌دردی یک ویژگی افراد مهربان است. که برای ارتباط با کودکان بسیار مؤثر است. به خصوص وقتی کودک صدمه دیده و احساس درد می‌کند.</p>  | <p>۲۷. هم‌دردی کردن با کودک</p>   |
| <p>والدین و مراقبان کودک غالباً در نیازهای کودک به نیازهای فیزیولوژیکی و یادگیری بسیار توجه می‌کنند. کودکانی که فقط در این حیطه نیازشان تأمین می‌گردد، غالباً افرادی ظاهرین و مادی‌گرا می‌آیند. در حالی که این ویژگی، در جهت برطرف کردن نیاز به توجه، سخن گفتن و دریافت جواب سؤال‌ها برای کودک اهمیت بسیاری داشته که در عزت نفس یافتن کودک و رشد عقلانی و معنوی او نیز مؤثر است.</p> | <p>۲۸. توجه نمودن به کودک، گوش دادن به سخنان کودک و پاسخ مناسب دادن</p> |
| <p>پیامبراسلام(ص) در ارتباط با کودک تماماً به طرف او قرار گرفته و در طول زمان ارتباط به کودک نگاه می‌کردند. گاهی از این به عنوان ابزار ارتباطی برای ارسال پیام استفاده می‌کردند مثل مورد توجه قرار دادن کودک بوسیله نگاه، در هنگامی که لباس نو پوشیده بود.</p>   | <p>۲۹. تماس چشمی</p>  |

<sup>۱</sup> ر ک ذیل عنوان اولویت‌های آموزش، ایجاد محبت اهل بیت(ع) ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup> دیلمی، حسن بن محمد، «إرشاد القلوب»، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۱۹۶.

<sup>۳</sup> انعام ۹۰.

|   |   |
|---|---|
| <p>یکی از نیازهای انسان این است که مورد پذیرش اجتماعش، واقع شود، در اجتماع جاهلی که کمترین شخصیتی برای کودک به خصوص دختر بچه‌ها قائل نبودند، پیامبر اسلام(ص) سعی نمودند، کودکان را مورد پذیرش اجتماعی قرار دهند. نمونه‌هایی از تکنیک‌های رفتاری ایشان متناسب با این ویژگی در ارتباط با کودکان چنین است: توجه کردن به کودک هنگام ورود، دعوت کردن از کودک به نشستن، جا باز کردن برای نشستن در آغوش و ... . حتی در کودکی خودشان هم به اداب و رسوم جاهلی در این باره توجه نکرده و آن را زیر پا می‌گذاشتند، بدین منظور خود را در آغوش جدش عبدالمطلب جای داده و بر جایگاه ایشان می‌نشستند و با مخالفت‌های عموهایش نیز توجه نمی‌کردند.</p> | <p>۳۰. ارزش اجتماعی بخشیدن به کودک</p>    |
| <p>شکیبایی یکی از ویژگی‌های ضروری برای کام‌یابی و موفقیت است، پیامبر اسلام(ص) هم خود بسیار صبور بودند، و سعی می‌کردند کودکان را نیز صبور بار آورند. بدین منظور در حد توان کودک به او مسئولیت داده و او را در سختی قرار می‌دادند.</p>  | <p>۳۱. صبور بار آوردن کودکان</p>          |
| <p>پیامبر اسلام(ص) به کودکان حق انتخاب می‌دادند و در حد توانشان «کودکان برده» را خریده و آنها را از قید بندگی می‌رهاندند مثل زید بن حارثه که در کودکی به بردگی درآمد، پیامبر او را آزاد کرد و او را پسرخوانده‌ی خود خواند و او را در انتخاب آزاد گذاشت تا بماند یا نزد خانواده‌اش برود.</p>   | <p>۳۲. آزادگی</p>                         |
| <p>اگر یک مرتبی مؤدب نباشد قطعاً نمی‌تواند انتظار مؤدب بودن از متربیانش داشت. پیامبر اسلام(ص) بسیار مؤدب بودند، و برای کودکان نیز چنین بودند. این ویژگی در ارتباطات ایشان با کودکان بسیار مشهود می‌باشد، نمونه‌های آن در نامیدن و صدا کردن اسم کودکان به خوبی مشهود است، مثل: نام‌گذاری کودکان با نام‌های نیکو، تغییر نام کودکان به نام‌های زیبا، تغییر نام مکان‌ها و شهر، نام‌گذاری وسائش، نام‌گذاری حیواناتش، دادن القاب و کنیه‌های زیبا به کودکان و معرفی مجموعه نام‌های نیکو.</p>   | <p>۳۳. مؤدب بودن</p>                      |
| <p>این ویژگی پیامبر اسلام(ص) در جاهای مختلفی مشهود است، مثل یتیم‌نوازی، غریب‌نوازی، هم‌نشینی با مستضعفان، برخورد یکسان با مستمندان و ثروتمندان، با تکبر رفتار کردن در مقابل مستکبران، مبارزه با ظالمان و ... .</p>  | <p>۳۴. استکبارستیزی</p>                   |
| <p>این ویژگی نیز در رفتارهایی از پیامبر اسلام(ص) خود را بروز می‌دهد، مثل تغییر نام‌های شرک‌آلود و کفرآمیز، جاری کردن طنین ندای توحید (گفتن اذان و اقامه) در</p>   | <p>۳۵. شرک‌زدایی و مبارزه با بت‌پرستی</p> |

|   |                                |
|---|--------------------------------|
| گوش و جان کودک در بدو تولد.   |                                |
| <p>پیامبر اسلام(ص) به زیبایی همواره، در همه‌ی زمینه‌ها توجه ویژه مبذول می‌داشتند، با زیباترین واژه‌ها و آواها سخن می‌گفتند، لباس‌های زیبا می‌پوشیدند و بچه‌ها را بخاطر لباس زیبا، نو یا تمیز تحسین می‌کردند. در نام‌گذاری‌ها از زیباترین نام‌ها مثل نام گلها(برای دختران)، آسمان(سحاب برای عمامه‌اش) استفاده می‌کردند. کارهای ناقص و ناتمام زیبا نیست، از این رو کارهایشان را تمام و کمال انجام می‌دادند.</p> <p>زیبایی به روح انسان طراوت می‌بخشد و چیزها را در نظرش خوشایند می‌کند، این نیاز(به زیبایی) در جذب کودکان مشهودتر و مؤثرتر است. البته زیباگرایی با زیبامحوری متفاوت است، نباید زیبایی هدف قرار گیرد بلکه باید جزء شرایط انجام کار قرار گیرد.</p>  | ۳۶.زیباگرایی                   |
| <p>یکی از ویژگی‌های کودکان جان‌دار پنداریست، که دانشمندانی همچون پیاز و اریکسون بدان توجه کرده‌اند. وقتی کودکی زمین می‌خورد معمولاً مادران شروع می‌کنند زمین را توبیخ کردن و با شخصیت زنده دادن و تقصیر کار دانستن زمین با کودک هم‌دردی کرده و کودک را آرام می‌کنند، رفتارهایی از پیامبر اسلام(ص) را می‌توان مصداق این مقوله دانست، مثل نام‌گذاری اشیاء توسط ایشان چرا که قطعاً در نظر کودک چنین جلوه می‌کند. مثال دیگر این که توصیه به زود به زود شستن و تمیز کردن لباس، چرا که ذکر می‌گویند، ذکر گفتن لباس در نظر کودک قطعاً جاندار پنداری است.</p>   | ۳۷.جاندارپنداری                |
| <p>مهمترین مسأله‌ای که باعث می‌شود، مربی و والدین از دست کودکان ناراحت شوند، این است که رفتاری از کودک ببینند، که آن رفتار در نظرشان اشتباه است. و علت ناراحتیشان در واقع این است که در پس زمینه ذهنیشان، کودک را همچون خود تصور می‌کنند، یعنی خیال می‌کنند کودک هم اطلاعات، درک و فهم بزرگسالان را دارد، نتیجه این است که از کودک انتظار دارند همچون بزرگسالان رفتار کنند. اگر به این نکته توجه داشته باشند که طرز فکر کودک با بزرگسالان متفاوت است و همه‌ی آنچه را بزرگسالان می‌فهمند، کودکان نمی‌فهمند، انتظار بی‌جا و زیادی از کودکان نداشته و رفتارهای کودکان را بهتر درک کرده، و به علت آن‌ها پی‌می‌برند.</p> <p>پیامبر اسلام(ص) با کودکان به لحن کودکانه سخن می‌گفتند با آنها هم‌بازی شده و به دیگران نیز سفارش می‌کردند با کودکان کودکانه رفتار کنند.</p> | ۳۸.همچون کودکان بودن با کودکان |
| این را می‌توان به عنوان یک ویژگی ارتباطی برای پیامبر اسلام(ص) درباره کودکان   | ۳۹.مجری احکام                  |

|                                 |  |
|---------------------------------|--|
| نوزاد                           | <p>دانست. وقتی یک نفر از مسلمانان بچه‌دار می‌شد، غالباً آن را نزد پیامبر اسلام(ص) می‌آوردند، ایشان کودک را به آغوش کشیده، با صدای ملایمی در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه می‌گفتند، و در برخی از این موقهت‌ها به درخواست والدینش کاش را با خرما برداشته و او را نام‌گذاری می‌کردند. اگر به مجلس اطعام عقیقه دعوت می‌شدند شرکت می‌کردند و یا گاهی شخصاً مسئول تقسیم گوشت عقیقه می‌شدند. و اگر کسی برای کودکش درخواست می‌کرد، برای کودک دعا می‌فرمودند. کسی که کودک دارد یا با کودکان سرو کار دارد باید برای انجام امور مربوط به کودکان از انگیزه‌ی زیاد برخوردار باشد. کسی که این تجربه‌ها را نداشته، نمی‌تواند مسئولین کودک و خود کودکان را درک کند بنابر این شایستگی قانون‌گذاری، اجرای قوانین، برنامه‌سازی و فیلم‌سازی مربوط به کودکان را ندارد.</p> |
| ۴۰. سخاوتمندی                   | <p>اگر کسی بخیل باشد، روحیه‌ی هزینه‌کردن برای نیازهای کودک را ندارد، پیامبر اسلام(ص) روحیه سخاوتمندی داشته و هرچه از اموال در اختیارشان قرار می‌گرفت را برای خانواده، فقرا و مسلمین هزینه می‌کردند. به عنوان عقیقه دخترش فاطمه شتر نحر کردند و برای حسنین برّه عقیقه کردند. این ویژگی باعث می‌شود از هزینه کردن برای کودکان لذت ببرد و با لبخند و شادی کودکان شاد و با نشاط گردد.</p>  |
| ۴۱. رعایت بهداشت، نظافت و تمیزی | <p>یکی از صفاتی که باعث شکست ارتباطی بین انسانهاست، این است که بهداشت رعایت نشود، کودکان نه تنها از این قاعده مستثنی نیستند، بلکه درباره آنها رعایت بهداشت از اهمیت بیشتری برخوردار است. یک مربی موفق قطعاً باید رعایت اصول بهداشتی را بکند. نمونه‌ای از این مسأله برای یک مسلمان، ختنه است.</p>   |
| ۴۲. خوش‌بویی                    | <p>شاید در زمان امروزه داشتن صفات و ویژگی‌هایی چون رعایت بهداشت و خوش‌بویی، امری عادی جلوه کند و نداشتن آنها برای انسان‌های امروزی غیر عادی بنظر برسد، ولی در زمان پیامبر اسلام(ص) و آداب و رسوم عصر جاهلی در عربستان رعایت این ویژگی‌ها برایشان مضحک به نظر می‌رسید و شرائط و کمبود آب و مواد غذایی در آن مکان، نیز رعایت این امور را برای فرد بسیار سخت می‌کرد. در کنار فرد خوش‌بو بودن، برای همه‌ی انسان‌ها به خصوص کودکان امری پسندیده و جذاب است.</p>   |
| ۴۳. تنوع در نوازش و تشویق       | <p>این ویژگی باعث می‌شود، تشویق یا نوازش جذابیت و اثرگذاری را از دست ندهد. از مصداق‌های نوازش کودکان توسط پیامبر اسلام(ص) می‌توان به این‌ها اشاره کرد: نگاه با محبت، دست روی سر کودک کشیدن، دست روی صورت کودک کشیدن،</p>   |

|  |                                  |
|--|----------------------------------|
| <p>دست روی سر کودک گذاشتن، بوسیدن روی سر، پیشانی، دست، گونه و صورت کودک، در آغوش کشیدن، به سینه چسبانیدن کودک، روی زانو نشان دادن، روی سینه خواباندن، خواباندن کودک در کنارشان و گذاشتن دست یا بازو زیر سر کودک و ... . تشویق های غیر از نوازش یا همراه با آن نیز در رفتارهای پیامبر اسلام(ص) تنوع دارد، مثل تشویق های متعدد زبانی مثل به کارگیری کلمات تحسین آمیز یا خواندن اشعار تحسین برانگیز برای کودک، تشویق های تأیید کننده ی حرکت سر و نگاه، بازی کردن با کودک، دادن هدیه های گوناگون، بردن کودک به همراه خود و ... .</p>   |                                  |
| <p>اگر کسی از سلامتی برخوردار نباشد، توانایی ندارد وظائف خود را انجام دهد. لزوم داشتن این ویژگی برای یک مربی کودک از بدیهیات است.</p>  | <p>۴۴. سلامتی</p>                |
| <p>نشاط و سرزندگی باعث داشتن انگیزه برای حرکت و تلاش در جهت رسیدن به اهداف است. نشاط را می توان از لوازم و نشانه های کودک سالم از نظر جسمی و روانی دانست.</p>  | <p>۴۵. نشاط</p>                  |
| <p>پیامبر اسلام(ص) این یکی از ویژگی های جذاب برای انسان ها به خصوص کودکان است که در درجه اول از داشتن آن لذت می برد و در درجه دوم از این لذت می برد که خود را منصوب به یک شخص قدرتمند کند. این از امتیازات یک مربی و والدین است و از لوازم آنها نیست، ولی داشتن آن در ارتباط با کودک مؤثر است. تغذیه مناسب، ورزش و فعالیت های بدنی برای بدست آوردن این ویژگی مؤثر است.</p>   | <p>۴۶. قدرت بدنی خوب</p>         |
| <p>یعنی اندازه مناسب هرچیز را رعایت کردن، اگرچه این معنی بدو امری نسبی به نظر می رسد ولی می توان آن را امری وجدانی دانست. به هر حال نوع بشر برای هر چیزی محدوده ای قائل اند. کودکان غالباً «رعایت عدالت» را در «برقراری تساوی» بین افراد می دانند. والدین و مربی موظفند در جاهایی که کودک خود را با دیگران مقایسه می کند، و مصداق عدالت، تساوی نیست، به گونه ای زیرکانه و هوش مندانانه رفتار کنند تا در نظر کودک ظالم جلوه نکنند و گرنه پیامدهای ناگواری را باید انتظار بکشند. پس مهم در ارتباط و تربیت کودک این است که، فرد علاوه بر این که واقعاً عادل است باید در نظر کودک نیز عادل جلوه کند.</p> | <p>۴۷. عدالت، اعتدال</p>         |
| <p>رعایت نوبت را می توان از مصادیق عدالت در رفتار دانست، که پیامبر اسلام(ص) آن را در ارتباط با کودکان مراعات می کردند، مثل این که ابتدا به امام مجتبی شیر شتر نوشاندند بعد به امام حسین چون امام حسن زودتر درخواست کرده بودند. یا در داستان بچه آهوی اهدائی که آن را در اختیار امام حسن قرار داد که زودتر درخواست</p>  | <p>۴۸. رعایت نوبت بین کودکان</p> |

|   |  |
|---|--|
| <p>کرده بود و بعد از این که امام حسین دید و بچه آهو خواست، آن را از امام حسن پس نگرفت یا امام حسین را در آن شریک نکرد.</p>  |  |
| <p>وقتی پیامبر اسلام(ص) در حال انجام عمل مستحبی مثل جماعت خواندن نماز بودند و صدای کودکی شیرخواره به گریه بلند می‌شد، نماز را کوتاه می‌کردند تا مادر بچه به او رسیدگی کند. و در مقابل سؤال نمازگزاران از علت کوتاه شدن مدت نماز جماعت با جمله‌ای کوتاه که فرمودند: مگر صدای کودک را نشنیدید. یک اصل کلی را مطرح کردند، و آن این که: برطرف کردن نیازهای کودک از انجام مستحبات مهم‌تر و در ردیف واجبات است. و این نیاز، نه فقط در نیازهای زیستی بلکه برای احساس نیاز کودک به بازی نیز این اولویت را قائل بودند، نمونه‌اش طولانی کردن سجده نماز جماعت برای این که کودک بیشتر بر دوششان بنشیند و بازی کند.</p>  | <p>۴۹. اولویت دادن برطرف شدن نیاز کودک نسبت به انجام مستحبات</p> |
| <p>یک مادر و پرستار نوزاد باید از روی علائم پی به نیازها یا مشکلات کودک ببرد. چرا که نوزاد قادر به سخن گفتن نیست و فقط با گریه و حالات ناهوشیار بدن و چهره، ابراز ناآرامی می‌کند. این سرپرست یا پزشک کودک است که باید از روی نشانه‌های متفاوتی که دریافت می‌کند، به علت این نا آرامی‌های کودک پی‌ببرد و بچه را به حالت عادی و آرامش برگرداند. اگر بهره هوشی<sup>۱</sup> و هوش هیجانی (عاطفی) شخص کم باشد، قادر به یادگیری این علائم و مطابقت دادن آنها با مصادیق صحیح ناآرامی نخواهد بود. زیاد بودن هوش هیجانی پیامبر اسلام(ص) از روایات گزارشات تاریخی درباره‌ی پرورش دادن امیرالمؤمنین از کودکی، دخترش فاطمه، دیگر فرزندان و ارتباط زیاد با حسنین(ع) به خوبی محسوس است.</p> | <p>۵۰. هوش هیجانی بالا</p>                                       |
| <p>پیامبر اسلام(ص) بهترین تغذیه را برای شیرخوار شیر مادر عنوان کرده و بعد از آن شیردایه با ویژگی‌های خاص، چرا که خصوصیات جسمی، اخلاقی و اعتقادات مرضعه را بر کودک مؤثر دانسته‌است.</p>  | <p>۵۱. توجه به شیر مادر</p>                                      |
| <p>پیامبر اسلام(ص) نوع و تغذیه مادر را از بدو شکل‌گیری نطفه‌ی کودک بر رشد جسمی، هوشی و معنوی کودک مؤثر می‌دانسته و در این زمینه برای بسته‌شدن نطفه، زمان بارداری و شیردهی سفارشات داشته‌اند.</p>  | <p>۵۲. توجه به تغذیه مادر در بارداری و شیردهی</p>                |
| <p>پیامبر اسلام(ص) در هر دو زمینه سفارشات داشته‌اند. می‌توان سفارشات تربیتی ایشان</p>   | <p>۵۳. مؤثر دانستن</p>   |

<sup>۱۱</sup> تعاریف متفاوت و زیادی دارد، خلاصه برداشت نگارنده: میزان «توانمندیهای ذهنی» مراد است که خود را در حفظیات، استدلال کلامی، استدلال ادراکی، درک فضایی و قدرت و سرعت پردازش و نشان دادن عکس‌العمل (مطابق اندازه گیری هوش و کسلر) به خوبی نشان می‌دهد.

|   |   |
|---|---|
| <p>را در پنج عامل کلی دسته‌بندی کرد: ۱. ارثی، ۲. رفتارهای والدین، ۳. تغذیه، ۴. محیط زندگی، ۵. مربی، هم‌سالان، دوستان و ...</p>  | <p>عوامل وراثتی و محیطی بر کودک</p>                             |
| <p>پیامبر اسلام (ص) بعضی از رفتارهایشان را مستند به شیوه پیامبران معرفی می‌کردند، مثل ختنه کردن. این آموزش الگوگیری از روش پیامبران است. والدین و مربیان کودک با داشتن این ویژگی از تربیت کودکان اطمینان بیشتری می‌یابند.</p>   | <p>۵۴. تأسی به روش پیامبران پیشین:</p>                          |
| <p>یکی از نیازهای کودکان «خوب دیده شدن» است، لذا برای ظاهرشان سلیقه به خرج داده و سعی می‌کنند در کاربرد مدل و رنگ لباس ذوق و خلاقیت داشته باشند. بر همین اساس والدین، سرپرست کودک، طراحان لباس کودک، طراحان صحنه‌های مربوط به کودک، فیلم‌سازان برای کودکان و... باید از ترکیب رنگ‌های شاد و مهیج استفاده کنند. و در این باره به کودکان توجه ویژه کرده و آنها را با دقت و تحسین برانگیز و با صورت با نشاط بنگرند.</p>  | <p>۵۵. خلاقیت و ذوق در کاربرد رنگ و مدل در پوشش و محیط کودک</p> |
| <p>پیامبر اسلام (ص) معتقد بودند صفات اخلاقی، اعتقادات و رفتارهای این سرپرست (والدین، مربی، پرستار، دایه کودک و...) بر تربیت کودک مؤثر است، لذا اگر برای کودک نیاز به یکی از چنین افرادی بود، در گزینش این افراد به صفاتی مثل شراب خواری نبودن تأکید داشتند.</p>   | <p>۵۶. توجه به خصلت‌های اخلاقی سرپرست</p>                       |
| <p>اگر کسی از پیامبر اسلام (ص) عذرخواهی می‌کرد، پیامبر از خطایش چشم‌پوشی کرده و عذرش را می‌پذیرفتند، به خصوص درباره کودکان. و راه جبران آن را به خطاکار نشان می‌دادند. سرپرست کودک با این ویژگی می‌تواند، راه اصلاح را برای کودک باز کند و به مرور او را در برابر تکرار آن خطا مصون کرده، و باعث افزایش عزت نفس در کودک گردد.</p>   | <p>۵۷. توبه پذیری</p>   |
| <p>یکی از مشکل‌سازترین عوامل در زندگی انسان‌ها این است که در حالت‌های عصبانیت، شوق و رغبت زیاد، در حال نیاز شدید به چیزی و... تصمیم می‌گیرند، که باعث می‌شود تحت تأثیر احساسات و هیجانات شدید، قرار گرفته، که در این حالت عقل قادر به تشخیص صحیح نبوده، در نتیجه موجب پشیمانی فرد می‌گردد. لذا از لازم‌ترین ویژگی‌های برای یک انسان به خصوص فرد مرتبت با کودک، این است که باید متین، استوار و صحیح تصمیم بگیرد، و این مستلزم آرامش داشتن است تا عاقلانه تصمیم بگیرد. هیچ گذارشی از خشم پیامبر اسلام (ص) غیر از جنگ با دشمنان و پایمال شدن حق گزارش نشده است. حتی در پایمال شدن حق شخصی خودشان هم خشمگین نمی‌شدند.</p> | <p>۵۸. آرامش داشتن در تصمیم‌گیری</p>                            |

|   |   |
|---|---|
| <p>یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام(ص) که انتظار می‌رود یک کودک به مرور زمان مطابق با آن تربیت یافته و دارای آن گردد، اعتدال در مصرف است، که از آن به تقدیر، اندازه‌گیری و اسراف نکردن تعبیر می‌شود. پس این ویژگی باید در سرار برنامه‌ها و وجود مربی، والدین و مسئولین مرتب با کودک نهادینه گردد. البته این ویژگی را می‌توان از مصادیق «عدالت» در رفتار و مصرف دانست، ولی تصریح بر آن به صورت مجزا بهتر است.</p> | <p>۶۰. تقدیر و اسراف نکردن</p>          |
| <p>به خاطر خشونت دیدن و تنبیه شدید، بر کودکان ترس غلبه کرده، باعث می‌شود، اطمینانشان، اعتمادشان و ایمنی‌شان نسبت به تنبیه کننده از دست می‌دهند. در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان خشونت دیده نمی‌شود و کودک نسبت به ایشان اعتماد و اطمینان کامل دارد.</p>  | <p>۶۱. ایمنی بخشی با پرهیز از خشونت</p> |
| <p>اگرچه این ویژگی در گیرندگی نمود بیشتری نسبت به فرستنده بودن در ارتباط دارد، ولی با این حال خوب گوش دادن، یعنی دقت داشتن به کلام برای دریافت معنای آن، همراه با واکنش‌هایی است که در مقام پس فرست پیام برای فرستنده‌ی اول می‌فرستد، به این گوش دادن فعال گویند، که شامل نگاه به چهره مخاطب، سرتکان دادن، آهان گفتن و... می‌شود.</p>   | <p>۶۲. خوب گوش دادن</p>                 |

#### ۴. ۱. ۲. ۲. گیرنده (دریافت کننده پیام)؛

آن شخص یا اشخاصی که در ارتباط، مد نظر شخص فرستنده است و بنا دارد، معنایی را به او منتقل کند، را گیرنده گویند. گیرندگان پیام در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان مطابق با روایات تحلیل شده فصل سوم در جداول بخش اول (از گفتار اول فصل چهارم)، سه قسم است:

|   |
|---|
| <p>۱. یکی در ارتباط مستقیم پیامبر اسلام (ص) با کودکان: که کودکان بیشترین آمار را در ارتباط با پیامبر اسلام(ص) در گزارشات را به خود اختصاص می‌دهند.</p>  |
| <p>۲. مخاطبین کودکیش: یعنی کسانی که پیامبر اسلام(ص) در دوران خردسالی با آنها ارتباط داشته، که عبارتند از: مادرش، مادر رضائیش حلیمه سعدیه، سرپرستش (پدر رضائیش، عبدالمطلب، ام سلمه، ابوطالب و فاطمه بنت اسد)</p>                               |
| <p>۳. افرادی که پیامبر اسلام(ص) درباره کودک با آنها ارتباط برقرار نموده است، مثل سفارشات درباره کودکان به افراد مرتبط با کودک، که عبارتند از: والدین، سرپرست و پرستار، مربی، مرضعه و ختنه‌کننده کودک و جامعه. و خداوند در دعای برای کودک.</p> |



نکته: این گیرنده‌ها بر اساس اجزاء الگوی ارتباطی است، که در جدول‌های بخش اول آمده است. ولی اگر ارتباط را فراگرد در حال گردش تعریف کردیم در طول مدت زمان ارتباط همواره هر دو طرف ارتباط (فرستنده و گیرنده) در حال ارسال و دریافت پیام بصورت هم‌زمان هستند. تمام ویژگی‌هایی که برای پیامبر اسلام(ص) در قسمت قبل (فرستنده) آمده است، قطعاً در اجزاء دیگر مدل ارتباطی(غیر از فرستنده) و بر کلیه‌ی جریان فرایند ارتباط اثرگذار است، ولی بر روی فرستنده اثر ملموس‌تری دارد. بعضی از این ویژگی‌ها بر روی گیرنده نیز مؤثرتر به نظر می‌رسد، که در زیر به آنها پرداخته می‌شود:

|  |  |
|--|--|
| <p>۱. ایمنی بخشی با پرهیز از خشونت</p> <p>به خاطر خشونت دیدن و تنبیه شدید، بر کودکان ترس غلبه کرده، باعث می‌شود، اطمینانشان، اعتمادشان و ایمنی‌شان نسبت به تنبیه کننده از دست می‌رود. در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان خشونتی دیده نمی‌شود و کودک نسبت به ایشان اعتماد و اطمینان کامل دارد.</p>  | <p>۱. ایمنی بخشی با پرهیز از خشونت</p> |
| <p>۲. گوش دادن فعال<sup>۱</sup></p> <p>این ویژگی در گیرندگی نمود بیشتری نسبت به فرستنده بودن در ارتباط دارد، خوب گوش دادن، یعنی دقت داشتن به کلام برای دریافت معنای آن، همراه با واکنش‌هایی است که در مقام پس فرست پیام برای فرستنده‌ی اول می‌فرستد، به این گوش دادن فعال گویند، که شامل نگاه به چهره مخاطب، سر تکان دادن، آهان گفتن و ... .</p>   | <p>۲. گوش دادن فعال<sup>۱</sup></p>    |
| <p>۳. تماس چشمی</p> <p>در صورتی که طرفین ارتباط نامحرم نباشند، بهتر است گیرنده و فرستنده با هم تماس چشمی برقرار کنند، این تماس چشمی در روند ارتباط و موفقیت آن بسیار مؤثر است.</p>   | <p>۳. تماس چشمی</p>                    |
| <p>۳. زبان بدن مناسب</p> <p>یکی از بهترین ویژگی‌های شخص گیرنده زبان بدن مناسب است، به خصوص حالات چهره، که خودش ابزار ارتباط بسیاری از پیام‌های پس فرست است.</p>  | <p>۳. زبان بدن مناسب</p>               |
| <p>۴. خوش بویی</p> <p>این ویژگی باعث جذابیت داشتن انسان می‌شود و بیشتر شدن نقش گیرنده‌گی انسان را رقم می‌زند.</p>  | <p>۴. خوش بویی</p>                     |
| <p>۵. هم دلی</p> <p>این دو ویژگی از آثار داشتن هوش هیجانی بالاست. هم دلی باید توسط مخاطب احساس شود، یعنی از رفتارها و سکناات گیرنده، فرستنده باید دریافت کند که گیرنده با او هم دلی می‌کند. از جمله رفتارهایی که باعث ایجاد حس هم دلی است، ابراز تأسف کردن، صورت اشک آلود، حتی گریه در یک اتفاق دلخراش مثل مرگ یکی از نزدیکانش نمونه‌های هم‌دلی کردن پیامبر اسلام(ص) در نقش گیرنده‌گی است.</p> | <p>۵. هم دلی</p>                       |
| <p>۶. هم صحبتی و انس با</p> <p>وقتی کودک صحبت می‌کند، گیرنده علاوه بر این که خوب گوش می‌دهد باید بتواند پایه پای کودک در همان موضوع پاسخ داده و او را همراهی کند. کودک نیاز دارد به کسی انس بگیرد</p>  | <p>۶. هم صحبتی و انس با</p>            |

<sup>۱</sup> توبه ۶۱ از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او (سرپا) گوش است (حرف هر کس را می‌پذیرد)! بگو: او گوش خوبی برای شماست...

|                       |  |
|-----------------------|--|
| کودک                  | یعنی ابتدا انس می‌گیرد، سپس سخن می‌گوید، تا به کسی اعتماد نکند با او هم کلام نمی‌شود.  |
| ۷. حلم، صبر و آرامش   | اگر کسی صبور نباشد توانایی ندارد، کودک را تحمل کرده و پیام‌های کودک را دریافت کند. پس یکی از شرایط گیرنده این است که صبور بوده تا پیام را به خوبی دریافت کند.  |
| ۸. رعایت نوبت         | مثلاً وقتی دو یا چند کودک در کنار هم در نقش فرستنده باشند، گیرنده باید در گوش دادن به حرف آنها نوبت را رعایت کند. گیرنده باید ترتیب مطالبی که دریافت کرده را به یاد بسپارد که بتواند به نوبت پاسخ گوید.  |
| ۹. نشاط               | نشاط و سرزندگی گیرنده باعث نشاط فرستنده و بهبود ارتباط است. اگر فردی بی‌نشاط باشد، کودکان نیز سریعاً بی‌نشاطی او را دریافته و شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این نکته در ضرب‌المثل چنین گوش‌زد شده است: مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد. وقتی کودک سخن می‌گوید هرچه گیرنده با نشاط بیشتری به او توجه می‌کند او بیشتر از ارتباط لذت می‌برد و بهتر سخن می‌گوید. به علاوه نیاز مورد توجه او نیز ارضاء می‌شود. |
| ۱۰. تنوع در برخورد    | اگر گیرنده همواره در هنگام دریافت پیام از فرستنده یکسان رفتار کند، انگیزه و ذوق فرستنده کم می‌شود.   |
| ۱۱. همچون کودکان بودن | کودکان از نظر جسمی و اطلاعاتی در سطح بزرگسالان نیستند، علاوه بر این خصلت‌های بخصوصی هم دارند، مثل جاندار پنداری، اگر بزرگسالان در نقش گیرنده خود را همچون کودکان تصور کنند، بهتر پیام دریافتی از آنها را معنی کرده و آنها را بهتر درک می‌کنند.   |
| ۱۲. رعایت بهداشت      | رعایت نظافت فردی و اجتماعی، و تمیزی باعث جذاب بودن گیرنده است و برعکس رعایت نکردن این امور باعث می‌شود افراد دیگر رغبتی به برقراری ارتباط با این فرد را نداشته باشند. پس این ویژگی در گیرنده باعث رونق یافتن ارتباط می‌شود.  |
| ۱۳. شرک زدایی         | پیامبر اسلام (ص) در نقش گیرنده نیز اخلاص داشته و به شرک زدایی توجه می‌کردند.   |
| ۱۴. تأیید کردن        | بخشی از گوش دادن فعال گیرنده، تأیید کردن فرستنده است در مطالبی که فهمیده و قبول کرده است، که به طرق مختلفی انجام می‌شود، مثل سرتکان دادن، پاسخ به سؤالات فرستنده، تأیید کلامی کوتاه مثل گفتن آهان، چه جالب، و تکرار کردن قسمت آخر کلام فرستنده، خلاصه گفتن مطالب گفته شده برای فرستنده و ابراز احساسات متناسب فرستنده.   |

#### ۴ . ۱ . ۲ . ۳ . رمزگزاری:

رمزگذاری جزیی از الگوی ارتباطی است، که عبارتست از: انتخاب و اختصاص یک ابزار ارتباطی توسط فرستنده به معنای مقصودش. همان طور که گذشت، یک معنایی در ذهن فرستنده ایجاد گشته و در صدد است آن را به دیگری (گیرنده) انتقال دهد، چون معنی به خودی خود (ذات معنی) بدون واسطه و وسیله برای انسان (انسان‌های عادی و معمولی) قابل انتقال نیست، ناگزیر باید از وسائلی برای رسیدن به مقصودش (ایجاد شدن همین معنی در ذهن مخاطبش) استفاده کند. پس آنچه در اختیار انسان است حواس پنج‌گانه مشترک بین انسان‌هاست که مرکز آن مغز بوده و داده‌های حسی را برایش به ارمغان می‌آورد. و او با قدرت تفکر، توانایی تجزیه، ترکیب و تحلیل داده‌های ادراک شده را دارد، پس او سعی می‌کند برای هر یک از معانی در ذهنش و این داده‌های ادراک شده ربطی بیابد، گاهی این مقارنت به صورت ذاتی (بدون قرارداد) برقرار می‌شود مثل صدا، بو، رنگ و طعم ادراک شده از هر چیزی که همراه با خود آن شیء محسوس است، ولی اکثر معانی در ذهن مصداق مادی محسوس (به صورت ذاتی) ندارد و باید برای آن از محسوسات، مصداقی قرار دهند. در ارتباطات به حوزه‌های احساسی به صورت کلی ابزار ارتباطی می‌گوییم که شامل گفتاری و شنیداری، دیداری، لامسه، چشایی و بویایی می‌شود و به هر یک از مصداق‌های تعیین شده برای معانی خاص از این پنج حوزه (ابزار ارتباطی) «رمز» می‌گوییم.

به نظر من حساس‌ترین نقطه فرایند ارتباط همین رمز گذاری است، و نقش بسیار تعیین کننده در میزان موفقیت ارتباط دارد. فرستنده در رمزگذاری ابتدا رمزهای متناسب با معنی مقصودش را در ذهنش حاضر می‌کند، سپس باید بهترین رمز (بارمزا) را از بین آنها انتخاب کند، رمزهایی را انتخاب می‌کند که احتمال قوی می‌دهد (اطمینان دارد) مخاطب با دریافت آن، همان معنای مقصود فرستنده را در ذهنش دریافت می‌کند. مجموعه این رمزا منبع اطلاعاتی پیام فرست و گیرنده پیام را تشکیل می‌دهد که از آن به «منبع معنا» یا «منبع پیام» تعبیر می‌شود. پس روشن شد رمز گذاری یعنی آن قرار دادن ابزارهای ارتباطی (نرم افزاری) استفاده شده توسط فرستنده بوده، که در قالب گفتار، زبان بدن، رفتارها، حرکات و ... بوده و در بردارنده‌ی معانی مد نظر (معنای مقصود) فرستنده در ارتباط است. [رمزگذاری و توانایی ارتباط (communication ability) و رمزگذار (En: encoder)] توضیح مراحل مدل ارتباطی بعد از رمزگذاری خواهد آمد. چون رمز گذاری با مبحث ابزارهای ارتباطی عجین است برای پیش‌گیری از اطاله کلام بقیه‌ی توضیحات رمزگذاری ذیل عنوان بعدی (یعنی ابزارهای ارتباطی پیامبر (ص)) می‌آید.

#### ابزارهای ارتباطی پیامبر اسلام (ص) در ارتباط با کودکان؛

همان طور که در فصل اول آمد، ابزارهایی که در فرایند ارتباط کاربرد دارد، ابزار ارتباطی نامیده می‌شود. به عبارت بهتر، وسیله‌ی برقراری ارتباط با دیگران را ابزار ارتباطی نامند. که به دو دسته ابزارهای ارتباط فیزیکی (غیر مستقیم) و ابزارهای ارتباط انسانی (مستقیم) تقسیم می‌شود.

«ابزارهای ارتباط انسانی» آن حرکات، سکنتات، گفتارها و... است که انسان بواسطه‌ی آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، هر چه ابزار انتخاب شده بهتر و نزدیک‌تر، معنای پیام را در ذهن مخاطب

ایجاد کند، برقراری ارتباط از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود. اگر با دقت بیشتری به تعریف اراده شده از ارتباط توجه شود، جایگاه و تعریف ابزارهای ارتباطی به خوبی روشن خواهد شد. وقتی فرستنده پیام در صدد ارسال معنای مورد نظرش به دیگری است، ناگزیر است آن معنا را در یک قالبی گنجانده که اولاً قابلیت ارسال داشته، ثانیاً مخاطبش (گیرنده) بتواند آن را باز خوانی کرده و به همین معنا دست یابد؛ پس فرستنده از رمزها، نمادها، شکل‌ها را در قالب الفاظ، اصوات، تصویر و... برای رمز گذاری و پیام‌رسانی استفاده می‌کند که به این مجموعه ابزارهای ارتباطی اطلاق می‌شود. از طرفی چون این مجموعه موادی هستند که محتوای پیام را تشکیل می‌دهند، این مجموعه قسمت عظیمی از منبع پیام را تشکیل می‌دهد.

همان‌طور که در فصل دوم گذشت، در مدل ارتباطی منبع معنای محسنیان راد بیشترین توضیح را برای اجزاء ارتباطی و فرایند شکل‌گیری آن از ابتدا تا انتها دارد، در الگوی ارتباطی «منبع معنی» محسنیان راد که از این مجموعه به این عنوان، یعنی «رمز یا نماد» یاد می‌کند نه «ابزارهای ارتباطی». البته «سطح توانایی ارتباطی» را نیز به رمزها اضافه می‌کند، که از توضیحاتش چنین برداشت می‌شود که مرادش «توانایی در رمزگذاری بهتر و استفاده از ابزارهای ارتباطی بیشتر و صحیح‌تر برای توانمندی تبدیل معنای مقصود فرستنده به پیام در بهترین حالت است».

دسته بندی روایات در فصل سوم بر اساس این ابزارهای ارتباطی است، که ذیل هر یک توضیح کوتاهی آمده است، کسی که می‌خواهد از ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان الگوبرداری کند، باید از منابع پیام، انگیزه، هدف و ابزارهای ارتباطی ایشان در ارتباط با کودکان پیروی کند، پس ذکر و دانستن آن لازم است، در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان روی ابزارهای ارتباطی بسیار دقت شده است. این ابزارها را در چهار دسته می‌توان جای داد: ۱. ابزارهای ارتباطی گفتاری، ۲. ابزارهای ارتباطی زبان بدن بدون تماس بدنی، ۳. ابزارهای ارتباطی زبان بدن همراه با تماس بدنی، ۴. ابزارهای ارتباطی رفتاری. مصادیق هر قسمت (۹۰ مصداق جمعاً) از جدول‌های تطبیقی و مجموع عناوین روایات فصل سوم در جدول زیر می‌آید:

## ۱. گفتار

الف: در ارتباط مستقیم پیامبر اسلام با کودکان:

در این نوع از ارتباطات ایشان رمز گذاری‌ها با ابزارهای (رمزهای) زیر مشاهده می‌شود:

### ۱. با احترام صدا کردن کودک:

این ابزار را می‌توان در نوع و حالت گفتار، تن صدا، حالت صدا، و حرکات و سکنت‌های بدنی پیامبر اسلام (ص) هنگام ارتباط، و مهمتر از همه کلمات به کار رفته توسط ایشان در ارتباط مشاهده کرد. وقتی ما فردی را مورد خطاب قرار می‌دهیم، می‌توانیم با این ابزارها پیام محبت را در حین ارتباط به او ارسال کنیم. شاید به کسی نگوئید شما چقدر او را دوست دارید ولی با بکارگیری این ابزار او به این نتیجه خواهد رسید، که او را دوست دارید.

### ۲. تحسین کردن و تشویق زبانی برای تلاش و کوشش:

ذکر دو نکته در این گزینه بسیار اهمیت دارد: یکی این که تشویق‌ها و تحسین‌ها باید روی صفات اکتسابی فرد باشد نه برای صفات ذاتیش. وقتی فرد برای تلاش کردنش تشویق می‌شود انگیزه‌اش برای تلاش کردن افزایش می‌یابد اما تشویق ویژگی‌هایی که منوط به تلاش نیست، باعث کاهش کمی و یا کیفی تلاش فرد می‌گردد نکته دیگر انتخاب کلمات و حرکات و سکنت‌های فرستنده است که باید متناسب با میزان تشویق باشد. امیدوار کردن بچه برای تلاش کردن و استقامت کردن از بهترین انواع تشویق است که در روایتی آن، در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با نوه‌هایش حسنین گذشت.

### ۳. شعرخواندن:

از بهترین ابزارهای ارتباطی کلامی شعر است که برای ارتباطات عاطفی مؤثرتر است. چون در ارتباط با کودکان عاطفه رکنی بسیار مؤثر است، ابزارهای عاطفی همچون شعر در ارتباط با کودک نقش بسیار مؤثری دارد. به خصوص اشعار کودکانه و محبت‌آمیز برای کودکان ارتباط را بسیار جذاب می‌کند.

### ۴. سخن محبت‌آمیز به کودک (قربون و صدقه رفتن):

از اساسی‌ترین نیازهای کودکان دریافت مهر و محبت است. و یکی از بهترین ابزارهای ارتباطی ارسال پیام محبت، سخنانی حاوی کلمات محبت‌آمیز است. که در ارتباطات پیامبر اسلام (ص) با کودکان بسیار زیاد است که نمونه‌هایی در روایات فصل سوم بیان گردید.

### ۵. دعا:

در دیدگاه دو گانه انگاری توحیدی و ارتباط با خدا اهمیت ویژه‌ای دارد. یعنی علاوه بر این که انسان باید باور به خداوند یکتای توانای حکیم دارد، همه چیز را از خدا می‌داند و تصرفاتش در امور دنیوی را به اذن خدا (تکوینی) می‌داند و سعی می‌کند وظیفه‌اش را (انچه خدا می‌پسندد) انجام دهد. به همین خاطر از خداوند می‌خواهد به او قدرت تشخیص و انجام وظیفه دهد. دعا باعث تقویت ارتباط با قادر مطلق شده و

باعث تقویت انگیزه برای انجام کارها می‌شود. کودک باید با این نوع نگاه تربیتی توحیدی آشنا گردد که دعا یکی از ابزارهای ارتباطی است که قابلیت ارسال این پیام را دارد.

۶. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد:

این ابزار یکی از ابزارهای ارتباطی برای ارسال پیام توحید، در الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان در بدو تولدشان است. به کارگیری این ابزار ارتباطی توسط ایشان بیانگر این است که تربیت توحیدی را از بدو تولد مؤثر دانسته و آغاز می‌کند.

۷. سلام کردن به کودکان:

همان طور که بیان شد فرهنگ جاهلیت مثل قانون جنگل بر پایه‌ی قدرت نظامی و مالی رتبه‌بندی گشته بود و افراد برای حفظ خود از قتل و غارت ناگزیر بودند به صورت جمعی در ساختار قبیله هم‌دیگر را حمایت کنند، تا از گزند بیشتر در حوادث (جنگ، غارت، خشکسالی، قحطی و گرسنگی و ...) در امان بمانند. لذا کودکان، به خصوص دختر بچه‌ها از پائین‌ترین مرتبه در جایگاه اجتماعی برخوردار بودند. پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری ابزارهای ارتباطی مختلف و متنوع سعی در این داشتند تا این پیام را به جامعه ابلاغ کرده و نهادینه کنند که همه‌ی انسان‌ها از نظر ارزش در دنیا برابرند و ارزش مندی حقیقی (آخرتی، الهی) به باتقواتر بودن است نه به مال بیشتر یا قدرت بدنی و نظامی(جنگی) بیشتر. یکی از ابزارهای ساده در این باره سلام کردن به کودکان است. همان طور که در نقل فرهنگ جاهلی و کودکی پیامبر اسلام(ص) گذشت، کودکان اجازه حضور در جمع بزرگسالان را نداشتند، حتی اگر آن بزرگسالان اقوام بسیار نزدیک مثل پدر بزرگش باشد، مثل خود پیامبر در کودکی، که دیگران عموهایش با حضورش در کنار جدش عبدالمطلب مخالف بودند و مخالفت خود را بارها ابراز می‌کردند، همچنین کودکان اجازه سخن گفتن در جمع بزرگسالان را نداشتند و اگر سلام می‌کردند، پاسخ مناسبی دریافت نمی‌کردند، در این زمان پیامبر اسلام(ص) نه تنها بر بزرگسالان در سلام کردن پیش قدم بودند بلکه بر کودکان نیز در سلام کردن مکرراً پیشی می‌گرفتند، تا با بکارگیری این ابزار در کنار ابزارهای دیگر( جایگاه اجتماعی واقعیشان را به آنها در جامعه بدهد.

۸. نام نیکو گذاردن بر کودک:

اگر نام نیکویی بر شخص نگذاشته باشند، طبعاً محترمانه هم فراخوانده نمی‌شود. یکی از ابزارهای ارتباطی پیامبر اسلام(ص) درباره کودک همین «نام‌گذاری به اسامی نیکو و محترمانه» بوده که نمونه‌هایی از سفارشات ایشان در این باره در فصل سوم<sup>۱</sup> گذشت که حتی این نیکو بودن نام را نیز جزء حقوق فرزند بر والدینش شمرده است.

۹. قصه گوئی:

<sup>۱</sup> «حکمت نامه کودک»، ص، ۶۸ از الکافی ج ۶، ص ۴۸، ح ۱ و تهذیب الاحکام ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۸۴.

غالباً کودکان از نظر توانایی‌های ذهنی و فکری در سطح بزرگسالان نیستند. توصیه‌های مستقیم آنها را زود خسته می‌کند ولی گفتن یک نکته تربیتی در غالب قصه و سرگذشت دیگران با نمونه‌ای از ثمرات داشتن یا نداشتن آن نکته برای کودک جذاب، دل‌نشین، قابل فهم و کاربردی می‌کند. این ابزار ارتباطی برای بزرگسالان هم در کنار توصیه‌های مستقیم به رفتارهای صحیح بسیار مؤثر است، بر همین اساس خداوند متعال هم از این ابزار ارتباطی در قرآن مکرراً استفاده نموده است.

۱۰. صداقت در گفتار:

گاهی کودکان از مسائلی سؤال می‌کنند، که در سطح فهم آنها نبوده یا اقتضای سنشان نیست. مثل سؤالات درباره‌ی ذات خداوند، یا سؤالاتی پیرامون تولید مثل انسان‌ها؛ که ذهن والدین و مسئولین تربیت کودکان به چالش کشیده شده و خود را قادر به پاسخ گویی نمی‌بینند، در این جاها باید مواظب باشند که کودکان آنها را دروغ گو قلمداد نکنند.

ب: در ارتباط با دیگران درباره کودک:

ابزار ارتباطی پیامبر اسلام(ص) در سفارشات درباره کودکان گفتارهای ایشان با موضوعات زیر است:

۱. سفارش درباره تغذیه کودک و مادر(باردار و شیرده):

ابزار ارتباطی پیامبر اسلام(ص) در ارتباط با مادران نوزادان و سرپرستشان، درباره تغذیه نوزادان و کودکان گفتارهایی با مضامین چگونگی بهتر شدن تغذیه مادران باردار، چگونگی تغذیه مادران شیرده و دایه، بهتر بودن شیر مادر برای کودک، مؤثر بودن ویژگی‌های شیردهنده به نوزاد و ویژگی‌هایی که باید داشته یا نداشته باشد، مواظبت بر تغذیه سالم کودکان است.

۲. سفارش مربوط به ختنه کردن نوزاد:

ختنه از امور بهداشتی است که برای رشد و سلامتی کودک مفید است. لذا پیامبر اسلام(ص) به مسئولین کودک سفارش به چگونگی و احکام آن نموده‌اند.

۳. سفارش درباره رعایت ضعف کودکان:

پیامبر اسلام(ص) همیشه در ارتباطش ظرفیت مخاطبش را ملاحظه می‌کند. چون توانمندی‌های فکری و بدنی کودکان در حد بزرگسالان نیست، ایشان افراد را نسبت به این ضعف‌ها با عناوین مختلف توجه می‌دادند.

۴. حمایت از بازی کردن کودکان؛

هرچه جوامع انسانی بیشتر پیشرفت می‌کنند، کارائی نیروی انسانی از نظر کیفی افزایش یافته ولی از نظر کمی کاهش می‌یابد، چون دستگاه‌ها به جای چندین نفر انسان کار می‌کنند ولی افراد باید در کارکردن با دستگاه و ماشین تخصص لازم را پیدا کنند. در نتیجه مدت زمان دوران کودکی و نوجوانی نسبت به گذشته افزایش یافته و افراد برای ورود به جامعه به عنوان یک فرد بزرگسال کارآمد، به آموزش‌ها و مهارت‌های روز افزون و مطابق

نیازهای روز جامعه نیازمندند. در نتیجه بازی‌های دوران کودکی از چند جهت اهمیت می‌یابد. از جهتی باید خود آموزشی باشد که به دانش کودکان بیفزاید و از جهتی باید مهارتی باشد تا مهارت‌هایی مثل تمرکز و دقت فرد، کنترل فرد، هماهنگی بین اعضاء بدن، مهارت‌های حرکتی، سرعت لازم در به انجام رساندن کارها، بکارگیری مهارت‌های اجتماعی در جایگاهش را متناسب با سنش را به خوبی دارا گردد. پیامبر اسلام(ص) با این که در زمان قدیم بودند که در آن زمان هیچ فرهنگی تاب، بازی کودکان را نداشته و بازی کردن را بیهوده گذراندن عمر قمداد می‌کردند از بازی کردن کودک حمایت کرده و آثار عاطفی و اجتماعی آن را در عمل نشان دادند.

#### ۵. سفارش به جدا نکردن مادران برده از کودکانشان:

در جوامع مدرن امروزی تعداد فرزندان نامشروع، به خصوص در کشورهای غیر اسلامی رو به افزایش است، که بدون شناختن مردی به عنوان پدر بزرگ می‌شوند. علاوه بر این، جدا شدن کودکان و نوجوانان از والدینشان از دست‌آوردهای بی‌دینی و مدرنیته است. پیامبر اسلام(ص) در زمان برده داری بودند که در آن زمان و در آن فرهنگ بردگان بزرگسال را هم چون حیوانات بارکش قیمت و خرید و فروش می‌شدند و کودکان بردگان را نیز هم چون بچه‌های حیواناتشان می‌دیدند. در جنگ‌های فراوانشان هم هر که اسیر می‌شد به خصوص زنان و کودکان برده می‌شد. پیامبر اسلام(ص) با کودکان بردگان نیز محبت داشته و به عنوان یک انسان مورد احترام قرار گرفته و به نیاز عاطفی انسانیش توجه شده است.

#### ۶. جواز گریه برای از دست دادن فرزند

افرادی پیامبر اسلام(ص) را برای گریه کردن برای از دنیا رفتن فرزندش ابراهیم توبیخ می‌کردند ولی ایشان با این ابزار ارتباطی (گریه برای فرزند) را نشانه محبت، ترحم و مطابق با دین دانستند.

#### ۷. تسلّیت برای از دست دادن فرزند

یکی دیگر از ابزارهای ارتباطی مربوط به کودک است که پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی هم‌دلی خود را با والدین کودکان ابراز نمودند.

#### ۸. سفارش به نگه داری حیوانات خانگی

وجود حیوانات خانگی در خانه برای کودکان آثار خوبی برجای دارد. اولاً والدین و مسئولینشان وقتی سرپرستی حیوان زبان نفهم را برعهده داشته‌اند، از کودکان کمتر انتظارات بی‌جا دارند. کودکان سرگرم و تخلیه‌ی هیجانی می‌شوند. قسمت‌هایی از وظیفه‌ی نگه‌داری حیوان را برعهده می‌گیرند که باعث می‌شود مسئولیت پذیر شده و مهرورزی را بیاموزند. نتیجه تلاش کردن یا کوتاهی در انجام وظیفه را در عمل تجربه می‌کنند. با قوانین خلقت، زندگی و مراحل رشد، مفهوم زندگی بهتر و زودتر آشنا می‌شوند.

#### ۹. جهت دهی اوقات فراقت



از مهمترین مسائلی که امروزه برای کودکان و والدینشان ایجاد مشکل می‌کند، چگونگی پرکردن اوقات فراقت هاست. پیامبر اسلام(ص) با پیش‌نهاداتی(ابزارهای ارتباطی) همچون ورزش‌ها، آموزش‌ها و بازی‌ها برای کودکان، چگونگی پرکردن اوقات فراقتشان را جهت‌دهی کارآمد می‌نمودند. حتی در آیه‌ای از قرآن به خود پیامبر این مسأله را متذکر شده تا دیگران به اهمیت آن درباره‌ی خودشان به طریق اولی) پی ببرند و به آن توجه کنند: **فَإِذَا فَرَقتَ فَاَنْصَبْ!**

۱۰. پرهیز از آموزش‌های نابجا یا بی‌موقع به کودکان(مثل آموزش جنسی)

از آداب اسلامی این است که اتاق خواب کودکان را از والدینشان جدا کنند تا دچار بلوغ زودرس نشوند. ولی در جوانی زمانی که ازدواج می‌کنند نکات لازم زناشویی را به آنها می‌آموزند. پیامبر اسلام(ص) در سفارشاتشان به این نکته درباره کودکان توجه نمودند.

۱۱. آموزش‌های اجتماعی(مثل مؤدب غذاخوردن، شغل مناسب)

بسیاری از والدین از آموزش‌های اجتماعی مورد نیاز کودکانشان غافل مانده‌اند درحالی که آموزش‌های دیگری همچون موسیقی برایشان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. لذا دانش و اطلاعات افراد روز افزون در حال افزایش است در حالی که ادب و شعور و معرفت رو به کاهش است. پیامبر اسلام(ص) در سفارشاتشان والدین را به این نکته درباره کودکان توجه داده‌اند.

۱۲. سفارش به ایجاد محبت اهل بیت در دل کودکان

محبت اهل بیت در کنترل فرد و چگونگی و شیوه زندگی بسیار کار آمده‌است. پیامبر اسلام(ص) در سفارشاتشان به این ابزار ارتباطی درباره کودکان توجه نمودند.

۱۳. اولویت داشتن اقوام(نزدیکان نسبی کودک) برای سرپرستی کودک یتیم:

وقتی افرادی مایل به سرپرستی کودک یتیمی هستند، اقوام اولویت در سرپرستی دارند. در روایتی این مطلب از پیامبر اسلام(ص) بیان شده است.<sup>۲</sup> این «اولویت دادن اقوام بر غریبه‌ها» خودش به نوعی ابزار ارتباطی است، که پیامبر اسلام(ص) پیام محبت را با آن ارسال می‌کند.

<sup>۱</sup> سوره انشراح آیه ۷.

<sup>۲</sup> ر ک ص ۱۰۹ با عنوان: ۳. ۱. ۳۸. سرپرستی یتیم

۲. زبان بدن بدون تماس بدنی:

۱. لبخند زدن:

زیباترین حالت صورت انسان‌ها معمولاً وقتی است که لبخند می‌زنند. از پرکاربردترین ابزار ارتباطی پیامبر اسلام (ص) هنگام ارتباط لبخند زدن است. به خصوص با کودکان که مبنای ارتباطیشان بر محبت و دوری از خشونت است. در توصیف پیامبر اسلام (ص) به تبسم بر لب داشتن اشاره شده است.

۲. زبان درآوردن:

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر این که سفارش می‌کردند به اقتضای حال کودک (کودکانه) با کودک رفتار کنید، خودشان هم چنین می‌کردند، هنگام ارتباط با کودکان، در محیط‌های عاطفی غیر رسمی و خلوت با کودکان مثل خانه، شکلک در آوردن با اعضای بدن، یکی از بهترین ابزارهای ارتباطی محسوب می‌شود، که پیامبر اسلام (ص) از آن غافل نبوده، و باعث نشاط و خنده کودک می‌شدند.

۳. دنبال کودک دویدن:

معمولاً کودکان به بازی‌های پرتحرک علاقه‌مندند، یکی از این بازی‌ها دویدن و دنبال کردن هم برای گرفتن فرد جلو است، پیامبر اسلام (ص) گاهی تظاهر می‌کردند که می‌خواهند کود را بگیرند و دنبالش بدوند، و کودک با دیدن این حالت بدن ایشان ترغیب به تحرک و دویدن شده و فرار می‌کردند تا ایشان هم دنبالش بدود و او را بگیرد. این ابزار وقتی همراه ابزار لبخند و جملاتی مثل بایست تا بیایم تو را بگیرم، بسیار بهتر خود را نشان می‌دهد. معمولاً در این ابزار فرد به دنبال کودک زیاد نمی‌رود و به محل اولش باز می‌گردد، کودک پشت خود را نگاه می‌کند، و با حالت مواظبت به آرامی نزدیک می‌شود و با دیدن حالت بدن بزرگسال که وانمود به تحرک و دویدن می‌کند، سریعاً اقدام به فرار می‌کند، ولی دفعه‌ی دوم و سوم کمتر فاصله می‌گیرد. گاهی حسنین (در کودکی) در محیط غیر رسمی با دیدن پیامبر اسلام (ص) با خندیدن پا به فرار گذاشته تا پیامبر (ص) آنها را دنبال کرده و آنها را بگیرد، و ایشان هم اقدام به دویدن دنبال کودک می‌کردند.

۴. باز کردن کامل هر دو دست (آغوش باز کردن) به طرف کودک:

وقتی فردی دستها را در اطراف بدن کامل باز می‌کند و به طرف فرد دیگر نسبتاً با شتاب می‌رود، این از بهترین ابزارهای ارتباطی است که میل و رغبت شدید را نشان می‌دهد، و معمولاً بین افرادی رخ می‌دهد که بسیار زیاد به هم علاقه‌مند بوده و تا حدودی با هم صمیمی‌اند، مثل والدین و فرزندان و دوستان بسیار صمیمی. البته کاربرد این ابزار یا از روی شادی، هنگام بدو ارتباط و دیدن هم‌دیگر در وقتی است که مدت زمانی از هم فاصله مکانی داشته‌اند، یا از روی ناراحتی و غم شدید است مانند

وقتی برای فرد عزیزی از آنها اتفاق ناگواری افتاده و آنها میل به گریه دارند. البته ابزاری که در این جا (ذیل عنوان ابزارهای ارتباطی زبان بدن و بدون تماس بدنی) از پیامبر اسلام (ص) مدّ نظر است، آغوش باز کردن برای حسنین تا قبل از به آغوش کشیدن آنهاست. اگرچه طبعاً اگر کودک میل به بازی و فرار نداشته باشد، سریعاً به آغوش کشیدن کودک اتفاق می‌افتد.

۵. اشاره کردن:

چون در اکثر کودکان توانایی تفکر و پرداختن درباره معقولات نیست، دنیای ذهنیشان آمیخته با تصاویری از محسوسات است. اشاره کردن جزء ابزار ارتباطی است، که قابلیت دارد، مفاهیم ذهنی را به محسوسات نزدیک کرده و برای کودکان قابل فهم‌تر کند. مطابق مبنای ساده کردن مطالب در سطح فهم مخاطب که از روایتی<sup>۱</sup> برداشت می‌شد، پیامبر اسلام (ص) از این ابزار در ارتباط با کودک استفاده می‌کردند.

۶. ناراحتی کردن برای کودک، پریشان احوالی و گریه کردن برای کودک :

گریه کردن بیانگر حالت فوق‌العاده‌ی برانگیختگی احساسات انسانی است. اگرچه بیشتر اوقات همراه غم و اندوه است ولی گاهی با شادی و خوشحالی شدید نیز همراه می‌شود. درک معانی اندوهناک بدون رقت قلب داشتن انسان باعث گریه‌اش نمی‌شود. گریه ابزار ارتباطی انسانی است که در ارسال پیام مهر و محبت، علاقه‌مندی و احساس تعلق را می‌تواند نقش بسیار مؤثری ایفا کند. پیامبر اسلام (ص) برای کودکان از دنیا رفته گریستند. وقتی کسی ناراحت است مایل است دیگران غم او را درک و با او هم‌دردی کنند، به خصوص از کسانی که قبلاً ابراز محبت دیده بیشتر انتظار دارد. یک انسان با هوش هیجانی بالا توانایی این را دارد که در چنین مواقعی ابراز هم‌دلی کند یعنی به او بفهماند که از ناراحتی او ناراحت شده و به خوبی او را درک می‌کند. این ابراز هم‌دلی با ابزار ارتباطی پریشانی و حالاتی که چهره و بدن فرد می‌گیرد برای غم دیده قابل تشخیص است.

۷. به استقبال کودک رفتن:

یکی از آداب و رسوم ما، بدرقه کردن است. یعنی وقتی کسی به خانه ما به میهمانی می‌آید از دم درب خانه او را تا داخل اتاق همراهی می‌کنیم و بعد از نشستن او می‌نشینیم و هنگام خروج از خانه هم او را تا دم درب همراهی کرده و از او خداحافظی می‌کنیم. هم چنین وقتی یکی از دوستان یا نزدیکانمان به سفر می‌رود، او را برای رفتن بدرقه کرده و هنگام بازگشت به استقبالش می‌رویم. همچنین برای یک شخصیتی که برایمان اهمیت دارد مثل رهبر دینی یا رئیس جمهور مراسم استقبال و بدرقه انجام می‌شود. این رفتارها از ابزارهای ارتباطی است که پیام احترام و بزرگداشت را به وسیله آن

<sup>۱</sup> کلم الناس قدر عقولهم یا روایت رسول اکرم (ص) فرمود: آن کس که نزد او کودکی است، باید در رفتارش با وی کودکانه رفتار نماید. العاملي، محمد بن الحسن الحر، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵،

ارسال می‌کنیم که در صورتی که همراه با عمل حرامی نشود، مورد تأیید دین ما قرار گرفته است. پیامبر اسلام (ص) همچون بزرگسالان به استقبال کودکان می‌رفتند و از این ابزار ارتباطی برای بزرگداشت حسنین استفاده می‌کردند.

۸. لقمه گرفتن برای کودک و غذا در دهانش گذاشتن:

مادران برای فرزندان خردسالشان لقمه می‌گیرند و در دهانش می‌گذارند تا کم کم که یادبگیرد وقتی به خوبی آموخت دیگر این کار را نمی‌کنند. پیامبر اسلام (ص) از این ابزار ارتباطی در ارتباط با کودکان مثل علی (ع)، فاطمه (س) و حسنین (ع) بکاربرده‌اند.

۹. نگاه کردن به کودک با خوش‌روئی:

یکی از نیازهای انسان احساس تعلق داشتن و مورد محبت قرار گرفتن است، مورد توجه قرارگرفتن این احساس نیاز را برآورده کرده و باعث لذت بردن فرد می‌شود. نگاه کردن با محبت از جمله ابزارهایی است که پیام مورد توجه بودن را ارسال می‌کند. پیامبر اسلام (ص) اگر محذوری نداشتند، در ارتباطاتشان به مخاطبشان تماس چشمی برقرار می‌نمود، که با خوش‌رویی (که از عاداتشان در ارتباط بوده‌است) تأثیر بیشتری دارد.

۱۰. توجه به رنگ لباس کودک:

معمولاً انسانها انتظار دارند، بازخورد «مورد توجه قرار گرفتن» را از بکارگیری ابزار «رسیدگی به ظاهرشان» دریافت کنند، پیامبر اسلام (ص) با توجه کردن به رنگ لباس کودک در ارتباطشان باخورد مثبتی به مخاطبشان ارائه نموده‌اند. رنگ مناسب و شاد باعث نشاط کودک می‌شود.

۱۱. جا باز کردن برای نشستن کودک تازه وارد شده:

جزء آداب و رسوم ما برای احترام گذاشتن این است که وقتی فرد محترمی بر جمعی وارد می‌شود، برای نشستن او جایی باز می‌کنند و از او دعوت می‌کنند در آن جا بنشیند. در واقع با این ابزار این پیام را ارسال می‌کنند که ما تو را در جمع خود پذیرفته‌ایم. در قرآن به به کارگیری این ابزار در ارتباطات بین مسلمانان اشاره شده است. این ابزار ارتباطی (جابازکردن برای تازه وارد) در برآورده کردن نیازهای محبت دیدن، احساس تعلق به گروه، احساس محترم بودن و احساس عزت نفس داشتن مؤثر است. در زمانی پیامبر اسلام (ص) این ابزار ارتباطی را در ارتباط با کودکان به کار برده‌است که کودکان در جامعه هیچ احترامی برخوردار نبودند، که این باعث تأثیرگذاری بیشتر آن می‌شده‌است.

۱۲. تغافل:

یعنی خود را به ندیدن زدن، وقتی یک بزرگتر یا مسئول عیبی و رفتار ناشایستی از دیگری

می‌بیند، و آن فرد متوجه نشده است که بزرگترش او را دیده است، بزرگترش وانمود می‌کند، که او را ندیده است. این کار باعث می‌شود تا او عزت نفسش حفظ شود. پیامبر اسلام (ص) از این ابزار در ارتباط با کودک استفاده نموده و به دیگران هم سفارش نموده است: خدایش پیامرزد مردی را که به درست کاری فرزندش کمک کند و آن اینکه از بدی‌هایش بگذرد و وقتی با خدای خود راز و نیاز می‌کند برای فرزندش دعا کند.<sup>۱</sup>

۱۳. اعتماد به کودک و توانایی‌هایش:

نوزاد به خاطر ضعف‌هایش و ناتوانی در برآورده کردن نیازهایش به دیگران وابسته است. این وابستگی‌ها باعث شده بعضی از مسئولین کودک توانایی‌هایی که کودک به مرور زمان بدست آورده را دیر باور کنند. لذا به خاطر این که اتفاق ناگواری برای کودک رخ ندهد، مسئولیت انجام کارهایی که تازه بر آن توانمند شده را به او نمی‌دهند. و از طرفی تا فردی خودش در عمل رفتاری را تجربه نکند آنچه آموخته تأیید و تثبیت نخواهد شد، مسئولین دیرباور از سرعت رشد مهارتی کودکان می‌کاهند. ولی پیامبر اسلام (ص) با بینشی دقیق توانمندی‌های کودک را باور داشته و به او مسئولیت‌هایی متناسب با آن محول می‌کردند.<sup>۲</sup>

۱۴. آموزش احکام بدون گفتن، به روش انجام عملی در معرض دیدن کودک:

وقتی فردی رفتار دیگری را می‌بیند آن رفتار را می‌آموزد.<sup>۳</sup> برای یادگیری رفتارهایی که کودک باید انجام دهد ابتدا باید انجام شدن آن رفتار را توسط یک الگو ببیند. سپس باید در او انگیزه‌ی انجام آن را ایجاد کرد.

۱۵. تشویق‌های غیر کلامی:

پیامبر اسلام (ص) از این ابزار ارتباطی در ارتباط با کودک استفاده نموده‌اند. و کودک را ترغیب به تلاش بیشتر کرده‌اند.

۳. زبان بدن همراه با تماس بدنی:

در این جا آن دسته از ابزارهای ارتباطی پیامبر اسلام (ص) فهرست و تبیین می‌گردد که شامل رفتارهای همراه با تماس بدنی است:

۱. بوسیدن:

<sup>۱</sup> ر ک ۳. ۱. ۲۶. احترام به کودکان: ص ۹۶، «آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز» (ترجمه عده الداعی)، ج ۱، ص ۸۱

<sup>۲</sup> ر ک ص ۸۶، با عنوان ۳. ۱. ۱۳. شرکت دادن کودکان در مسئولیت‌های زندگی.

<sup>۳</sup> مضمون نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا هم این است.

این ابزارارتباطی بیانگر پیام محبت است. در ارتباطات پیامبر اسلام(ص) با کودکان از این ابزارارتباطی با تنوعی چشمگیر استفاده شده است. نمونه‌هایی از انواع بوسیدن کودک در ارتباط پیامبر اسلام(ص) در روایات فصل سوم<sup>۱</sup> چنین است: بوسیدن روی سر کودک، بوسیدن گونه‌ی کودک، بوسیدن پیشانی کودک، بوسیدن لب‌های کودک، بوسیدن دهان، دندان کودک و بوسیدن دست‌های کودک؛

۲. از خواب بیدار کردن کودک با بوسه و نوازش:

وقتی انسان در خواب است، از صدا و تکان‌های هراسناک و رعب انگیز، زودتر می‌هراسد. حتی به خاطر بعضی از اصوات و حرکاتی می‌هراسد که در حالت بیداری برایش عادی جلوه کرده و از آن نمی‌ترسد. این حالت در کودکان بیشتر و شدیدتر از بزرگسالان است. لذا ابزارهای ارتباطی آرام بخش مثل نوازش کردن، بوسیده شدن و شنیدن نوای دلنشین با تن صدایی آرام از بروز حالت ترس در انسان جلوگیری می‌کند. در گزارشات ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با حسنین نمونه‌ای از بکارگیری این ابزارها مشاهده می‌شود.

۳. در آغوش کشیدن کودک:

یکی از بهترین ابزارهای ارتباطی برای ارسال پیام محبت آغوش گرفتن و بغل کردن است. هرچه میل و اشتیاق دو نفر به هم بیشتر باشد، تمایل بیشتری برای هم‌آغوشی(بغل کردن همدیگر: سینه‌ها، گردن‌ها و صورت‌ها برهم و دست‌ها بر پشت یکدیگر قرار بگیرد) احساس می‌کنند. در به آغوش گرفتن کودکان، چون آنها از نظر جسمی کوچکتر از بزرگسالان هستند، بزرگسالان نشسته و کودکان ایستاده‌اند، و یا کودکان را از زمین بلند کرده و به سینه می‌چسبانند. این میل و رغبت به یکدیگر هر چه شدیدتر باشد، در زبان بدن (حالات بدن) بیشتر خود را نشان می‌دهد، امروزه بسیاری از افراد معتقدند نوزادان علاوه بر شیر خوردن از مادر از آغوش گرم مادر نیز لذت می‌برند، لذا توصیه می‌شود وقتی کودکی را از شیر می‌گیرند، مادرش به آغوش گرفتن کودک مثل زمان شیردهی ادامه داده و به مرور زمان آن را کم کند تا به حد عادی رابطه مادر و فرزندی برسد.

۴. دست کشیدن روی صورت و سر کودک:

نوازش کردن باعث احساس گرمای مطلوب دست نوازش گر است و حرکت آن بر پوست بدن باعث تأثیر بر جریان خون شده و احساس مطلوبی در فرد پدید می‌آورد. در گزارش کاربرد این ابزار ارتباطی توسط پیامبر اسلام(ص) در ارتباط با یک کودک بر چنین احساس مطلوبی تصریح شده است.<sup>۲</sup> وقتی ما به انسان بزرگی علاقه مندیم از این که مورد توجه و ملاحظت او قرار بگیریم لذت می‌بریم. بسیاری از محبین پیامبر اسلام(ص) از این که دست نوازش ایشان روی سرشان بیاید لذت می‌برند حتی خیلی بیشتر از کودکی که

<sup>۱</sup> ر ک ص ۶۹ با عنوان ۳. ۱. ۸. بوسیدن و محبت به فرزندان.

<sup>۲</sup> ر ک ص ۸۹ با عنوان ۳. ۱. ۱۷. دست کشیدن روی صورت کودک. حسینی محمد بهاء الدین، «باده ناب»، ص ۶۱۱، از «صحیح مسلم».

توسط پدرش نوازش گردد. وقتی برای بزرگسالان چنین است برای کودکان که نیاز به نوازش پدرانه دارند، این نوازش پیامبر اسلام(ص) دل پذیرتر است. هرچه علاقه و محبت بین نوازش گر و نوازش شونده بیشتر باشد، اثر نوازش بیشتر است.

۵. دستِ کودک را گرفتن:

هنگامی که کودکان احساس نیاز می کنند، مثل زمانی که می خواهند روی پا راه بروند، مایلند که بزرگسالان دست آنها را بگیرند و آنها را راه ببرند تا راه رفتن بیاموزند.

۶. کودک را روی دوش سوارکردن:

کودکان از این ابزار ارتباطی در ارتباط بسیار لذت می برند. این ابزار علاوه بر بازی، هنگام آوردن کودک به خانه در ارتباط پیامبر اسلام(ص) با حسنین استفاده شده است.

۷. سواری دادن(چهاردست و پا) به کودک:

این ابزار ارتباطی نیز برای کودکان بسیار لذت بخش است. پیامبر اسلام(ص) از این ابزار در ارتباط با حسنین و در محیط خانه استفاده می کردند.

۸. پل ساختن برای بازی کودک: (باز کردن پاها در عرض شانه به اندازه ای که کودک از آن رد شود)

این ابزار ارتباطی در ارتباط پیامبر اسلام(ص) با حسنین در محیط مسجد و خانه به کارگیری شده است.

۹. دویدن دنبال کودک و گرفتن او:

کودک از این که یک نفر بادویدنی آرام او را دنبال کند تا او را بگیرد لذت می برد.

۱۰. نردبان ساختن برای بالا رفتن کودک با بدن:

یکی از بازی هایی که پیامبر اسلام(ص) با حسنین انجام می داد با این ابزار ارتباطی بود. این بود که هر دو دستشان را از جلو می گرفت و کودک را کم کم به سمت بالا می برد، کودک هم مثل نردبان بالا می رفت تا روی سینه ی مبارک ایشان می رسید.

۱۱. کودک را در آغوش روی زانو نشانندن:

کسانی که به کودکان خردسال علاقه دارند آنها را در دلشان می نشانند. این ابزار ارتباطی همین پیام محبت را برای کودکان ارسال می کند.

۱۲. خوابانیدن کودک روی سینه:

پیامبر اسلام(ص) گاهی که می خوابیدند و حسنین هم حضور داشتند، از شدت علاقه یکی یا هر دو را روی سینه مبارکشان قرار می دادند. حتی در لحظات احتضارشان نیز اجازه ندادند که حسنین را از روی سینه شان بردارند.

### ۱۳. ورزش دادن:

یکی از نیازهای کودکان برای رشد مناسب ورزش و تحرک است. پیامبر اسلام (ص) مسئولیت هر کودکی را بر عهده داشتند به این نیازش نیز توجه می نمودند. مثلاً علی (ع) را در کودکی همراه خود به کوهنوردی می بردند. خود ورزش دادن کودک از بهترین ابزارهای ارتباطی است که والدین را به کودکانشان نزدیک کرده و این پیام را برای آنها دارد که: فرزندم من تو را به خوبی درک می کنم و از ورزش دادن تو و از لذت بردن تو و همراه با تو لذت می برم.

### ۱۴. ماساژ دادن بدن کودک،

این ابزار ارتباطی احساس خوبی در دریافت کننده آن ایجاد می کند. گاهی پیامبر اسلام (ص) بدن کودک را ماساژ می داد. و برای ماساژ با روغن نیز توصیه شده است.

### ۱۵. معانقه:

یکی از آداب اسلامی (برای دو مرد یا دو زن) هنگام دیدن دوستی هم زمان با دست دادن و سلام کردن، این است که صورتها را کنار هم می گذارند که گردن ها کنار هم گذاشته می شود که به آن معانقه می گویند. پیامبر اسلام (ص) از این ابزار ارتباطی در ارتباط با کودک استفاده نموده اند.

### ۱۶. مصافحه:

مصافحه یعنی دست دادن هنگام سلام کردن که از آداب ارتباطی اسلامی است که بر آن تأکید شده است. پیامبر اسلام (ص) از این ابزار ارتباطی در ارتباط با کودک استفاده نموده اند.

### ۱۷. در اختیار قرار دادن محاسنش برای بازی کودک خردسال:

پیامبر اسلام (ص) به خاطر شدت علاقه ای که به حسنین داشتند، از این ابزار ارتباطی در ارتباط با آنها استفاده نموده اند.



#### ۴. رفتاری سفارشی:

##### ۱. منع و جلوگیری از کشتن و زنده به گور کردن کودکان(دختران)

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر گفتار که نهی از کشتن کودکان داشتند، با رفتارهایی مثل گریه کردن، توبه دادن از کشتن کودکان در جامعه جلوگیری نمودند. این ابزار ارتباطی منع از کشتن کودکان پیام‌های: دل‌رحمی، مهر، محبت و شفقت داشتن نسبت به کودکان، و صرفاً به کودکان (سرمايه گذاري برای وقتی بزرگ شدند) به عنوان سربازان امنیتی و سودآوری مالی نگاه نکردن و دادن جایگاه اجتماعی انسانی درخور به کودکان را ارسال نمودند.

##### ۲. نام‌گذاری نیکوی نوزاد

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر این که خودشان نام‌های نیکو برای کودکان می‌گذاشتند، به دیگران هم سفارش نموده‌اند که برای فرزندان‌شان نام‌های زیبا و بامعنای خوب انتخاب کنند، نام‌های نیکو برای دیگران پیشنهاد داده‌اند. پیامبر اسلام (ص) با به کارگیری این ابزار پیام‌های: اثر داشتن نام بر شخصیت انسان و مورد احترام بودنش، ارزشمند بودن انسان، معرفی الگوهایی همچون پیامبران الهی و تأثیر داشتن زیاد الگوها بر زندگی انسان، بنده‌ی خدا بودن حتی در ظاهر (توحید در تمام شئون زندگی حتی در تکرار شدن الفاظ نام‌ها) را ارسال نموده‌اند.

##### ۳. کام کودک را برداشتن:

از آداب رسوم اسلامی شیعه برداشتن کام کودک با خرما، آب گرم، آب فرات و تربت کربلا است، پیامبر اسلام (ص) به این مسأله دقت داشته و خودشان نیز انجام می‌دادند. که با بکارگیری این ابزار پیام‌های: ارزشمند بودن کودک، اهمیت دادن جدی‌تر به تربیت کودک بعد از تولد (نسبت به زمان بارداری)، تأثیر بیشتر نوع تغذیه بر تربیت و رشد انسان از بدو تولد (نسبت به زمان بارداری) و تأثیر ظاهر بر باطن (ظاهرنوع اولین غذا و تربیت اسلامی باطن است) را ارسال نموده‌اند.

##### ۴. عقیقه کردن برای کودک:

یکی دیگر از آداب اسلامی عقیقه کردن است که هر چه سن انسان کمتر باشد بهتر است. یعنی والدین در صورت تمکن مالی برای کودکشان باید عقیقه کنند و اگر برای کسی عقیقه نکرده باشند، باز هم خوب است خودش در بزرگسالی برای خودش عقیقه کند. پیامبر اسلام (ص) با فرمان، اجرا و تأکید بر این ابزار ارتباطی پیام‌های: بروز مهرورزی به کودک در رفتار با هزینه کردن و صدقه دادن برایش، اهمیت دادن به انفاق مالی و توجه به انسانیت در پرتو اخلاص در انجام فرمان الهی، معرفی دو بال پرواز برای انسان به سوی کمال در کنار هم: یکی عبادات زبانی مثل گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد و دیگری عبادات مالی مثل عقیقه کردن برای کودک از بدو تولد را ارسال نموده‌اند.

## ۵. بازی کردن

بازی از ابزارهای بسیار مؤثر در ارتباط است، که پیامبر اسلام(ص) با فرمان، اجرا و تأکید بر این ابزار ارتباطی در ابتدا پیام شادی، نشاط، صمیمیت را برای کودک ارسال می‌کند، و برای بزرگسالان پیام‌های توجه به نیازهای کودک، توجه به سطح توانایی کودک، استفاده از ابزارهای جذاب ارتباطی در آموزش علم و مهارت به کودک را ارسال نموده‌اند.

## ۶. غذا دادن:

پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی در ابتدا پیام سلامتی، قدرتمندی، نشاط، صمیمیت را برای کودک ارسال می‌کند، و برای بزرگسالان پیام‌های توجه به نیازهای کودک، توجه به چگونگی تغذیه کودک، ابراز مهرورزی به کودک در هنگام غذا دادن را ارسال نموده‌اند.

## ۷. آب دادن:

آب از نیازهای اساسی هر موجود زنده‌ایست. پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی(سیراب کردن کودک) علاوه بر پیام‌های بیان شده در ابزار «غذا دادن به کودک»، پیام «تواضع» داشتن در مقابل دیگران و حتی کودکان را ارسال نموده‌اند.

## ۸. پوشش کودک

پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی(پوشاندن کودک و توجه به نوع و رنگ و جنس لباس کودک) برای کودک زیبایی، مورد توجه بودن، محبوبیت، نشاط (در رنگ لباس) آموختن چگونگی سازگاری با شرایط زندگی را ارسال می‌کند، و برای بزرگسالان پیام‌های تأثیر ظاهر بر باطن، توجه به نیازهای کودک، توجه به چگونگی پوشش کودک، ابراز مهرورزی به کودک در نوع و هنگام لباس پوشاندن کودک را ارسال نموده‌اند.

## ۹. نظافت کودک:

سلامتی لازمه زندگی انسان است. نظافت کردن کودک ابزار ارتباطی است، که در ارتباط با آن برای کودک که پیام‌های سلامتی، نشاط، مهرورزی، محبوبیت، توجه نمودن به او، ارزشمند بودن، زیبا جلوه نمودن را ارسال نموده و برای بزرگسالان پیام‌های توجه به نیازهای کودک، ابراز مهرورزی به کودک در هنگام نظافت کردن کودک را ارسال نموده‌اند.

## ۱۰. اهمیت به نوع آرایش کودک

پیامبر اسلام(ص) در به کارگیری این ابزار ارتباطی علاوه بر پیام‌های دو گزینه قبل، پیام‌های تأثیر ظاهر بر باطن، توجه به پوشش و آرایش الگوهای اسلامی، توجه به نمادهای اسلامی و استفاده نکردن از الگوها و نمادهای کفار را ارسال کرده‌اند.

#### ۱۱. ابتدای صدقه دادن از کودکان فقیر

پیامبر اسلام(ص) با فرمان، و اجرای این ابزار ارتباطی علاوه بر پیام‌های ابزار ارتباطی شماره ۴ «عقیقه کردن برای کودک» پیام بروز مهرورزی به کودک در رفتار با صدقه دادن محترمانه و رفع نیازهایش، را ارسال می‌کند، و برای بزرگسالان اهمیت دادن به انفاق مالی و توجه به انسانیت در پرتو اخلاص در انجام فرمان الهی، معرفی دو بال پرواز برای انسان به سوی کمال انسانیت در کنار هم: عبادات زبانی، عبادات مالی را ارسال نموده‌اند.

#### ۱۲. رفتار کودکان با کودک

پیامبر اسلام(ص) با فرمان، و اجرای این ابزار ارتباطی پیام‌های ابزار ارتباطی شماره ۵ «بازی کردن» را ارسال می‌کند.

#### ۱۳. ورزش

پیامبر اسلام(ص) با فرمان، و اجرای این ابزار ارتباطی نیز پیام‌های ابزار ارتباطی شماره ۵ «بازی کردن» را ارسال می‌کند.

#### ۱۴. هدیه

هدیه از اقسام تقویت‌کننده‌ی انجام رفتارهای آموخته شده است. چون تقویت‌کننده‌ی بیرونی رفتار است باید با طرقی مثل گسسته شدن(تقویت گسسته در مقابل تقویت پیوسته) به تقویت و کنترل درونی رفتار تبدیل شود. پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی برای کودک پیام‌های: مورد توجه بودن، محبوبیت، نشاط(با دریافت هدیه) آموختن و تقویت رفتارهای خوب را ارسال می‌کند، و برای بزرگسالان پیام‌های: استفاده از رفع نیازهای کودک به عنوان مشوق و تقویت‌کننده رفتارهای مثبت، ابراز مهرورزی هدفمند و تربیتی به کودک با تنوع و چگونگی تشویق کردن کودک را ارسال نموده‌اند. و هدیه دادن بچه آهو به کودک پیام جواز این را می‌رساند که: قرار دادن حیوان در اختیار کودک جواز است به شرطی که حیوان را آزار نرساند.

#### ۱۵. مسابقه

مسابقه از بهترین ابزارهای هیجانی نشاط آفرین است که اگر مطابق با اصول مسابقه انجام شود، برای کودکان بسیار جذاب و شادی آفرین است. کودکانی که در مسابقه قرار می‌گیرند، میزان توانمندی‌های علمی و مهارتی خود را با کودکان همچون خودشان ارزیابی کرده و می‌سنجند و رغبت به تلاش بیشتر برای بدست آوردن رتبه‌ی بالاتر پیدا می‌کنند. البته نباید توسط بزرگسالان مقایسه و سرزنش و توبیخ شوند. باید مسابقه برای کودکان و والدین و مسئولان تلاش محور باشد نه رتبه محور.

#### ۱۶. سوار مرکب کردن کودکان پیاده

پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی (با سوار مرکب شدن در ردیف بزرگان و توسط افراد بزرگوار) برای کودک پیام‌های: مورد توجه بودن، محبوبیت، نشاط، آموختن و تقویت رفتارهای خوب را ارسال

می‌کند، و برای بزرگسالان پیام‌های: استفاده از رفع نیازهای کودک به عنوان مشوق و تقویت‌کننده رفتارهای مثبت، ابزار مهرورزی هدفمند و تربیتی به کودک با تنوع و چگونگی تشویق کردن کودک را ارسال نموده‌اند.

#### ۱۷. آرام کردن گریه‌ی کودک

کودکان از بدو تولد با ابزار ارتباطی گریه با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و نیازشان برطرف می‌شود. و حتی زمانی که ابزارهای ارتباطی دیگری چون سخن گفتن هم می‌آموزند باز گاهی از ابزار گریه کردن برای رسیدن به مطلوبشان استفاده می‌کنند. وقتی یک کودک مشککش برطرف شود دیگر گریه نمی‌کند، پس آرام کردن گریه کودک یعنی برطرف کردن مشککش. پیامبر اسلام(ص) با به کارگیری این ابزار ارتباطی (آرام کردن گریه کودک) برای کودک پیام مهرورزی، مورد توجه بودن، ارزشمند بودن، مهم بودن رفع نیازهایش جزء برنامه را ارسال نموده و برای بزرگسالان پیام توجه به گریه کودکان و علتش و برطرف کردن آن مشکل کودک را ارسال می‌کند.

#### ۱۸. عیادت از کودک بیمار

با این ابزار ارتباطی نیز پیام‌های مهرورزی، هم‌دلی، صمیمیت، ارزشمندی و احساس تعلق ارسال می‌شود.

#### ۱۹. گوش‌فرا دادن به سخنان کودک و قبول کردن صحیح آن

همان‌طور که صفات پس‌فرست و صفات گیرنده گذشت، گوش‌دادن فعال در ارتباط بسیار تأثیر مثبتی دارد. که خودش ابزار ارتباطی است که پیام‌های مورد توجه بودن، ارزشمندی و اهمیت داشتن را برای گوینده ارسال می‌کند. از طرفی پذیرفتن صحت حرف درست و ابزار پذیرفتن آن در ادامه‌ی گوش‌دادن فعال، فراگرد ارتباط را از موفقیت بیشتری برخوردار می‌کند. به خصوص اگر در تقابل با حرف نادرست بزرگسالی قرار بگیرد ولی به حرف درست کودک جامه‌ی عمل بپوشند، پیامبر اسلام(ص) حرف صحیح زید ارقم کودک<sup>۱</sup> را پذیرفت که حرف این کودک در مقابل حرف عبدالله بن ابی از بزرگترین افراد مدینه، قرار داشت.

#### ۲۰. رعایت عادات در برخورد با کودکان

عدالت در مقابل ظلم است و ظلم یعنی پایمال شدن حق. پس کسی که برای خود حقی قائل است در صورتی که احساس کند حقش ضایع شده، حکم به بی‌عدالتی می‌کند و در نتیجه احساس نارضایتی و ناآرامی در او شکل می‌گیرد. اگر این احساس بی‌عدالتی‌ها در فرد تکرار شود و تعدادش زیاد شود، اولاً نارضایتی حالتی مستمر و مستقر در وجود فرد گشته و ثانیاً او هم در عمل و رفتار اجتماعی مَبِشِ خصومتی و ظالمانه به خود می‌گیرد. یعنی مهرورزی و انسانیت در وجود فرد به سردی و خاموشی می‌گراید. این حالتی است که اکثر

<sup>۱</sup> در نقل روایت زید را کودک گفته‌اند اگرچه ممکن است کودک از نظر سنی نبوده در مقام تحقیر او را کودک می‌شمارند. ولی باز هم اگر زید کودک هم باشد پیامبر اسلام(ص) حرف صحیح او را در مقابل حرف نادرست یک منافق عمل می‌کند. چرا که مؤید وحی هم زید داشت إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ. ر ک ص ۱۰۱ با عنوان ۳. ۱. ۳۰. قبول حرف کودک بر اساس میزان فهم و کمالش.

انسان‌ها در اثر چنین محیطی به خود می‌گیرند ولی چون انسان اختیار دارد و می‌تواند در برابر اثرات محیطی مقاومت کند. اگرچه ممکن است فردی هم استثناءً این پیامدها را در خودش تغییر دهد. به هر حال احتمال اثر مخرب بی‌عدالتی (به عنوان مصداق محیط) بر کودک بیش‌تر از بزرگسالان است. لذا باید ابتدا با رفتارهای صحیح با کودک معنای عدالت را به کودک آموخت و او را به مرور با حقوقش آشنا کرد تا اشتباهاً احساس ضایع شدن حقش و بی‌عدالتی در حقش را نکند. رعایت حقوق هم ابزار ارتباطی می‌شود تا به کودک این پیام‌ها را ارسال کند: عدالت محور باش، حق دیگران را شناخته و ادا کن، ظالم نباش، از حقوق خودت آگاه بوده و از آن دفاع کن، برای خود اشتباهاً حقی قائل نباش و توقع و انتظار بی‌جانداشته باش، طرفدار مظلوم و مقابل ظالم باش.

#### ۲۱. رعایت نوبت

رعایت نوبت از مصادیق عدالت بوده و ابزار ارتباطی است که این پیام را ارسال می‌کند: نوبت را رعایت کن.

#### ۲۲. وفای به عهد

خلف وعده و بد قولی در نظر همه انسان‌ها مضموم بوده به خصوص کودکان که هیچ دلیل موجهی را نیز برای آن از کسی نمی‌پذیرند. پیامبر اسلام (ص) با ابزار ارتباطی وفای به عهد پیام «به عهدت وفا کن» ولو با کافر وعده کنی را ارسال می‌کند.

#### ۲۳. شوخی با کودکان و خندانندشان

پیامبر اسلام (ص) از این ابزار ارتباطی در ارتباط با کودکان بسیار استفاده کردند. این ابزار از بهترین ابزارهای ارتباطی در ایجاد صمیمیت، محبت و محبوبیت است. ایشان علاوه بر این که خود چنین بودند دیگران را نیز توصیه، تشویق و ترغیب به بکارگیری این ابزار در ارتباط با دیگران به خصوص کودکان فرمودند. و آثار اخروی مفیدی برای آن بیان فرموده‌اند.

#### ۲۴. حفظ اموال کودک

یکی از وظائف بزرگسالان درباره کودکان به خصوص یتیم حفظ اموال کودک است. حفظ اموال کودک جزء ابزارهای ارتباطی است که این پیام را برای کودک ارسال می‌کند: تو محترمی، اموالت هم محترم است، تو هم دیگران و اموالشان را محترم بشمار. پیامبر اسلام (ص) برای بزرگسالان نیز با این ابزار ارتباطی و سفارشات درباره‌ی آن، این پیام را ارسال نمودند که به خصوص اموال کودکان یتیم را درست برایشان مصرف کرده و در صورت امکان اموالشان را رشد دهید. به کودکان بیاموزید که اموالشان را درست مصرف کنند.

#### ۲۵. بازخرید کودک برده برای رساندن به مادرش

این ابزار ارتباطی است که برای کودک پیام‌های مهرورزی، انسانیت، دل‌رحمی، در مدار توجه بودن و ارزشمند بودن به عنوان یک انسان را ارسال نموده‌است و برای بزرگسالان احترام گذاشتن به دیگر انسان‌ها مبارزه با ظلم،

مبارزه با برده داری و مبارزه نظام طبقاتی را ارسال نموده است.

#### ۲۶. تفحص کودک گم شده:

تفحص کودک مفقود یک ابزار ارتباطی است که پیام محبوبیت داشتن و محبت، صمیمیت، تعلق به گروه (خانواده) داشتن، اهمیت داشتن، ارزشمند بودن را برای کودک ارسال می‌کند و برای بزرگسالان پیام مهرورزی در مراقبت از کودکان، حلیم بودن هنگام اشتباه کودکان و بخشش آنها را ارسال می‌کند.

#### ۲۷. برگرداندن کودکان از میدان جنگ

پیامبر اسلام (ص) مانع از خشونت دیدن و خشونت کردن کودکان می‌دند. یکی از نمونه‌های آن همین جلوگیری از قرار گرفتن کودکان در میدان جنگ بود. با این که دشمن به شهر مدینه هم حمله کرد باز ایشان با حفر خندقی از این که شهر تبدیل به میدان تاخت و تاز سواران جنگی شود جلوگیری نمودند. وقتی هم مسلمانان ناگزیر به قبیله‌ها و شهرهای دشمنان حمله می‌کردند تا جایی که امکان داشت از درگیری در منظر کودکان جلوگیری کرده و کودکان و زنان از دست سربازان اسلام در امان می‌ماندند. این ابزار ارتباطی است که پیام را ارسال می‌کند که از خشونت پرهیز و مهرورزی کنید.

#### ۲۸. جبران ترس کودکان ترسیده از فرمانده‌ای از مسلمانان با دادن هدیه

پیامبر اسلام (ص) با بکارگیری این ابزار کدورت را از دل کودکان زدودند و به آنها پیام بخشیدن و پذیرفتن عذر خطاکار، و جبران کردن اشتباهشان را ارسال نمودند.

#### ۲۹. نگرستن جزیه از کودکان اهل کتاب

این جزیه نگرستن نیز ابزار ارتباطی دیگری است که با بکارگیری آن برای کودکان پیام محبت، صمیمیت، ارزشمندی و دعوت به اسلام ارسال گردیده است.

#### ۳۰. نظرخواهی از کودک در مسائل قابل فهمش

یکی از ابزارهای ارتباطی این است که از فردی نظرخواهی شود. به بردگان فقط دستور داده می‌شود و از آنها نظرخواهی نمی‌شد. وقتی این ابزار بکارگیری می‌شود پیامش برای کودکان این است که تو یک انسان فهیم، دانا، محترم و ارزشمندی. و برای بزرگسالان این است که به کودکان احترام بگذارید و متناسب با فهمشان مسائل موردنیازشان را برایشان گفته، آنها را کم‌کم با روش حل مسأله آشنا کنید.

#### ۳۱. دفاع از حق کودک

کودکان نمی‌توانند از بسیاری از حقوقشان دفاع کنند و این وظیفه‌ی مسئولینشان است که حق آنها را احقاق کنند. این ابزار ارتباطی این پیام را برای کودکان ارسال می‌کند، که در حدی توان از حقتان دفاع کنید و حق مدار باشید، یعنی نه ظالم باشید و نه زیر بار ظلم بروید. و برای بزرگسالان این پیام را دارد که: حق مدار باشید، زیر

بار ظلم نروید و از حق خود و کودکان دفاع کنید.

### ۳۲. وداع در حال احتضار با کودک

پیامبر اسلام(ص) در حال احتضار اجازه ندادند حسنین را از روی سینه‌شان بردارند با آن دو وداع کردند.

### ۳۳. وصیت کردن به کودک

پیامبر اسلام(ص) با ابزار ارتباطی وصیت کردن به کودکان، این پیام‌ها را به آن‌ها (حسنین) ارسال نموده است: محترم شمردن، توجه کردن، صمیمیت، احساس تعلق و محبت.

و به دیگران هم این پیام را ارسال کرده‌اند که، با بکارگیری ابزار ارتباطی مناسب، شما هم به کودکان ارزشمندی اجتماعی دهید.

### ۳۴. سرپرستی کودکان یتیم

پیامبر اسلام(ص) هم سرپرستی کودک یتیم را برعهده داشته و هم درباره یتیم بسیار سفارش نموده است. این ابزار ارتباطی سرپرستی نمودن خوب از یتیم پیام‌های: انسانیت، مهرورزی، دل‌رحمی، انفاق، معادباوری (با در نظر گرفتن اخلاص و پاداش اخروی) را ارسال می‌نماید. برای خود یتیم هم پیام‌های ارزشمندی، احترام، عزت نفس، احساس تعلق (کس و کار داشتن) محبت، آرامش داشتن را ارسال می‌کند.

### ۳۵. آموزش احکام و رفتارهای پسندیده

به روش انجام عملی در معرض دیدن کودک همراه با گفتار، پیامبر اسلام(ص) با گفتاری مثل: «نماز بخوانید همین‌طور که من نماز می‌خوانم»، رفتارهای اخلاق، احکام و عبادات را آموزش داده و ترویج می‌نمودند. بکارگیری این ابزار ارتباطی برای بزرگسالان، مسئولان و برنامه‌سازان (فیلم‌سازان کودک) این پیام را دارد که شما هم به منظور آموزش احکام فردی و اجتماعی اسلامی به کودکان باید در رفتارهای در معرض مشاهده‌ی کودکان، رفتار اخلاقی و صحیح عبادی را انجام دهید تا کم‌کم در آن‌ها رغبت و میل انجام آن ایجاد شود.

این مجموعه نمونه‌هایی از ابزارهای ارتباطی به کارگیری شده توسط پیامبر اسلام(ص) در ارتباط با کودک یا مسئولین کودک در محدوده‌ی ظرفیت این پژوهش بود.

## ۴ . ۱ . ۲ . ۴ پیام

عنوان سوم در مدل ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان و درباره کودکان، «پیام» است. که در الگوی ایشان باید به محتوای این پیام توجه ویژه شود، همان‌طور که گذشت، شخص فرستنده یک معنایی را در نظر دارد که در حین ارتباط قصد دارد آن را به گیرنده منتقل کند و با توجه به این‌که معنی به صورت مستقیم و به خودی خود قابلیت انتقال را ندارد، ناگزیر باید در فرایند ارتباط، معنی را در قالب ابزارهای ارتباطی، ابتدا تبدیل به رمز کند که به این، رمزگذاری گفته می‌شود، به این رمزهای قابل انتقال، «پیام» (message) گویند. پس پیام یعنی قالب‌های ابزارهای ارتباطی انتخاب شده توسط فرستنده که به محتوای معنای مقصودش (شخص فرستنده) اختصاص داده و

برای گیرنده ارسال کرده که در جریان ارتباطی توسط گیرنده دریافت شده و رمزخوانی کرده تا معنای مقصود را دریافت کند.

علی اکبر فرهنگی در تبیین مدل ارتباطی، «حوزه‌ی تجربی» پیام فرست (Experience domain) و «حوزه‌ی تجربی گیرنده‌ی پیام» یا «مقصد» را مدّ نظر قرار داده و معتقد است، این در موفق بودن یا ناموفق بودن ارتباط تأثیر شگرفی دارد، با توجه به این که فرستنده، بر اساس «قصد و نیتی» پیام خود را شکل می‌دهد. علاوه بر این محیط فراگیر پیام‌فرست (ساختاربندی شده توسط حوزه‌ی تجربی فرستنده) نیز در شکل دهی محتوای مقصود در ذهنش نقش اساسی دارد. پیام‌فرست پیشاپیش در ذهنش تأثیر آن را بر روی دریافت کننده پیام می‌سنجد، سپس این محتوی را در چارچوب رمزگذاری خود قرار داده تا تبدیل به پیام کند.

محتوای پیام‌های پیامبر اسلام (ص) هم با کودکان از منبع پیام یا منبع معنی (در فرستنده MS: meaning orse of meage ender) نشأت یافته‌است، که مطابق با منبع معنی گیرنده (M"S: meaning orse of meage receiver) یعنی کودکان (در ارتباط مستقیم) یا منبع معنی دیگر مخاطبین (در سفارشات درباره کودکان) تنظیم نموده و حتی به دیگران نیز این مطلب را متذکر شده است (با کودکان کودکانه رفتار کنید)، نمونه‌ی دیگر این هماهنگی در واجب نکردن نماز و دیگر عبادات برای کودکان است، درحالی که بر بزرگسالان واجب است. از طرفی به والدین و مربیان دستور داده تا به فرزندانشان واجبات دینی، اخلاقی و آداب اجتماعی را آموزش داده و آنها را بعد از رسیدن به سنّ تمیز، کم‌کم به انجام «عبادات تمرینی» تشویق و وادار کنند. این‌ها دلیل بر این است که محتوای پیام‌های پیامبر اسلام (ص) با کودکان (منبع معنی در فرستنده)، با توانایی ارتباطی کودکان و منبع معنی در آنها تنظیم شده و کاملاً مطابقت دارد.

نکته‌ای که درباره‌ی ارتباطات پیامبر اسلام (ص) اهمیت ویژه‌ای دارد، و آن را می‌توان در منبع معنی لحاظ کرد، شرایط و جوّ حاکم بر زمان و مکان ایشان است، ایشان در عربستان و زمان و فرهنگ جاهلیت چشم به جهان گشود، همان طور که در ابتدای فصل سوم گذشت، در آن فرهنگ کودکان گویا انسان به حساب نمی‌آمدند و فرزندگشی جزء آداب و رسومشان بوده است. در چنین شرائطی که با زنان و کودکان رفتاری بسیار غیر انسانی و ظالمانه داشته‌اند، ارتباطات سراسر مهر پیامبر اسلام (ص) با کودکان رقم خورده است و سفارشات عالمانه و مهرورزانه درباره‌ی کودک داشته‌اند، گویا با خشونت‌های زمان و مکان درباره کودکان مقابله کرده و با تمام توان مبارزه کرده تا توانسته الگویی سراسر مهر ورزی را در ارتباط با کودکان به جهانیان ارائه نماید. گویا الگوی ارتباط انسانی ایشان با کودکان خشونت‌های هر زمان، مکان، فرهنگ و جامعه‌ای را خطا قلمداد کرده و بر افراد مرتبط با کودک رفتاری مهرآمیز و دور از ظلم را واجب می‌کند. بر این اساس «ظلم‌ها و رفتارهای ناشایست» نباید جزء منبع معنای فرستنده در ارتباط با کودکان باشد. بلکه بالاتر باید «مبارزه» با این «ظلم‌ها و رفتارهای ناشایست» درباره کودکان جزء منبع معنای فرستنده در ارتباط با کودکان باشد.

موضوع کلی پیام‌ها در سفارشات پیامبر اسلام (ص) به دیگران در گزارشات آمده، درباره کودکان است. موضوع جزئی پیام‌ها در سفارشات پیامبر اسلام (ص) به دیگران و موضوع ارتباط مستقیم ایشان با کودکان که



محتوای پیام را تشکیل داده، (جمعاً ۳۴ عنوان) را می‌توان در سه قسم کلی جای داد: «اعتقادی، اخلاقی و تربیتی» که در جدول زیر می‌آید:

### ۱. اعتقادی:

|   |  |
|---|--|
| <p>با اخلاص با کودکان را مؤحد بار بیاورید، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد یعنی سرودن نوای توحید در گوش و جان کودک در بدو تولدش، با نام‌های بامسمی و توحیدی مثل عبدالله کودکان را برای بندگی آماده کنید..</p>  | <p>۱. پیام توحید برای کودکان و مسئولین</p> |
| <p>کودکان را محب و علاقه‌مند به خدا، پیامبرانش و اهل بیت پیامبر(ص) بار بیاورید.</p>   | <p>۲. پیام محبت به خدا و دوستانش</p>       |
| <p>به اثر داشتن دعا اعتقاد داشته و در مل این را به کودکان بیاموزید یعنی برای کودکان دعا کنید و به آنها دعا کردن بیاموزید.</p>   | <p>۳. پیام دعا</p>                         |
| <p>به خاطر ترس از فقر یا چیز دیگر فرزندانان را نکشید و سقط نکنید. دختران را زنده به گور نکنید.</p>  | <p>۴. منع قتل کودکان</p>                   |
| <p>با کام برداشتن نوزاد و ختنه نمادهای اسلامی را بر دل و جان و پیکر کودک بنشانید: کام نوزاد را با خرما، تربت کربلا آب فرات، آب باران یا آب گرم بردارید. با عقیقه کردن برای کودک، بدن او را بیمه کرده خود را از بخل رها کنید و باتقسیم گوشت عقیقه یا ولیمه دادن آن اتفاق را در خانواده نهادینه کنید؛</p>   | <p>۵. نمادهای اسلامی</p>                   |
| <p>کودکانتان را از نمادهای کفر و فرهنگ جاهلی یا نمادهای کفار و اهل کتاب پاک نگه دارید.</p>  | <p>۶. منع نمادهای کفر و جاهلی</p>          |
| <p>خرافه یعنی مؤثر دانستن چیزی که در واقع مؤثر نیست (آن اثر را ندارد). با توجه به این که عالم، عالم اسباب است، قائل به سببیت و علیت چیزی نشوید که واقعاً سبب و علت نیست. تا مؤثر بودن و همبستگی داشتن دو چیز برهم از راه معقول برایتان ثابت نشده است، تأثیر داشتن و یا هم بستگی داشتن آن دو را برهم باور نکنید. البته وقتی روایات و آیات بین دو چیز ارتباط برقرار کرده است، تا با برهان متقن عقلی عدم ارتباط آن اثبات نشده حکم بطلان بر عدم ارتباط آن نکنید و روایت را جعلی شمارید. همان طور که وجود چیزی نیاز به دلیل دارد، وقتی ارتباط دو شیء در بین مردم مشهور است یا به وجود چیزی (مثل یک اتفاقی در تاریخ) باور</p> | <p>۷. مبارزه با خرافه گرایی</p>            |

|   |         |
|---|---------|
| دارند، انکار و تکذیب آن، دلیل منطقی و عقلی متقن می‌خواهد، و به صرف ندانستن دلیل چیزی هم نباید آن را خرافه شمرد.   |         |
| توکل یعنی انسان وظیفه‌اش را انجام دهد ولی خداوند را مالک و مؤثر بداند، به صورتی که هر سببی در تأثیر گذاری باید از جانب خدا مأذون باشد. البته خلاف عادت بسیار کم است. این باور در تربیت توحیدی بسیار مؤثر است چرا که چگونگی ارتباط خداوند با آفرینش را تبیین نموده و باور به خداوند را در جریان زندگی انسان رنگ می‌بخشد. | ۸. توکل |
| الگوی پیامبر اسلام (ص) بر آن است که باید اجازه و راه بازگشت از خطا را به کودک نشان داد. تا خطاهایش را جبران نماید.  | ۹. توبه |

## ۲. اخلاقی، رفتاری:

|  |                     |
|--|---------------------|
| به کودکان مهرورزید تا آنها هم مهربان شوند. مثلاً آنها را نوازش کرده در آغوش بکشید، دست و صورتشان را بیوسید، آنها روی زانو بنشانید، به آرامی دست روی سر و صورتشان بکشید، به آنها لبخند بزنید، آنها را روی شانه و روی سینه‌ی خود قرار دهید. آرام کردن گریه کودک با مهربانی، قربون و صدقه رفتن گفتاری.  | ۱. محبت             |
| مثل: پیدا کردن دو کودک گم‌شده و خوش رفتاری با آنها. رفتار کودکان هم‌چون آینه، بازتاب رفتار بزرگسالان و اطرافیان است. از این رهگذر کسی که انتظار خوش رفتاری از کودک دارد باید در منظر کودک خوش رفتار باشد تا پیام «خوش رفتار باش» را ارسال کند.   | ۲. خوش رفتاری       |
| در ارتباط با کودکان بیشتر به رعایت عدالت توجه داشته و مواظب باشید در نظرشان ظالم قلمداد نشوید، آنها رعایت عدالت را در برقراری تساوی می‌دانند. ای کودکان در سراسر زندگی‌تان عادل و حق‌محور باشید.   | ۳. عدالت و حق محوری |
| کودکان را از لذت‌های حلال در حدّ توانتان بهره مند کنید، آنها را به تفریح و تفرّج به دیدن کوهسار، دریا، رودخانه، جنگل و مناطق دیدنی و ساختمان‌های تاریخی ببرید. ای کودکان راه‌های تفریحات سالم و لذت بردن مشروع را بیاموزید و برای خود زندگی بانشاطی بسازید.  | ۴. لذت بخش باش      |
| با هدیه کردن آرامش در طول زندگی به کودک زمینه خوش اخلاق بودن و عصبی نبودن کودک را فراهم کنید، صبور شدن کودکان یعنی توانمند شدن آنها برای تحمل ناخوشی‌ها، ناملايمات، نواقص، ناکامی‌ها و سختی‌های زندگیست و این مستلزم این است که از بدو کودکی به او مسئولیت در حدّ رشد و توانش داد تا با درجه کم از این‌ها مواجه شده، تجربه یافته تا کم کم تحمل آن را یافته و آمادگی یابد تا درجات بیشتری از سختی‌ها را تحمل کند، | ۵. صبور شدن کودکان: |

|  |  |
|--|--|
| مثل واکسن زدن، این باعث می‌شود در زندگی فردی کوشا گردد.  |  |
| به کودک گذشت کردن و بخشش بیاموزید تا عذر خطاکار را بپذیرد.   | ۶. عفو، گذشت                           |
| رعایت حیا لازم است حتی در بحث آموزش‌های ضروری پزشکی و حتی درباره کودکان.   | ۷. حیا:                                |
| به کودک اجازه و مسئولیت نگهداری حیوانات خانگی را در صورت امکان دهید.   | ۸. شبانی                               |
| با عیادت از کودک بیمار و هدیه دادن او را با نشاط کرده و به افزایش عزت نفس در کودک گردید.   | ۹. عیادت از کودک بیمار                 |
| ناتوانی‌های جسمی کودکان را همواره در نظر داشته آنها را در صورت امکان سوار مرکب کنید، و حال آنها را در انجام عبادات خود یا آنها رعایت کنید. | ۱۰. در نظر داشتن ناتوانی‌های جسمی کودک |
| از انجام کارهای کودکان ابا نکنید اگر فرصت ندارید و کودک پرستار یا خدمتکار دارد بازهم بعضی کارها را خودتان برایش انجام دهید.                | ۱۱. تواضع داشتن                        |

### ۳. تربیتی:

|  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| درباره تربیت صحیح کودک توجه لازم را مبذول دارید، تربیت صحیح دینی نه تنها بیچه‌ها را آزرده خاطر نمی‌کند، بلکه آنها را عاشق مربی کرده تا جایی که حاضر نیست از مربی جدا گردد. از طرفی او را لوس و خودخواه بار نمی‌آورد.   | ۱. تربیت صحیح دینی و لوس نکردن کودک |
| شرایط آموزش و انجام آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی تربیت فرزند را در اجتماع فراهم کنیم.   | ۲. آموزش                            |
| به کودکان همچون بزرگترها احترام بگذارید تا آنها هم در عمل احترام گذاشتن را آموخته دارای عزت نفس بالا گردند، نیاز به احترام جزء نیازهای سطح چهارم کودک در دیدگاه مازلو محسوب می‌شود، که برطرف شدن آن منوط به استفاده‌ی روش‌های مختلف است، ابتداء آن در چگونگی برطرف کردن نیازهای زیستی است، مرحله دوم شخصیت دادن به کودک همچون بزرگان است مثل با احترام صدا کردن، مرحله سوم مانند یکی از افراد مورد احترام در بزرگسال با کودک رفتار کردن، اینها به مرور باعث عزت نفس یافتن کودک می‌شود. نمونه‌هایی از مصادیق احترام گذاشتن به کودکان: «با احترام صدا زدن، نام | ۳. احترام بگذارید                   |

|  |                          |
|--|--------------------------|
| <p>بزرگوارانه برایش انتخاب کردن، به استقبال کودک رفتن، اعتماد کردن به کودک، بلند شدن و جا بازکردن برای کودک هنگام ورودش به مجالس، سلام کردن و جواب سلام دادن، مصافحه و معانقه، نظر خواهی و اجازه صحبت دادن در جای ممکن، راست شمردن خبری که کودک می‌دهد، مسئولیت دادن به کودک در حد توانش، بزرگوارانه نیازش را برطرف کردن، تغافل، تنبیه نکردن به خصوص در جمع یا تنبیه بدنی نکردن، تذکر دادن اشتباهاتش در خفا با زبان خوش، به عیادت کودک بیمار رفتن، بزرگداشت کودکان بی‌سرپرست».</p> |                          |
| <p>بر فرزندان خود نام‌های، زیبا، نیک و پر مسمی بگذارید. نام‌گذاری وسایل شخصی سنت پیامبر(ص) است که باید رواج یابد چرا که از نظر تربیت دینی اهمیت داشته و اثرگذار است، به خصوص برای کودکان که نیازمند به رشد تخیلی هستند.</p>  | <p>۴. نام‌گذاری نیکو</p> |
| <p>کودکان را شاد، خندانند و با نشاط کنید. (بر طرف کردن گریه و ناراحتی) باید نیازهای کودک در کمال مهرورزی رفع گردد. کودکی که گریه می‌کند، مشکلی دارد با برطرف کردن مشکلش از ناراحتی او بکاهید تا گریه اش آرام گردد.</p>   | <p>۵. شاد کردن</p>       |
| <p>با توجه به سن، علاقه، احتیاج و استعداد کودک به او هدیه دهید. (هدیه دادن برای تشویق به خوبی‌ها مثل کسب علم، تلاش بیشتر، ورزش، برنده شدن در مسابقه، اعیاد دینی) البته هدیه دادن باید گسسته باشد نه مستمر<sup>۱</sup>.</p>   | <p>۶. هدیه دادن:</p>     |
| <p>پیامبر اسلام (ص) بین کودکان مسابقه برگزار می‌کردند تا کودکان پیام‌آموزند که برای کسب فضائل در زندگی از دیگران سبقت بگیرند این باعث ترغیب و بیشتر شدن انگیزه آنها می‌شود. این باید برای افراد مرتبط با کودک به عنوان یک ابزار تربیتی بکارگیری شود.</p>   | <p>۷. مسابقه</p>         |
| <p>آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌های زندگی و دینی را به مرور در کودک فراهم کنید. افرادی که مسئولیت پذیر نیستند، زندگی موفق‌تری ندارند. به خاطر محبت زیاد از کار کردن کودک، قبول مسئولیت، سختی کشیدن در حد توانشان جلوگیری نکنید، و گرنه باعث لوس شدنشان، ناتوانیشان در انجام کارها در بزرگی، تجربه پیدا نکردنشان، انتظار بی‌جا و زیادی (پرتوقعی) آنها و پیامدهای منفی دیگر می‌شود. پیام برای جامعه: در دادن مسئولیت کودکان باید به سن، میزان رشد و حد توان آنها توجه شود.</p>          | <p>۸. مسئولیت پذیری</p>  |
| <p>شرائط و زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی مناسبی (مطابق با آموزه‌های اسلامی) برای رفع</p>  | <p>۹. برآورده</p>        |

<sup>۱</sup> این اصطلاح است یعنی پیوسته نباشد که کودک جایزه‌ای شود و فقط به خاطر دریافت جایزه کاری را انجام دهد یا ترک کند.

|  |   |
|--|---|
| <p>کردن نیاز عاطفی</p>                                 | <p>نیازهای زیستی (فیزیولوژی) و عاطفی کودکان، و بالندگی و شکوفایی آنها فراهم کنید. وقتی کودکان لباس نو پوشیدند به آنها توجه کنید.</p>  |
| <p>۱۰. پرهیز از خشونت</p>                              | <p>از خشونت با کودکان پرهیزید. کودک را تنبیه بدنی نکنید. زمان قهر کردن با کودک خاطی را طولانی نکنید.</p>  |
| <p>۱۱. اولویت و لزوم برطرف کردن نیازهای زیستی کودک</p> | <p>را در اولویت قرار دهید، درباره تغذیه کودک دو نکته را رعایت کنید: یکی حلال بودن دوم بهداشتی و مقوی بودن. از ظرفیت‌های موجود برای رفع نیازهایتان مطابق شرع استفاده کنید. (از شتری شیر دوشید که نزدشان برای استفاده امانت بود) در رفع نیازهای کودکان تعقل (معطل) نکنید. (حضرت سریع برخاستند و به دیگری نگفتند.) در تغذیه کودکان باید بسیار دقت شود، و این مستلزم این است که «کیفیت و کمیت» آن را مطابق آداب اسلامی و سنن نبوی، به مسئولین در بخش تولید، واردات و توزیع مواد غذایی، آموزش داده شود، و شرایط انجام آن در اجتماع فراهم آید. قانون‌گذاران کشورهای اسلامی نیز باید قوانین مربوط به این حوزه را بر اساس الگوی پیامبر اسلام (ص) تصویب کنند و مجریان قانون بر این حوزه نیز باید با داشتن آگاهی لازم بر اجرای قوانین نظارت کارآمد را مبذول دارند. سازندگان برنامه‌های رسانه‌ای مثل فیلم سازان نیز باید مواظب باشند تا تولیداتشان در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء تمایل بینندگان به پیروی از الگوی پیامبر اسلام (ص) در زمینه تغذیه باشد و از تبلیغات مواد غذایی مصنوعی و غیر اسلامی پرهیز نمایند.</p> <p>در گرفتن دایه برای خردسالان دقت کنید چرا که صفات او را به ارث می‌برند، تغذیه دوران شیرخوارگی بر تیزهوشی یا کندذهنی کودک اثر گذار است، والدین در قبال نوع تغذیه مادر در دوران بارداری، نوع تغذیه شیردهنده و صفاتش و دینش مسئولند و روز قیامت در این باره بازخواست خواهند شد و همه‌ی اینها بر رشد، اخلاق و تربیت فرزندشان مؤثر است.</p> <p>پیام برای جامعه: در تغذیه شیرخوارگان باید بسیار دقت شود، چون بر رشد جسمی، ذهنی و معنوی کودک تا آخر عمرش مؤثر است. (صفات شیردهنده مثل کندذهنی و بیماری به بچه شیرخوار منتقل می‌شود.) پیامبر اسلام (ص) در درجه اول به شیر مادر برای کودک سفارش کردند و در صورت کمبود یا نبود به مرزعه گرفتن برای کودک با صفات پسندیده سفارش می‌کردند. پس جامعه موف است شرایط اجتماعی برای این امر را آماده کند. اگر وجود زنان در مشاغل اجتماعی بیرون از خانه ضروری است، قوانینی مناسب برای دوران بارداری و شیردهی به فرزندانشان در نظر گرفته شود و شرایط انجام این امر</p> |

در عمل به آسانی فراهم باشد. آداب و رسوم جامعه باید مطابق با اجرای این امر باشد به گونه‌ای که جامعه به «قرارگرفتن زن در دوران بارداری و شیردهی کودکش» افتخار کند نه این که زن بخاطر حفظ موقعیت اجتماعی خود از بارداری و شیردهی فرزندش هراسان باشد.

سازندگان برنامه‌های رسانه‌ای مثل فیلم سازان موظفند تولیداتشان در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء تمایل بینندگان به تغذیه‌ی کودک با شیرمادرش یا انسان وارسته‌ی دیگری باشد و از تبلیغات برای مصرف شیر خشک (به جای شیر مادر) پرهیز نمایند. باید در متن فیلم‌ها یک زن باردار را زشت به تصویر نکشد و بچه شیر دادن را برای مادر یا زنی دیگر بسیار پسندیده با اثراتی بسیار مطلوب (که واقعاً دارد) جلوه دهند. روحانیون، ائمه‌ی جمعه و جماعت و مبلغین دینی نیز موظفند توصیه‌های اسلام درباره شیر مادر و اثرات مطلوب آن را به گوش مردم برسانند تا انشاء الله در فرهنگ اجتماعی نهادینه شود. اهل قلم نیز می‌توانند با نظر علمی تحقق این امر را در جامعه تسهیل کنند.

ب: در لباس و محیط کودک رنگ‌های نشاط‌آفرین بکاربیرید.

ج: بهداشت کودکان را رعایت کرده تن و لباس آنها را تمیز نگه دارید.

۱۲. ورزش  
وبازی:

به بازی و ورزش کودکان اهمیت داده، به آنها اجازه بازی داده، با آنها هم بازی شوید تا کودکانی قوی و با نشاط داشته باشید. پیام: پیام برای والدین: آداب اسلامی و سنن نبوی درباره‌ی تربیت جسمی کودکان بکار گیرید. محیط ورزش را برای کودک فراهم و ایمن کنید. بچه‌ها را تشویق به ورزش کنید. ورزش‌های مناسب حال کودک را به او پیشنهاد کنید. هدفمند با نیازهای کودک به او ورزش آموزش دهید. ورزش‌های مفید و متناسب با نیازهای آینده برای کودک ترجیه دارد. مثلاً کوه‌نوردی، تیر اندازی، اسب سواری و شنا برای بچه‌های زمان پیامبر اسلام (ص) از ضرورتی برخوردار بود که آنها را آماده نبردهای تن به تن کند. پس والدین هم متناسب با شرایط زمانی، مکانی و نیازهای آینده‌ی کودک او را باید در کلاس‌های آموزشی ورزشی ثبت‌نام کنند.

پیام برای جامعه: باید شرایط ورزش برای کودکان فراهم شود و با برگزاری مسابقات ورزشی در سطوح و سنین مختلف در کودکان انگیزه‌ی ورزش را بالا برد. ورزش باعث تخلیه هیجان و انرژی بچه‌ها شده و سلامت جسمی و روحی جامعه را بدنبال دارد. اگر روح و بدن انسانی ضعیف، رنجور، بیمار و ناشکیب باشد توانایی پذیرش و دفاع حق را ندارد و به جای فردی مفید برای جامعه انگل و سربار جامعه شده و برای دیگران اسباب زحمت شده و زمینه‌های بزه‌کاری در خود فرد و جامعه را ایجاد می‌کند. قانون گذاران

|   |   |
|---|---|
| <p>کشورهای اسلامی باید با قوانینی آموزش ورزش‌های ضروری را الزامی کرده و تا عادت دادن افراد به انجام آن ادامه یابد. مجریان قانون نیز باید شرایط مساعد را برای ورزش کودکان تا بزرگسالی فراهم کنند و آنها را بر این مهم عادت دهند. تولیدات سازندگان برنامه‌های رسانه‌ای مثل فیلم سازان نیز باید مخاطبانشان را از ضرورت ورزش و پیامدهای مثبت ورزش کردن و عاقبت سهل‌انگاری در انجام آن، آگاه کرده و میزان انگیزه‌ی ورزش کردن را در مخاطبانشان ارتقاء بخشند. مبلغین دینی نیز موظفند سفارش‌های پیامبر اسلام(ص) و فتاوی مراجع(مقام معظم رهبری: ورزش برای جوانان لازم و برای سالمندان واجب است.) را در این امر به مخاطبانشان ابلاغ نمایند.</p> |   |
| <p>کودکانتان را به سرپرست (دایه، پرستار یا مربی) مطمئن، معتمد، مؤمن، خوش اخلاق، صبور، دانای مسائل مرتبط با کودک و احکام، با تقوا و... بسپارید، یعنی نسبت به داشتن صفات پسندیده درباره مربی حساس بوده و از نبودن صفات ناپسند در سرپرست مثل شراب خواری، حسادت، کفر، ضلالت در دین، نادان بودن نسبت به احکام دینی یا مسائل کودک، یا بی‌موالات بودن نسبت به انجام وظیفه اش و... اطمینان حاصل کنید.</p>   | <p>۱۳. ویژگی‌های ضروری یک سرپرست کودک</p> |
| <p>سنت‌های پیامبران را در تربیت کودک به کار بندید.</p>  | <p>۱۴. الگوگیری از پیامبران</p>           |

#### ۴ . ۱ . ۲ . ۵ . کانال ارتباطی (channel) :

آن قالب کلی که پیام در آن انتقال می‌یابد را کانال ارتباطی گویند. به صورت کلی در زمان پیامبر اسلام(ص) تنها سه کانال برای انتقال پیام استفاده می‌شده است: گفتار، رفتار و نوشتار. گفتار و رفتار متداول بوده ولی نوشتار بسیار محدود بوده است. پس مراد از کانال ارتباطی ایشان با کودکان گفتارها و رفتارهای ایشان در ارتباط با کودکان است که در بردارنده پیامشان می‌باشد. البته آن دسته از کانال‌های ارتباطی امروزی، که در آن پیام تبدیل شده و باز بشکل اولیه بازگردانده می‌شود، در بکارگیری الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) برای امروزیان، خدشه‌ای ایجاد نمی‌کند؛ مثل: سیستم بلندگو، که صوت را تبدیل به الکترون‌ها کرده و از طریق سیم عبور داده و با دستگاه و باند دوباره تبدیل به صوت برای مخاطب پخش می‌شود. ولی در بقیه کانال‌ها مشروط به چهارچوب قوانین شرع است.

پیام‌های ارتباطی در زمان پیامبر اسلام(ص) اکثراً حضوری بوده‌است، و فقط در مواردی خاص و مهم، نامه یا پیک مسیر عبور ارتباط را تشکیل داده است. در گزارشات ارتباط پیامبر اسلام(ص) با کودکان فقط ارتباط از طریق گفتار و رفتار (زبان بدن) بوده، چون امکان استفاده از کانال‌های ارتباطی مدرن امروزی، در آن زمان نبوده‌است. حال اگر این کانال‌های زمان ما هم با چهارچوب الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) سازگار باشد، می‌تواند جواز آن را اثبات نموده و در پیروی و بکارگیری «الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان» از این کانال‌های ارتباطی نوین در ارتباط با کودکان امروزی استفاده نمود.

## نکته:

لوازم و ابزارهای ارتباطی مدرن زیر (که توضیحش در مدل ارتباطی منبع معنی آمده است)، در فرایند ارتباطی پیامبر اسلام (ص) مفروض نیست، چرا که در آن زمان ارتباط فقط حضوری و مستقیم بوده است (غیر از نامه و پیک، آن هم در ارتباط پیامبر با کودکان گزارش نشده است): دستگاه رمز گذار، دستگاه فرستنده، کانال‌های ارتباطی مدرن، دستگاه دریافت کننده رمز، دستگاه رمزگشا (رمزخوان decoder)

ولی برای کاربر الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) استفاده از این ابزارها در فرایند ارتباطی با کودکان، خللی ایجاد نمی‌کند. مثلاً یک فیلم ساز اگر از ابزارهای ارتباط انسانی مورد استفاده‌ی پیامبر اسلام (ص) در ارتباط با کودکان و همان محتواهای پیام ایشان، با همان اهداف و انگیزه‌ها را در ساخت برنامه‌های رسانه‌ای خود استفاده کند، یا به توصیه‌های ایشان در ساخت برنامه‌هایش عمل کند و یا حتی اگر در خلال برنامه‌هایش این‌ها را بیان کند، در واقع از الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان پیروی کرده است.

### ۴ . ۱ . ۲ . ۶ . رمزگشایی و پست‌فرست:

رمزگشایی (ارزیابی پیام evaluation of message) و پست‌فرست (send back):

وقتی گیرنده پیام را دریافت می‌کند، برای فهم آن ناگزیر باید، آن را رمزگشایی کند، یعنی معنای قراردادی که برای آن ابزارها بین او و فرستنده است، باید در ذهنش متجلی شود. قطعاً در ارتباط پیامبر اسلام (ص) با کودکان نیز رمزگشایی متصور است. پس رمزگشایی یعنی آن آثار (معنای) نقش بسته در ذهن مخاطب در اثر پیام دریافت شده در ارتباط با پیامبر اسلام (ص).

### ۴ . ۱ . ۲ . ۷ . بازخوردگیری:

به عکس العمل گیرنده پس از دریافت کامل پیام و فهم معنای آن را، بازخورد گویند. بازخوردگیری (ارزیابی پست‌فرست evaluation of send back) در الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اهمیت آن از این روست که اگر بازخورد (که گیرنده بروز می‌دهد) همان عکس العمل مورد انتظار فرستنده باشد، بیانگر منتج بودن و موفقیت ارتباط بوده است؛ پس می‌توان گفت: بازخورد همان ثمره‌ایست که فرستنده از برقراری ارتباط دریافت می‌کند.

### ۴ . ۱ . ۲ . ۸ . خلل در ارتباط:

احتمال عقلی در وجود اثر پارازیت (noise) در فرایند ارتباطی که از الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان، پیروی می‌کند، مربوط به اشتباه در بکارگیری مصادیق برای ابزارهای ارتباط انسانی در رمزگذاری، نرسیدن کامل پیام، تفسیر نشدن صحیح پیام، تشکیل نشدن یا ارسال نشدن پست‌فرست مناسب به ارسال کننده پیام یا ناتوانی در تفسیر و ارزیابی صحیح آن پست‌فرست مفروض است. البته این احتمال عقلی درباره وجود نویز و



پارازیت(خلل) در قسمت‌های مربوط به مخاطب پیامبر اسلام(ص) در ارتباطش با کودکان یا درباره کودکان، مفروض بوده که در گزارشات رسیده موردی از آن مشاهده نشده است.

## ۴.۲. گفتار دوم: ارائه‌الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان

اگر چه ارتباطات و رفتارهای الگوی ارتباطی انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان ترسیم شده، اجزاء آن قابلیت انطباق با تمام مدل‌های ارتباطی مشهور (مدل‌های ارتباط فردی مذکور در فصل دوم) را دارد. نکته‌ی بسیار تأمل برانگیز در این الگو، تفاوت آن با آن مدل‌های مشهور است. مدل‌ها فقط به دنبال تبیین ماهیت ارتباط بوده به چگونگی شکل‌گیری ارتباط از نقطه آغاز تا پایان ارتباط است؛ یعنی هر مدل تبیین‌کننده‌ی یک تصویر از اجزاء در یک لحظه‌ی برقراری فراگرد ارتباط است، درحالی که پیامبر اسلام(ص) علاوه بر شکل ظاهری(ماهیت) در برقراری ارتباط به محتوای هر یک از قسمت‌ها(ی موجود) در آن عنایت بسیار زیاد داشته است.

### جدول بندی

برای کشف الگوی ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان ابتدا باید اصطلاحات علمی ارتباطی در الگوهای ارتباطی (در علم ارتباطات) بیان شود؛ تا بتوان آن را با گزارشات ارتباطات پیامبر اسلام(ص) (در فصل سوم) انطباق داد، و الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان را کشف کرد. بنا بر این، واژه‌های اصطلاحی بکار رفته در تمامی مدل‌های ارتباطی در فصل دوم، باید دسته‌بندی شود، برای این کار، ابتدا این اصطلاحات باید در جدولی افقی، نسبت به هم سنجیده شده، و واژه‌های همسو را باید در یک دسته قرار داد، بر این اساس واژه‌های «معادل»، در یک دسته قرار می‌گیرد و واژه‌های در عرض آنها(معارض) در دسته بعدی قرار می‌گیرد:

|   |
|---|
| ۱. فرستنده، گوینده، پیام فرست، منبع پیام،   |
| ۲. گیرنده، مخاطب، پیام گیر، دریافت کننده پیام، مقصد پیام،   |
| ۳. پیام، گفتار،   |
| ۴. منبع پیام، منبع معنی، منبع اطلاعاتی، رمزها، ریشه‌های پیام، رویدادها، سطح دانش، (منبع) محتوای پیام، باورها، عقاید، ایده‌ها، مهارت‌های ارتباطی، ابزارهای ارتباطی(نرم افزاری)، مهارت‌های عمومی، نگرش‌ها، دانش‌ها، مهارت گفتگو، مهارت دیدن، مهارت شنیدن، مهارت نوشتن، مهارت خواندن، ابعاد ادراک، مقاصد، نظارتها، محتوای مقصود، حوزه تجربی پیام فرست، توانایی ارتباطی فرستنده و گیرنده، امکانات ارتباطی در دسترس. |
| ۵. رمزگذاری، دستگاه رمزگذار، ایجاد کردن پیام،   |
| ۶. رمزگشایی، رمزخوانی، بازگردانی رمز، بازخوانی رمز، پیام گشایی، تفسیر پیام، تأثیر مقصود، حوزه تجربی گیرنده پیام.  |

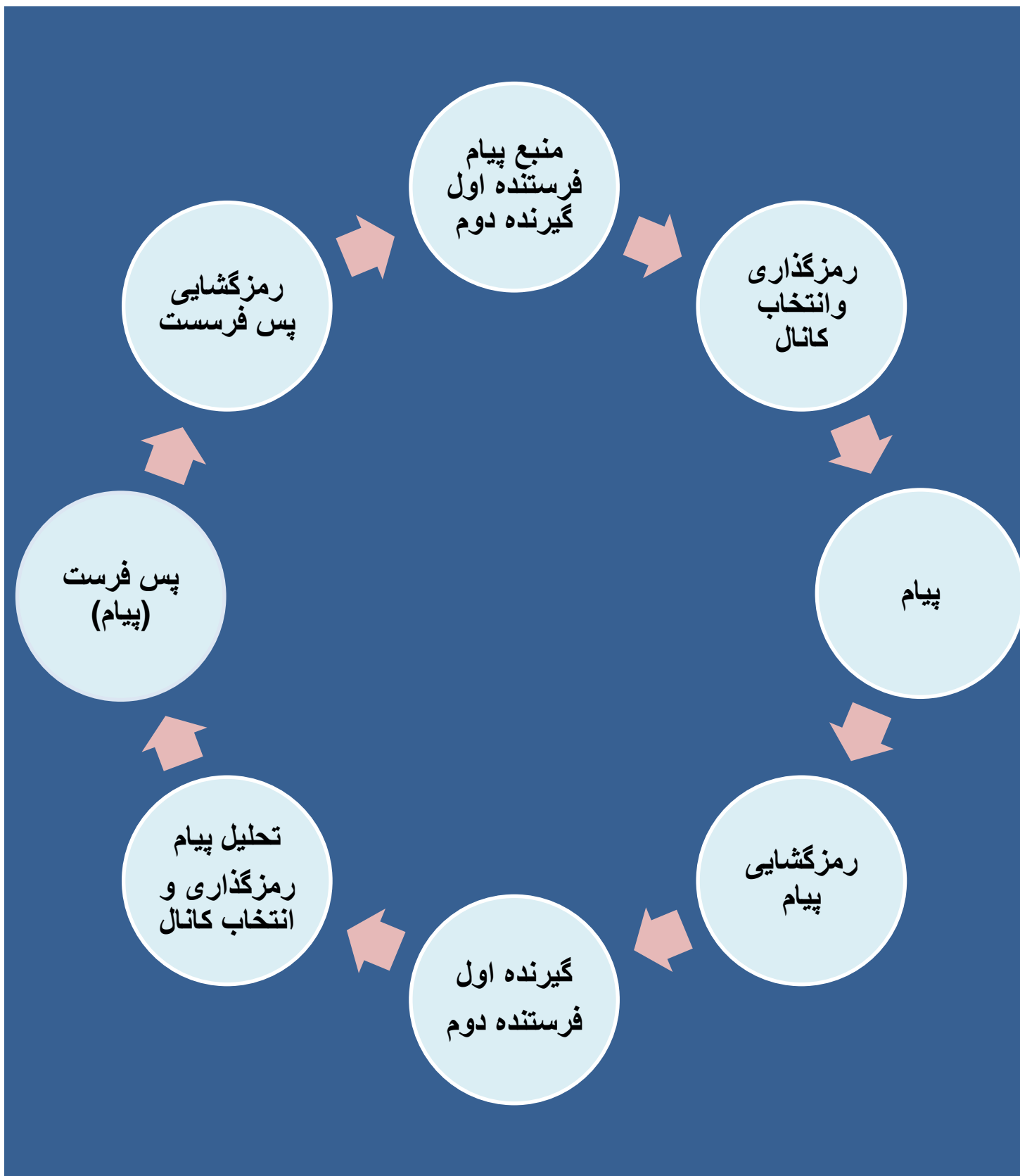
|   |
|---|
| ۷. کانال ارتباطی، ابزارهای ارتباطی (سخت افزاری)، وسیله، کانال ترکیبی، وسیله نقلیه پیام،                                 |
| ۸. بازخوردگیری، محور تنظیم پیام در نظر پیام فرست، پس فرست، بازتاب پیام، عکس العمل گیرنده پیام،                          |
| ۹. پارازیت، اختلالات، دروازه بانان خبر، اثر گذاران بر پیام (بعد از تولید پیام توسط فرستنده قبل از رسیدن به مخاطب اصلی)، |
| ۱۰. ظرفیت پیام، حجم پیام،   |
| ۱۱. حالات فرستنده و گیرنده مثل: ترس، خشم، ترس، محبت زیاد و... .   |
| ۱۲. ساختار شبکه پیام، ساز و کار و شکل سیستم‌های ارتباطی، زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی و... که بر ارتباط مؤثر است.           |

هشت گزینه‌ی اول از این دوازده دسته، در ارتباطات پیامبر اسلام (ص) به خوبی روشن است، و می‌توان آن را مدل ارتباطی پیامبر اسلام (ص) با کودکان دانست.

اگر منبع پیام را شامل این مطالب روبروی آن هم بدانیم (مثل نظر محسنیان راد در مدل منبع معنی)، می‌توان الگو و مدل را یکی دانست که ما در این پژوهش تعریف الگو و مدل را معادل لفظی فرض کردیم<sup>۱</sup>.

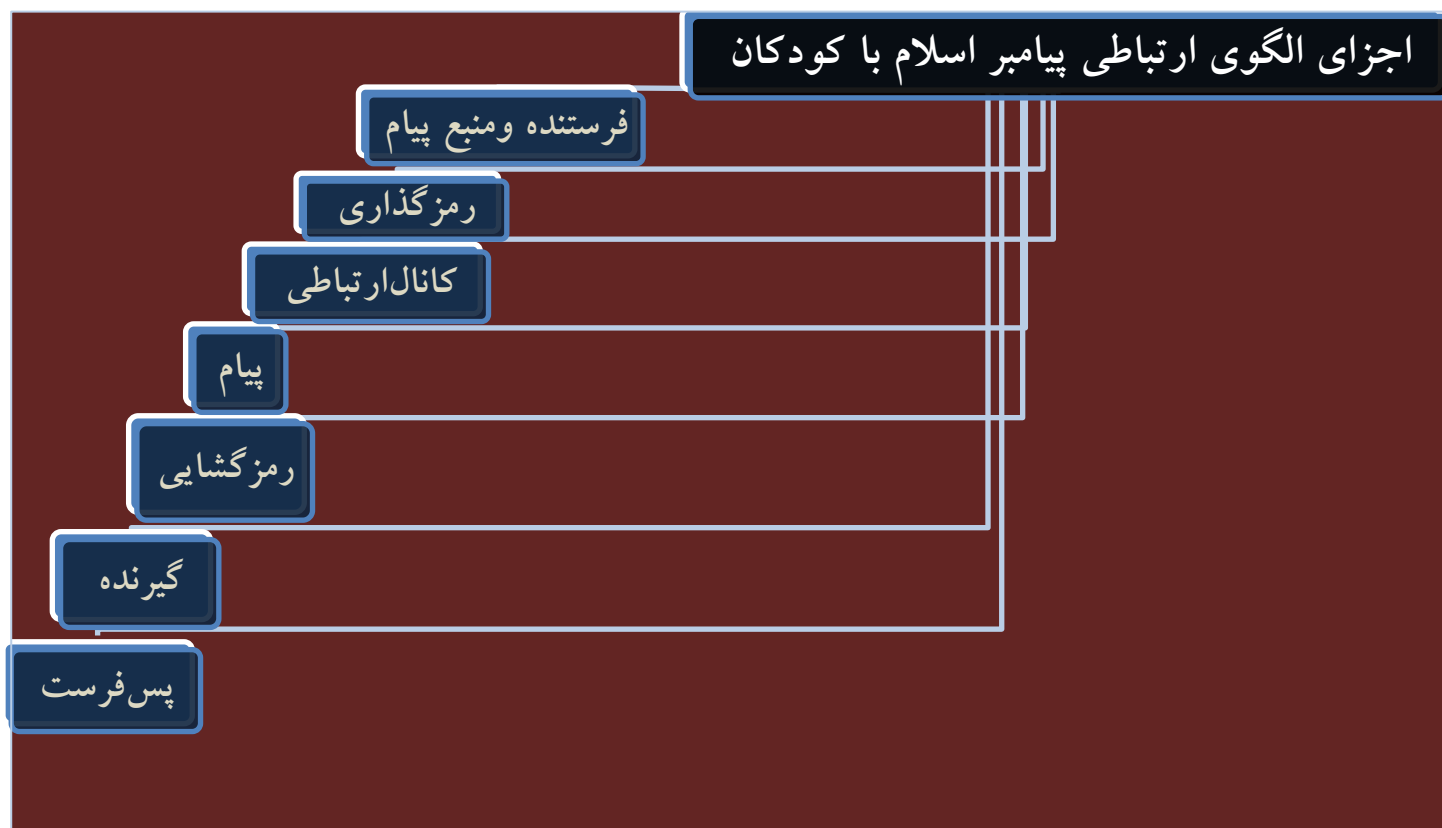
---

<sup>۱</sup> ولی اگر منبع پیام شامل اینها نشود، یعنی مدل فقط قالب باشد، در نتیجه الگو می‌شود: اضافه شدن انواع محتواهایی که پیامبر اسلام (ص) در ارتباط با کودکان یا درباره کودکان، در این قالب استفاده کرده است.



مؤلفه‌هایی از مدل ارتباطی که بیشتر از این که به عنوان «قالب» باشند، ذیل «محتوا» زینده‌تراند، عبارتست از : منبع معنی، منبع اطلاعاتی، رمزاها، ریشه‌های پیام، رویدادها، سطح دانش، (منبع) محتوای پیام، باورها، عقاید، ایده‌ها، مهارت‌های ارتباطی، ابزارهای ارتباطی (نرم افزاری)، مهارت‌های عمومی، نگرش‌ها، دانش‌ها، مهارت گفتگو، مهارت دیدن، مهارت شنیدن،

مهارت نوشتن، مهارت خواندن، ابعاد ادراک، مقاصد، نظارت‌ها، محتوای مقصود، حوزه تجربی پیام فرست، توانایی ارتباطی فرستنده و گیرنده، امکانات ارتباطی در دسترس.



### پیشنهادات:

در پژوهشی دیگر دست‌آوردهای این تحقیق باید به صورت بسته‌های آموزشی تبیین گردد که می‌تواند این عنوان را داشته باشد: «تبیین بسته آموزشی الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام (ص) با کودکان» که می‌تواند به عنوان مهمترین پیشنهاد این تحقیق مطرح باشد. سپس در تحقیقی میدانی این بسته در شرایط کنترل شده‌ی آزمایشی به دو گروه کنترل و آزمایش آموزش داده می‌شود و نتایج آن در ارتباط با کودکان اندازه‌گیری می‌شود. پس این الگوی تبیین شده، قابلیت دارد که تئوری یک تحقیق میدانی آزمایشی قرار گیرد. به عبارت دیگر این تحقیق با رویکرد کتابخانه‌ای و تاریخی است. این گزاره‌های بدست آمده می‌تواند به عنوان یک نظریه ارتباطی یا تربیتی در حوزه کودک روی کودکان آزمایش شده و با نتایج اعداد و ارقام آماری محاسبه گردد تا در جامعه علمی جهانی که رویکرد ساینس دارند نیز مورد استناد و استفاده قرار گیرد. حتی بعضی از گزاره‌های جزئی نیز این قابلیت را دارند تا موضوع یک پایان نامه قرار گیرند، به عنوان مثال: نقش تشویق برای علم آموزی روی کودکان. که نوع تشویق‌هایی که به کار گرفته می‌شود، به عنوان مسائل فرعی تحقیق مطرح شده و در گروه آزمایش و کنترل بررسی می‌گردد.

همان طور که گذشت یک مشکل اساسی در این پژوهش است و آن محدودیت گزارشهای رفتاری و ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان است. از طرفی مسائلی امروزه درباره کودکان وجود دارد که یا در آن زمان اصلاً وجود نداشته یا گزارشات چگونگی عکس العمل پیامبر اسلام(ص) در آن باره به ما نرسیده است، چون رویکرد این پژوهش تاریخی تحلیلی است و در این رویکرد التزام به متن باید داشت. این مسائل می‌تواند با رویکرد دیگری (اجتهادی و بدون انحصار به متن روایات) در پژوهشی دیگر الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان قابلیت تطبیق و تبیین پیدا کند که مکمل این تحقیق بوده و به عنوان پیشنهاد این تحقیق مطرح می‌شود. مثلاً با این عناوین: «مسائل جدید در الگوی ارتباط انسانی پیامبر اسلام(ص) با کودکان»، «الگوی ارتباطی پیامبر اسلام(ص) با کودکان خاص (استثنایی، کم توان ذهنی، لجباز، بیش فعال، دارای اختلال یادگیری، اتیسم، وسواسی، پرخاشگر، بچه‌های طلاق و...». حتی جا دارد تا پایان نامه‌هایی با رویکردی کاربردی تر روی حل مشکلات و مسائل مربوط به حوزه کودکان پردازند، مثل: راه‌کارهای افزایش هوش هیجانی در کودکان در آیین آیات و روایات، یا راه‌کارهای بالا نگه داشتن عزت نفس (یا کرامت نفس) در کودکی در آیین آیات و روایات یا راه‌کارهای آموزش حل مسأله و قدرت نه گفتن به کودکان در آیین آیات و روایات. یا حتی مسائل اجتماعی کودکان مثل: با توجه به کم شدن تعداد فرزندان در خانواده‌ها و تفاوت میزان و محیط زندگی و بازی و تغییر نوع بازی‌های کودکان نسل والدین با نسل فرزندانشان مثل آپارتمان نشینی زمان کنونی و روستا نشینی سابق، که باید با عنوان‌های علمی، و مسأله محور(در قالب مسأله) بیاید، مثل بازی‌های مناسب سنین مختلف خانه‌خلاقیت و خانه بازی با توجه به نیازهای متفاوت جنسیت (تفکیک بازی‌های دخترانه از پسرانه) و مسائل مورد نیازشان در چهار چوب دین اسلام: این برای هر سن و جنسی از کودکی تا پایان نوجوانی به صورت یک مسأله کاملاً مجزا قابلیت طرح دارد.

۱. قرآن کریم ترجمه قرآن (مشکینی)، مشکینی، علی، چاپ دوم، نشر الهادی، قم، ۱۳۸۱ ش.
۲. نهج البلاغه شریف الرضی، محمد بن حسین (۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ۲ جلد، مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، چاپ: پنجم، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، ۱۳۷۹ ش. مترجم: دشتی، محمد، چاپ: اول، نشر مشهور، ایران قم، ۱۳۷۹ ش.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱ ق) (شیخ صدوق)، الخصال، ۲ جلد مصحح: غفاری، علی اکبر چاپ: اول انتشارات جامعه مدرسین قم ۱۳۶۲ ش: ترجمه جعفری یعقوب، ۲ جلد، چاپ: اول، نشر نسیم کوثر، ۱۳۸۲ ش.
- ترجمه فهری زنجانی، احمد ۲ جلد چاپ: اول، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، بی تا. ترجمه مدرس گیلانی مرتضی، ۲ جلد، چاپ: اول، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۲. ----- معانی الأخبار مصحح: غفاری، علی اکبر، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۴۰۳ ق. ۲ جلد، مترجم: محمدی شاهرودی عبد العلی، چاپ: دوم، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳. ----- کمال الدین مصحح: غفاری، علی اکبر، ۲ جلد، چاپ: دوم، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق. مترجم: کمره ای، محمد باقر، ۲ جلد، چاپ: اول، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۷۷ ش. مترجم: پهلوان منصور، ۲ جلد، چاپ: اول، نشر دار الحدیث، ایران قم، ۱۳۸۰ ش.
۴. ----- من لا یحضره الفقیه ۶ جلد، مترجم: غفاری، علی اکبر و غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر چاپ: اول نشر صدوق، تهران ۱۳۶۷ ش.
۵. ----- الأمالی للصدوق، چاپ: ششم انتشارات کتابچی تهران ۱۳۷۶ ش مترجم: کمره ای محمد باقر، چاپ: ششم، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۶. ----- علل الشرائع، ۲ جلد، مترجم: ذهنی تهرانی محمد جواد، چاپ: اول، انتشارات مؤمنین، ایران قم، ۱۳۸۰ ش.
۷. ----- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان (ترجمه ثواب الأعمال) مترجم: مجاهدی، محمد علی چاپ: اول انتشارات سرور، قم، ۱۳۸۱ ش.
۸. ----- کتاب المواعظ مترجم: عطاردی قوچانی عزیز الله، چاپ: اول، نشر مرتضوی، تهران، بی تا.
۹. ----- عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: لاجوردی، مهدی، ۲ جلد، چاپ اول، نشر: نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق، ۲ جلد، مترجم: مستفید حمید رضا و غفاری علی اکبر، چاپ: اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (قرن ۴)، تحف العقول، مصحح: غفاری، علی اکبر چاپ: دوم، انتشارات: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق. مترجم: جعفری بهراد چاپ: اول، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش. مترجم: حسن زاده، چاپ: اول، انتشارات صادق انتشارات آل علی علیه السلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی ۶۶۴ ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، مصحح: عاشور، علی، ۲ جلد انتشارات خیام، ایران قم، ۱۴۰۰ ق. ترجمه الهامی داوود، چاپ: دوم، نشر نوید اسلام، ایران قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۸۴۱ ق)، عدّه الداعی و نجاح الساعی مصحح: موحدی قمی، احمد چاپ: اول انتشارات دار الکتب الإسلامی ۱۴۰۷ ق. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه عدّه الداعی) نائیجی، محمد حسین، چاپ: اول، انتشارات کیا، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، نشر دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد ۶۴۵ ق، مثیر الأحزان، نوبت چاپ سوم، مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، نشر مدرسه امام مهدی، ایران؛ قم، ۱۴۰۶ ق، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، مترجم: کرمی علی، چاپ: اول، نشر حاذق، ایران قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی ۶۹۲ ق، کشف الغمه، ۳ جلد، مترجم: زواره ای علی بن حسین، مصحح: میانجی ابراهیم، چاپ: سوم انتشارات اسلامیّه، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. احمد بن ابی یعقوبی (درگذشت: ۲۸۴ یا ۲۹۲ ق)، تاریخ یعقوبی، برگرداننده: آیتی محمد ابراهیم، ۲ جلد، نشر عربی: بیروت، لبنان ۱۳۵۸ ق، نشر فارسی: تهران، ۱۳۴۱ ش. بی نا.
۱۷. اصبهانی عبدالله بن محمد بن جعفر، اخلاق النبی و آداب، بیروت، دارالعلم للنشر والتوزیع، ۱۹۹۸، ج ۱.
۱۸. آیتی محمد ابراهیم (۱۳۵۳ ش)، تاریخ پیامبر اسلام، چاپ: ششم، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. بستانی، فؤاد افرا (۱۹۰۶ م)، فرهنگ ابجدی، مهیار، رضا، دوم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. راغب اصفهانی حسین بن محمد (قرن: ششم)، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، چاپ: اول، نشر دارالعلم الدار الشامیّه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق. مترجم محقق مصحح: خسروی حسینی غلامرضا، ۴ جلد، چاپ: دوم، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. بروجردی آقا حسین ۱۳۸۰ ق، جامع أحادیث الشیعّه، منابع فقه شیعّه (ترجمه جامع أحادیث الشیعّه)، ۳۱ جلد، مترجم: عده ای از فضلاء محقق، مصحح: جمعی از فضلاء، چاپ: اول، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ ق.
۲۲. بلعمی ابو علی (۳۲۹ ق)، تاریخنامه طبری، ۷ جلد، چاپ سوم، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۳. بنی هاشمی سید محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، (مطابق با فتوای سیزده مرجع)، ۲ جلد، چاپ ۱۳، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
۲۴. پاینده ابوالقاسم (۱۳۶۳ ش)، پیام رسول (ترجمه ای دیگر از نهج الفصاحه)، چاپ اول، نشر طلوع مهر، قم، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. پاک نژاد سید رضا، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، انتشارات خانه کتاب، یزد، ۱۳۵۴ هـ ش.

۲۶. جزائری، نعمت الله بن عبد الله ۱۱۱۲ ق، النور المبين في قصص الأنبياء و المرسلين (للجزائری) چاپ اول، نشر  
مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم ۱۴۰۴ ق. قصص الأنبياء، مترجم: مشایخ فاطمه، چاپ: اول، انتشارات  
فرحان تهران، ۱۳۸۱ش.

۲۷. حسکانی، عبید الله بن عبد الله ۴۹۰ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل مصحح: محمودی محمدباقر، ۲ جلد، چاپ  
اول نشرالتابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه تهران ۱۴۱۱ق. سیمای امام

علی علیه السلام در قرآن (ترجمه شواهد التنزیل)، مترجم: جعفری، یعقوب چاپ: اول، نشر: اسوه، قم، ۱۳۸۱ش.

۲۸. حسینی محمد بهاء الدین، باده ناب، چاپ: اول، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۲ش.

۲۹. «حکیمی محمد رضا» و «حکیمی محمد» و «حکیمی علی»، الحیاه، ۶ جلد، چاپ: اول، ترجمه آرام احمد،  
دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۳۸۰ش.

۳۰. خرماشاهی بهاء الدین، پیام پیامبر، چاپ: اول، نشر منفرد، تهران، ۱۳۷۶ش.

۳۱. خلیلی سینا و صمدزاده حبیب، ارتباط بین فردی (از پیتر هارتلی ۱۹۴۶)، اول، نشر واصف لاهیجی، قم، ۱۳۷۸

۳۲. دهقان علی رضا (۱۳۳۶)، نظریه های ارتباطات، (ورنر جی سورین و جیمز دبلیو تانکارد)، اول، دانشگاه  
تهران، تهران، ۱۳۸۱ش.

۳۳. دیلمی، حسن بن محمد ۸۴۱ ق، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ۲ جلد چاپ اول، الشریف الرضی، قم،

۱۴۱۲ ق، مترجم: مسترحمی، هدایت الله، ۲ جلد، چاپ سوم، نشر مصطفوی، تهران، ۱۳۴۹ش. مترجم:

سلگی نهاوندی، ۲ جلد، چاپ: اول، نشر ناصر، قم، ۱۳۷۶ش.

۳۴. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی ۵۷۰ ق النوادر (لراوندی) مصحح: صادقی اردستانی، احمد چاپ: اول، انتشارات  
دار الکتاب، ایران؛ قم و انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، تهران، ۱۳۷۶ش.

۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۶۶ق)، ارمغان شهید (ترجمه مُسکَن الفؤاد)، مترجم: مخبر دزفولی عباس، چاپ:  
سوم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.

۳۶. شیخی حمید رضا، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از نگاه قرآن و اهل بیت، چاپ: سوم، نشر دارالحدیث،  
قم، ۱۳۸۶ش.

۳۷. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۰۲ق: ۱۳۶۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ: پنجم، دفتر انتشارات اسلامی  
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق. (ترجمه) موسوی همدانی سید محمد باقر، ۲۰ جلد،

چاپ: پنجم، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.

۳۸. ----- تعالیم اسلام، مصحح: خسرو شاهی، هادی، چاپ: اول، نشر موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش.

۳۹. ----- سنن النبی، چاپ: هفتم، نشر کتاب فروشی اسلامیة (و بوستان کتاب)، تهران، ۱۳۷۸ش. آدرس

داده از «احیاء العلوم»، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۷ و ج ۷ ص ۱۳۰ روی هذه المعانی فی کتب الشیعۀ ایضاً فارجد المکارم، ج ۱، ص

۳۷-۴۰ و المناقب، ج ۱، ص ۱۶۸؛ الفقیه؛ ص ۵۱۹؛ الامالی، ص ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۸ و المحجۀ البیضاء، ج ۴، ص

۱۴۰.



۴۰. طبرسی، علی بن حسن (۶۰۰ق)، مشکاة الأنوار، مترجم: «محمدی عبدالله» و «هوشمند مهدی» چاپ: اول، نشر دارالتقلین، قم، ۱۳۷۹ش. زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام (مشکاة الأنوار) مترجم: عطاردی قوچانی، عزیز الله، چاپ: اول، نشر اسلامیه، تهران، ۳۹۰ق.
۴۱. عاملی شیخ حر، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، جهاد النفس وسائل الشیعه، مترجم: افراسیابی نهاوندی علی، چاپ: اول، نشر نهاوندی، قم، ۱۳۸۰ش.
۴۲. عربی حسین علی، تاریخ تحقیقی اسلام، ۴جلد، چاپ چهارم، نشر مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ش.
۴۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر ۷۲۶ق، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام مصحح: درگاهی، حسین چاپ اول نشر وزارت ارشاد تهران ۱۴۱۱ق، آینه یقین (ترجمه کشف الیقین)، مترجم: علوی تراکمه‌ای سید مجتبی، چاپ: اول، نشر: هجرت، ایران قم، ۱۳۷۴ش.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر ۷۲۶ق، نهج الحق و کشف الصدق، چاپ اول، نشر دار الکتب اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۲م، ترجمه کهنسال علیرضا، چاپ: اول، نشر تاسوعا، تهران، ۱۳۷۹ش.
۴۵. فارسی جلال الدین، پیامبری و جهاد، نشر مؤسسه انجام کتاب، تهران، ۱۳۶۲ش.
۴۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۵۰۸ق)، روضه الواعظین، مترجم: مهدوی دامغانی محمود، چاپ: اول، نشر نی، تهران، ۱۳۶۶ش.
۴۷. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۲۱)، ارتباطات انسانی، دو جلد، بیست و پنجم، نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۹۴ش، تاریخ چاپ اول: ۱۳۷۴.
۴۸. قراچه داغی مهدی، معجزه ارتباط و ان.ال.پی (از جری ریچاردسون ۱۹۸۷)، سیزدهم، نشر آسیم، چاپ آسمان، تهران، ۱۳۸۸ش.
۴۹. قرشی سید علی اکبر (قرن: پانزدهم)، قاموس قرآن، چاپ: ششم، نشر دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۲۵)، حکمت نامه کودک، عباس پسندیده، نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۵ش.
۵۱. محسنیان راد، مهدی (۱۳۲۴)، ارتباط شناسی (میان فردی، گروهی، جمعی)، نهم، نشر سروش، تهران (۱۳۸۹) چاپ اول، ۱۳۶۹ش.
۵۲. قضاعی، محمد بن سلامه (۴۵۴ق)، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، مصحح: حسینی ارموی (محدث)، جلال الدین، چاپ: اول، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱ش.
۵۳. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۵۷۳ق) الخرائج و الجرائح ۳جلد مصحح: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام چاپ: اول انتشارات مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم ۱۴۰۹ق.
۵۴. ----- جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، محرمی غلام حسن، چاپ: دوم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران قم ۱۳۷۸ش.

۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق)، أصول الكافي، ۶ جلد ترجمه كمره ای محمد باقر، چاپ: سوم، انتشارات اسوه، ایران قم، ۱۳۷۵ش. تحفه الأولیاء (ترجمه أصول كافی)، ۴ جلد، مترجم: اردکانی، محمد علی محقق / مصحح: «وفادار مرادی محمد» و «مسعودی عبدالهادی»، چاپ: اول، نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۸ش.
۵۶. ----- گزیده كافی، ۳ جلد، مترجم: بهبودی محمد باقر، چاپ: اول، مركز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ش.
۵۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۰ق)، بحار الأنوار ۱۱۱ جلد، چاپ: دوم، نشر دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق، (ترجمه جلد ۴۳)، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام نجفی محمد جواد، چاپ: اول، نشر اسلامیه، تهران ۱۳۷۷ش. (ترجمه كتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴) آسمان و جهان، مترجم: كمره ای، محمد باقر، ۱۰ جلد، چاپ: اول، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱ش. (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار)، آداب و سنن مترجم: كمره ای محمد باقر، مصحح: بهشتی محمد، چاپ: اول، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۵۸. محسنی منوچهر و ساروخانی باقر، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی (ترجمه اثر ژان كازنوو)، هشتم، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۴ش (چاپ اول ۱۳۶۵).
۵۹. مسعودی، علی بن حسین ۳۴۶ق، اثبات الوصیة، چاپ: سوم انتشارات انصاریان ایران؛ قم، ۱۳۸۴ش / ۱۴۲۶ق. مترجم: نجفی محمد جواد، چاپ: دوم، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.
۶۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری جلد ۱۶ (سیری در سیره نبوی)، ۲۷ جلد، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸.
۶۱. مفید، محمد بن محمد (۴۱۳ق)، الإرشاد للمفید، چاپ: دوم، مترجم: رسولی محلّاتی سید هاشم، ۲ جلد، نشر اسلامیه، تهران، بی تا.
۶۲. ----- الفصول المختارة، مصحح: میر شریفی، علی، چاپ اول كنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة للمفید)، مترجم: آقا جمال خوانساری محمد بن حسین محقق و مصحح: حسن زاده صادق و زمانی نژاد علی اكبر، چاپ: اول، انتشارات مؤمنین، قم، ۱۳۷۷ش.
۶۳. مكارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، نشر دار الكتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش. (تفسیر نمونه: آدرس داده از كتاب های: مجمع البیان، القرآن یواكب الدهر جلد ۲ صفحه ۲۱۴، جاهلیت و اسلام صفحه ۶۳۲، قاموس الرجال ج ۵ صفحه ۱۲۵، مكارم الاخلاق صفحه ۵۴ و وسائل شیعہ). أمالی المرتضی، ج ۲، ص: ۲۸۲ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد.
۶۴. میر شریفی سید علی، پیام آور رحمت، چاپ: اول، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی ۶۰۵ق تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام) ۲ جلد چاپ: اول انتشارات مكتبة فقیه قم ۱۴۱۰ق. و كتاب آداب و اخلاق در اسلام (ترجمه تنبیه الخواطر) مترجم: عطایی محمد رضا، چاپ: اول، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ش.

۶۶. هلالی، سلیم بن قیس (۷۶ ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ۲ جلد، چاپ اول، انتشارات الهادی، ایران؛ قم، ۱۴۰۵ ق. تاریخ سیاسی صدر اسلام ترجمه کتاب سلیم، مترجم: افتخار زاده محمودرضا، چاپ: اول، انتشارات رسالت قلم، تهران، ۱۳۷۷ ش.

## منابع اینترنتی

۱. فرهنگ معین، فرهنگ فارسی عمید، دهخدا.
  ۲. کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد. ماده ۱.
  ۳. روحی، ابوالفضل، الگوی تربیتی پیامبر اعظم (ص) آدرس مقاله: مجله معرفت « بهمن ۱۳۸۵ - شماره ۱۱۰. آدرس داده از: ۱. فیلیب خلیل حتّی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ دوم، آگاه، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۵. ۲. سالم الصفار، سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله)، ترجمه غلامحسین انصاری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸.
  ۴. موسی پور میثم، مقاله شیوه های ارتباطی از گذشته تا حال. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۲، صص ۶۰-۴۱. آدرس داده از: ۱. قبادی، مجید، ۱۳۸۷، مهارت‌های ارتباطی، ماهنامه‌ی بانک ملی ایران، اسفندماه، شماره‌ی ۱۵۰. ۲. رضائیان، علی، ۱۳۹۰، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ یازدهم، انتشارات سمت، تهران.
  ۵. ولایی ملکی مریم مقاله: الگو یا طرح واره چیست؟، اردیبهشت ۱۳۸۸م. ۱۳۸۹. سایت پدیده <http://www.padida.ir> و از سایت: <http://modiriatsanati.persianblog.ir/post/65> استفاده کرده و آدرس داده از: درس نامه مبانی علوم اجتماعی، تغییر رفتار و رفتار درمانی، فرهنگ علوم رفتاری، شعبانی، حسن، "مهارت‌های آموزشی و پرورشی" (روش‌ها و فنون تدریس) انتشارات سمت، (۱۳۸۵). هومن، علی حیدر. "شناخت روش علمی در علوم رفتاری". تهران. سمت، (۱۳۸۶). و مارلت (۱۳۸۱).
- فهرست منابع دیگر استفاده و آدرس داده شده از مقاله‌ها:
۱. ابطحی اصفهانی، سیدمحمدباقر، جامع الاخبار عن النبی و الاثمه الاطهار، نشر موسسه امام المهدي، قم.
  ۲. ابن ابی الدنيا، کتاب العیال، ابن القیم، سعودی، بی جا، بی تا.
  ۳. افروز، غلامعلی، مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، نشرانجمن اولیاء مربیان، ۱۳۷۲ ش.
  ۴. امینی، ابراهیم، آئین تربیت، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ هـ ش.
  ۵. بخاری محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، چ سوم، دار ابن کثیر الیمامه، ۱۴۰۷ ق، بیروت، ج ۵، ص ۲۳۰۶.
  ۶. بیهقی احمدبن حسین، معجم سنن الکبری، دارالفکر، بیروت، ج ۱۰، ص ۱۵.
  ۷. ترمذی، محمدناصرالدین الالبانی، صحیح سنن ترمذی، نشرالاسلامی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق.
  ۸. جلالی شاهرودی، محمد حسن، مجموعه الاخبار فی نفایس الآثار و مکارم الاخلاق، نشرکلمات ائمه الاطهار، چاپخانه خراسان.
  ۹. حسینی زاده، سید علی، تربیت فرزند، زیر نظر علی رضا اعرافی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵ ش.

۱۰. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، تربیت دینی، ج ۲ ص ۲۷
۱۱. رضائی، مائده، تربیت کودک در اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴ش.
۱۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. طبرسی، حسن ابن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۵۵ش.
۱۴. طبری، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ش.
۱۵. عاملی شیخ حرّ، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۲۳. آداب معاشرت از دیدگاه معصومان ترجمه وسائل شیعه.
۱۶. قرشی اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ج ۷، ص ۱۴۱.
۱۷. فیض کاشانی محمد (معروف به ملّا محسن)، محجّه البیضاء فی احیاء الاحیاء، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۸. کریمی، محمد علی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، انتشارات نهضت، قم، ۱۳۷۵ هـ ش.
۱۹. لورا ای برک، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی.
۲۰. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، چ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰.
۲۱. نجاتی، حسین، روانشناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، انتشارات مهشاد، تهران، ۱۳۸۴ هـ ش.
۲۲. نسائی احمد بن شعیب، سنن النسائی الکبری، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱، بیروت، ج ۶، ص ۹۰.
۲۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج صحیح مسلم، بیروت، مکتبه المعارف، ج ۷، ص ۷۷.
۲۴. هندی، علاء الدین علی المتقی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الفعال، نشرالرساله، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۲۵. هیشمی، نورالدین علی ابن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۸ هـ ق. منابعی که در مقالات استفاده شده بدان استناد شده ولی کتابنامه کامل آن در پایان مقاله نیامده است.
۲۶. احیاءالمکارم
۲۷. امالی مرتضی
۲۸. المناقب آل ابی طالب
۲۹. صحیح سنن ترمزی
۳۰. مناقب خوارزمی